

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر امین امیریان فارسانی

مدیر داخلی: مهدی عبدی ابیانه

مدیر اجرایی: مصطفی اکبری

دبیر علمی: احمد امیریان فارسانی

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر محمود المامیر (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر مسعود حیدری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر کریم صالحی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)

دکتر رشید قدیری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

دکتر محمد رضا شادمان فر (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر امین امیریان فارسانی (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر راضیه قاسمی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران)

دکتر علی زلقی (دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان)

دکتر الهام حیدری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

فصلنامه سراسری دادگران کیفری (حقوق تخصصی)

به شماره ثبت ۸۸۴۶۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.chaponashr.ir/dr-amirian

www.chaponashr.ir

وب سایت اختصاصی دکتر امین امیریان فارسانی

سازمان چاپ و نشر ایران

آماده سازی، تهیه و تنظیم و ویراستاری: سازمان چاپ و نشر ایران (www.chaponashr.ir)

نشانی: اصفهان، سپاهان شهر، دانشگاه شهید اشرفی

اصفهانی، گروه حقوق

صفحه آرا: پروانه مهاجر

☐ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

☐ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

فهرست مطالب

تحلیل فقهی - حقوقی و جرم شناسی فرزند کشی ۴

علی زلّقی

مقایسه مبانی ایفای تعهد در روش سنتی و روش الکترونیکی ۲۵

خاطره عباسعلی

تحلیل کیفری منازعه دسته جمعی با چشم اندازی به قانون جرایم نیروهای مسلح ... ۳۶

سید مجتبی احمدی شیخ شبانی

مسئولیت کیفری ناشی از دسترسی به داده های شخصی و ضمانت اجرای حاکم بر آن

..... ۵۵

سیمین آزادیان

تحلیل جرم شناسی پدیده بیوتروریسم ۷۴

امین امیریان فارسانی، علی ناظم، مریم السادات جلیلی

بررسی تطبیقی پیشگیری از فساد اداری در ایران و نظام حقوقی کامن لا ۱۰۱

مصطفی اکبری، منوچهر فانی

کلاهبرداری رایانه‌ای در بستر جرم‌شناسی نظری ۱۳۴

زینب بنی اسدی

تحلیل جرم‌شناختی ارتکاب جرم پس از آزادی از زندان در شهرستان سیرجان ۱۴۹

زینب بنی اسدی

تحلیل فقهی - حقوقی و جرم شناسی فرزند کشی

علی زلّقی*

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۱/۱۹	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۱/۲۳	شماره صفحه : ۲۴-۴
--------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

با شروع بزه دیده شناسی علمی، به نقش بزه دیده در وقوع جرم نیز توجه گردید و اینکه بر خلاف تصورات حمایتی از بزه دیده، وی همیشه معصوم و قابل ترحم نیست بلکه در مواقعی مقصر و قابل سرزنش می باشد. به این ترتیب بود که بزه دیدگان نیز در عرصه جرم شناسی جای پای یافته و مورد توجه قرار گرفتند. با بررسی نقش بزه دیدگان در وقوع جرایم روشن گردید که یکی از عوامل بزه دیدگی، کودکی یا صغر سن می باشد. کودکان با توجه به وضعیت خاص جسمی و روحی خود، آماجهایی مستعد برای بزهکاران بالقوه به شمار می روند و در صورتیکه مورد حمایت ویژه قرار نگیرند، خطر بزه دیدگی ایشان به نحو قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت. آنچه که در این نگاشته در پی توضیح آن هستیم یکی از انواع بزه دیدگی کودکان و در موقعیت خاصی است و آن عبارتست از قتل کودکان در منزل و توسط والدین. آنچه که یافته های جدید جرم شناسی آن را مورد تاکید قرار می دهد، حمایت ویژه از کودکان به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر و در معرض خطر جامعه است. از سوی دیگر قانون مجازات اسلامی، ما که از فقه جعفری سرچشمه می گیرد در زمینه مورد بحث (قتل فرزندان توسط والدین) موضع موجه علمی اتخاذ ننموده است. این امر مساوی است با کوبیدن پتک حقوق کودک بر فرق ما به عنوان ناقضان حقوق کودک. این امر خود به تنهایی می تواند ضرورت تحقیقی در این زمینه را توجیه کند.

واژگان کلیدی : فرزند کشی، تحلیل فقهی، تحلیل حقوقی، تحلیل جرم شناسی

* گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

حدود یک قرن پس از انتشار کتاب جرایم و مجازات‌ها به دست سزار بکاریا و آغاز انقلاب کیفری، رفته رفته توجه صاحب‌نظران حقوق کیفری به آن سوی دیگر معمای بزه جلب شد. آن سوی دیگر، بزه دیده و توجه به بزه دیده بود که به صورت عکس‌العملی در حقوق کیفری خود را ظاهر کرد و به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی واکنش اجتماعی در عرصه جرم‌شناسی تجلی نمود. بدون تردید توجه حمایتی به بزه دیده به عنوان فردی مظلوم در جامعه همواره مورد توجه بوده است. از این دیدگاه بزه دیده انسانی مظلوم، معصوم و قابل‌ترحم می‌باشد، بدون اینکه حتی به میزان ناچیزی به نقش خواسته یا ناخواسته و در وقوع جرم توجه گردد.

یکی از اندیشه‌های فقهی که بعد از انقلاب اسلامی راه خود را به قوانین جزایی باز نمود، حکم کشتن فرزند توسط پدر و جد پدری است. از دیدگاه اکثریت فقهای اسلامی حکم مردی که فرزند خود را به قتل برساند، با یک درجه تخفیف از قصاص نفس که حکم کلی در قتل عمدی است و در قرآن کریم نیز بر آن تأکید شده است، به پرداخت دیه و تعزیر تقلیل یافته است. برای این حکم در فقه اسلامی دلایل متعددی ذکر شده است و روایات چندی نیز به عنوان مسلمة استنبای این حکم مورد استناد قرار گرفته‌اند که البته از اعتبار زیادی از نظر اصولی برخوردارند. تا قبل از انقلاب اسلامی از آنجایی که این حکم سابقه‌ای در قوانین جزایی ما نداشت، مسلمانان بحث‌های زیادی نیز در مورد آن صورت نگرفت، چرا که جولانگاه حکم تنها در میان فقها بود که به صورت نظرات موافق یا مخالف مطرح می‌شد. (شریفی، ۱۳۹۲، صفحه ۲۱۱)

نظرات متفاوتی بین فقهای اسلامی مطرح و بررسی شده است که عده‌ای با حکم معافیت پدر موافق و بنای موافقت خویش را از احکام و همچنین احادیث معصومین دگر کرده‌اند. در مقابل عده‌ای هم با دیدگاه کلی بودن حکم قصاص اعتقاد بر قصاص پدر دارند. دیدگاه‌های متفاوتی که هر کدام ناشی از برداشتهای متعدد و مختلف از منابع معتبر و تحلیل و تفسیرهایی است که مدافعان و مخالفان به بحث و بررسی آنها می‌پردازند.

چیزی که در این میان بسیار مورد بحث قرار گرفته و در کتب فقهی نیز بیشتر به صورت کلیشه‌ای و کلاسیک، فقهای ما را وادار به نظریه پردازی کرده است، تسری حکم به مادر، جد پدری و جد مادری می‌باشد. در این موارد نیز به هر دو صورت موافق و مخالف ارائه نظر شده است. موافقین، مادر را مصداق لفظ «والد» دانسته و وی را مشمول حکم معافیت می‌دانند و

مخالفین مجددا موضع خود را، حکم کلی قصاص دانسته و در استثنائات به قدر متیقن اکتفا می‌کنند. از سوی دیگر موافقین تسری حکم به جد پدری معتقدند که لفظ «ابن»، فرزند فرزند را نیز در بر می‌گیرد و از این رو جد پدری در صورت قتل نوه خود از قصاص معاف است. پس از انقلاب اسلامی در ایران با قابلیت اجرایی یافتن فقه در قالب قوانین، حکم مورد بحث نیز وارد قوانین گردیده و لازم الاجرا گردید و اگر چه مبنایی غیر از مبانی و نظرات فقهی برای آن وجود ندارد، لزوم بررسی آن به عنوان یک ماده قانونی و در قالب الفاظ و توجیحات حقوقی احساس می‌شود. (شریفی، ۱۳۹۲، صفحه ۲۱۱)

۱- بررسی فقهی فرزند کشی

با توجه به اینکه قوانین جزایی ما برگرفته از مبانی و موازین اسلامی است و در اصل چهارم قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره شده است و از طرفی لزوم بررسی فقهی دیدگاه‌های مختلف در خصوص موضوع مطروحه به شرح دلایل مخالفین و موافقین در مورد الحاق یا عدم الحاق مادر و جد پدری می‌پردازیم :

۱-۱- مبنای مانعیت ابوت از قصاص

با توجه به اینکه در حکم مذکور ادعای شرعی بودن می‌رود، باید تلاش نمود که ریشه و مبنای آن را در کتب فقهی یافت. با نگاهی به کتب فقهی به دو رویکرد متفاوت دست می‌یابیم که هر کدام از ایشان مبنایی را برای نظر خود ذکر می‌کنند. این مبانی عبارتند از روایاتی که آن را از قول معصومین نقل می‌کنند. به طور کلی قائلین به حکم عدم قصاص پدر در برابر فرزند، دو حدیث را به عنوان دلیل در دست دارند و مخالفین حکم فوق، تنها حکم و قاعده کلی قصاص در برابر قتل عمد را جهت پاسخگویی مورد استناد قرار می‌دهند. در ادامه به ترتیب به بررسی نظرات موافق و مخالف و مبنای ذکر شده توسط ایشان خواهیم پرداخت. (شریفی، ۱۳۹۲، صفحه ۲۱۱)

۱-۱-۱- رویکرد موافق

موافقین حکم مانعیت ابوت شامل تعداد بسیار زیادی از فقهای اسلامی اعم از امامیه و عامه می‌گردند. از میان نظرات فقهای عامه می‌توان به این موارد اشاره نمود: محمد بن ادریس شافعی امام و پیشوای شافعیه می‌گوید: «از گروهی از اهل علم که ملاقاتشان کردم، به یاد دارم که والد

به فرزند کشته نمی‌شود و من هم آن را می‌گویم.» (الشافعی، ۱۳۹۳، صفحه ۳۴).

از نظر این گروه از فقهای اسلامی شرط چهارم از شرایط قصاص این است که مقتول از فرزندان قاتل نباشد. به عقیده حنابله «چهارمین شرط از شرایط وجوب قصاص آن است که قاتل پدر مقتول نباشد. بنابراین والد به فرزندش کشته نمی‌شود هر چه پایین رود.» این خبر مستفیض و مشهور است که عمر بن الخطاب در حضور صحابه به آن حکم کرد و هیچ یک از آنان با او مخالفت نکرد (ابن قدامه، ۱۴۱۰ هـ، صفحه ۲۵۵). براین اساس، خبر مذکور همانند خبر متواتر است. (شریفی، ۱۳۹۲، صفحه ۱۱۴)

با مروری بر نظرات ارائه شده توسط فقهای امامیه به این نتیجه می‌رسیم که اکثریت ایشان نظر به مانعیت ابوت دارند و حتی بر آن ادعای اجماع نیز شده است. صاحب جواهر در این زمینه می‌گوید: «شرط سوم از شرایط قصاص آن است که قاتل پدر مقتول نباشد. بنابراین اگر پدر فرزندش را به قتل رساند قصاص نمی‌شود. این مطلب بدون خلاف بوده و اجماع بر هر دو قسمش بر آن قائم است. مضافاً اینکه نصوص از طرف امامیه و عامه موجود است. در تحریر الوسیله این گونه آمده است: «شرط سوم (از شرایط قصاص) در میان نبودن رابطه پدر و فرزندی است. بنابراین، هیچ پدری به جرم کشتن فرزندش کشته نمی‌شود، (النجفی، ۱۳۶۳، ۴۲)

در میان فقهای عامه دو حدیث به عنوان مبنای این حکم مورد استناد قرار گرفته است. اول: حدیث لا یقتل الوالد بولده»، و دوم: حدیث «انت و مالک لابیک.» در فقه امامیه، به عنوان مبنای این حکم به چند دلیل از ادله شرعیه استناد شده است. اول: روایات و نصوص. این احادیث در کتب روایی شیعه نقل شده است. در وسایل الشیعه تعداد ۱۰ حدیث از روایات موثق و قابل اعتمادی همچون حمران، حلبیروایت، فضیل بن یسار، علاء الفضیل، أبو بصیر، اسحاق بن عمار، جابر، ظریف حمار بن عمر، انس بن محمد نقل شده است. همچنین در کتاب مستدرک الوسائل ۶ حدیث به ترتیب از دعائم الاسلام، فقه الرضا، بحار، صدوق، مقنع، کتاب ظریف بن ناصح، و غوالی اللالی نقل شده است. " دوم: اجماع. در مورد این حکم ادعای اجماع از سوی فقها شده است. این اجماع اعم است از اجماع محصل و منقول سوم: شهرت. فقهای امامیه معتقدند که شهرت عظیمه‌ای درباره حکم مذکور موجود می‌باشد. (اسحاقی، ۱۳۸۰، صفحه ۵۹).

۱-۱-۲- رویکرد مخالف

در میان فقهای اسلامی، مالکیان از موضع مخالف صحبت کرده اند و قتل فرزند توسط پدر را مستوجب قصاص نفس دانسته اند. با این توضیح که ایشان در مورد حکم به واقع قائل به تفصیل گردیده اند. به این ترتیب اگر پدر کاری انجام دهد که موید اراده او در انجام قتل عمد باشد، وی نیز همچون بقیه قصاص می شود و در غیر این صورت خیر. (شریفی، ۱۳۹۲، صفحه ۲۲۰)

از ابواب قصاص نفس از جمله این روایات است: ۱، روایت صحیحہ حمران عن احدهما (علیهما السلام) قال: «لا یقاد الوالد بولده ۲، روایت صحیحہ الحلبي عن أبي عبد... ع) قال: سالتہ عن الرجل یقتل ابنه، ایقتل به؟ قال: لا. ۳، روایت معتبرہ اسحاق بن عمار، عن جعفر عن أبيه (علیهما السلام): أن علی (ع) کان یقول: لا یقتل والد بولده اذا قتله». ۴، روایت صحیحہ ظریف عن أمير المومنین (ع) قال: و قضی إنه لا قود الرجل أصابه والده فی أمر یعیب علیہ فیہ فاصابه عیب من قطع و غیره و یكون له الدیة و لا یقاد». ۵، روایت جابر عن ابی جعفر (ع) فی الرجل قتل ابنه أو عبده. قال: الا یقتل به ولكن یضرب ضربۀ شدیدۀ و ینفی عن مسقط واسه له، (موسوی خویی، ۱۳۸۰ صفحه ۱۶۹). اجماع منقول عبارتست از اینکه مجتهد محقق از طریق علمای دیگر که موثق و عادل باشند از وجود اجماع مطلع شود. اجماع محصل آنست که مجتهد محقق با بررسی آرا و فتاوی علمای دیگر اتفاق علما را در یک مساله در یابد هر چند به کمک قرائن باشد. (محمدی ۱۳۷۰، صفحه ۱۸۲)

بنابر بر مذهب مالک در صورتی که مردی دانسته و خواسته فرزندش را به قتل برساند، همانند این که او را سر ببرد یا حبس کرده و با طناب بسته و سپس به سوی او تیراندازی کند تا کشته شود، از جمله مواردی است که عذری از او پذیرفته نمی شود. در این صورت بدون هیچگونه اختلافی، همگان پدر را به فرزند قصاص می کنند. ولی اگر به خاطر تأدیب مرتکب قتل شود، دو قول در مذهب است: گروهی قائل به قصاص و گروهی قائل به عدم قصاص و تغلیط دیه هستند. در واقع این نظر چیزی بیشتر از مبانی عام قتل نیست و تفاوتی میان پدر و سایر افراد در قتل فرزندان وجود ندارد. چرا که در صورتی که پدری عمداً و با فعل کشنده فرزند خود را به قتل برساند، قتل عمدی مستوجب قصاص تلقی می گردد و در غیر این صورت قتل غیرعمدی بوده و به تبع مستوجب دیه می باشد. این همان نظریه کلی است که در مورد قتل بیان شده است و تفاوتی میان پدر یا غیر پدر بودن قاتل وجود ندارد. تنها مزیتی که در مذهب مالک در مورد پدر در نظر گرفته شده است، این است که مهر و محبت پدری را به عنوان یک اماره بر عدم قصد

قتل در نظر گرفته اند. (شریفی، ۱۳۹۲، صفحه ۲۲۱) اگر والد فرزندش را با شمشیر به قتل برساند (لو حذفه بالسیف)، از آنجایی که در این حالت احتمال قصد قتل و عدم آن می‌رود و همچنین شفقت و مهربانی پدری شبهه‌ای است که در مقام موجود بوده و شاهد بر عدم قصد قتل است. در نتیجه قصاص ساقط می‌شود. ولی اگر او را شکنجه کند، پرده از روی قصدش برداشته شده و ملحق به اصلش می‌شود.» (ابن العربی، بی‌تا، صفحه ۶۱۲)

ولی به هر حال در این مورد نه مستند و آیه قرآنی وجود دارد و نه یک مستندی که غیرقابل تردید باشد و مسأله قابل بررسی مجدد به نظر می‌رسد با توجه نظر فوق انتفاء قصاص نه به دلیل تأثیر رابطه ابوت که به دلیل تغییر نوع قتل می‌باشد. با این توضیح که عمد تلقی نشدن چنین مواردی به دلیل فقد عنصر روانی قتل عمد است و نه تأثیر رابطه ابوت به عنوان یک عامل تخفیف دهنده. فقهای اهل سنت نیز در مورد این روایت گفته اند که: «مستند آن موردی است که عمر - که خداوند از او راضی باد - در مورد شخصی که فرزندش را به قتل رسانده بود حکم به دیه مغلظه کرد و هیچ یک از اصحاب او را در آن حکم تکذیب نکردند و در نتیجه فقهای دیگر - که خداوند از آنان خشنود باد - آنرا به صورت مطلق و بدون قید و شرط اخذ کرده و گفتند والد به فرزندش کشته نمی‌شود.» (حبیب آبادی، ۷۷، صفحه ۷۶)

در مورد روایت دوم باید گفت که از جمله ایرادات این روایت این است که اولاً در این صورت بایستی در تمامی موارد و از جمله سایر حدود (غیر از سرقت و قذف) نیز حدیث مذکور اعمال گردد. به عنوان مثال در تعزیرات یا جرایم مشابه از حدود بایستی مجازاتها تخفیف یافته و یا حتی با اعطای عنوان مالکیت حذف گردد. از طرف دیگر این حدیث صراحت و دلیل بارزی از منع قصاص نیست و شبهه آور است و با توجه به صراحت حکم در خصوص قصاص و معنای واضح «النفس بالنفس» عدم صراحت روایت مورد بحث، در مقابل وضوح آیه مذکور تاب مقابله را نداشته و اصل قصاص در قتل معمای حاکم خواهد بود. مگر اینکه دلیل صریح و واضحی در معافیت از قصاص اقامه گردد.

۲- تحلیل حقوقی فرزند کشی

در فصل قبل در مورد مبانی فقهی حکم قتل فرزندان، نظرات فقها، روایات وارد شده و آیات مربوط به آن بحث کردیم. نتیجه کلی که می‌توان از فصل قبل برداشت کرد این است که هر چند نتوان با قاطعیت در مورد حکم مذکور اظهار نظر کرد، ولی لااقل می‌توان در مورد آن به نحو جدی تردید

کرد. نقش چنین نظراتی تنها محدود به فقه و نظرات علمای فقهی نمی‌شود. پس از انقلاب اسلامی، که سیل نظرات فقهی به قوانین ما وارد شد، ما شاهد ورود حکم قتل فرزندان - به همان صورتی که نظر غالب در فقه اسلامی است - به قوانین جزایی بودیم. گر چه در قانون مجازات عمومی قرابت از عوامل تخفیف دهنده مجازات در قتل عمدی محسوب می‌شد، ولی حکمی به شکل و سیاق حکم کنونی قتل فرزندان در قوانین کیفری ما بی‌سابقه بود. این حکم در ابتدا تحت داعیه شرعی بودن وارد قانون شد، اما پس از گذشت حدود ۲۰ سال از عمر خود به عنوان یک ماده قانونی، کم کم اثرات خود را نشان داد، تا جایی که امروز پدیده‌ای به نام قتل فرزندان یا فرزند کشی به یک معضل اجتماعی در جامعه ما تبدیل شده است و راه فرار از مجازات نیز توسل به حکم «معافیت پدر از قصاص» در قتل عمدی فرزند می‌باشد. با توجه به اینکه این حکم قانونی که در ماده ۳۰۱ از قانون مجازات اسلامی ۹۲ بیان شده است در حال حاضر به یکی از مباحث انتقادی محافل علمی و قضایی و حقوق بشری تبدیل شده است و از سویی دیگر روز به روز ما شاهد یک مورد جدید از قتل فرزندان و متعاقب آن اعمال ماده ۳۰۱ از قانون مجازات اسلامی ۹۲ می‌باشیم، بر آنیم که پس از ذکر مختصری از قرابت و تأثیر آن در قوانین کیفری، ماده مذکور را مورد بررسی قرار داده، مزایا و معایب آن را تا حد وسع روشن ساخته و در ادامه کفایت یا عدم کفایت آن را به عنوان یک نشانگر ارزشی، در جلوگیری از پدیده قتل فرزندان نظاره گر باشیم. (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۷۵)

یکی از اصولی که از دیرباز در قلمرو حقوق مورد تأکید قرار می‌گیرد، برابری افراد در برابر قانون است. به این معنی که رویکرد قانونی نسبت به تمامی افراد جامعه صرفنظر از مقام و موقعیت آنان می‌بایست رویکرد یکسانی باشد. ولی گهگاه در قوانین کیفری، ما شاهد تمرد از این اصل و برخوردهای چندگانه با موضوع می‌باشیم. این گونه رویکردهای متفاوت بیشتر ملهم از اندیشه‌های اثباتیون می‌باشد و هدف قانونگذاران نیز با این کار تحقق هر چه بیشتر فردی کردن مجازات‌هاست. با استناد به همین فردی کردن، اثباتیون به دنبال اجرای عدالت، بودند. آنچه که در این قسمت مد نظر ما می‌باشد، تأثیر رابطه مادر و پدر - فرزندی در مجازات می‌باشد. به این صورت که موضع قانونگذار ما در مواردی که رابطه پدر و مادر - فرزندی میان طرفین جرم حکمفرماست، چگونه بوده است؟ آیا جهت حفظ شرافت و کرامت پدر و مادر مجازات را تخفیف داده و یا جهت حمایت بیشتر از کودکان مجازات را تشدید کرده است؟ در این مقال ما در پی تعریف قرابت و ذکر انواع آن نمی‌باشیم. چرا که آنچه از قرابت مد نظر ما می‌باشد، همان قدر متیقن مفهوم آن می‌باشد و آن هم بررسی نقش پدر و مادر می‌باشد. اگر چه در همه موارد جد

پدری نیز هم پایه و شأن پدر قلمداد گردیده و تأثیرگذار در قوانین کیفری ما میباشد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۱-۲- تأثیر قرابت در قتل فرزندان

گفتیم که اصل بر تساوی افراد در برابر قانون است. از سوی دیگر آنچه از عمومات مربوط به قتل در مواد قانونی مربوط به قتل مشاهده می‌شود نیز گویای این امر می‌باشد. در ماده ۳۵۷ از قانون مجازات اسلامی حکم قتل عمدی، قصاص نفس بیان گردیده که در مواد بعد از آن به تفصیل توضیح داده شده است. آنچه که در ادامه این مواد و در قسمت شرایط قصاص به صورت پیش مقدمه‌ای در اجرای حکم قصاص ماده ۳۰۱ مشاهده می‌کنیم، انتفاء رابطهٔ أبوت است. در واقع عدم رابطهٔ أبوت میان قاتل و مقتول یکی از شرایط قصاص ذکر شده است. (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۶۲).

ایران باستان سابقه‌ای شبیه به آنچه در میان اعراب حاکم بود وجود نداشته است اما رنگ و بویی از این موارد در میان ایرانیان باستان دیده می‌شود. در این مورد گفته اند که «جنایاتی که در میان خانواده واقع می‌شد، مثل قتل زن به دست شوهر یا پسر و دختر به دست پدر و یا خواهر به دست برادر و یا جنایات ما بین پسران و برادران به عدلیه رجوع نمی‌شد و بایستی خود خانواده، قراری در مورد این گونه جنایات بدهد. این گونه جامعه باستانی هر گونه حق نسبت به فرزندان را برای پدر به رسمیت می‌شناخت تا جایی که پدران در خانواده فعال مایشاء بودند و حتی اختیار مرگ یا حیات فرزندان به دست ایشان بود. این امر را می‌توان به گونه‌ای اعمال مالکیت پدر بر فرزندان دانست. چیزی که در حال حاضر نیز شواهدی از آن در جامعه ما یافت می‌شود.

۲-۲- مبنای ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی

گفتیم که پس از انقلاب اسلامی در ایران با داعیه شرعی کردن قوانین و مقررات، جریانی از تغییرات در قوانین و به ویژه قوانین کیفری آغاز گردید. اگر چه در قانون مجازات عمومی سابق تأثیر قرابت در قتل عمد مورد توجه قرار گرفته و مرتکب را مستحق تخفیف می‌دانست ولی به نظر می‌رسد که مبنای آن عرفی بوده و از این رو تفاوت فاحشی با ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی از نظر مبنایی دارد.

عده‌ای در مورد مبنای ماده قانونی فوق‌الذکر گفته اند که براساس و مبنای قوانین اسلامی براساس مصالح و مفاسد واقعی پی ریزی شده و موجودات را مطابق مقتضیات ذاتی آنها مورد

توجه قرار داده و آنگاه جعل قانون می‌فرماید. علاوه بر این ممکن است حکمتها و مصالحی در کار باشد که بشر پس از گذشت اعصار و قرون متمادی بتواند آنها را بشناسد و یا اصلاً از شناختن آن مصالح برای همیشه عاجز باشد و از همین باب است کیفیت قصاص پدر و فرزند و جدی پدری.» با این توصیف آنچه که مبنای این حکم می‌باشد، دلایل پنهان و مخفی است. گروهی دیگر با توجه به مسئولیت تخفیف یافته که حقوق انگلستان در مورد فلسفه جرم نوزاد کشی به آن استناد می‌کنند، حکم فرزند کشی را این گونه توجیه می‌کنند که «والدین هیچگاه نمی‌توانند در قتل فرزند خود تعمد داشته باشند. این گروه از والدین تحت شرایط خاصی روانی مرتکب چنین عملی میشوند که در این صورت امکان استفاده از مسئولیت مخففه برای آنان، بدون در نظر گرفتن سن فرزند وجود دارد.» گر چه قائلین به این حکم سعی کرده اند که دلایل چندی را به عنوان دلایل عقلی حکم بیان کنند، اما به نظر می‌رسد که آنچه به عنوان تنها منشأ حکم موجود می‌باشد دو روایت معروف «انت و مالک لابییک» و «لا یقاد الوالد بولده» می‌باشد که توضیح آن گذشت، علاوه بر این دو روایت که به عنوان دلایل روایی مورد استناد قرار می‌گیرند حکم، موافقین دلایل عقلی قابل قبولی ارائه ننموده اند. هرچند شاید بتوان یک دلیل اجتماعی را پشتوانه این حکم دانست و آن . فرهنگ خشک پدر سالارانه حاکم بر جامعه ما می‌باشد. (شکری، ۱۳۹۳، ص ۳۲۲)

۳-۲ - پیامدهای ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی از منظر جرم زایی

یکی از آورده‌های جرم شناسی بزه دیده شناسی توجه بیشتر به اقشار آسیب پذیر به عنوان آماجهایی مستعد جهت بزهکاران بالقوه می‌باشد. یکی از این اقشار آسیب پذیر اطفال می‌باشند که سن و وضعیت جسمی، آنان را به عنوان یک قشر آسیب پذیر مطرح می‌سازد. این موضوع حمایت بیشتر از اطفال در قوانین و به ویژه قوانین کیفری را اقتضا می‌نماید.

بدون شک خانواده به عنوان آخرین ملجأ و پناهگاه کودکان به شمار آمده و کودک وامانده از جامعه به عنوان مأمنی به آن پناه می‌برد. این امر لزوم توجه بیشتر نسبت به نهاد خانواده را طلب می‌کند. در مورد قتل کودکان در خانواده و توسط پدر، قانونگذار از اصل کلی قصاص در برابر قتل عمد عدول کرده و نه تنها حمایت بیشتر خود را متوجه کودک در خانواده نساخته، بلکه از حمایت مساوی خود نیز دریغ کرده است.

اصولاً در مورد عدول از اصول کلی قانونی و ذکر استثنا در مورد یک حکم در قوانین کیفری دو دلیل عمده وجود دارد. دلیل اول را می‌توان تشدید مجازات دانست، با این توضیح که

قانونگذار در مواردی حکم کلی را بیان کرده و سپس در مقام تشدید مجازات در موارد خاصی به ذکر ماده دیگری به عنوان استثنا می‌پردازد. مثلاً در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، مجازات کلاهبرداری یک تا ۷ سال ذکر شده و در ادامه مجازات مستخدمین دولتی را به سه تا ۱۰ سال افزایش می‌دهد. یا ماده ۴-۲۱۱ از قانون جزای فرانسه حکم کلی قتل عمد را که تا ۳۰ سال حبس جنایی است، در موارد خاصی که ذکر کرده است، به حبس ابد افزایش می‌دهد. دلیل دوم تخفیف مجازات می‌باشد. به این توضیح که قانونگذار حکم کلی را بیان کرده و در یک ماده دیگر به تخفیف مجازات کلی در مورد یا موارد خاصی می‌پردازد. در مورد قتل عمدی حکم کلی قانون قصاص می‌باشد عمده‌ترین ایرادی که از منظر جرم‌شناختی بر این ماده وارد می‌دانند، جرم‌زا بودن ماده است. حال باید دید که آیا این ماده قانون می‌تواند به عنوان ماده‌ای جرم‌زا تلقی گردد یا خیر؟ جرم‌زایی قوانین کیفری را می‌توان به دو صورت تصور نمود: اول اینکه قانونگذار در مواردی با وضع قوانین کُشدار و وسیع محدوده خط‌قرمزهای کیفری را گسترش داده و افعال و مصادیق بسیاری را در آن می‌گنجانند و دوم مواردی است که با برخوردی ملایم‌تر با موضوع تعادل را به سود بزه‌کاران بالقوه بر هم می‌زند.

۳- تحلیل جرم‌شناسانه (علت شناسی) بررسی علل و قتل فرزندان

در این قسمت برآنیم که علل بزه دیدگی فرزندان به طور کلی و قتل به صورت اختصاصی را بیان کنیم، همان گونه که در مقدمه گفته شد، هدف از این کار صرفاً بررسی پدیده فرزند کشی از منظر حقوق کودک می‌باشد. از این رو مراد ما از واژه ی «فرزند» در اکثر موارد فرزندی را شامل می‌شود که در محدوده ی سنی شمول کودک قرار دارند. ملاک ما در این خصوص تعاریف بین المللی موجود در این زمینه می‌باشد آنچه که در این قسمت لازم به ذکر است در ادامه علل بزه دیدگی را به طور مفصل شرح خواهیم داد. (گسن، ۱۳۷۰، صفحه ۱۱۲)

۳-۱- علل زیستی فرزند کشی

مراد از علل زیستی به عنوان یکی از علل بزه دیدگی، مجموعه ویژگی‌هایی است که جنبه همزاد دارند. با این توضیح که علل زیستی همراه با فرد و به عنوان بخشی لایتغیر از وجود وی خواهند بود. این علل به عنوان عواملی ثابت در بزه دیدگی نقش دارند، نظیر سن و جنس که ویژگی‌هایی همزاد فرد بوده و وی در انتخاب آن هیچ گونه دخالتی نداشته است.

سن را می‌توان به عنوان یکی از علل بزه دیدگی در میان دو گروه از افراد نام برد. اولی سالخوردگان و پیران هستند که به دلیل ضعف فیزیکی و ذهنی در معرض بزه دیدگی می‌باشند و دیگری کودکان و نوجوانان هستند که می‌توان وضعیت آنان را به خاطر تلاش مستمر ایشان برای جستجو و کسب لذتها و هیجانات قوی و به دلیل وضعیت وابستگی شان در خانواده از عوامل خطرزای زیست شناختی و در نتیجه از عوامل پیش زمینهای تهاجم علیه آنان ذکر کرد.» در مورد این علت خاص باید گفت که کودکان از دو فاکتور مناسب برای بزهکاران بالقوه برخوردارند. اول اینکه به دلیل شرایط سنی از ضعف فیزیکی برخوردارند که این پیامد مستقیم طفولیت می‌باشد. از این رو کمترین مقاومت را در برابر بزهکاران منطقی که به دنبال سود خود می‌باشند، ایجاد می‌کنند. مسلم است که بزهکاری که به دنبال رسیدن به حداکثر سود است، چنین آماج مناسبی را جهت منظور خود انتخاب می‌کند، چرا که با کمترین ریسک، بیشترین سود را خواهد برد. کودک بی‌دفاع همانند بره‌های گرگها را به سوی خود جلب می‌کند و بدون اینکه قادر به مقاومتی باشد، ناخواسته بزهکار را در نیل به مقصود یاری می‌نماید. (کرد علیوند و محمدی، ۱۳۷۹، صفحه ۶۲ و ۶۳)

علاوه بر این دلیل دومی که کودکان را به آماج‌های مناسبی جهت بزهکاران تبدیل می‌کند، بالا بودن رقم سیاه جرایم علیه کودکان است. در حال حاضر کودکان بزه دیده در کشور فرانسه ۵۰ هزار نفر و تعداد مرگ و میر آنان ۹۰۰ تا ۷۰۰ نفر می‌باشد که از بین آنها ۳۰ هزار مورد به مراکز امداد کودکان گزارش شده است. بالا بودن رقم سیاه بزهکاری علیه کودکان نیز به نوبه خود باعث افزایش جرایم علیه ایشان و در واقع مشوق بزهکاران در ارتکاب جرایم علیه ایشان می‌گردد. چرا که عدم کشف جرم، در واقع به معنی کاهش احتمال محکومیت می‌باشد و عدم محکومیت نیز چیزی است که مطلوب طبع تمامی بزهکاران می‌باشد. بزهکاری که با کمترین هزینه بیشترین سود را نصیب خود می‌گرداند و از سوی دیگر از کمترین احتمال محکومیت برخوردار است، لحظه به لحظه خود را جری‌تر و جسورتر در ارتکاب جرم کرده و کودکان را فدای بی‌توجهی جامعه می‌سازد. (کرد علیوند و محمدی، ۱۳۷۹، صفحه ۶۲ و ۶۳)

اما در زمینه جرایم ارتكابی علیه کودکان در خانواده هر دو عامل ذکر شده تشدید می‌گردند. از یک سو کودک تنها ملجأ و پناهگاه خود را خانه و خانواده می‌داند و در واقع از جامعه به خانواده پناه می‌آورد و این وابستگی احساسی و عاطفی به این بزه دیدگی کمک می‌نماید و از سوی دیگر اعتقاد به خصوصی بودن جرایم علیه کودکان در خانواده است که به ویژه در جامعه

ما به افزایش رقم سیاه بزهکاری کمک می‌نماید. بسیاری از کودکان بزه دیده به دلیل ترس از اقدامات تلافی جویانه، شرمساری و الزام به حفظ اسرار خانواده از گزارش خشونت‌های اعمال شده علیه خود خودداری می‌کنند. "(ابرند آبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۵)

برای پی بردن به رقم سیاه بزهکاری دو روش پیشنهاد شده است. این دو روش عبارتند از: تحقیق بوسیله اعتراف بزهکاران و تحقیقات از کسانی که خود را بزه دیده تلقی می‌کنند. (گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳)

جهت مقابله با این موضوع ماده ۳-۶۳۶ قانون جزای جدید فرانسه مقرر می‌دارد: هر کس از بد رفتاری و تحمیل محرومیت‌ها نسبت به یک کودک زیر ۱۵ سال آگاهی یابد و آن را به مقامات قضایی و اداری گزارش نکند به سه سال زندان و ۳۰۰ هزار فرانک جریمه محکوم می‌شود. ماده ۲۲۹ - ۱۳ (مربوط به حفظ اسرار شغلی) نیز نسبت به کسی که بد رفتاری‌ها و خشونت‌های تحمیل شده به یک کودک زیر ۱۵ سال را گزارش نماید، اعمال نمی‌گردد. در مورد میزان خشونت در خانواده برخی آمارها حاکی از آن است که در آلمان سالانه بیش از ۳۰ هزار کودک به دست والدین خود مضروب و مجروح می‌شوند که شمار قابل توجهی از آنان در حین نزاع پدر و مادر خود آسیب می‌بینند. در انگلستان نیز سالانه ۳ هزار کودک در اثر خشونت و بد رفتاری پدر و مادر جان می‌بازند. در ایران آمار رسمی در این زمینه مشاهده نشده اما از آنجا که طبق آمار غیررسمی از هر ده زن، هشت زن مورد خشونت واقع می‌شوند می‌توان تخمین زد که بین ۶۰ تا ۷۰ درصد کودکان ایرانی شاهد این خشونت باشند. این آمارها به خوبی اهمیت بحث را نمایان می‌سازند. (فلاح، ۱۳۹۵)

۳-۲- وضعیت روحی - روانی

علاوه بر آنچه که در مورد بزه دیدگی کودکان ذیل عنوان وضعیت فیزیکی به عنوان یکی از علل بزه دیدگی کودکان ذکر کردیم، عامل دیگری را که می‌توان در این موضوع موثر دانست، وضعیت روحی و روانی کودکان به عنوان یک عامل روان شناختی می‌باشد. اگر چه این عامل نیز به نوعی وابسته به عوامل دیگر اولین مورد را که می‌توان به عنوان مصداقی از این وضعیت دانست، ضعف قوای ذهنی است. ضعف قوای ذهنی و عقلی کودکان که آنها را در ارزیابی میزان خطرات، اعم از بالقوه و بالفعل تا حدودی ضعیف و شکننده می‌سازد، را می‌توان به عنوان یک عامل، جهت آسیب پذیری ایشان ذکر نمود. در واقع کودک را از این منظر نیز می‌توان یک آماج مناسب برای

بزهکاران دانست. آمارهایی که بدون توجه به خطرات و به بیان بهتر بدون شناخت و درک آنها حاضر به پذیرش هر گونه خطری به طور ناخواسته می‌باشند. از سوی دیگر این ضعف قوای روحی به گونه‌ای باعث وابستگی کودک می‌گردد. این وابستگی در نهاد خانواده و نسبت به افراد آن بیشتر است. کودک به امید آرامش در خانواده وابستگی خود را محکمتر می‌کند. کودک خود را متعلق به والدین و خانواده می‌داند و حتی بدون آنان در جامعه از پایگاهی برخوردار نمی‌باشد. مصداق این ادعا جوامع نظیر جامعه خود ماست که در آن کودکان از حداقل حمایت جامعه‌ی برخوردارند. (رسول زاده، ۱۳۸۱، ص ۶۵) تمامی تکالیف مربوط به حمایت از کودکان معطوف به خانواده بوده و کودکی که از حمایت خانواده برخوردار نباشد تحت عناوین نازیبایی شناخته شده و مورد نفرت جامعه، مردم و مسوولان واقع می‌گردد. اما خانواده‌ای که می‌تواند محل امن و آسایش کودکان و ابراز احساسات ایشان باشد، می‌تواند جنبه دیگر خود را بروز دهد. در خشونت‌های خانوادگی علیه کودکان ضعف قوای روحی و روانی کودک و وابستگی روحی و عاطفی ناشی از آن را می‌توان بسیار مؤثر دانست

یکی دیگر از وضعیت‌های روحی، روانی که کودک را در معرض بزه دیدگی، به ویژه در خانواده قرار می‌دهد، ترس است که علاوه بر تسهیل بزه پذیری ایشان همان گونه که گفتیم باعث: گزارش ناپذیری بزهکاری‌های علیه کودکان نیز گردیده و در تخمین رقم واقعی این موارد مشکل ایجاد می‌کند. ذکر این نکته بدون فایده نمی‌باشد که وضعیت روحی و روانی کودکان در جایی دیگر و به گونه‌ای دیگر نیز باعث بزه دیدگی ایشان می‌گردد. آن گونه که بسیار نیز شاهد هستیم، کودکانی که جهت گدایی، فروش مواد مخدر و ... تربیت شده و مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، متأسفانه تعداد چشمگیری را شامل می‌شوند. اینان نیز به نوعی قربانی وضعیت‌های روحی و روانی خود از یک سو و بی‌توجهی جامعه از سوی دیگر می‌باشند. در همین راستاست که قانونگذار در ماده ۷۱۲ در مورد تکدی گری از کودکان در معرض بزه حمایت کرده و آنان را تحت حمایت و توجه خاص قرار داده است. این حمایت‌ها گر چه لازم ولی کافی در منظور نمی‌باشند.

۳-۳- علل اجتماعی

منظور از علل اجتماعی سلسله عواملی است که در محیط زندگی اجتماعی در قالب محرک‌هایی باعث بروز پدیده ی قتل فرزندان می‌گردد. به طور کلی قتل یک پدیده ی اجتماعی بوده و باید بیشترین تأثیرات در وقوع آن را نیز در سلسله علل اجتماعی جستجو کرد. در ادامه ی این مبحث

به بررسی این علل خواهیم پرداخت. دین از لحاظ فردی شبکه‌ای است از اعتقادات پیچیده به نیروهای ما فوق طبیعت و از لحاظ اجتماعی شبکه‌ای است از سازمان‌های اجتماعی که بر اساس آن، اعتقادات مختلف شامل مفاهیم و احکام و شعائر مخصوص فراهم آمده‌اند. آنگونه که تاریخ نشان می‌دهد تا به حال ادیان مختلف تعلیمات اخلاقی و انسانی ارزشمندی را ارائه و تبلیغ کرده‌اند. در قاموس اغلب آنها اعمال و رفتار زشت و ناپسندی که در اکثر جوامع از لحاظ قباحت مورد اتفاق نظر بوده است ممنوع و حرام گردیده و از این جهت همیشه برای انسانهای معتقد به اصول و مبانی دینی، راهنماها و بازدارنده‌های با ارزشی وجود داشته است و مسلم است که اصول و قواعد دینی حاکم بر جامعه و پیروی صحیح افراد از آن تأثیر عظیمی در جلوگیری از وقوع جرایم دارد. گرچه لازم به ذکر است که گروهی با این نظر مخالف بوده و مذهب را عاملی موثر در وقوع جرایم می‌دانند. به عنوان مثال فری در آرزوهای خود خواستار برتافتن از اعمال مذهبی شده و حتی این امر را برای مبارزه علیه جرم مفید خواند. (آریان پور، ۱۳۵۲، ص ۷۹)

صرفنظر از این مطالب آنچه که در زمینه مورد بحث ما قابل توجه به نظر می‌رسد اینکه ارزش‌های فرهنگی و مذهبی شاید استفاده از تنبیه بدنی نظیر شلاق زدن و کتک زدن با ترکه، که می‌توان آنها را به عنوان رفتار خشن جسمانی نامید، تأیید کنند. مثلاً برخی از محققین خارجی عنوان می‌کنند که اگر به متون انجیل نگریسته شود، اغلب این متون از تنبیه بدنی کودکان طرفداری می‌کنند و این امر به خصوص در کلیساهای اصلی که یک شرح ادبی از انجیل دارند صادق است. از سوی دیگر گروهی از صاحب نظران معتقدند که باورهای دینی واقعی به طور قطع مانعی در راه اعمال خشونت نسبت به کودکان می‌باشند و آنچه که مشوق و زمینه ساز کودک آزاری شده است باورهای خرافی است که تحت عنوان مذهب مورد استناد قرار می‌گیرد. اما گروهی دیگر برای مذهب در وقوع کودک آزاری هیچ نقشی قائل نیستند. به این توضیح که مذهب نه مانع است و نه مشوق. گرچه به عقیده ی ایشان مذهب در بروز خشونت علیه زنان تأثیر بسیار زیادی دارد. بدون شک دیدگاه‌های دینی قدمتی به درازای تاریخ بشریت دارند و از آغاز حیات با انسان همراه بوده‌اند. تأثیر این دیدگاه‌ها در حمایت و یا در معرض خطر قرار دادن کودکان نیز از همان آغاز همراه جوامع بشری بوده است. یکی از موارد مقدسی که می‌توان در مورد تأثیر دیدگاه‌های مذهبی به عنوان شاهد مثال ذکر کرد، مورد عقیم قربانی کردن اسماعیل توسط پدر خود می‌باشد. جریانی که در طول تاریخ همواره از آن به عنوان آزمایش الهی برای یکی از پیامبران خدا ذکر شده است. «ابراهیم گفت: من طرف پروردگارم می‌روم و او مرا هدایت

خواهد نمود. پروردگارا مرا ببخش و از شایستگان قرار ده. ما هم او را بشارت دادیم به پسری بردبار، پس کوشش او سبب شد که موفق گردید و روزی گفت که ای پسر من در خواب دیده ام که تو را قربانی می‌کنم، تو چه نظری داری؟ پسر گفت: ای پدر؛ بکن آنچه که به تو امر شده، امیدوارم که خدا تو را شکیبایان قرار دهد. چون اسماعیل گردن گرفت تا پدر به خوابش عمل کند و او را قربانی نماید، خطاب کردیم، ای ابراهیم! خواب تو راست گردید و ما جزای نیکوکاران را می‌دهیم». این جریان در آیات ۹۹ به بعد سوره ی مبارکه صافات آمده است. مفسرین در تفسیر این موضوع گفته اند، که پدر با صراحت مسأله ذبح را با فرزند ۱۳ ساله مطرح می‌کند و از او نظر خواهی می‌کند. برای او شخصیت مستقل و آزادی قائل می‌شود، او هرگز نمی‌خواهد فرزندش را بفریبد و کورکورانه به میدان بزرگ امتحان دعوت کند. او می‌خواهد فرزند نیز در این پیکار بزرگ با نفس شرکت جوید و لذت تسلیم و رضا را همچون پدر بچشد. از آن زمان تا کنون از این واقعه به عنوان یک جریان مقدس و یک امتحان دشوار الهی برای یکی از بندگان خاصش نام برده شده است و این که مردان بزرگ آنانی هستند که حاضرند از فرزند دل‌بند خود در راه معبود بگذرند. اما گرچه این مسأله در بدو امر یک امتحان الهی بود اما در ادامه و در گذر زمان و با اختلاط با تعصبات مذهبی، تبدیل به گونه‌ای حماقت و جهالت گردید که می‌تواند فتح بابی برای بسیاری از موارد فرزندکشی باشد. (معمار زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷)

در مورد تأثیر دیدگاه‌های فرهنگی در بروز خشونت علیه کودکان اگر چه نظر اکثریت بر این است که این دیدگاه‌ها به عنوان یک عامل مؤثر در وقوع خشونت علیه کودکان محسوب می‌شوند اما عده‌ای نیز فرهنگ اسلامی و ایرانی کشور ما را حامی کودکان می‌دانند اما این حمایت را در سایر فرهنگها کم رنگ می‌بیند. گرچه باید اذعان داشت که به طور کلی وجود باورهای سنتی مبنی بر این که والدین صاحب اختیار کودکانند و همچنین اعتقاد به تنبیه، اجبار و خشونت، توقع بیش از اندازه از فرزندان و ندانستن شیوه‌های نگهداری و تربیت اطفال، که تاثیرات آن در جامعه ما کم نمی‌باشد، آنان را در معرض خشونت و آزار دیدگی قرار می‌دهد. این موضوع که کودکان را به شدت در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد از قدیم الایام جزیی از فرهنگ جامعه مشرقی ما بوده و در تمامی خانواده‌ها نیز کمابیش دیده می‌شود.

۴- پیامد فرزند کشی

۴-۱- پیامد جسمانی

خسارت‌های جسمانی وارد بر بزه دیده در واقع عینی‌ترین نمود ارتکاب جرم علیه ایشان می‌باشد. نشانه‌ای که همگان قادر به رویت و تشخیص آن می‌باشند. کودکی که مورد خشونت جسمی قرار می‌گیرد را می‌توان از طریق آثار خشونت واقع شده علیه وی تشخیص داد. کبودی موجود در بدن و آثار ضرب و جرح نشانگر خوبی جهت معرفی بزه دیدگی وی می‌باشند. آنچه که به عنوان نتیجه این امر در آینده جهت بزه دیدگان امروز بروز می‌کند، اثرات ماندگار ناشی از این بزه دیدگی است که گاه تا مدتها و شاید تا همیشه در نزد بزه دیده باقی می‌مانند. به دلیل همین نمود عینی آن است که آزار فیزیکی و جسمی کودکان موضوع بیشترین پوشش رسانه‌ای در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بود. هر چند ادعا می‌شد که این جرایم در حال افزایش هستند، اما این افزایش شاید به این دلیل بود که اگر چه این اعمال همیشه اتفاق می‌افتاده اند اما تنها در حال حاضر مورد توجه قرار گرفته اند. نمود این اثرات جسمانی، ظاهری بوده و درمان آن نیز به صورت پزشکی میسر می‌باشد. علم پزشکی در اغلب موارد پاسخ و راه حلی متناسب و سازگار ارایه می‌دهد. آنچه که این افراد را به عنوان بزه دیده نزد پزشک می‌کشاند، توقعات اجتماعی است. (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۶۷) دادگستری به گونه‌ای از پزشک می‌خواهد که یک پل ارتباطی میان بزه‌ی که بزه دیده متحمل آن شده است، نشانه‌ها و علایم بزه در بدن بزه دیده (اغلب این نشانه‌ها در مرحله اثبات، عنصری قابل توجه می‌باشند) دادگستری و اجتماع ایجاد کند. می‌توان اقدام قانونگذار فرانسه در جهت تشدید پلکانی مجازات در خشونت‌های منجر به از کار افتادگی کمتر از هشت روز، بیشتر از هشت روز و از کار افتادگی دایم را اقدامی در راستای جبران خسارتهای بدنی وارد به بزه دیده دانست. بحث دیه در قانون مجازات اسلامی را نیز می‌توان اقدامی در همین راستا دانست.

۴-۲- پیامدهای خانوادگی و اجتماعی

قتل‌های ناموسی یا قتل‌هایی که توسط والدین صورت می‌گیرد، اذهان بسیاری از افراد جامعه را درگیر خود می‌کند، همان گونه که غالباً این پرسش بزرگ در افکار عمومی شکل گرفت که آیا پدر و مادر دیگر نماد مهربانی و عشق لایزال نسبت به فرزند خود شناخته نمی‌شوند؟ افزایش تعداد چنین قتل‌هایی در دهه اخیر، جای نگرانی زیادی دارد. در این میان علاوه بر پیچیدگی

معضلات اجتماعی در این حوزه، بحث ورود قانون و برخورد قانون با چنین مجرمانی جای تفکر دارد. جامعه با ذهنیتی از مفهوم قتل، طبیعتاً منتظر یک حکم قاطع است، اما حالا آنچه این روزها از زبان حقوقدانان شنیده می‌شود، موجب تعجب افکار عمومی شده است، این در حالی است که در چنین مواردی قاتل خود را در جایگاه قاضی و اجراکننده حکم قرار داده و دست به عمل قتل می‌زند و سپس در توجیه عمل خود عناوینی همچون ناموس پرستی و آبروداری را توجیه کننده عمل خود قرار می‌دهد. به علت تقصیری است که قاتلان برای قربانی قائل شده‌اند، مسأله اصلی که ذهن خانواده را درگیر خود می‌کند، این است که فرد دچار کجروی شده است و در نهایت هم قضاوت و صدور حکم و حتی مجازات و اجرای حکم توسط خانواده انجام می‌شود. شاید اگر یک جامعه ابتدایی و سنتی داشتیم، این گونه قتل‌ها، قابل قبول بودند و ایجاد تعجب هم می‌شد، اما در دنیای مدرن این گونه نیست. راهکارهای بسیاری برای جلوگیری یا کاهش آمار فرزندکشی وجود دارد که باید مفصل در اینباره صحبت کرد. از آنجایی که خانواده به عنوان کانونی گرم در جامعه ما شناخته می‌شود، انتظار می‌رود که پدر و مادر، مظهر عطف و مهربانی باشند، اما شاهدیم که چنین قتل‌هایی توسط پدر یا مادر اتفاق می‌افتد و ذهن‌ها را معطوف به تناقضاتی می‌کند که هضم آن مشکل است. (قوی قلب، گراوند، ۱۴۰۰)

نتیجه گیری

قانونگذاری ایدئولوژیک همواره منجر به تصویب قوانینی می‌گردد که در بسیاری از موارد با واقعیتهای اجتماعی روز جامعه منطبق نمی‌باشد. با استقرار حکومت اسلامی در ایران این شیوه قانونگذاری ایرادات بسیاری را نسبت به قوانین کیفری برانگیخت. یکی از این ایرادات که نسبت به قانون مجازات اسلامی و از سوی سازمانهای حمایت از حقوق کودکان وارد گردید مربوط به ماده ۳۰۱ این قانون می‌باشد. از آنچه که در قالب دو بخش گفتیم تمام تلاش ما بر این بود که با دید منطقی، علمی و به دور از هر گونه تاثیر پذیری به بررسی حکم فقهی قتل فرزندان و نیز بررسی پیامدهای اجتماعی آن بپردازیم. در این قسمت و در پایان بحث می‌توان موارد زیر را به عنوان نتیجه گیری از آنچه که گفته شد ارائه نمود: از بررسی نظرات فقهای اسلامی چنین بر می‌آید که نظر مشهور ایشان در مورد کیفر قتل فرزند توسط پدر و جد پدری دیه است و نه قصاص. از سوی دیگر بررسی آیات قرآن در این زمینه نشان می‌دهد که در همه موارد، و بدون استثنا فرزندان منع شده است. به این صورت که با وجود آیات کلی که در آنها با لفظ «لا تقتلوا» قتل عمد را منع

کرده است در آیات چندی با استفاده از لفظ « ولا تقتلوا أولادکم » قتل فرزندان را دارای اهمیت ویژه‌ای دانسته و بدین وسیله توجه خاصی را بدان مبذول می‌دارد و تاکید می‌کند که هیچکس حتی پدر نمی‌تواند تحت هیچ عنوانی فرزند خود را بکشد. به عبارت دیگر عدم کیفر پدر برای قتل فرزند با اطلاق و عموم این آیات مغایر است. به علاوه با توجه به آنچه در مورد روایات مورد استناد در این زمینه گفته شد می‌توان مبنای این روایات را محدود به موارد خاصی دانست که در شرایط خاصی ابراز شده است، در حالیکه معصوم (ع) در مقام رفع نزاع به بیان روایت پرداخته و نه در مقام بیان حکم کلی. این موضوع باعث ایجاد این ظن در میان فقهای اسلامی گردیده است که قتل فرزندان دارای مجازات کمتری است، بدون آنکه دلیل قانع کننده‌ای در این خصوص از سوی آنها ارائه گردد. از سوی دیگر در مورد حقوق اولاد بر والدین توضیح مختصری داده شد. اینک می‌توان این موضوع را مطرح کرد که چگونه والدین در مسائل جزئی و ناچیز مسوول دانسته شده اند اما در این زمینه مسوولیت کمتری دارند؟ از این رو تنها چیزی را که می‌توان به عنوان مبنا و منشا این حکم ذکر کرد، فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه آن زمان است همانگونه که در سایر جوامع قدیمی نیز چنین تفکراتی وجود داشته است. قائل شدن مبنای شرعی برای این حکم شبهه‌ای است که برای فقهای اسلامی به وجود آمده و تا این زمان نیز ادامه یافته است. با توجه به این موضوع که جرم یک پدیده اجتماعی است، از این رو ریشه‌های آن را نیز باید در اجتماع جستجو کرد و این امر شامل قتل فرزند نیز می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه پیامدهای اجتماعی همیشه از علل متعدد و متنوعی برخوردارند، از این رو نمی‌توان علل این پدیده را در چند مورد خاص محصور کرد. بنابراین آنچه که در مورد علل قتل فرزندان گفته شد تنها نمونه‌های محدودی از این موضوع می‌باشند. این امر در مورد پیامدهای قتل به طور کلی و فرزندان به طور خاص نیز صدق می‌کند.

فهرست منابع

۱. شریفی، محسن، مبانی فقهی قتل فرزند و ضمانت اجرای آن، فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۷۴، سال ۱۳۹۲
۲. عزیزی حبیب آبادی، اردوان، جایگاه قرابت در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶
۳. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱
۴. حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام از آغاز تا انقراض اموی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ سوم تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹
۵. اسپیدکار، صادق، بررسی مبانی فقهی حقوقی فرزندکشی بانگاہی برلایحه جدید ق.م.ا، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی عالمیه، ۱۳۹۲
۶. ادیب، علیرضا، نقش قرابت در سیستم کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴
۷. کریمی، محمدحسن، بررسی موانع قصاص از دیدگاه مذاهب خمسہ، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، ۱۳۸۹
۸. پور محمدعلی، نسرین، بررسی رابطه جرم و گناه در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی نراق، ۱۳۹۲
۹. اصغری، سید شکر...، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۲
۱۰. اسحاقی، محمد، مجازات پدر و مادر در کشتن فرزند، تهران، انتشارات سفیر صبح، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰
۱۱. واگ برن و نیم کف، زمینه جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس امیرحسین آریانپور، تهران، انتشارات دهخدا، ۱۳۵۲
۱۲. براندون، استیو، مروری بر حقوق جزای انگلستان، ترجمه دکتر میر محمد صادقی، تهران، نشر حقوقدان، چاپ اول اسفند ۷۵ فروردین ۷۹

۱۳. بهرامی بطحایی، بزهکاری نوجوانان در ایران، تهران، چاپ اول، شهریور ۱۳۹۵
۱۴. پیناتل، ژان، جرم‌شناسی، ترجمه رضا مظلومی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵
۱۵. حسن ابراهیم، تاریخ سیاسی اسلام از آغاز تا انقراض اموی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، چاپ سوم،
۱۶. خمینی، روح‌ا... تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات دار العلم، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، جلد چهارم
۱۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد چهارم
۱۸. جمعی از نویسندگان زیر نظر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۰، جلد دوازدهم
۱۹. دانش، تاج زمان، مجرم کیست، جرم چیست؟، تهران، انتشارات کیهان، ۱۴۱۳۹۹
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ دهخدا، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، دوره جدید، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷
۲۱. زراعت، عباس، قانون مجازات در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۰
۲۲. شکری، رضا، سیروس، قادر، قانون مجازات در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر مهاجر، چاپ دوم، ۱۳۹۳
۲۳. عمارزاده، حسین، تاریخ انبیاء و قصص قرآن از آدم تا خاتم تهران، انتشارات اسلام، چاپ چهارم، ۱۳۷۸
۲۴. کلارکسون، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه دکتر حسین میر محمد صادقی، تهران، ناشر معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۱
۲۵. گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر کی‌نیا، تهران، انتشارات مترجم، چاپ اول ۱۳۷۰

۲۶. گسسن، ریموند مقدمه بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر کی نیا، چاپخانه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۷۰

۲۷. گلزاده غفوری، علی، نقدی بر لایحه قصاص، انتشارات چاپخش، بی تا

۲۸. لیز، ژراژ، رژی‌نا فیلیزولا، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹

۲۹. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۱

۳۰. مرعشی، محمد حسن، شرح قانون حدود و قصاص، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۹۵، ج اول

۳۱. محمدی، ابوالحسن، اصول استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم ۱۳۷۰

۳۲. ابن قدامه، محمد بن عبدا...، العمدہ فی الفقه الحنبلی، دمشق، دار المتحدہ، ۱۶۱۰ هـ

۳۳. ابن قدامه، المغنی، مصر، الناشر مکتبۃ الجمهوریۃ العربیۃ، جلد ۹، بی تا

۳۴. ابن العربی، ابوبکر محمد بن عبدا...، احکام القرآن، جلد ۱

۳۵. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، دار احیاء التراث العربی، تجارت، باب ۶۴

۳۶. والحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسایل الشریعہ، لبنان، بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۱، جلد ۱۹

۳۷. الشافعی، محمد حسن ادريس، الأم، بیروت، لبنان، دار المعرفة للطباعة و النشر، ۱۳۹۳ هـ، ج ۶

۳۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الخلاف، قم، دارالکتب العلمیه، جلد ۳، ۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم

۳۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، باب ۲۹ از أبواب قصاص

۴۰. قوی قلب، مهسا، خبرنگار روزنامه ایران، فرزندکشی شلیک به کانون خانواده، ۱۴۰۰

مقایسه مبانی ایفای تعهد در روش سنتی و روش الکترونیکی

خاطره عباسعلی *

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۱/۲۷	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۱/۳۱	شماره صفحه : ۳۵-۲۵
--------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

مفهوم ایفای تعهد در فقه به معنای الترام به آنچه به عهده متعهد است، می‌باشد. یعنی فردی که متعهد است، مافی‌الذمه خود را به نفع متعهدله به جای آورد. در حقوق نیز از همین مفهوم فقهی پیروی شده و به معنای انجام دادن آنچه که متعهد به عهده گرفته است، می‌باشد. صراحتاً باید گفت معنای ایفای تعهد، اجرای مافی‌الذمه است. ایفای تعهد چه به روش الکترونیک باشد و چه به روش سنتی، یک عمل حقوقی است و به همین مناسبت دارای آثار حقوقی نیز می‌باشد. بدیهی است که یک عمل حقوقی می‌بایست دارای مبنای حقوقی مشخصی نیز باشد. چه آنکه اگر یک عمل فاقد مبنای حقوقی باشد، اصلاً نمی‌توان آن را به عنوان یک عمل حقوقی در نظر گرفت. حال باید به این نکته توجه نمود که ایفای تعهدات به روش سنتی دارای مبنای مشخصی است، حال پرسش اینجاست که آیا ایفای تعهدات الکترونیکی نیز دارای همان مبانی است یا اینکه مبانی مجزایی دارد؟ هدف از پژوهش حاضر، مقایسه مبانی ایفای تعهد در روش سنتی و روش الکترونیکی است. یافته‌ها بیانگر آن است که ایفای تعهد به روش سنتی و به روش الکترونیک، تفاوت در مبنا ندارند بلکه تفاوت آن‌ها در روش ایفا است.

واژگان کلیدی: ایفای تعهد، عمل حقوقی، ایفاء، ایفای سنتی، ایفای الکترونیکی.

* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز

Email: v.kh.abbasali@gmail.com

مقدمه

مفهوم ایفای تعهد در فقه به معنای الترام به آنچه به عهده متعهد است، می‌باشد. یعنی فردی که متعهد است، مافی‌الذمه خود را به نفع متعهدله به جای آورد. در حقوق نیز از همین مفهوم فقهی پیروی شده و به معنای انجام دادن آنچه که متعهد به عهده گرفته است، می‌باشد. صراحتاً باید گفت معنای ایفای تعهد، اجرای مافی‌الذمه است. در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد، نظرات مختلفی ابراز شده است؛ برخی آن را یک عمل حقوقی می‌دانند، برخی دیگر آن را عمل مادی می‌دانند و برخی دیگر اصولاً ماهیت عمل دوجانبه برای آن قائل نیستند، بلکه آن را ایقاع می‌دانند و قائلند که ایفای تعهد عمل حقوقی یک طرفه است. تفاوت در نظریات مختلف در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد به تفاوت در مبانی و مفاهیم باز می‌گردد. به دیگر تعبیر مبنا و مفهوم عمل حقوقی با ایقاع متفاوت است و همین تفاوت‌هاست که نظریات مختلف در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد را به دنبال داشته است.

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه مبانی ایفای تعهد در روش سنتی و روش الکترونیکی است. در این پژوهش نشان داده شده است که ایفای تعهد چه به روش الکترونیک باشد و چه به روش سنتی، یک عمل حقوقی است و به همین مناسبت دارای آثار حقوقی نیز می‌باشد. بدیهی است که یک عمل حقوقی می‌بایست دارای مبنای حقوقی مشخصی نیز باشد. چه آنکه اگر یک عمل فاقد مبنای حقوقی باشد، اصلاً نمی‌توان آن را به عنوان یک عمل حقوقی در نظر گرفت. بنابراین، ایفای تعهد به روش سنتی و به روش الکترونیک، تفاوت در مبنا ندارند بلکه تفاوت آن‌ها در روش ایفا است. البته ممکن است در مصادیق نیز با یکدیگر متفاوت باشند. به تعبیر دیگر در مبنای قانونی ایفای تعهدات الکترونیک، باید به قانون مدنی رجوع نمود، حال آنکه در تعهدات الکترونیک، قانون تجارت الکترونیک، حاکم است. گرچه می‌توان به قانون مدنی نیز رجوع نمود، اما قانون مدنی در این خصوص قانونی عام است و همه تعهدات را شامل می‌شود، در حالی که قانون تجارت الکترونیک اختصاص به تعهدات الکترونیک دارد و دیگر تعهدات را در بر نمی‌گیرد. در خصوص مبنای فقهی نیز هیچ تفاوتی وجود ندارد، حتی مصادیق نیز متفاوت نیستند. زیرا تعهدات الکترونیک در فقه مسبوق به سابقه نیست و چون پدیده‌ای نوظهور به شمار می‌رود، بنابراین ناگزیر می‌بایست با وحدت ملاک گرفتن، مبانی تعهدات سنتی را مبانی تعهدات الکترونیک نیز محسوب نمود.

مبانی نظری پژوهش

ایفای تعهد

ایفاء تعهد از دو لفظ تشکیل شده است. لفظ ایفاء و لفظ تعهد. در این قسمت بنا بر آن است که معنا و مفهوم این دو لفظ در معیت یکدیگر مورد مطالعه قرار گیرد.

ایفاء به معنای ادا کردن و به جا آوردن است و تعهد نیز به معنای به عهده گرفتن است. تعهد شامل اقسام مختلفی می‌شود. از یک منظر می‌توان این لفظ را به دو قسم ابتدایی و ضمنی تقسیم نمود. تعهد ابتدایی، تعهد مستقیمی است که از لحاظ صیغه و شرایط، در عقود معین از جمله بیع، اجاره، صلح و غیره جای می‌گیرد. در مقابل، تعهد ضمنی، تعهدی غیرمستقیم است که ضمن تعهدات ابتدایی واقع شده، و غالباً تحت عنوان شروط بررسی می‌شوند. قابل ذکر آن است که در هر دو نوع از این تعهدات مستقل و غیرمستقل، مصداق تعهد برای متعهد تکلیف، و برای متعهدله حقی را ایجاد می‌کند. در مقابل وفای به عهد و اجرای تعهد، باید دانست که عدم اجرای تعهد، بنا به قاعدهٔ تسبیب متعهد را ملزم خواهد نمود که در صورت اضرار، جبران خسارت متعهدله را بنماید. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۸۲). در ارتباط با این تقسیم‌بندی، ایفای تعهد غالباً به تعهد ابتدایی متوجه می‌شود. به عبارت دیگر ملاحظه می‌شود که تعهد ضمنی تعهدی است که به صورت غیرمستقیم و در ضمن تعهدات ابتدایی عقد قرار می‌گیرد که در حقوق تحت عنوان شروط یا شروط ضمن قرارداد، شناخته می‌شود؛ بنابراین ایفای تعهد ابتدائی متضامناً ایفای تعهد ضمنی را نیز به دنبال خواهد داشت؛ مگر اینکه تعهدات ضمنی در عقد دیگری ایجاد شده باشند که در این صورت التزام به هر دو قسم تعهد و ایفای هر کدام به صورت مجزا خواهد بود.

در حقوق موضوعه مسائل و جوانب مختلفی در ارتباط با تعهد بیان می‌شود که به نوعی حول محور ایفای تعهد قابل طرح هستند. موضوعاتی همچون اثبات، اجرا و سقوط تعهد با بسیاری از فروع آن همچون تعلیق، تبدیل و تهاتر، از مباحثی هستند که در حقوق مدنی در باب تعهدات بدان‌ها پرداخته می‌شود (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱). نکته مرتبط با این موضوع این که اصل بر ایفای تعهد است، یعنی کسی که تعهدی را به عهده گرفته و بدان ملزم گشته است، می‌بایست آن را ایفا نماید، لیکن در مواردی اتفاق می‌افتد که ایفای تعهد، شکل دیگری به خود می‌گیرد. این اشکال به تناسب شرایط گاهی تعلیق نام می‌گیرد، گاهی تبدیل و تهاتر و سایر مواردی از این قبیل. بنابراین ایفای تعهد، بدان وجه که در قرارداد یا قانون ایجاد شده، توسط

متعهد، اکمل اشکال التزام به تعهد است و موارد مشابه مثل تعلیق، تهاتر و غیره، موارد جانشین ایفای کامل تعهد هستند که به تناسب شرایط پیش آمده متجلی می‌شوند.

در یک جمع‌بندی مختصر باید گفت مفهوم ایفای تعهد در فقه به معنای التزام به آنچه به عهده متعهد است، می‌باشد. یعنی فردی که متعهد است، مافی‌الذمه خود را به نفع متعهدله به جای آورد. در حقوق نیز از همین مفهوم فقهی پیروی شده و به معنای انجام دادن آنچه که متعهد به عهده گرفته است، می‌باشد. صراحتاً باید گفت معنای ایفای تعهد، اجرای مافی‌الذمه است.

انواع ایفای تعهد

ایفای تعهد به دو صورت حاصل می‌شود. این دو صورت شامل ایفای اختیاری و ایفای اجباری تعهد می‌شود.

ایفای اختیاری

ایفای اختیاری تعهد، بعد حقوقی چندان وسیعی ندارد. به واقع این امر بسیار ساده و سهل است. ایفای اختیاری به معنای این است که متعهد با اراده خویش مافی‌الذمه خود را ادا کند. این امر شامل تعهدات قراردادی و غیرقراردادی می‌باشد. البته باید توجه داشت که ایفای اختیاری قرارداد حتماً به صورت کامل و متناسب با مفاد قرارداد یا قانون باشد.

ایفای اجباری

ایفای اجباری تعهد شامل هر دو نوع تعهدات قراردادی و غیرقراردادی می‌شود. به واقع هر زمان که متعهد از ایفای تعهد خود استنکاف ورزد متعهدله می‌تواند، اجبار وی را از مقام قضایی درخواست نماید.

ماده ۲۲۰ قانون مدنی در این خصوص می‌گوید: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم می‌باشند». همچنین به موجب ماده ۲۲۵ قانون مدنی: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد به منزله ذکر در عقد است». حال در صورت عدم انجام تعهد، اگر تعهد از نوعی باشد که قائم به شخص متعهد نباشد و هر شخص دیگری بتواند آن را انجام دهد، متعهدله

می‌تواند با توجه به ماده ۲۲۲ قانون مدنی پس از اجازه دادگاه خود تعهد را انجام داده و هزینه انجام تعهد را از متعهد مستنکف مطالبه نماید. ماده فوق چنین اشعار یافته است: «در صورت عدم ایفاء تعهد با رعایت ماده فوق حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تادیه مخارج آن محکوم نماید؛ ولی اگر موضوع تعهد قائم به شخص باشد و کسی غیر از متعهد قادر به انجام آن باشد، متعهدله در صورت الزام و استنکاف مجدد متعهد می‌تواند قرارداد را فسخ نماید. اگر انجام تعهد مقید به زمان خاصی بوده و انجام این تعهد بعد از زمان مقرر، دیگر منفعتی برای متعهدله نداشته باشد، متعهدله باید تنها خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد را مطالبه نماید. قانون مدنی در ماده ۲۶۴ می‌گوید: «تعهدات به یکی از طریق ذیل ساقط می‌شود: ۱- بوسیله وفاء به عهد. ۲- بوسیله اقاله. ۳- بوسیله ابراء. ۴- بوسیله تبدیل تعهد. ۵- بوسیله تهاتر. ۶- بوسیله مالکیت مافی‌الذمه».

ایفای تعهد به روش سنتی

در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد، نظرات مختلفی ابراز شده، برخی آن را یک عمل حقوقی می‌دانند، برخی دیگر آن را عمل مادی می‌دانند و برخی دیگر اصولاً ماهیت عمل دوجانبه برای آن قائل نیستند، بلکه آن را ایقاع می‌دانند و قائلند که ایفای تعهد عمل حقوقی یک طرفه است.

تفاوت در نظریات مختلف در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد به تفاوت در مبانی و مفاهیم باز می‌گردد. به دیگر تعبیر مبنا و مفهوم عمل حقوقی با ایقاع متفاوت است و همین تفاوت‌هاست که نظریات مختلف در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد را به دنبال داشته است. چنانکه بیان شد، برخی معتقدند که ایفای تعهد یک عمل حقوقی است. «ویژگی اصلی اعمال حقوقی که باعث تفکیک آنها از وقایع حقوقی می‌شوند، آن است که در اعمال حقوقی، فاعل این اعمال نتیجه مترتب بر آن را خواستار است و مایل به ترتب آن نتیجه بر عمل خود است و در واقع اراده او بر ایجاد چنین نتیجه‌ای در اثر عمل وی تعلق گرفته است. نظریه عمل حقوقی در مورد ایفای تعهد نیز بر همین مبنا استوار است و ایفا را عملی می‌داند که اراده ایفا کننده باید به آن تعلق گرفته باشد. درواقع این نظریه از آن جهت به نظریه عمل حقوقی معروف شده است که برای ایفا نیز همان شرایط اصلی اعمال حقوقی، یعنی اراده انجام دهنده عمل را لازم می‌داند». (شهبازی و رزاقی، پیشین: ۱۴۰). چنانکه مبرهن است، اعمال حقوقی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. یا دو طرفه است یا یک طرفه. عمل حقوقی یک طرفه همان ایقاع است. بنابراین با توجه به این دو دسته، برخی

معتقدند که ایفای تعهد یک عمل حقوقی دو طرفه است و برخی دیگر بر این باورند که ایفای تعهد یک ایقاع محسوب می‌شود. برخی از حقوق‌دانان معتقدند ایفای تعهد، ایقاع است. «ایفای تعهد یک عمل حقوقی یک طرفه است که برای تحقق آن اراده انشائی تأدیه‌کننده لازم است اما اراده متعهدله به هیچ‌وجه، در تحقق وفای به عهد مؤثر نیست. بنابراین هرگاه متعهد مورد تعهد را به متعهدله تسلیم کند، ایفای تعهد صورت گرفته است، هرچند متعهد، قصد دریافت طلب و قبول ایفای تعهد را نداشته باشد». (شهیدی، پیشین: ۲۱). این نظریه از جنبه‌ای قابل قبول است و از جنبه‌ای دیگر می‌تواند مورد ایراد قرار گیرد. از این بابت که متعهد باید اراده انشائی داشته باشد، نظریه قابل دفاعی است، زیرا متعهد در مرکز توجه ایفا است اما نمی‌توان هیچ نقشی برای متعهدله در نظر نگرفت. به ویژه آنجا که ایفای تعهد ناشی از قرارداد دقیقاً منطبق با مفاد عقد نباشد. یا در تعهدات غیرقراردادی نیز ممکن است ایفا کاملاً منطبق با مفاد قانون نباشد که در این صورت متعهدله می‌تواند از قبول تعهد سرباز زند. بنابراین ایفای تعهد به عنوان یک ایقاع فقط در مواردی پذیرفته است که ایفای تعهد به صورت مناسب و منطبق با مفاد قرارداد یا قانون باشد و متعهدله بدون دلیل یا توجه قابل قبول از پذیرفتن آن امتناع نماید. ایراد دیگری که می‌توان به این موضوع گرفت، ایفای تعهد از جانب ثالث است که اصلاً نیازی به اراده انشائی متعهد ندارد، بنابراین نمی‌توان گفت ایفای تعهد حتماً باید با اراده انشائی متعهد باشد.

برخی دیگر نیز ایفای تعهد را یک عمل دو طرفه و در واقع یک قرارداد می‌دانند. «این نظریه در حقوق فرانسه مطرح شده است که وفای به عهد، دارای ماهیت قراردادی است و مدیون باید قصد ایفا داشته باشد و دائن نیز باید آن را قبول کند و از این رو هم ایفا کننده و هم کسی که به او پرداخت می‌شود، باید اهلیت داشته باشند چرا که برای انجام هر عمل حقوقی اهلیت لازم است». (صفایی، ۱۳۸۲: ۲۳۵). به نظر می‌رسد این نظریه، نظریه‌ای افراط گرایانه است؛ زیرا توجیه نمودن تمامی اعمال حقوقی در قالب قرارداد، مشکلاتی بر سر راه برخی از اعمال ایجاد می‌کند. نمی‌توان به قطعیت گفت، ایفای تعهد یک عمل حقوقی دو طرفه است، زیرا چنانکه اشاره رفت، برای انعقاد یک قرارداد، داشتن اهلیت لازم است، حال چنانچه شخصی به یک صغیر یا یک ورشکسته دین یا تعهدی داشته باشد و آن را ایفا نماید، چون طرف مقابل فاقد اهلیت است بنابراین ایفای اینگونه تعهدات ماهیت حقوقی نخواهد داشت.

در نهایت برخی دیگر ایفای تعهد را یک عمل مادی می‌دانند. «نظریه عمل مادی، بر خلاف نظریه عمل حقوقی، ایفای تعهد را صرفاً مادی می‌داند که در آن اراده ایفا کننده شرط

نیست و همین که در جهان مادی انجام شد که مصداق تعهد، متعهد است، ایفای تعهد بدون توجه به نیت و قصد متعهد از انجام آن عمل، محقق شده است. برخی نیز ایفای تعهداتی را که مستلزم تملیک یا انتقال حق از سوی متعهد نیستند را واقعه حقوقی دانسته و آن را نیازمند قصد انشاء نمی‌دانند». (بهرامی احمدی، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

برخی دیگر قائل به تفکیک شده‌اند و تعهدات تملیکی را از تعهدات انتقالی جدا کرده و برای هر کدام به صورت جداگانه ماهیتی مستقل مطرح نموده‌اند. به نظر می‌رسد بهترین راه برای تشخیص ماهیت ایفای تعهد همین باشد، زیرا هر تعهدی ماهیت خاص خود را دارد و نمی‌توان تمام تعهدات را از یک منظر بررسی نمود. به ویژه آنکه ایفای تعهد همواره موجب سقوط تعهد نمی‌شود زیرا برخی اوقات ایفای تعهد از طرف ثالث موجب انتقال مال یا منفعت موضوع تعهد از متعهدله به ثالث می‌شود. که در این صورت نمی‌توان به قطعیت گفت ماهیت این تعهد، تملیکی است یا انتقالی و برای آن ماهیت خاصی را مشخص نمود. بنابراین بهتر است تعهدات مختلف را تفکیک نمود و برای هر کدام با توجه به نوع تعهد و منبع آن ماهیتی مستقل در نظر گرفت. بنابراین در ادامه به تفکیک به تعهد قراردادی و غیر قراردادی پرداخته می‌شود.

ایفای تعهد به روش الکترونیک

ایفای تعهد به روش الکترونیکی نیز از نظر سنتی چندان تفاوتی با ایفای تعهد به روش سنتی ندارد، بلکه تفاوت ایفای الکترونیکی با ایفای سنتی در روش ایفا است. یعنی در روش سنتی، متعهدله طبق مطالبی که در قسمت فوق بیان شد، تعهد خویش را ایفا می‌کند اما در روش الکترونیک متعهد به واسطه وسایل ارتباطی الکترونیکی اقدام به ایفا می‌کند. اینگونه ایفا، به مانند انعقاد قراردادهای الکترونیکی تابع تشریفات خاصی نیست و در صورت رعایت کردن شرایط ایفای تعهدات سنتی، متعهد می‌تواند تعهد خود را ایفا نماید.

مقایسه مبانی ایفای تعهد به روش سنتی و به روش الکترونیکی

تعهدات الکترونیکی در برخی موارد با تعهدات سنتی دارای مشابهت است و در برخی موارد، تفاوت‌هایی دارد. از جمله مواردی که در تعهدات الکترونیکی و تعهدات سنتی به صورت مشابه وجود دارد، شرایط ایفای تعهد است. در تعهدات سنتی شرط بر این است که ایفا کننده متعهد دارای اهلیت باشد و همچنین بر موضوع تعهد مالکیت نیز داشته باشد. همین شرایط در ارتباط با

تعهدات الکترونیکی نیز وجود دارد. زیرا در تعهدات الکترونیکی نیز ایفاکننده تعهد باید اولاً دارای اهلیت باشد و ثانیاً مالک آن چیزی به عنوان تعهد ایفا می‌کند نیز باشد. علاوه بر ایفا کنند تعهد، متعهدله نیز باید دارای شرایطی باشد. این شرایط نیز با تعهدات سنتی مشابه است. مهمترین شرط در ارتباط با متعهدله، داشتن اهلیت است، زیرا در تعهدات قراردادی که موضوع بحث پژوهش حاضر است، چنانچه متعهدله اهلیت نداشته باشد، اساساً مجاز به انعقاد قرارداد نیست. البته استثنائاتی نیز وجود دارد و آن این است که در برخی عقود مثل عقد هبه، داشتن اهلیت برای متعهدله شرط نیست. این نوع عقود نیز موضوعاً از بحث پژوهش حاضر خارج است، زیرا این نوع قراردادها به ندرت به صورت الکترونیکی و بین‌المللی منعقد می‌شود. علاوه بر این موضوع تعهد نیز باید دارای شرایطی باشد. مهمترین شرط موضوع تعهد، یکسان بودن موضوع تعهد ایفا شده و موضوع تعهد توافق شده در قرارداد است. چنانچه موضوع تعهد ایفا شده با موضوع تعهد توافق شده در قرارداد کاملاً یکسان و مشابه نباشد، متعهدله می‌تواند از پذیرفتن آن امتناع ورزد.

یکی دیگر از موارد مهمی که در رابطه با ایفای تعهدات الکترونیکی مطرح است، اینکه در حقوق ایران، دو قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیک مبنای قانونی این تعهدات به شمار می‌روند. البته باید توجه داشت که قانون مدنی، مقرر اختصاصی در ارتباط با تعهدات الکترونیکی ندارد بلکه فقط مواردی را که تعهدات الکترونیکی با تعهدات سنتی مشابه هستند، پوشش می‌دهد. لیکن قانون تجارت الکترونیک قانونی اختصاصی است که به صورت ویژه به بررسی مقررات راجع به تعهدات الکترونیکی و ایفای تعهدات می‌پردازد.

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌هایی که در ارتباط با عقود وجود دارد بر مبنای لزوم قبض است. به عبارت دیگر در برخی از قراردادها لازمه ایفای تعهد، قبض متعهدله است و چنانچه متعهدله موضوع تعهد را قبض نکند، هرچند متعهد آن را ایفا کند، هنوز ایفا به طور کامل صورت نگرفته و ذمه متعهد بری نشده است. در برخی دیگر از عقود قبض متعهدله شرط نیست و صرف ایفای تعهد از جانب متعهد، کفایت براءت ذمه وی را می‌کند. این قاعده در تعهدات الکترونیک و ایفای الکترونیک تعهدات نیز مطرح است. چنانچه قبلاً بیان شد، تعهدات الکترونیک برآمده از عقود الکترونیک هستند و عقود الکترونیک نیز نوع خاصی از عقد نیست بلکه هر عقدی که به شیوه الکترونیکی منعقد شود، با این عنوان شناخته می‌شود، بنابراین در تعهدات الکترونیکی نیز به مانند تعهدات سنتی در عقود که قبض متعهدله شرط است، صرف ایفای تعهد، سبب براءت ذمه متعهدله نمی‌شود بلکه باید موضوع تعهد، مشخصاً به قبض متعهدله داده شود تا تعهد ایفا شده

تلقی شده و ذمه متعهد بری شود و در عقود که قبض شرط نیست، صرف ایفای تعهد می‌تواند برائت ذمه متعهد را حاصل نماید.

یکی از شروط قابل توجهی که در ارتباط با ایفای تعهد وجود دارد، شرط مباشرت است. شرط مباشرت به این معناست که گاهی در قرارداد شرط می‌شود که متعهد، شخصاً موضوع تعهد را ایفا نماید. در این صورت ایفای موضوع تعهد از جانب شخص ثالث پذیرفته نیست. لیکن در برخی دیگر از قراردادها شرط مباشرت وجود ندارد و بیشتر از آنکه شخص ایفا کننده مد نظر باشد، ایفای تعهد در مرکز توجه قرار می‌گیرد. حال این قاعده در ارتباط با تعهدات الکترونیکی نیز وجود دارد. در این گونه تعهدات نیز چنانچه شرط مباشرت وجود داشته باشد، فقط شخص متعهدله باید تعهد را ایفا کند و چنانچه شرط مباشرت وجود نداشته باشد، ایفای تعهد از جانب شخص ثالث نیز پذیرفته است.

مسئله دیگری که در ارتباط با ایفای تعهدات الکترونیکی وجود دارد، بحث نقش و دخالت اراده متعهد در ایفای اینگونه تعهدات است. ایفای تعهد از این منظر به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته نخست، ایفای اجباری تعهد است و دسته دوم ایفای اختیاری. ایفای اجباری در مواردی است که متعهد به هر دلیل از ایفای تعهد امتناع می‌کند و در این صورت توسط مقام قانون حاکم بر قرارداد یا مرجع حل اختلاف توافق شده بین طرفین، اجبار به ایفای تعهد می‌شود. ایفای اختیاری نیز در مواردی است که متعهد با اراده و اختیار خویش بدون دخالت قانون یا مرجع حل اختلاف مبادرت به ایفای تعهد خویش می‌نماید. نکته‌ای که در این ارتباط جلب توجه می‌کند این است که اراده متعهد بیشتر از آنکه در ایفای تعهد مورد توجه باشد در پذیرش تعهد، دارای اهمیت است. به دیگر تعبیر گفته شد که تعهدات برآمده از قرارداد است، بنابراین زمانی که یک شخص طرف یک قرارداد قرار می‌گیرد، به طور ضمنی تعهدات آن را نیز می‌پذیرد و خود را ملزم به ایفای تعهد خویش می‌سازد، بنابراین در زمان ایفای تعهد دیگر اراده و اختیار جایگاه ضعیف‌تری دارد. چراکه وقتی شخصی تعهدی را به عهده می‌گیرد، بر اساس عرف، ملزم به ایفای آن است و اگر از ایفای تعهد سر باز زند. بر اساس قانون، اجبار به ایفای تعهد می‌گردد.

نکته دیگری که در ارتباط با تعهدات الکترونیکی باید بدان توجه کرد، زمان و مکان ایفا تعهدات است. در این مورد نیز تعهدات الکترونیکی از شرایط قرارداد تبعیت می‌کند. چنانچه در قرارداد زمان و اجل خاصی برای ایفای تعهد در نظر گرفته شده باشد، طرفین باید به آن پایبند باشند و در غیر این صورت ایفای تعهد فوری تلقی شده و بلافاصله پس از انعقاد باید صورت گیرد.

نتیجه گیری

در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد، نظرات مختلفی ابراز شده است؛ برخی آن را یک عمل حقوقی می‌دانند، برخی دیگر آن را عمل مادی می‌دانند و برخی دیگر اصولاً ماهیت عمل دوجانبه برای آن قائل نیستند، بلکه آن را ایقاع می‌دانند و قائلند که ایفای تعهد عمل حقوقی یک طرفه است. تفاوت در نظریات مختلف در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد به تفاوت در مبانی و مفاهیم باز می‌گردد. به دیگر تعبیر مبنا و مفهوم عمل حقوقی با ایقاع متفاوت است و همین تفاوت‌هاست که نظریات مختلف در ارتباط با ماهیت ایفای تعهد را به دنبال داشته است.

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه مبانی ایفای تعهد در روش سنتی و روش الکترونیکی است. در این پژوهش نشان داده شده است که ایفای تعهد چه به روش الکترونیک باشد و چه به روش سنتی، یک عمل حقوقی است و به همین مناسبت دارای آثار حقوقی نیز می‌باشد. بدیهی است که یک عمل حقوقی می‌بایست دارای مبنای حقوقی مشخصی نیز باشد. چه آنکه اگر یک عمل فاقد مبنای حقوقی باشد، اصلاً نمی‌توان آن را به عنوان یک عمل حقوقی در نظر گرفت. بنابراین، ایفای تعهد به روش سنتی و به روش الکترونیک، تفاوت در مبنا ندارند بلکه تفاوت آن‌ها در روش ایفا است. البته ممکن است در مصادیق نیز با یکدیگر متفاوت باشند. به تعبیر دیگر در مبنای قانونی ایفای تعهدات الکترونیک، باید به قانون مدنی رجوع نمود، حال آنکه در تعهدات الکترونیک، قانون تجارت الکترونیک، حاکم است. گرچه می‌توان به قانون مدنی نیز رجوع نمود، اما قانون مدنی در این خصوص قانونی عام است و همه تعهدات را شامل می‌شود، در حالی که قانون تجارت الکترونیکی اختصاص به تعهدات الکترونیک دارد و دیگر تعهدات را در بر نمی‌گیرد. در خصوص مبنای فقهی نیز هیچ تفاوتی وجود ندارد، حتی مصادیق نیز متفاوت نیستند. زیرا تعهدات الکترونیک در فقه مسبوق به سابقه نیست و چون پدیده‌ای نوظهور به شمار می‌رود، بنابراین ناگزیر می‌بایست با وحدت ملاک گرفتن، مبانی تعهدات سنتی را مبانی تعهدات الکترونیک نیز محسوب نمود.

منابع

۱. باقری، و همکاران (۱۳۹۷) زمان، مکان و هزینه وفای به عهد، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، ۱۸: ۴۹-۶۴
۲. بجنوردی، محمدحسین (۱۴۱۹) القواعد الفقهیه، قم، انتشارات الهادی، چاپ اول.
۳. حکیم، محمدتقی؛ (۱۳۵۸). الاصول العالم للفقہ المقارن؛ بیروت: مؤسسه آل البيت لطباعه و النشر
۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲) منهاج الصالحین، ج ۲، بیروت، دار البلاغه.
۵. السنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۲) حقوق تعهدات، جلد اول، ترجمه محمدحسین دانش کیا و سید مهدی دادمرزی، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
۶. شهیدی، م (۱۳۷۰) سقوط تعهدات، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۲۷۸ صفحه
۷. قربان وند، محمدباقر. (۱۳۸۹). زمان و مکان تشکیل قرارداد الکترونیکی. پژوهش حقوق عمومی. ۱۲(۱)، ۲۹-۳۰.
۸. کاتوزیان، ن (۱۳۷۴) نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر یلدا، ۶۵۰ صفحه
۹. محسنی مقدم، ر (۱۳۸۹) بررسی اسناد تجارت الکترونیکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات.
۱۰. مشاک زاده، ع، حیدری، ح (۲۰۱۶) مطالعه تطبیقی شکل گیری ماهیت و آثار تعهدات قراردادهای الکترونیکی در ایران و حقوق بین الملل، کنفرانس جهانی افق های جدید در علوم انسانی، مطالعات آینده و توانمندسازی. امارات متحده عربی، ۲۸ ژانویه
۱۱. مشکینی، علی (۱۳۷۱) اصطلاحات الاصول، قم نشر الهادی، چاپ پنجم.

تحلیل کیفری منازعه دسته جمعی با چشم اندازی به قانون جرایم نیروهای مسلح

سید مجتبی احمدی شیخ شبانی*

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۲/۲	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۲/۸	شماره صفحه : ۵۴-۲۶
--------------------	-------------------------	------------------------	--------------------

جایگاه ویژه برخی از گروه‌های شغلی امروزه در بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا با عث شده که، مقررات ویژه‌ای برای حمایت از آنها پیش بینی شود، اصل این حمایت‌ها به شایستگی از امنیت حرفه‌ای و سلامت خاطر کارکنان آنها حمایت می‌کند. نیروهای مسلح نقش بسزایی در کنترل و پیشگیری از انحرافات در سطح اجتماع برخوردارند آنها به لحاظ گستردگی مأموریتها و در راستای انجام وظایف خود و برخورد با افراد مختلف، تحت تاثیر واکنش سریع جهت کنترل محیط بایستی مجرمین را به زور تحت کنترل خود در آورند که ممکن است در این بین خسارتهای جسمی و مالی به افراد تحت تعقیب یا دیگر شهروندان وارد گردد. بنابراین می‌باید از اقدامات قانونی که در راستای انجام وظیفه و استقرار نظم و امنیت جامعه بوده حمایت کرد تا ترس از تعدیات و همچنین مورد مواخذه قرار گرفتن در مقابل اقدامات خویش، نیروهای مسلح را از وظایف خود دور نسازد، ازسوی حمایت از نیروهای نظامی با حقوق شهروندی تعارضی ندارد و آنها ملزم به انجام تکالیف در حیطه قانون می‌باشند. به این منظور حقوق نیروهای مسلح برای آنها مصونیتی ایجاد نمی‌کند بلکه کلیه اقدامات آنها باید در قانون پیش بینی و محدود شود این درحالی است که با جستجو در قوانین کشور مشخس می‌شود قانونگذار حق و تکلیف نیروهای مسلح و مهمتر از آن حقوق و تکالیف این نیروها در منازعات مسلحانه را به طور صریح در قانون م.ا. ذکر نکرده

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

و تنها ماده ۶۱۵ ق. م.ا به بیان منازعه پرداخته است. به همین خاطر مقررات ویژه‌ای برای برخورد با منازعات مسلحانه در قوانین جاری کشور وجود ندارد. شایسته است قانون گزار محترم نسبت به تشدید مجازات منازعین مسلح و پیش بینی مواد جدید قانونی گامی موثر در اجرای عدالت بردارد. هدف از این تحقیق، تعیین رابطه حقوق و تکالیف نیروهای مسلح کشور در حین منازعات مسلحانه می‌باشد، این تحقیق از نظر هدف، کاربردی، از نظر نوع، توصیفی است. داده‌ها و اطلاعات تحقیق به صورت کتابخانه‌ای به دست آمده است.

کلید واژه‌ها: حق، تکلیف، نیروهای مسلح، منازعه، سلاح

مقدمه و بیان مساله :

منازعه و درگیری قومی خاستگاه‌های متفاوت، کهن وفطری اجتماعی دارند. شدت وحدت درگیریها تاحدزیادی به ساختار روابط بستگی دارد. نقش دولت، عامل مهم پیش بینی کننده شدت درگیری است: دولت یا برفراز درگیری قرار می‌گیرد و بین آنها میانجی‌گری میکند یا خود به عنوان یک گروه، قدرت خویش را به زیان دیگر گروه‌ها بکار می‌گیرد مطالعه منازعات و بررسی شیوه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی در خصوص آنها در نظام جهانی پیچیده کنونی از جهات متفاوت حائز اهمیت است. شناخت و درک ریشه‌ها و علل بروز و ظهور منازعات، انواع منازعات و تبعات و پیامدهای آن از یک سو و همچنین شناسایی راه‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی در مواجهه با منازعات از سوی دیگر، می‌تواند در جلوگیری از بروز منازعات و به حداقل رساندن آثار منفی آنها یاری رساند. از طرفی داشتن نیروهای مسلح امری بدیهی برای همه نظام‌های سیاسی بوده و هست. نظام اسلامی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده، بلکه نیازمندی آن به وجود نیروهای مسلح بیشتر است. در این تحقیق سعی شده است به طور مختصر قسمتی از حقوق نیروهای مسلح از منظر منابع دینی یعنی قرآن و روایات و سیره و نیز منابع قانونی در منازعات مسلحانه داخلی روشن گردد همچنین در برابر آن، مجموعه تکالیفی را که نیروهای مسلح در برخورد با کسانی که با نزاع دسته جمعی باعث ایجاد ناامنی در سطح اجتماع شده واز جامعه اسلامی در سطح داخلی و مهم‌تر آن در سطح بین الملل سلب امنیت می‌نماید، و گاهی باعث دخالت بیگانگان در امور داخلی جامعه اسلامی می‌شوند بر عهده این نیروهاست بررسی نماییم. برخورداری از نیروهای مسلح در همه نظام‌های سیاسی دنیا، از گذشته تا اکنون، از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار بوده است. امروزه، نظریه پردازان روابط بین الملل، جملگی براین نظرند که برخورداری هر نظام و حاکمیتی

از آمادگی نظامی که در سایه وجود یک سازمان نظامی توانمند آن کشور و نظام است. « قدرت ملی » حاصل می‌آید، از عناصر کلیدی از طرفی بیشتر دولتها، وجود نیروهای مسلح را پیش نیازی برای بقای ملی خود قلمداد می‌کنند و قرائن نیز گواهند که جایگزینی برای رفع نگرانیهای ناشی از چگونگی مدیریت حکومت بدون وجود نیروهای نظامی غیر قابل پیش بینی است. نظام اسلامی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه چون اهداف و آرمانهایش با دشمنان داخلی و خارجی متعددی رو به رو است، نیازمندی اش به نیروهای مسلح قوی و توانمند بیش از سایر نظامها است. هر چند حقوقدانان کیفری جرم منازعه را در قالب جرایم علیه اشخاص مورد بررسی قرار داده اند اما باید آن را در در زمره جرایمی علیه اشخاص به حساب می‌آورند که بزه دیده محسوس و اولین آن امنیت و آسایش عمومی می‌باشد. چه آنکه مقصود، حفظ امنیت و برقراری نظم و آرامش در جامعه است و هدف از جرم شناختن شرکت در منازعه پیشگیری از وقوع صحنه‌های مجرمانه می‌باشد. در واقع درست است که تحقق جرم منازعه درگرو ارتکاب جرایم علیه اشخاص و وارد کردن صدمات بدنی می‌باشد اما آنچه که انگیزه ” باز جرم انگاری ” و ” باز وجود ” آن را از سوی مقنن موجب شده است در درجه اول پابرجایی امنیت و آسایش عمومی است نه حمایت از تمامیت جسمانی اشخاص. (پیغامی، ۱۳۹۱، به نقل از میر محمد صادقی)

لذا به نظر می‌رسد که غرض مقنن در مجازات منازعین جلوگیری از وقوع نزاع‌های دسته جمعی است که بالقوه مخل نظم است نه تعیین مجازا در قبال صدمات بدنی نسبت به اشخاص. ماهیت حقوقی منازعه از نظر عده‌ای از حقوقدانان مصداقی از شرکت در جرم است (پیشین) و از نظر برخی دیگر این جرم گونه‌ای از مباشرت جمعی است نه شرکت در جرم. (جان نثار، ۱۳۹۱، به نقل از شکری) حقوق و تکالیف مربوط به نیروهای مسلح در قانون اساسی، قوانین عادی و آیین نامه‌های انضباطی به دو دسته تقسیم شده است:

دسته‌ای شامل وظایف اختصاصی هر یک از آنهاست. برای مثال، مسائل و مطالب مربوط به ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ساختار سازمانی، وظایف و اختیارات، مأموریتها و سلسله مراتب فرماندهی آنها و رابطه آنها با ستاد فرماندهی کل قوا، در قانون به صورت جداگانه مشخص شده است.

علاوه بر این، برخی مسائل و مطالب مربوط به نیروهای مسلح، کلی است و اختصاص به همه آنها دارد. در این تحقیق تلاش خواهد شد حق و تکلیف نیروهای مسلح در منازعات مسلحانه در قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران را بررسی نموده به نقاط قوت و ضعف آن بپردازیم.

مفهوم شناسی منازعه و شرایط تحقق آن

یکی از واقعیت‌های اجتماعی زندگی این است که تضاد و درگیری در آن بین افراد یک امر غیر قابل اجتناب بوده و ناگزیر در فرایند ارتباط بین افراد در موضوعات مختلف در صورت بروز اختلاف این ارتباط شکل منازعه به خود می‌گیرد. نکته حائز اهمیت در تنش‌های بین فردی این است که وقتی این تنش و منازعه از حالت کلامی به صورت برخورد فیزیکی بین طرفین اختلاف تبدیل می‌شود، تبدیل به یک موقعیت خطرآفرین برای سلامتی طرفین به عنوان اعضای جامعه شده و با افزایش فراوانی و تنوع کیفیت و سطح خطرآفرینی آن نمی‌توان از آن به سادگی گذشت. تا زمانی که رابطه علمی بین انواع رفتارهای پرخطر از نظر نوع، سطح و ماهیت با متغیرهای چون، سن، سطح سواد، وضعیت اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی، تعلقات دینی و محیط اجتماعی، همسالان تبیین نشود به لحاظ علمی توان هیچ گونه انتظاری نسبت به کاهش این رفتارها در جامعه داشت (www.Rasad.org).

منازعه عبارت از تفاوت در نظریات، عدم توافق روی اهداف معین، تقابل دیدگاه‌ها و اختلاف نظرهای مثبت و یا منفی دو و یا چندین شخص است و یا عبارت از عکس العمل مبنی بر عدم توافق بین دو جانب روی یک موضوع و یا اظهار عدم موافقه در مورد یک شی و یا مسئله بوده که این شی یا مسئله برای هر دو طرف منازعه دارای اهمیت می‌باشد. معمولاً منازعات میان افراد، گروه و فرد، گروه‌ها، گروه و ملت‌ها واقع می‌شوند.

در منازعه اگر به اصل مشکل توجه معطوف گردد باعث رشد قدرت توانائی و تحلیل و تشخیص اسباب و اثرات آن گردیده و در نتیجه حقیقت‌ها واضح و حل منازعه آسان می‌گردد، اگر ما بدون در نظر گرفتن ریشه اصلی منازعه در صدد حل آن برآیم و یا اینکه اصل مشکل را در نظر نگیریم به هیچ وجه قادر به حل آن نخواهیم شد. در این فصل به بررسی منازعه از حیث مفهوم، شرایط تحقق، عناصر تشکیل دهنده، انواع آن و سپس علل و اسباب تشکیل دهنده منازعه خواهیم پرداخت. (www.Rasad.org)

مفهوم منازعه

عدم تطابق بین اهداف آشکار و اهداف پنهان را منازعه گویند. برخی اصلاحات رایج که به عنوان منازعه کاربرد دارند عبارتند از: منازعت، مناقرت، مناقره، مشاجره، متارکه، مجالعه، مجادله، مکابره، مخاصمه، محافا، نزاع، ملاحاه، ملاهاه، معانده، مساحله، مشاجره، مماراه، مخالجه، مداعکه،

مراء، متداعی، مکاوحت. اشاره شد که روی آوردن به ضرب و جرح شرکت در منازعه معنی می‌شود، یعنی دست زدن به جرم علیه اشخاص که تبعات حقوقی فراوانی برای افراد به بار می‌آورد. از نظر حقوقی ضرب به صدماتی گفته میشود که از همگسیختگی ظاهری نسوج و خونریزی از بدن را همراه ندارد. پس کسی که در یک نزاع شرکت میکند و موجب ایجاد کبودی، تورم، پیچ خوردن مفاصل و خونمردگی در بدن طرف نزاع میشود از نظر قانون مرتکب ضرب شده است. ضرب معمولاً با دست یا پا با تمام سنگینی بدن یا با استفاده از ابزاری مثل چوب، آهن یا سنگ اتفاق می‌افتد، اما به هر حال ملاک تشخیص آن آسیب ظاهری بدون خونریزی است. در مقابل، جرح به آسیبهایی گفته میشود که با خونریزی ظاهری و بیرونی همراه باشد، مثل وقتی که کسی باعث ایجاد خراشیدگی، بریدگی یا پارگی در بدن فردی میشود. شاید اکثر افراد درگیر در منازعه متوجه نباشند که مرتکب جرح عمدی شده اند، نظر قانونگذار در مورد این دسته از افراد کاملاً واضح است. پس اگر شخصی به قصد قطع یا جرح عضو، به دیگری صدمه بزند مرتکب جرم عمدی شده هرچند که فرد قصد این عمل را نداشته باشد، ولی نوع عمل او طوری باشد که عرفاً منجر به قطع یا جرح عضو شود، این جرم صادق است. هرچند هیچ قصد قبلی برای قطع یا جرح عضو فرد مصدوم نداشته اند، اما نوع وسیله‌های که از آن برای انجام این کار استفاده کرده منجر به چنین نتیجه‌ای شده است. اما گاهی اوقات فردی که مرتکب جرح عمدی شده نه قصد چنین کاری داشته و نه وسیله‌ای که از آن استفاده کرده یا نوع عمل او باعث بروز صدمه شده، بلکه عمل او نسبت به طرف مقابل به واسطه پیری، بیماری، ضعف جسمانی یا سن کم مصدوم منجر به قطع یا جرح عضو شده درحالی که صدمه زننده از این موضوع باخبر بوده است.

شرایط تحقق منازعه

برای تحقق جرم منازعه وجود چند شرط لازم به نظر می‌رسد: طرفینی بودن زد و خورد؛ لزوم عده؛ وحدت زمان و مکان؛ وقوع نتایج مذکور در بندهای سه گانه ماده ۶۱۵ ق. م ذکر شده است.

طرفینی بودن زده و خورد

منظور از طرفینی بودن نزاع یعنی هر دو طرف در زد و خورد مشارکت کنند. (بنائیان، ۱۳۹۲) ثمره این شرط این است که اگر در یک درگیری چند نفر به چند نفر دیگر حمله نمایند و آنها را مورد ضرب و جرح قرار دهند و دسته دوم فقط از خودشان دفاع نمایند مشمول باب منازعه

نخواهد بود، چون یک طرف و طرف دیگر خورده است و لذا این فرض مشمول مشارکت در ایراد ضرب و جرح است نه منازعه. یعنی آنکه افراد حاضر در منازعه هم صدمه بزنند و هم صدمه ببینند. (پاد، ۱۳۸۵)

لزوم عده برای صدق عنوان منازعه

منازعه رفتاری است متقابل و دو جانبه بین عده‌ای مشخص و مستلزم آن است که هر دو طرف در عین حال هم فاعل و هم طرف فعل واقع شوند. (آقایی نیا، ۱۳۸۷)

قانونگذار در ظاهر ماده ۶۱۵ گفته است هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند و قید نکرده هرگاه عده‌ای با عده دیگر منازعه نمایند؛ مفهوم تبصره ۱ ماده ۶۱۵ این است که یک طرف منازعه میتواند شخص واحد باشد، اگر اقدامش دفاع مشروع نباشد.

یکی از لوازم پایداری حاکمیت قانون مدار این است که قوانین باید از وضوح و شفافیت کافی برخوردار باشند. (حبیب زاده، توحیدی فرد، ۱۳۸۶) قانونگذار مجازات اسلامی در ماده ۶۱۵ بدون اینکه صراحتاً به تعداد مداخله کنندگان در منازعه اشاره داشته باشد صرفاً با به کار بردن قید “عده ای” این مسئله را بسان اغلب موضوعات دیگر با ابهام بیان کرده و همین عدم تصریح در بیان باعث به وجود آمدن اختلاف نظرهایی در بین اساتید فن گشته است. برخی از حقوقدانان معتقدند شرکت در منازعه زمانی محقق می‌شود که شرکت کنندگان حداقل سه نفر باشند زیرا کلمه عده ای ظهور در آن دارد. (زراعت، ۱۳۸۶) برخی دیگر از حقوقدانان برین عقیده اند که برای تحقق جرم منازعه حضور بیش از سه نفر ضروری است. (گلدوزیان، ۱۳۹۰) بر اساس این دیدگاه برای اینکه جرم منازعه واقع شود لازم است که حداقل چهار نفر (و نه سه نفر) در نزاع دخالت داشته باشند. به نظر می‌رسد منظور از عده ای در ماده ۶۱۵ همان سه نفر باشد چه در غیر این صورت قانونگذار باید از واژه “جماعتی” استفاده می‌نمود. کما اینکه مقتن در ماده ۶۸۳ برای ذکر منظور این چنین کرده و لفظ جماعتی را به کار برده است. به موجب ماده ۶۸۳ ق.م.ا: “هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال واجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.” با توجه به این ماده قانونگذار برای دخالت بیش از سه نفر در ارتکاب جرم از قید جماعتی بهره جسته است و این قید ظهور در دخالت بیش از چهار نفر در ارتکاب جرم دارد. اداره حقوق قوه قضائیه هم در نظریه شماره ۷/۳۵۵۳ مورخ ۱۳۷۵/۲/۱۸

عنوان کرده است که: منظور از کلمه عده ای مذکور در ماده ۶۱۵ ق.م.ا سه نفر یا بیشتر است (حسینی، ۱۳۸۵) بنابراین چنانچه منازعه ای با دخالت حداقل دو نفر رخ دهد و دو نفر با یکدیگر به زد و خورد بپردازند هر چند نزاع میان آنها منتهی به کشته یا زخمی شدن یکی از آن دو گردد عمل آنها مشمول ماده ۶۱۵ ق.م.ا نمی باشد. (حسین جانی، ۱۳۸۲) نکته دیگری که باید بدان توجه کرد اینکه شخصیت مرتکبین موثر در مقام نبوده و روابط خویشاوندی و فامیلی تحقق جرم منازعه را منتفی نخواهد کرد (<http://www.iranprisons.ir>)

شرط وحدت زمان و مکان

صدمات بایستی در اثنای منازعه یعنی از زمان آغاز تا پایان منازعه محقق بشود به عبارت دیگر ضرب و جرح یا نقص عضو یا قتل بایستی در این فاصله صورت بگیرد. در عین حال ممکن است نتیجه صدمه پس از پایان منازعه محقق گردد مثلاً در حین منازعه چوبی به سر دیگری زده شه یا چاقویی به او زده شود که پس از دو روز پایان منازعه مجروح در اثر آن صدمات بمیرد. آیا در این حالت هم می توان گفت که منازعه مذکور منتهی به قتل شده است. به نظر می رسد چون سبب قتل یعنی همان زدن چاقو یا چوب در حین منازعه واقع شده بایستی منازعه را منتهی به قتل دانست. به تعبیر بعضی از اساتید «اگر در یک چنین فرضی بگوییم چون مرگ در اثنای منازعه نبوده پس عمل منازعین فقط ایراد ضرب و جرح است و نه قتل، با اصول و روح قانون مخالف خواهد بود. زیرا ماده ناظر به ایجاد سبب قتل و صدمه در حین منازعه است و نه الزاماً وقوع ضرب و جرح در آن حین» (پاد، ۱۳۸۵) با این اوصاف در مثال مطروحه عمل منازعین مصداق بند یک ماده ۶۱۵ و نه بند ۳ آن خواهد بود.

پس نزاع دسته جمعی وقتی مصداق پیدا می کند که تمام افراد شرکت کننده همزمان و در یک مکان با هم مشغول منازعه باشند (نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه، ۷/۷۹۷۱) نزاع باید در یک زمان و یک مکان تحقق پیدا کرده باشد تا منازعه صدق نماید ولی اگر در دو محل و در دو مکان باشد ولو اینکه دارای منشاء واحدی باشند، منازعه صدق نمی کند؛ بنابراین در منازعه، تقارن زمان و مکان شرط می باشد.

لزوم وقوع نتیجه در جرم منازعه

جرم ایراد صدمه بدنی در اثنای منازعه یک جرم مقید است. به این معنا که بایستی قتل، نقص عضو یا ضرب و جرحی که در اثر منازعه واقع شود تا این جرم محقق گردد. به همین دلیل یرخی از حقوقدانان این جرم در زمره جرایم مرتبط محسوب کرده اند. (صانعی، ۱۳۸۲) بنابراین حتی اگر منازعین صرفاً به ایراد ضرب ساده نسبت به یکدیگر بپردازند جرم موضوع ماده ۶۱۵ محقق نشده است و حداقل، ایجاد جراحت لازم است. از طرف دیگر این صدمات بایستی ناشی از منازعه باشد. درعین حال تفاوتی نمی کند که صدمات واقع شده ناشی از فعل مستقیم منازعین یا فعل غیرمستقیم آنها باشد.

بایستی صدمات مد نظر بندهای سه گانه ماده ۶۱۵ ق.م.ا یعنی قتل یا نقص عضو یا ضرب و جرح واقع بشود. بنابراین چنانچه نزاع منجر به تخریب یا صرفاً توهین و فحاشی گردد برای تحقق جرم منازعه کفایت نخواهد کرد. در بند ۳ آمده است که « در صورتی که منازعه منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال ». سوالی که ممکن است مطرح بشود اینکه آیا صرف ضرب ساده هم که حد اکثر باعث سرخی، کبودی یا سیاهی بدن بشود کافی است یا الزماً باید جرحی هم واقع بشود تا عمل مشمول این قسمت از ماده بشود.

به نظر می رسد با توجه به واو عطف به کار رفته بین کلمه ضرب و جرح صرف ضرب ساده کافی نیست و الزماً باید جرحی هم واقع بشود بر عکس اگر جرح واقع بشود ضرب هم داخل آن است بنابر این حد اقل آن است که ضرب و جرحی واقع شود و حتی ضرب ساده کافی نیست با این اوصاف اگر در میان منازعین مجروحی نباشد و آنها فقط همدیگر را مورد ضرب ساده قرار داده باشند جرم منازعه محقق نیست.

عناصر تشکیل دهنده منازعه

در این قسمت به تشریح عناصر منازعه میپردازیم، این جرم نیز همچون دیگر جرایم دارای سه رکن اصلی به شرح زیر می باشد :

عنصر قانونی منازعه

عنصر قانونی این جرم ماده ۶۱۵ ق م اسلامی میباشد، که بیان می کند:

(هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند: در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال، در صورتی که منتهی به نقض عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال و در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال. تبصره ۱: در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود. تبصره ۲: مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد).

عنصر مادی

نزاع همچون آشوب و اغتشاش با الفاظ به تنهایی اعم از کتبی یا شفاهی واقع نمی‌شود مگر با عمل (بوشهری، ۱۳۸۷) بنابراین رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم فعل مثبت شرکت در منازعه به فعل عملی و نه لفظی یا نظایر آن می‌باشد. (صادقی، ۱۳۸۸) برای بررسی عنصر مادی منازعه لازم است به تشریح رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه حاصله در منازعه بپردازیم.

لزوم رفتار فیزیکی

همانطور که در ابتدای فصل ذکر شد رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم فعل مثبت به شکل عملی و نه لفظی یا نظایر آن و این جرم مقید به وسیله خاصی نیست و ممکن است صرفاً با استفاده از ضربات دست و پا صورت پذیرد یا از وسایل ساده مثل چوب و سنگ و یا از سلاح گرم استفاده شود. که در این بحث منازعه از نوع مسلحانه آن منظور می‌باشد.

همچنین عمل نزاع کنندگان باید در تقابل و در زمان و مکان واحد از لحاظ عرفی باشد. که شرط علنی بودن، موجب خروج برخی از مصادیق جرم از شمول کلی آن می‌گردد لذا وجود چنین شرطی، منوط به تصریح قانون می‌باشد و در متن ماده حاضر نیز چنین قیدی دیده نمی‌شود.

شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم منازعه

شرط تحقق شرکت در نزاع دسته جمعی، نامعلوم بودن نحوه و کیفیت فعل مجرمانه افراد حاضر در منازعه است؛ زیرا اگر بتوان مرتکب اصلی را شناخت با او در حدود مواد راجع به ضرب و جرح عمدی رفتار خواهد شد علاوه بر لزوم تحقق جرم منازعه، ضرورت مداخله عده‌ای در منازعه است

واژه عده‌ای که در ماده ۶۱۵ اشاره شده به گفته قول اشهر حقوقدانان جزایی و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شامل سه نفر و بیشتر میشود. مهم، اثبات اصل مداخله در نزاع است فارغ از اینکه مداخله وی منجر به نتیجه خاص شده یا نشده باشد همچنین احراز رابطه علیت بین صدمه و منازعه، ضرورت دارد بطوری که اگر منازعه نبود صدمه‌های هم وارد نمیشد. لازم به ذکر است که اگر یکی از شرکت کنندگان در نزاع، دارای علل رافع مسولیت کیفری باشد، تاثیری در کاهش تعداد منازعین و خروج امر از شمول ماده ۶۱۵ ندارد. آنچه را که در مورد احتساب فرد برخوردار از یکی از عوامل رافع مسولیت در تعیین تعداد منازعه کنندگان گفتیم، در علل موجهه جرم صادق نیست. پس هرگاه یکی از سه نفر در حال دفاع مشروع باشد، علاوه بر این که عمل خود وی به موجب تبصره ۱ ماده ۶۱۵، مشمول ماده نخواهد بود، عمل دو نفر دیگر نیز به دلیل نرسیدن به حد نصاب (سه نفر) نمی‌توان جرم منازعه دانست. www.pajoohe.com

نتیجه حاصله

شرکت در قتل یک جرم مطلق نیست بلکه تحقق آن منوط به حصول و مقید به نتیجه است و این نتایج با عناوین قتل، نقض عضو یا جرح و ضرب در ماده ۶۱۵ بیان شده است. گفتنی است که صرف تحقق یکی از نتایج سه‌گانه مذکور در ماده ۶۱۵ کافی نیست، بلکه این نتایج باید ناشی از منازعه باشد؛ به عبارت دیگر وجود رابطه سببیت بین منازعه و نتایج مذکور ضروری است. نتایج مذکور باید در صحنه منازعه رخ دهند تا مشمول ماده ۶۱۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی شوند اما اینکه این نتایج علیه نزاع‌کنندگان یا علیه کسانی که بدون دخالت در نزاع وارد صحنه شدند، اتفاقی بیفتد، تفاوتی از ناحیه شمول ماده نمی‌کند که منطبق با رای دیوان عالی کشور است. (رای شماره ۳۱۴ مورخ ۱۳۱۸/۲/۲۲ دیوان عالی کشور) با توجه به عبارت «منتهی شود» در متن ماده می‌توان گفت که نتایج، محدود به آنچه در صحنه درگیری به وجود آمده، نیست بلکه نتایجی نیز که سبب آن، حین نزاع ایجاد شده است، به عنوان نتایج ناشی از منازعه تلقی خواهد شد. (باشگاه خبر نگاران جوان، ۱۳۹۳).

در صورت عدم تحقق این نتایج، حتی اگر منازعه به نتایجی مثل هتک حیثیت یا اخلاف در آسایش عمومی منتهی شود، مورد مشمول ماده ۶۱۵ نخواهد شد، ولی ممکن است تحت شمول مواد ۶۱۷ و ۶۱۸ از قانون تعزیرات شود. با توجه به ضابطه مقرر در ماده ۴۱ ق م اسلامی شروع به منازعه جرم تلقی نمیشود زیرا مقنن به جرم بودن آن تصریح نکرده است. (معاونت

حقوقی مجلس به نقل از روزنامه حمایت، سه شنبه - ۱۳۹۳/۱۱/۲۸/س)

عنصر روانی

عنصر روانی یا معنوی منازعه سوء نیت عام و تعدد در شرکت در منازعه لازم است یعنی باید به صورت عمد وارد منازعه شوند که اگر در این حالت به طور غیر عمد یکی از نتایج مشمول ماده ۶۱۵ از ناحیه شخص سر بزند باز مشمول ماده ۶۱۵ ق م اسلامی میشود. ماهیت حقوقی منازعه از نظر عده‌ای از حقوقدانان مصداقی از شرکت در جرم است ۷۶ و از نظر برخی دیگر این جرم گونه‌ای از مباشرت جمعی است نه شرکت در جرم (شکری، ۱۳۹۰)

مصداق شناسی منازعه

مستر همفر جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی در خاطرات خود ضمن طبیعی دانستن نزاعها در میان بشر انواع نزاع را تحت عنوان‌های، نزاع سیاه و سفید، نزاع‌های قبیله‌ای، نزاع‌های اقلیمی، نزاع‌های ملی و نزاع‌های مذهبی آورده است. (کاظمی، ۱۳۸۰) برخی نیز منازعه را به سطحی، پوشیده و آشکار تقسیم کرده اند. (خبرگزاری رشد، ۱۳۹۱)

منازعه سطحی

عبارت از منازعه ایست که ریشه عمیق نداشته و علت آن سوء تفاهم بین جوانب منازعه در مورد یک مسئله می‌باشد. و این نوع منازعه بوسیله افهام و تفهیم و در تقابل بین جوانب منازعه حل و فصل می‌گردد.

منازعه پوشیده یا مخفی

عبارت از منازعه ریشه دار بوده و اگر بطور مؤثر به آن رسیدگی نشود هر لحظه امکان آن می‌رود که به منازعه آشکار تبدیل گردد.

منازعه آشکار یا باز

این نوع منازعه ایست که دارای اسباب و اثرات واضح و آشکار می‌باشد. با توجه به ریشه‌ها و علل موجوده و شرایط و موقعیت‌های مختلف، منازعات ممکن است دارای ماهیتی خشونت‌آمیز

یا مسالمت‌آمیز، آشکار یا نهان، کنترل پذیر یا کنترل ناپذیر، قابل حل یا غیرقابل حل باشند. بنابراین، منازعه لزوماً به صورت خشونت‌آمیز تجلی و ظهور نمی‌کند. از این رو امروزه بسیاری سیاست را هنر کارگردانی منافع متعارض و متضاد تعریف می‌کنند که فرایندی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات مختلف است. (دوئرتی، جیمز؛ و فالتزگراف، رابرت، ۱۳۷۶، ترجمه علی رضا، طیب)

در یک تقسیم‌بندی دیگر منازعه به مسلحانه و غیر مسلحانه تقسیم می‌گردد. که در تحقیق منظور ما نوع مسلحانه آن است که سعی می‌شود مورد بررسی قرار گیرد.

منازعه مسلحانه

منظور از این نوع منازعه، منازعه‌ای است که در آن از سلاح استفاده شود. سلاح در قانون اصلاح موادی از قانون ۱۳۷۵ چنین تعریف شده است.

ماده ۱- تبصره زیر به بند (۳) ماده ۶۵۱ الحاق می‌گردد.

تبصره - منظور از سلاح مذکور در این بند موارد ذیل می‌باشد:

۱- انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.

۲- انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس.

۳- انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.

۴- انواع اسلحه شکاری شامل تفنگهای ساچمه‌زنی، تفنگهای مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی. (hoghghfarda.blogfa.com)

منازعات مسلحانه بر اساس دامنه گسترش و طرفهای درگیر در منازعه به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

منازعات مسلحانه بین المللی

برای این نوع منازعه دو حالت زیر مفروض است. حالت اول زمانی است که منازعین، نیروهای مسلح مخالف متعلق به دویاچند دولت باشند. و وضعیت جنگی اعلام شده باشد، حتی اگر هیچ

فعالیت نظامی صورت نگیرد.

حالت دوم زمانی است که نیروهای مسلح دولتی، سرزمین دولت دیگر را اشغال کرده باشند حتی بدون مقاومت

منازعات مسلحانه داخلی

منظور منازعاتی (مخاصمات) که در داخل سرزمین یک دولت رخ داده و نیروهای مسلح دولت دیگر در عملیات شرکت نداشته باشند. برای این نوع منازعه چهار حالت قابل تصور است.

منازعه غیر مسلحانه

در این نوع از منازعه برخلاف مورد قبل ایجاد ضرب و جرح بدون استفاده از سلاح صورت می گیرد.

علل و اسباب منازعه

نتایج به دست آمده حاکی از تاثیر معنی دار مثبت و همچنین متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم گرایی» و «تجربه عینی نزاع» و همچنین تاثیر معنی دار میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع می باشد. (نظری، امینی فسخودی، ۱۳۸۷) معلومات، برخوردها، ارتباطات و تعاملات، ارزشها و مقدسات، ساختار نظام، منافع و خواسته ها در شکل گیری منازعات نقش به سزای دارند.

منازعات روی روابط یا مناسبات

اغلب این نوع منازعات توأم با «منازعات روی نقش ها» دیده شده است. منازعات روی روابط همواره در مراحل ابتدائی پروژه ها هنگامیکه اعضای مختلف تیم در حال تنظیم روابط ذاتی هستند، واقع می شود. البته انواع مختلف منازعات میتواند در حالات مختلف بروز نماید. در این نوع طرفین در جریان جروب بحث، احساسات منفی درمقابل یکدیگر پیدا می کنند و وقتی میتواند حل گردد که شفافیت در مورد علت منازعه وجود داشته باشد مشروط بر اینکه هر دو طرف وسعت نظر داشته باشند.

منازعات روی ارزشها

ارزش ها یک سیستم منظم و ترجیح یافته است که مشتمل بر دسته بندی های اصولی و اخلاقی

است که یک جامعه یا یک فرد دارا می‌باشد. ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های زیبا شناسی و ارزش‌های اصولی یا تعلیمی نمونه‌ای از ارزش‌ها هستند. افراد دارای یک سلسله ارزش‌های اساسی اند که در سیستم اعتقادات باطنی، نظریات و طرز فکروشان داخل است، در جامعه ارزش‌ها بین اعضای آن مشترک می‌باشد. اکثرا افراد دارای ارزش‌های بخصوص خود هستند که این ارزش‌ها در مطابقت با ارزش‌های فرهنگی شان قرار دارد. هنگامی که یک تعداد افراد ارزش‌های خلاف ارزش‌های اجتماع شان را داشته باشند منازعه بروز خواهد کرد.

منازعات روی اعتقادات

از لحاظ روان شناسی عقیده یک حالت روانی است که نتیجه طرز تفکر مشخص می‌باشد. اعتقادات اینگونه تعریف شده است «متقاعد شدن در مورد صحت یک قضیه» اعتقادات از طریق ادراک، تعمق و افهام و تفهیم بدست می‌آید.

اعتقادات در صورتیکه دربرگیرنده ادعاها و یا توقعات در مورد واقعیت باشد، پیشنهادی تلقی می‌شود. اعتقاد می‌تواند صحیح و یا غلط باشد مگر افراد ممکن اعتقادات خود را تغییر بدهند. بعضی فکر می‌کنند که یک تعداد راه‌های حل مشکلات بهترین نوع آن است اما وقتی که وی راه حل بهتری برای حل آن مشکل پیدا می‌کند، اعتقاد خود را تغییر می‌دهند گاهی منازعه بر اثر تعارض در اعتقادات طرفین ایجاد می‌شود.

منازعات بر اثر ذهنیت

طرز فکر در حقیقت نتیجه ارزش‌ها و اعتقادات ذکر شده در قسمت قبل می‌باشد. ممکن است اشخاص در مورد یک موضوع طرز فکر دوگانه داشته باشند یعنی دارای طرز فکر مثبت و منفی باشند.

روانشناسان ذهنیت را بعنوان یک مفهوم اساسی بکار می‌برند، ذهنیت یا طرز فکر می‌تواند به شکل مثبت و منفی بروز نماید مانند طرز فکر در مورد اشخاص دیگر، سلوک‌های معین و یا وقایع. احساسات شدید منفی در مقابل اشخاصی که دارای عملکرد و طرز فکر متفاوت می‌باشند.

ارزش‌ها، سیستم‌های روانی اعتقادات است و طرز فکر باعث ایجاد هیجانات مشخص می‌گردد که بالاخره طرق مخصوص سلوک را ایجاد مینماید. همین که عمل و عکس العمل در باره بعضی چیزها نشان می‌دهیم نمایان گر تمایل ذهنی و قلبی ما است به هر صورت طریقه عمل

و عکس العمل ما نشان دهنده و يا زمينه براي تقويت تفكرات و احساسات قبلي ما است. اين نکته مي تواند جنجال برانگيز باشد و باعث ايجاد احساسات شديد منفي در برابر ديگران گردد. احساس منفي درمورد ديگران طبعاً باعث عصبانيت خواهد شد و اكثر اوقات باعث ايجاد منازعات مي گردد. اين نوع احساسات ما در برابر ديگران باعث حس خود خواهي در آنان خواهد شد كه مي تواند سبب منازعه گردد.

نتيجه گيري و پيشنهاها

تكليف نيروهاي مسلح جمهوري اسلامي ايران در برخورد با منازعات مسلحانه متفاوت مي باشد درحالي كه از حقوق يكساني برخوردارند بدین معنی كه منازعات مسلحانه مطابق شرح وظايف نيروي انتظامي كه ذكر شد و در ذيل هم خواهد آمد از وظايف نيروي انتظامي مي باشد. در شرح وظايف اين نيرو كه در قوانين مدون كشور آمده ((استقرار نظم و امنيت و تامين آسايش عمومي و فردي)) و همچنين ((انجام وظايفي كه بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائيه به عهده نيروي انتظامي محول است از قبيل: مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منكرات و فساد، پيشگيري از وقوع جرم...)) قيد شده، ملاحظه مي شود نيروي انتظامي به عنوان ضابط عام قضايي مسئول ايجاد نظم و امنيت و تامين آسايش عمومي و فردي در داخل كشور مي باشد. از طرفي گفتيم منازعات مسلحانه جزء جرايم عليه اشخاص ذكر شده است نه جرايم عليه امنيت عمومي، با اين حال چه بسا منازعاتي كه به دليل عدم كنترل به موقع، توسعه يافته و به بحران ملي، منطقه اي تبديل شوده همين منظور قانونگذار در ماده ۲ قانون راجع به تعيين وظايف تشكيلات شوراي امنيت كشور مصوب ۱۳۶۲ ضمن تعيين اعضاي شوراي امنيت كشور، حفظ و برقراري امنيت داخلي كشور را باهماهنگي وزارت كشور به ارتش و سپاه واگذار مي كند. كه به نظر مي رسد اين مصوبه مجوز حضور اين نيروها در كنترل جرم منازعات مسلحانه به عنوان تهديد كننده امنيت داخلي محسوب مي گردد.

گرچه وظيفه ابتداي نيروهاي مسلح، جلوگیری از شكل گيري منازعات از طريق پيشگيري انتظامي با روش هاي اشراف اطلاعاتي بر نقاط مستعد و جرم خيز مي باشد اما در برخي از موارد منازعه از اين مرحله عبور نموده نياز به حل و فصل آن مي باشد.

در حل منازعات اولين قدم شناسائي نوع منازعه سپس تجزيه و تحليل، استراتژي حل آن

را با در نظر داشت نوع انتخاب می‌شود، از مهمترین وظایف نیروهای مسلح در منازعات شناسائی و تجزیه و تحلیل و اجرای طرح حل منازعات است.

با جستجو در قوانین مدون کشور مشخص می‌شود قانونگذار حق و تکلیف نیروهای مسلح و مهمتر از آن حقوق و تکالیف این نیروها در منازعات مسلحانه را به طور صریح در قانون م. ا. ذکر نکرده و تنها ماده ۶۱۵ ق. م. ا. به بیان منازعه پرداخته است. به همین خاطر مقررات ویژه‌ای برای برخورد با منازعات مسلحانه در قوانین جاری کشور وجود ندارد. با توجه به اینکه جرم منازعه مسلحانه نیز به گونه‌ای برهم زننده نظم و امنیت جامعه می‌باشد و در مواردی چون با ایجاد زمینه نفوذ بیگانگان در امور داخلی کشور از جامعه سلب استقلال می‌کنند شایسته است قانون گزار محترم نسبت به تشدید مجازات آن و پیش بینی مواد جدید قانونی گامی موثر در اجرای عدالت بردارد.

پیشنهاها

۱- با توجه افزایش منازعات به عنوان رفتاری پر خطرو به منظور افزایش سلامت رفتاری و جسمی افراد و کاهش اثرات سوء توسعه کمی و کیفی این رفتارها در جامعه، پیشنهاد می‌شود یک برنامه علمی و بلند مدت در سطح ملی در خصوص شناسایی، مطالعه، پیشگیری و اصلاح انواع رفتارهای پرخطر با حضور صاحب نظران روانشناسی، علوم تربیتی، جامعه شناسی و حقوقدانان با همکاری موسسات دولتی و خصوصی تدوین و اجرا گردد.

۲- در منازعاتی که مرتکب اصلی صدمات آنها مشخص نیست، پس از سقوط قصاص نوبت به دیه میرسد، اما تکلیف مسئول پرداخت دیه و روش تعیین آن مشخص نشده است. مسئولیت بیت المال، تعیین مسئول از طریق قسامه، تعیین مسئول از طریق قرعه و تقسیم مسئولیت بین متنازعین چهار طریقی است که بوسیله حقوقدانان و فقها ارائه شده است به این خاطر به نظر می‌رسد تعیین مسئول جبران خسارت در منازعاتی که مرتکب اصلی صدمات در آنها مشخص نیست، از مباحث گنگ قانون مجازات اسلامی است. صدور آرا و نظریات متفاوت از سوی مراجع رسمی و نیز اختلاف نظر فقها و حقوقدانان مؤید این مطلب است. در تقسیم علی السویه دیه، دو راه حل مطرح شده در فقه و حقوق است. اما به نظر میرسد توسل به توزیع دیه با روح قوانین و احساس عدالت سازگارتر است؛ ضروری است قانونگذار نظر خود را در این خصوص صریحاً اعلام کند تا از تشتت آرا و تضییع حقوق افراد جلوگیری شود.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود. (۸۰-۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۲. آشوری، محمد. (۱۳۸۰). آیین کیفری. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۳. آقای نی، حسین. (۱۳۸۷). جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات). تهران: انتشارات میزان.
۴. آقای نی، حسین. (۱۳۸۷). حقوق کیفری اختصاصی. جرایم علیه اشخاص. تهران: انتشارات میزان.
۵. آنتونی پ. و. راجرز پل مالرب. (۱۳۸۲). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه. ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۶. ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۰). حقوق اداری ایران. تهران: انتشارات توس.
۷. اخوت، محمد علی. (۱۳۸۸). بررسی قانون به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح. تهران: انتشارات اندیشه.
۸. اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات میزان.
۹. اعظمی، علی اصغر. (۱۳۸۶). تمرد نسبت به مامورین دولت. تهران: انتشارات ارجمند.
۱۰. امامی، حسن. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۱. بارانی، محمد. (۱۳۸۶). روش تدریس کاربرد قانونی سلاح. تهران: انتشارات معاونت آموزشی نیروی انتظامی.
۱۲. بسامی، مسعود. فرهنگ، مجتبی. (۱۳۹۴). بررسی مفهوم سلاح در فقه و حقوق کیفری ایران، ماهنامه حقوقی، فرهنگی و اجتماعی. شماره ۱۱۲. ص ۸۶.
۱۳. بلوچ، غلام رضا. (۱۳۷۹). فرهنگ مصور فارسی. تهران: انتشارات اسرار دانش.
۱۴. بوشهری، جعفر. (۱۳۸۷). اصول و مسایل. تهران: شرکت سهامی انتشار، ص ۱۱۲.
۱۵. بهشتی، احمد. (۱۳۹۵). حق و تکلیف. فصلنامه کتاب نقد. شماره ۱.

۱۶. بهشتی، احمد. (۱۳۸۰). امام علی (ع)، حق و تکلیف. مجله کتاب نقد. شماره ۱۸.
۱۷. پاد، ابراهیم. (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی. تهران: انتشارات دانشور.
۱۸. جزائری، عباس. (۱۳۹۴). امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، تهران: انتشارات نقشیینه.
۱۹. جعفری لنگردوی، محمد جعفر. (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۰. حبیب زاده، محمد جعفر. جعفری، عباس. (۱۳۸۸). تحلیل رکن‌های جرم منازعه. تازه‌های علوم جنایی. تهران: انتشارات میزان.
۲۱. حجتی، مهدی. باری، مجتبی. (۱۳۹۳). قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی. تهران: انتشارات دادستان.
۲۲. حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۷۹). فرهنگ معارف و معاریف. تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و معارف اهل البیت (ع).
۲۳. حصون، م. (۱۳۸۴). نگاهی به ضرورت وجود نیروهای مسلح از منظر منابع دینی و قانونی. مجله کتاب نقد، شماره ۵.
۲۴. خالقی، علی. (۱۳۸۸). آئین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.
۲۵. خدابخشی، خداداد. (۱۳۹۳). مسئولیت کیفری ماموران ناجا در عملیات تیراندازی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد.
۲۶. خسروشاهی، قدرت الله. (۱۳۷۹). فلسفه حقوق، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۲۷. دوئرتی، جیمز. فالتزگراف، رابرت. (۱۳۷۶). نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل. ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی. تهران: انتشارات قومس.
۲۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۷). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. دی سیسک، تیموثی. (۱۳۷۹). تقسیم قدرت و میانجی گری بین المللی در منازعات

- قومی. ترجمه مجتبی عطار زاده، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. رجبی پور، محمود. (۱۳۹۰). بایسته‌های قانونی آشنایی کاربردی با برخی از مواد قانونی ویژه فرماندهان و مدیران. تهران: انتشارات آوا.

مسئولیت کیفری ناشی از دسترسی به داده‌های شخصی و ضمانت اجرای احکام بر آن

سیمین آزادیان*

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۲/۱۰	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۲/۱۴	شماره صفحه : ۷۳-۵۵
--------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

داده‌های شخصی به معنای هرگونه اطلاعات مربوط به یک شخص حقیقی شناخته شده یا قابل شناسایی است. حاکمیت اطلاعات - شامل زمینه‌های حفظ حریم خصوصی، محرمانه بودن، امنیت و رضایت آگاهانه - تبدیل به یک مسئله تعیین کننده در زمان ما شده است. در این میان با ظهور و گسترش فضای مجازی، دسترسی به داده‌های اشخاص در گستره‌ی حقوق بسیار مورد اهمیت واقع شده است و حقوق جزا و کیفری نیز در سال‌های اخیر بیش از پیش به مسئله‌ی داده‌های اشخاص و نحوه دسترسی به آن در فضای مجازی ورود پیدا کرده است. توجه به داده‌های شخصی و فهم حقوق شخصی از موارد مهمی هستند که باید در مقالات حقوقی مورد وثوق قرار گیرند. بنابراین هدف این مقاله نیز روشن شدن جایگاه حقوق اشخاص در فضای مجازی با توجه به دسترسی به داده‌های آنها در فضای سایبری با نگرش حقوق جزاست. در قوانین ایران، به طور خاص، قانون جرایم رایانه‌ای، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در خصوص حقوق جرایم رایانه‌ای مورد توجه قرار داده است. براین اساس سوال اصلی این مقاله اینگونه طرح شده است که دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی در حقوق جزای ایران چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که به طور خاص بحث دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی در قانون جرایم رایانه‌ای در مواد ۳، ۴ و ۵ مورد اشاره قرار گرفته است

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

و/از قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ نیز می‌توان مواد مرتبط با مجازات بزهکاران را استنباط کرد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی بوده است.

واژگان کلیدی: جرایم رایانه‌ای، فضای مجازی، داده‌های شخصی، حقوق جزا.

مقدمه

امروزه استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی مدرن تغییرات زیادی را در همه جنبه‌های زندگی انسان ایجاد کرده است. مسئله دسترسی به اطلاعات شخصی تحت در حقوق و اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. حریم خصوصی یکی از ارکان تحقق حقوق بشر در نظام دموکراتیک است و به عنوان قلمرو زندگی همه تعریف شده است، برای دیگران قابل دسترسی نیست. بنابراین، حریم خصوصی در فضای مجازی نیز تعریف مشابهی دارد. از آنجا که حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها تعاریف متفاوتی برای صاحبان مشاغل، دولت‌ها و عموم مردم دارد، برخلاف سایر زمینه‌های حقوقی که دارای مفاهیم، هنجارها و اصول حقوقی‌املاک تثبیت شده هستند، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها یک حوزه قانونی است که کمتر در فضای مجازی رعایت می‌شود. قانون ایران درباره جرایم سایبری و قانون تجارت الکترونیک دو قانون اصلی حاکم بر زمینه جرایم آنلاین است. اولی بخشی از قانون مجازات اسلامی است و دارای طیف وسیعی از جنایات متداول است که از طریق فضای مجازی انجام شده است. جرایم سایبری مدرن نیز توسط این قانون مجازات می‌شوند. مورد دوم بیشتر به مسائل فنی مربوط می‌شود و ناگزیر با برخی از مواد قانون جرایم سایبری همپوشانی دارد. در این مقاله به نگرش قوانین کیفری در خصوص داده‌های اشخاص و دسترسی به آن در فضای مجازی پرداخته می‌شود.

از منابع مرتبطی که می‌توان به آن اشاره کرد چند پژوهش است که به طور خلاصه به آنها پرداخته می‌شود. بهزاد رضوی فرد و سید نعمت اله موسوی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «مسئولیت کیفری در فضای سایبر در حقوق ایران بر این اعتقادند که قوانین کیفری داخلی باید نسبت به مسئولیت کیفری در خصوص فضای مجازی بیشتر ورد پیدا کنند و قوانین داخلی نیاز به توسیع و گسترش در این زمینه دارند و باید به روز شوند. همچنین ابوالفتح خالقی و فاطمه احمدی شریف (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی بزه دسترسی غیرمجاز به اطلاعات فضای مجازی (هک کردن)» براین اعتقادند که فضای مجازی و البته اینترنت موجبات نقض حقوق اطلاعات شخصی را فراهم کرده است و در عدم وجود قوانین به روز شده با مفاهیمی مانند هک کردن در فضای مجازی،

پیشنهاد می‌کند که قوانین داخلی در زمینه فضای سایبری، بازآوری شوند. فاطمه قناد و امیره علیقلی (۱۳۹۹) در مقاله «مفهوم و اهمیت داده‌های شخصی و حریم خصوصی و انواع حمایت از آن در فضای مجازی» براین اعتقادند که مفهوم حریم خصوصی در مقررات اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران باید مورد مقایسه و تطبیق قرار گیرد و قانونگذاران می‌توانند از برخی از ابداعات قانونی مقررات اتحادیه اروپا در خصوص پاسداری از حقوق داده‌های شخصی در فضای مجازی بهره ببرند. آنچه از بررسی مقالات و پژوهش‌های بالا به دست می‌آید اینکه هیچکدام از این پژوهش‌ها به طور خاص و با جزئیات به دیدگاه حقوق جزای داخلی نسبت به دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی نپرداخته‌اند و بیش از توجه به قوانین و مواد مرتبط، به بیان کلیات بدون استدلال و فارغ از تدقیق در این قوانین و مواد پرداخته‌اند، همین مسئله، نوآوری و تفاوت این مقاله را با پژوهش‌های مرتبط در بر دارد.

به طور کلی می‌توان گفت که در قانون جرایم رایانه‌ای به مسئله دسترسی افراد به داده‌های شخصی دیگران در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است و (همچنین در قانون تجارت الکترونیک که در این مقاله مرکز بحث نیست) در قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ در موارد مختلف از جمله ماده ۶۱ می‌توان به مجازات خاطیان و بزهکارانی که غیرقانونی به اطلاعات اشخاص در فضای مجازی دسترسی پیدا می‌کنند دست یافت. براین مبنا در این مقاله به بررسی دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی در حقوق جزای ایران پرداخته می‌شود.

۱- ماهیت داده‌های شخصی

داده‌های شخصی، که به عنوان اطلاعات شخصی^۱ نیز شناخته می‌شود، هرگونه اطلاعات مربوط به یک شخص قابل شناسایی را در برمی‌گیرد. موسسه ملی استاندارد و فناوری انتشارات^۲، اطلاعات شناسایی شخصی را به عنوان «هرگونه اطلاعات در مورد فردی که توسط یک سازمان نگهداری می‌شود، شامل (۱) هرگونه اطلاعاتی که می‌تواند برای تشخیص یا ردیابی هویت افراد استفاده شود، تعریف می‌کند. این اطلاعات شامل نام، شماره تأمین اجتماعی، تاریخ و محل تولد، نام خانوادگی مادر و پدر، یا سوابق بیومتریک؛ و (۲) هرگونه اطلاعات دیگری که به فرد مرتبط

1. personally identifiable information

2. National Institute of Standards and Technology

است، مانند اطلاعات پزشکی، تحصیلی، مالی و شغلی را در بر می گیرد شامل آدرس IP کاربر به تنهایی به عنوان داده های شخصی طبقه بندی نمی شود، بلکه به عنوان داده های شخصی مرتبط با این داده ها طبقه بندی می شود (NIST Special Publication, ۲۰۲۰) با این حال، "در اتحادیه اروپا، آدرس IP مشترک اینترنت ممکن است به عنوان اطلاعات شخصی طبقه بندی شود" (European Court of Justice rules IP addresses are personal data, ۲۰۱۹).

۲- ماهیت فضای مجازی

فضای مجازی مفهومی پیچیده است که با اینترنت ارتباط مستقیم دارد. "این عبارت به دهه اول انتشار اینترنت برمی گردد. از جهان آنلاین به عنوان جهانی "جدا"، متمایز از واقعیت روزمره یاد می شود. در فضای مجازی مردم می توانند در پشت هویت های جعلی پنهان شوند و همین مسئله به آنها این جسارت را می دهد که با هویت های جعلی، دست به تخلف در فضای مجازی بزنند. برخی دیگر فضای مجازی را فقط یک فضای تصویری می دانند که در آن ارتباط از طریق شبکه های رایانه ای رخ می دهد. این کلمه در دهه ۱۹۹۰ مشهور شد که استفاده از اینترنت، شبکه و ارتباطات دیجیتال به طور چشمگیری در حال رشد بود. فضای مجازی توانست نمایانگر بسیاری از ایده ها و پدیده های جدید در حال ظهور باشد (Steiger at al, ۲۰۱۸: ۷۷-۹۵).

امروزه ترکیب فضای مجازی به ابزاری متداول برای توصیف همه چیز مربوط به اینترنت و فرهنگ متنوع اینترنت تبدیل شده است. در حالی که نباید فضای مجازی را با اینترنت اشتباه گرفت، این ترکیب اغلب برای مفاهیم و هویت هایی استفاده می شود که در درجه اول در یک شبکه ارتباطی وجود دارد، به عنوان مثال ممکن است به طور مصداقی از یک وب سایت گفته شود که "در فضای مجازی وجود دارد" (Graham, ۲۰۱۳: ۱۷۷-۱۸۲). بر اساس این تفسیر، رویدادهایی که در اینترنت رخ می دهند در مکان هایی که شرکت کنندگان یاسورها از نظر فیزیکی در آن قرار دارند اتفاق نمی افتند بلکه "در فضای مجازی" هستند. میشل فوکو^۱ فیلسوف فرانسوی قرن بیستم، برای توصیف چنین فضاهایی که همزمان جسمی و روحی هستند، از اصطلاح دگرجایی^۲ استفاده می کرد (Blair, ۲۰۰۹: ۹۳-۱۰۱) بنابراین، مفهوم فضای مجازی به

1. Michel Foucault

2. Heterotopias

محتوای ارائه شده برای کاربر اشاره نمی‌کند، بلکه بیشتر به احتمال گشت و گذار در سایت‌های مختلف اشاره دارد و درواقع این فضا با حلقه‌های بازخورد بین کاربر و بقیه سیستم، این پتانسیل را ایجاد می‌کند که همیشه با چیزی ناشناخته یا غیر منتظره روبرو شوید.

۲-۱ فضای مجازی در حقوق ایران

در قوانین مختلف مرتبط با رایانه و به دنبال آن فضای مجازی در ایران، می‌توان به موادی که مرتبط به دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی است برسیم. قوانین حفاظت از اطلاعات و حریم خصوصی شامل حوزه‌های مالکیت معنوی، رقابت و بخشی از جرایم سایبری است که در مواد مختلف قانون جرایم رایانه‌ای بدان پرداخته شده است. از آنجا که سطح حریم خصوصی افراد توسط قوانین ملی هر کشور یا نهادهای سیاسی مانند دادگاه حقوق بشر اروپا (دادگاه اروپایی حقوق بشر)^۱ و دیوان دادگستری اروپا^۲ تعیین می‌شود، اتحادیه (اتحادیه اروپا) از طریق مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۸ قابل اجرا است، معیارهایی را تعیین کرده است که تأثیر عمده‌ای بر قوانین حفاظت از اطلاعات و حریم خصوصی در سایر کشورها داشته است که به نظر می‌رسد در صورت بازبینی قوانین داخلی مرتبط با جرایم رایانه‌ای، قانونگذاران داخلی می‌توانند از قوانین مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا نیز بهره ببرند اگرچه باید به این نکته نیز اشاره کرد که از آنجا که حریم خصوصی یکی از قوی‌ترین توصیه‌های اسلام است، قانون جرایم سایبری (۱۳۸۸)^۳، قانون آزادی دسترسی به اطلاعات^۴ (۱۳۸۸)، منشور حقوق شهروندی^۵ (۱۳۹۵) در قوانین مثبت جمهوری اسلامی ایران و همچنین در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. براین اساس در این مقاله مرکزیت بح با حقوق جزاست. لذا در ذیل برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام، سعی می‌شود که قوانین مرتبط با حقوق جزا را با توجه دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی مورد تدقیق قرار دهیم.

1. the European Court of Human Rights (ECtHR)

2. the European Court of Justice

3. the law of cybercrime

4. the law of freedom to access to information

5. the charter of citizens' rights

۲-۱-۱ جرم رایانه ای

جرائم سایبری مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات حقوقی است که از نیمه‌های دوم قرن بیستم شکل جدی به خود گرفت و کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، قوانین و راهکارهایی برای پیشگیری و جلوگیری از آن تدوین کردند و به روز شدن این قوانین کماکان تداوم دارد (صبح‌خیز، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۳۸). جرم رایانه‌ای را بر مبنای قانون جرایم رایانه‌ای ایران می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: در تعریف محدود (مضیق) جرم رایانه‌ای در واقع جرمی است که در فضای سایبری مورد واقع می‌شود (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۳: ۶۱-۸۸) و بر اساس این نظر، در صورتی که ابزار ارتکاب جرم، رایانه باشد این جرم، در گستره‌ی جرایم رایانه‌ای قرار می‌گیرد. در تعریف گسترده (موسع) هر فعل یا ترک فعلی که «در» یا «از طریق» یا «به کمک سیستم‌های رایانه‌ای» واقع شود می‌تواند به عنوان جرم رایانه‌ای در نظر گرفته شود.

براین مبنا، مرکز ثقل جرایم رایانه استفاده از رایانه یا هر وسیله‌ای است که کار رایانه را انجام می‌دهد مانند گوشی‌های هوشمند. بنابراین دسترسی بدون اجازه فرد، به اطلاعات اشخاص در فضای مجازی را می‌توان در زمره جرایم رایانه‌ای در نظر گرفت. چه اینکه طبق ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای:

«هرکس به طور غیر مجاز نسبت به داده‌های سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر می‌شود به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

الف) دسترسی به داده‌های مذکور یا تحصیل آنها یا شنود محتوای سری در حال انتقال به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست میلیون ریال تا شصت میلیون ریال یا هر دو مجازات.

ب) در دسترس قرار دادن داده‌های مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال

ج) افشاء یا در دسترس قرار دان داده‌های مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.

تبصره ۱- داده‌های سری داده‌هایی است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می‌زند.

تبصره ۲- آئین نامه نحوه تعیین و تشخیص داده‌های سری و نحوه طبقه بندی و حفاظت آنها ظرف ۳ ماده از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه دادگستری کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۴ قانون مذکور مقرر داشته:

« هر کس به قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع ماده ۳ این قانون، تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

و ماده ۵ قانون فوق می‌گوید:

« چنانچه ماموران دولت که مسئول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده ۳ این قانون با سامانه‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی احتیاطی، بی مبادلاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.»

بر مبنای آنچه آوردیم می‌توان دو نوع بزهکار را در زمینه دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی در نظر گرفت؛ اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی که در سطور بعدی به این مهم می‌پردازیم.

۳- دسترسی به داده‌های شخصی در فضای سایر و نگرش حقوق کیفری به آن

پاسخ جنایی که قانونگذار به عنوان مجازات مجرم پیش بینی کرده است را می‌توان با توجه به دیدگاه‌های مختلف طبقه بندی کرد. به عنوان مثال، بر اساس نوع مجازات، حبس و جزای نقدی و بر اساس عامل، مجازات اشخاص حقیقی و حقوقی. گستره‌ی این مجازات در خصوص دسترسی به داده‌های شخصی در فضای سایر را نیز می‌توان در چندین رده مورد تدقیق قرار داد که در ذیل آورده می‌شود:

۳-۱ مجازات تبعی، تکمیلی مرتکب

اصولا مقنن برای هر بزه مجازات معینی پیش‌بینی کرده و آن را در قالب رکن قانونی بیان می‌نماید این امر در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات است و تعیین مجازات برای یک مجرم بدون وجود مقرر قانونی، خلاف اصل بنیادین پیش گفته است. این در حالی است که در برخی از موارد، قانونگذار، غیر از مجازات‌های پیش‌بینی شده، دو نوع مجازات دیگر را بنا به فراخور هر جرم، تحمیل می‌کند که شامل مجازات‌های تبعی و همچنین مجازات‌های تکمیلی هستند که در ذیل بنا به ارتباط آنها به دسترسی به داده‌های اشخاص، در فضای مجازی بدان پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱ مجازات تبعی

« مجازات تبعی » بنابر اصطلاحات حقوقی، به عنوان مجازاتی در نظر گرفته می‌شود که تابع قانون بوده و نیاز به تصریح در حکم ندارد. درواقع مجازات تبعی می‌تواند به عنوان عکس العمل جزایی در نظر گرفته شود که به موجب قانون، بر مرتکب، جرم عمدی پس از محکومیت قطعی قابل اجرای مجازات اصلی، بدون تصریح در حکم اعمال می‌شود. این مجازات، بنابر اصل تساوی مجازات‌ها، بدون تبعیض بر کلیه محکومین جزائی اعمال می‌شود (فیروز، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۹).

در قانون مجازات اسلامی، در ماده ۶۲ مسئله مجازات‌های تبعی مورد اشاره قرار گرفته است و در برخی از جرائم این مجازات مورد توجه قرار می‌گیرد که مرتبط با محرومیت‌های اجتماعی است. اینکه دسترسی به داده‌های اشخاص در ذیل این ماده قرار می‌گیرد یا خیر باید مورد تدقیق بیشتری واقع شود.

ماده ۶۲ مکرر مجازات تبعی را در سه قسم مجازات مورد نظر قرار داده است. اول مجازات قطع عضو در جرائم مشمول حد، دوم شلاق در جرائم مشمول حد و سوم محکومین به حبس بیش از سه سال.

در خصوص بزه دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی بطور عام برای تشخیص اینکه آیا امکان تحمیل مجازات تبعی بر مرتکب وجود دارد یا نه باید به نوع و میزان مجازات در مقرر قانونی توجه نمود. در این بزه نوع مجازات حبس و جزای نقدی می‌باشد.

بنابراین با توجه به ماده ۶۲ مکرر می‌توان به این نتیجه رسید که جزای نقدی دربردارنده

مجازات تبعی برای مجرم نیست. لذا بحث بعدی این است که حبس چگونه خواهد بود! از طرفی حداکثر مجازات حبس ۳ سال، در خصوص بزه مذکور در ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای مشخص شده است. در نتیجه مجازات تبعی فقط بنابر همین ماده یعنی ماده ۳ می‌تواند مورد اعمال قرار گیرد و نمی‌تواند در خصوص ماده ۴ و ۵ قانون جرائم رایانه‌ای و همچنین در خصوص ماده ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی منطبق باشد و برای مرتکبین این بزه‌ها محرومیت از حقوق اجتماعی بار نمی‌شود. چه اینکه ماده ۴ قانون جرایم رایانه‌ای بر جرم "هرکس به قصد دسترسی به داده‌های سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی را نقض کند" تاکید دارد و ماده ۵ نیز بر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها تاکید دارد.

البته لازم به ذکر است که در مسئله‌ی دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی می‌توان گفت که طبق ماده واحده «تعریف محکومیت‌های موثر در قوانین جزایی» مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه مصوب ۱۳۸۲، محکومیت لازم الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالاتر در جرائم عمدی و محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ ۲۰ میلیون ریال یا بالاتر در جرائم عمدی، در زمره محکومیت‌های موثر کیفری قرار گرفته، بنابراین با توجه به این ماده واحده از آنجا که حداکثر مجازات حبس برای بزه‌های ارتكابی در مواد ۴ و ۵ قانون جرائم رایانه‌ای ۲ سال و ماده ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی ۲/۵ سال می‌باشد و حداکثر مجازات نقدی در ماده ۴ و ۵، مبلغ ۴۰ میلیون ریال و حداکثر مجازات نقدی در ماده ۷۵ مبلغ ۵۰ میلیون ریال است، پس اگر فرد مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در مواد مورد الذکر در بالا محکوم شود با توجه به این ماده واحده دارای سابقه کیفری موثر خواهد بود و از برخی از حقوق اجتماعی از جمله حق استخدام در دستگاه‌های دولتی محروم خواهد بود و این محرومیت را می‌توان یک مجازات تبعی ناشی از ارتکاب بزه دانست.^۱

۱. ماده واحده: مراد از محکومیت‌های موثر کیفری مذکور در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی عبارتست از: الف) محکومیت به حد ب) محکومیت به قطع عضو ج) محکومیت لازم الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالا در جرائم عمدی د) محکومیت قطعی به مجازات نقدی به مبلغ ۲۰ میلیون ریال یا بالاتر در جرائم عمدی ه) سابقه محکومیت لازم الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرمهای عمدی مشابه با هر میزان مجازات. جرمهای سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت جزء جرمهای مشابه محسوب میشوند.

البته باید در این زمینه این نکته را در نظر داشت که به دلیل اینکه برای شخص حقوقی فقط مجازات نقدی متصور است بنابراین اشخاص حقیقی فقط باید مجازات تبعی را داشته باشند. پس می‌توان اینگونه در نظر گرفت که در صورتی که مسئولیت کیفری بر شخص حقیقی مسئول شخص حقوقی بار شود می‌توان برای مرتکب حقیقی اش (مدیر شخصی حقوقی، کارمندان شخص حقوقی) مجازات تبعی را قائل شد.

۳-۱-۲ مجازات تکمیلی

بر خلاف مجازات‌های تبعی، که مورد اشاره قرار گرفت مجازات‌های تکمیلی در صورتی قابل اعمال است که در حکم، قید شده باشد. با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌توان مشمولیت این مجازات را در محرومیت از حقوق اجتماعی، ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین و یا اجبار به اقامت در نقطه‌ای معین در نظر گرفت. و بنا به صدر ماده اعمال این نوع مجازات‌ها در خصوص مرتکبین جرائم عمدی مشمول مجازات‌های تعزیری یا باز دارنده امکان پذیر است.

براین اساس در مورد بزه ماده ۳، ۴، ۵ قانون جرائم رایانه‌ای و ماده ۷۵، از آنجا که این جرائم در زمره جرائم مستوجب مجازات تعزیری بوده و همچنین یک بزه عمدی است، اعمال ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در مورد مرتکب که به هر شکلی بدون اجازه‌ی اشخاص، به اطلاعات شخصی آنها در فضای مجازی دسترسی پیدا کرده است بلاشکال است.

علاوه بر این در ماده ۲۷ قانون جرائم رایانه‌ای هم نوعی مجازات تکمیلی را برای کسانی که بیش از دو بار مرتکب تکرار جرم رایانه‌ای و از آن جمله دسترسی غیرقانونی در محیط مجازی علیه امنیت شده باشند، در نظر گرفته است. براین مبنا در ماده ۲۷ اینگونه آمده است:

«در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند.»...

لازم به ذکر است با توجه به ماهیت الکترونیکی جرم قانونگذار هم مجازات تکمیلی متناسب با ماهیت جرم پیش بینی کرد برای همین مرتکب به عنوان تکمیل مجازات از خدمات الکترونیکی محروم می‌گردد (عالی پور، ۱۳۹۰: ۸۹).

۲-۳ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات ۱۳۹۲

در قانون جرایم رایانه‌ای با مسئولیت کیفری و مجازات‌های اعمال شده برای اشخاص حقوقی، فقط در آن قانون و جرایمی که موضوع رایانه است مورد توجه قرار گرفته است؛ این قانون به عنوان یک قانون خاص، سعی در شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی داشته است (قاسمی و دادیار، ۱۳۹۶: ۵-۱). مدتی بعد و در سال ۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی قانون گذار به شرط مواد ۲۰ الی ۲۲ و ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی را به طور عام مورد پذیرش قرار داد.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با پیش بینی مجازات‌هایی مختص اشخاص حقوقی این مسئله تا حدودی حل شده است. ماده ۲۰ در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده ۱۴۲ این قانون مسئول شناخته شود علاوه بر مجازات شخص حقیقی مرتکب جرم حداکثر تا سه مورد از موارد زیر نسبت به او اعمال خواهد شد که این مسئله به طور ضمنی می‌تواند برای اشخاص حقوقی که به طور غیرقانونی به صفحات شخصی و یا اطلاعات شخصی افراد در فضای مجازی دسترسی پیدا می‌کنند نیز درست باشد.

در ماده‌ی ۱۴۲ این قانون به این امر اشاره کرده است که در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت بر شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد بود (موسوی مجاب و رفیع زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۷-۱۶۹). بنابراین با توجه به ماده ۱۴۲ برای مسئولیت شخص حقوقی که در خصوص بزه دسترسی به داده‌های اشخاص نیز در فضای مجازی صدق می‌کند این شرایط لازم است:

- مرتکب اصلی جرم نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی باشد و لذا نماینده‌ای که سمت ندارد اگر مرتکب جرم شود هر چند به نام مؤسسه حقوقی و هر چند در راستای منافع مؤسسه مسئولیتی متوجه شخص حقوقی نیست.
- جرم به نام مؤسسه یا در راستای منافع مؤسسه باشد.

البته تشدید مجازات خاصی هم برای شخص حقوقی داریم که صرفاً برای جرم به وجود آمده باشد یا با انحراف از هدف مشروع خود منحصر در جهت ارتکاب جرم تغییر هدف داده باشد

که این مؤسسه منحل خواهد شد.

اعمال بعضی مجازات و کیفرها در مورد اشخاص حقوقی، دولتی یا اشخاص حقوقی عمومی یا اشخاص حقوقی که به موجب قانون خاص ایجاد شده‌اند قابل اعمال نیست. مجازات‌های مختص اشخاص حقوقی عبارت‌اند از:

- ممنوعیت از فعالیت به شغل خاص
- ممنوعیت از دعوت عمومی افزایش سرمایه
- جزای نقدی
- مصادره‌ی اموال
- انتشار حکم محکومیت

همانطور که مشاهده شد، امکان اعمال برخی مجازات‌ها مانند حبس، شلاق، اعدام و ... برای اشخاص حقوقی وجود ندارد و در این قانون تنها به ذکر راهکارهایی برای مجازات اشخاص حقوقی‌ای که مرتکب بی‌احتیاطی یا بزه دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی شده‌اند اعمال شده است.

۴- حمایت کیفری از بزه دیدگان فضای مجازی در گستره‌ی لو رفتن داده‌های اشخاص

حمایت کیفری، در طول تاریخ حقوق کیفری، به نوعی در حمایت از بزه کاران پرداخته است. حمایت کیفری از طریق جرم‌انگاری و کیفرگذاری رفتارهای هنجارشکن، به حمایت از بزه‌دیدگان و جلوگیری از بزه‌کار شدن افرادی گام بر می‌دارد که در آستانه بزه‌کاری هستند (۱۶۲-۱۴۵: Meijer, ۲۰۱۷).

حمایت‌های کیفری در این بخش بیشتر شامل حفاظت از داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی است که به طور عمومی در امکانات مختلف کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و مورد حملات سایبری قرار می‌گیرد. بر اساس تقسیم‌بندی برخی حقوق‌دانان، حمایت‌های کیفری به سه گونه مختلف، تحت عنوان حمایت کیفری ساده، حمایت کیفری ویژه و حمایت کیفری دنباله دار تقسیم می‌شوند (رایجیان، ۱۳۹۰: ۸۵). بنابراین در راستای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان

دسترسی به داده‌های شخصی در فضای سایبری، در ذیل به شرح سه گونه از تقسیم‌بندیهای فوق در رابطه با حمایت از بزه‌دیدگان مذکور پرداخته می‌شود:

۴-۱- حمایت کیفری ساده

حمایت کیفری ساده، یکی از گونه‌های حمایت کیفری محسوب می‌شود که «شامل جرم‌انگاری هر رفتار منع شده‌ای است که به طور معمول نیازمند تأسیس ضمانت اجرای کیفری است (رایجیان، ۱۳۹۰: ۸۷)». تمرکز این بخش بر بزه‌دیدگان دسترسی به داده‌های شخصی در فضای سایبری با توجه به نگرش قوانین کیفری در این خصوص است:

۴-۱-۱- قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

در مورد حمایت جنایی ساده از قربانیان سایبری، می‌توان به قانون جرایم رایانه‌ای اشاره کرد که به حفاظت کیفری ساده از قربانیان سایبری می‌پردازد. با این حال، قانونگذار کشور ما سابقه پرداختن به موضوع تروریسم سایبری را دارد. در پیش نویس قانون جرایم سایبری، در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲، تروریسم سایبری مورد بررسی قرار گرفت. اما به دلایلی مانند انتزاعی بودن، از قانون جرایم رایانه‌ای حذف شد. مفاد این قانون از امکانات رایانه‌ای و مخابراتی که در استفاده عمومی هستند و قربانیان اصلی تروریسم سایبری هستند محافظت می‌کند. در همین راستا، یکی از مفاد این قانون چنین بیان می‌کند:

«هر کس به قصد خطر انداختن امنیت، آسایش و امنیت عمومی اعمال مذکور در مواد هشت، نه و ۱۰ این قانون را علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.^۱»

بنابراین، با نگاه دقیق به ماده ۱۱ قانون جرایم رایانه‌ای، می‌توانیم دو ستون اصلی تروریسم سایبری (که دسترسی به داده‌های اشخاص نیز با تسامح در برخی موارد جز آن قرار می‌گیرد)، یعنی ارتکاب اقدامات عمدی را که منجر به اخلاف در رفاه عمومی و آسایش به دلیل جرم علیه امکانات رایانه‌ای و مخابراتی می‌شود، درک کنیم. همچنین به قربانیان قانونی، یعنی

امکانات ضروری برای استفاده عمومی، اشاره می‌کند، اما فقط حفاظت مورد نظر فقط شامل حمایت کیفری است.

در مورد توضیح ماده قانونی فوق و کاربرد آن در جنایت تروریسم سایبری و در ذیل آن دسترسی غیرقانونی به اطلاعات اشخاص در فضای سایبری، می‌توان گفت که ماده ۱۱ اشکالاتی دارد. یکی از اشکالات ماده فوق این است که نحوه ارتکاب جرم در مورد تاسیسات مذکور مشخص نشده است و به طور کلی هر روشی که منجر به اختلال آنها شود مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که مرکز ثقل این ماده باید ابزار این دسترسی، یعنی فضای مجازی و اینترنت باشد. اشکال دیگر مقررات فوق این است که فقط به مجازات حبس مجرم اشاره می‌کند و به عنوان مقررات اصلی از قربانیانی که در نتیجه اقدامات مواد ۸ تا ۱۰ این قانون متحمل خسارت می‌شوند، محافظت نمی‌کند. همچنین مواد ۸ تا ۱۰ همان قانون علاوه بر اعمال غیرقانونی مندرج در ماده ۱۱ این قانون، به سایر دسته‌های اعمال مادی این جرائم نیز می‌پردازد که در زیر در موضع گیری‌های آنها توضیح داده شده است. حفاظت از داده‌ها، به عنوان اصلی ترین قربانیان سایبری، در این قانون بیان شده است، که در این زمینه بیان می‌کند:

« هرکس به طور غیرمجاز داده‌های دیگری را از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف یا تخریب یا مختل یا غیرقابل پردازش کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد»^۱.

همچنین در جایی دیگر در خصوص دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی آورده است که:

« هرکس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل وارد کردن، انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دست کاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد»^۲.

در ادامه نیز قانون جرایم رایانه‌ای، به سلامت داده‌ها توجه نشان داده است که در معرض

۱. ماده هشت قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸

۲. ماده نه قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸

دسترسی قرار بگیرند:

« هرکس به طور غیرمجاز با انجام اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد»^۱

در این سه ماده، به صورت کامل و غیر انحصاری، به متداول ترین اعمال مرتکب شده علیه امکانات حیاتی کشور پرداخته شده است. عنصر مادی جنایت در سه ماده فوق اقداماتی است که به عنوان نمونه‌ای برای هدف قرار دادن سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی که امور اجرایی کشور به آنها وابسته است ذکر شده است. (شیرزاد، ۱۳۸۸: ۱۹۴). این افعال شامل: حذف، از بین بردن، اختلال و پردازش داده‌ها در سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، تلاش برای وارد کردن، انتقال، پخش، توقف، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری سیستم‌ها رایانه یا مخابرات، عدم دسترسی به افراد، تغییر رمز عبور یا رمزگذاری داده‌ها، پنهان کردن داده‌ها، تلاش برای وارد کرد و ... که همه در چارچوب دسترسی به اطلاعات اشخاص قرار می‌گیرند در این سه ماده مورد اشاره قرار گرفته اند.

سایر احکام مربوط به اقدامات تشکیل دهنده تروریسم سایبری و دسترسی به داده‌های اشخاص، که توسط قانون ممنوع بوده و مشمول ضمانت اجرای هستند، شامل دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، استراق سمع غیر مجاز و جاسوسی رایانه‌ای است زیرا در ابتدا مرتکب تروریسم سایبری می‌شود، مجرم باید اطلاعات را از طریق جاسوسی، استراق سمع و دسترسی غیر مجاز شناسایی و سرقت کنند^۲. ابزارهای جرایم سایبری یکی دیگر از اقدامات ممنوعه است که هر یک از آنها می‌تواند در مورد تروریسم سایبری مانند ویروس‌های رایانه‌ای یا تروجان‌ها که برای از بین بردن اطلاعات یا جاسوسی استفاده می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد. در مورد اسناد فوق، قانونگذار همان را اعلام می‌کند:

« تولید، انتشار، توزیع، معامله داده‌ها یا نرم‌افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً برای

۱. ماده ۱۰ قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸

۲. مواد یک الی چهار قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸

ارتکاب جرائم رایانه‌ای به کار می‌روند» (بند الف ماده ۲۵ قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸). با استناد بر این مقررۀ قانونی می‌توان گفت که دسترسی به داده‌های اشخاص در فضای مجازی غیر قانونی اعلام شده و برای آن مجازات تعیین گردیده است. در بسیاری از موارد، نفوذگران تروریستی با به‌کارگیری نرم افزارهای برنامه نویسی اقدام به ساخت بدافزار رایانه‌ای و انتشار آن در فضای اینترنت اقدام می‌کنند. این اقدام قانون‌گذار، گامی مهم در راستای جرم‌انگاری افعال بزهکاری است که به واسطه ابزارهای رایانه‌ای به تأسیسات رایانه‌ای و مخابراتی تعرض و هجوم می‌آورند.

حفاظت کیفری دیگر در این قانون حفاظت از رمزهای عبور و هرگونه داده‌ای است که افراد ممکن است با دسترسی به این داده‌ها به اطلاعات و سیستم‌های دیگران دسترسی غیرمجاز داشته باشند. در این زمینه، قانونگذار کیفری اعلام می‌کند:

« فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذرواژه یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند» (بند ب ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸). این ماده افرادی را که «حملات خودی»^۱ را در داخل سازمان انجام می‌دهند، مجازات می‌کند. این نوع حملات یکی از رایج ترین حملات سایبری است که بیشتر توسط کارکنان ناراضی و اخراجی سازمان‌ها و شرکت‌ها انجام می‌شود.

نتیجه گیری

فضای مجازی شبکه‌ای است که به سرعت در حال رشد است و جزئی از فناوری‌های محاسباتی و ارتباطی است که زندگی ما را به شدت تغییر داده است. ما در حال حاضر تراکنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بی‌شماری را از طریق فضای مجازی انجام می‌دهیم و با پیشرفت فناوری، کیفیت و کمیت آنها نیز افزایش می‌یابد. اما همین فناوری که این تراکنش‌ها را ممکن می‌سازد، مشاهده دقیق، تجمعی و نامرئی از خود ما را نیز ممکن می‌سازد. پتانسیل نظارت گسترده بر تمام فعالیت‌های سایبری ما تهدیدی جدی برای حریم خصوصی اطلاعات است. با توسعه گسترده فناوریهای اطلاعاتی مختلف، فعالیت‌های روزانه ماعمیقاً به فضای مجازی وابسته شده است. مردم اغلب از دستگاه‌های دستی (مانند تلفن همراه یا لپ‌تاپ) برای انتشار پیام‌های اجتماعی، تسهیل

تشخیص سلامت الکترونیک از راه دور یا نظارت بر انواع نظارت استفاده می‌کنند. با این حال، نگرش امنیتی برای این فعالیت‌ها به عنوان یک چالش مهم باقی مانده است. بازنمایی اهداف امنیتی و اجرای آنها دو موضوع اصلی در امنیت فضای مجازی است. درواقع داده‌های شخصی به عنوان “هرگونه اطلاعات [که] مربوط به شخص حقیقی یا شناسایی شده است” تعریف شده است. با توسعه تلفن‌های هوشمند و در نتیجه گسترش رسانه‌های اجتماعی، برخی از اشخاص و گروه‌ها قلمرو خود را به فضای سایبری تغییر دادند و شروع تخطی و دسترسی غیرقانونی به اطلاعات شخصی شهروندان در فضای مجازی داشته‌اند. اینکه دیدگاه حقوق جزا نسبت به این بی‌قانونی چیست محوریت این مقاله قرار گرفته است. براین اساس مرتبط‌ترین و مهمترین قانون در حوزه‌ی فضای مجازی و دسترسی به داده‌ها، قانون جرایم رایانه‌ای است که به طور خاص در مواد ۳، ۴ و ۵ این موضوع را مورد اشاره قرار داده است و قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ نیز در موادی مانند ماده ۶۱ در خصوص مجازات بزهکاران اشاراتی داشته است. در این مقاله به حمایت‌های کیفری قانون جزا نیز پرداخته شد و اینکه به عنوان نتیجه می‌توان گفت که می‌توان از قانون جزا و قوانین مرتبط، مجازات‌های متفاوتی را برای بزهکارانی که بدون مجوز به داده‌های اشخاص در فضای مجازی دسترسی پیدا می‌کنند در نظر گرفت چه به عنوان شخص حقوقی و چه شخص حقیقی.

منابع

الف-منابع فارسی

۱. حاجی ده آبادی احمد، سلیمی احسان (۱۳۹۳) اصول جرم انگاری در فضای سایبر (با رویکردی انتقادی به قانون جرائم رایانه ای)، مجلس و راهبرد، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۲۱، شماره ۸۰؛ از صفحه ۶۱ تا صفحه ۸۸.
۲. خالقی، ابوالفتح و احمدی شریف، فاطمه، ۱۳۹۶، بررسی بزه دسترسی غیرمجاز به اطلاعات فضای مجازی (هک کردن)، کنگره بین المللی حقوق شهروندی، تهران
۳. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰) الف. بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ دوم. تهران: دادگستر ص ۸۵
۴. رضوی فرد، بهزاد، موسوی، سید نعمت اله. (۱۳۹۵). مسئولیت کیفری در فضای سایبر در حقوق ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۶)، ۲۹؛۴۵.
۵. شیرزاد، کامران. (۱۳۸۸). جرایم رایانه‌ای از منظر حقوق جزای ایران و حقوق بین‌الملل، چاپ اول. تهران: بهینه فراگیر.
۶. صبح خیز، رضا. (۱۳۹۴). چالش‌های حقوقی جرایم سایبری در نظام حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران. فصلنامه علمی پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۰(۳۹)، ۱۱۷؛۱۳۸.
۷. عالی پور، حسن. (۱۳۹۰). حقوق کیفری فناوری اطلاعات، چاپ اول. تهران: خرسندی.
۸. قناد، فاطمه، علیقلی، امیره. (۱۳۹۹). مفهوم و اهمیت داده‌های شخصی و حریم خصوصی و انواع حمایت از آن در فضای مجازی. حقوق قراردادهای و فناوریهای نوین، ۱(۱)، ۲۹۷؛۳۲۲.
۹. قاسمی، ولی و هادی، دادیار، (۱۳۹۶)، بررسی عنصرمادی جرایم رایانه‌ای و صلاحیت دادگاه‌های رسیدگی به آن در حقوق جزای ایران، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی
۱۰. فیروز، رحمت اله (۱۳۹۰)، حقوق جزای عمومی «مجازات»، نشر میزان.
۱۱. موسوی مجاب، سید درید، رفیع زاده، علی. (۱۳۹۴). دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۳)، ۱۶۹؛۱۴۷.

ب-منابع لاتین

۱. Blair, Erik .(2009) «A Further Education College as a Heterotopia». Research in Post-Compulsory Education., 14 (1): 93-101
۲. «European Court of Justice rules IP addresses are personal data»(2019). The Irish Times. 19 October 2016. Retrieved 10 March.
۳. Graham, Mark .(2013) «Geography/internet: Ethereal alternate dimensions of cyberspace or grounded augmented realities?». The Geographical Journal. 179 (2)2013: 177-182.
۴. «NIST Special Publication 800-122» (2020). This article incorporates public domain material from the National Institute of Standards and Technology website <https://www.nist.gov>.
۵. Steiger , Stefan; Harnisch, Sebastian; Zettl, Kerstin; Lohmann , Johannes (2018). «Conceptualizing conflicts in cyberspace». Journal of Cyber Policy. 3 (1): 77-95.
۶. Meijer, S. (2017). Rehabilitation as a Positive Obligation, European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice, 25(2), 145 -162. doi: <https://doi.org/10.1163/15718174-25022110>
۷. F. Li et al ., “Cyberspace-Oriented Access Control: A Cyberspace Characteristics-Based Model and its Policies,” in IEEE Internet of Things Journal, vol. 6, no. 2, pp. 1471-1483, April 2019, doi: 10.1109/JIOT.2018.2839065.
۸. Inegbedion, Julius, Personal Data Privacy and Protection in the Cyberspace: An Analytical Case Study of the Nigerian Legal Framework (December 31, 2019). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3512134> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3512134>

تحلیل جرم شناسی پدیده بیوتروریسم^۱

امین امیریان فارسانی* علی ناظم** مریم السادات جلیلی***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۱	شماره صفحه: ۷۴-۱۰۰
-------------------	-------------------------	------------------------	--------------------

پژوهش حاضر با نگاه جرم شناسانه با بهره‌گیری از علم ژنتیک سعی در شناخت بیوتروریسم و راه‌های پیشگیری از آن را واکاوی می‌نماید. امروزه جوامع در برخورد با جنگ خاموش بیوتروریسم که عوامل ژنتیکی برای آنان ناشناخته است و نحوه برخورد با آن دیر شناخته می‌شود؛ از این رو تشخیص و کیفردهی بزهکار به سهولت امکان ندارد. در بررسی قوانین موجود، در قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ماده ۶۸۷ و ۶۸۸ - آنچه مدنظر قانون‌گذار است، قابل استناد در حوزه شناخت جرم بیوتروریسم نیست. از سوی دیگر، دشواری مقابله با این عوامل بیولوژیک نیز باید مدنظر قرار گیرد. اگر در آینده‌های موشکی، سپر پدافند موشکی برای رویارویی با انواع موشک بسنده می‌کند، در بیوتروریسم یا آینده‌ها تروریسمی هر نوع ویژه‌ای از ویروس یا باکتری مقابله خاص می‌طلبد. در میان شقوق مختلف تروریسم، حملات بیوتروریسمی بیش از سایر حملات خطرناک بوده و بر امنیت خدشه وارد می‌آورند. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه در بیوتروریسم هزینه بهره از این عوامل دو هزار بار کمتر از جنگ‌افزارهای معمول است. همچنین تولید این مواد نیاز به فناوری خاصی نداشته و در یک آزمایشگاه نیز قابل تولید است. لذا نگارش پیش رو با نگاهی همسوگرایانه برای سیر به اهمیت تدوین قانونی مؤثر و مبین در باب موضوع صدر الارشاه لازم دیده شد و با

۱. مقاله مستخرجی از پایان نامه (تحلیل جرم شناختی پدیده بیوتروریسم)

* استاد یار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

** دانشجوی ارشد حقوق جزا

*** استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین جایگاه جرم‌شناسی بیوتروریسم پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بیوتروریسم، جرم‌شناختی، پیشگیری، علت‌شناسی، نظریات

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

گفتار اول- بررسی مفاهیم بیوتروریسم و مفاهیم مرتبط

واژه‌شناسی مقوله بیوتروریسم تروریسم زیستی، به جهت آنکه ضروری است موضوعی که در خصوص آن مطالعه صورت می‌گیرد مورد شناسایی قرار گرفتن و تبیین شود، مهم می‌نماید؛ زیرا مادامی که تعریف و مفاهیم این پدیده آشکار نگردیده، پرداختن به آن در راستای جرم‌انگاری دور از ذهن می‌نماید. برای شناخت رویکردهای هر داده پژوهشی، لاجرم از رهگذر واژگان مربوطه و مصادیق شمولی آن باید عبور کرد تا به عمق موضوع پی برد.

۱- بیوتروریسم^۱:

«ترور» در کلمه به معنی «ترساندن» است و در فرهنگ سیاسی جهان عبارت است از هرگونه اقدام خصمانه و مخفیانه علیه فرد یا افرادی در حوزه‌ای محدود یا گسترده، با اهداف اقتصادی کشاورزی صنعتی، با هدف ایجاد ارباب یا باج‌خواهی، در زبان فارسی هم ترور به معنای ترس زیاد، بیم و هراس و خوف و وحشت است و تروریست به عامل ترور، طرفدار ترور، آدمکش یا کسی که برای رسیدن به هدف خود کسی را به‌طور غافلگیرانه بکشد یا ایجاد وحشت و هراس کند، گفته می‌شود. باتوجه‌به اینکه بیوتروریسم عبارت است از ایجاد ترس و وحشت، با بهره‌گیری از عوامل زیست‌شناختی مختلف که ابزار آن جنگ‌افزار بیولوژیکی؛ عبارت است از وسیله‌ای که به‌منظور انتشار عمدی ارگانیسم‌های مولد بیماری یا فرآورده‌های آن‌ها توسط غذا، آب، حشرات ناقل یا به‌صورت افشانه آئروسل، به‌کاربرده می‌شود.

الف- معیار ذهنی بیوتروریسم

در تعریف بیوتروریسم از منظر معیار ذهنی، همچون خود تروریسم تاکید بر رکن روانی پدیده

یا همان قصد و انگیزه مرتکب یا مرتکبین است. اگر بر نخستین باشد، انگیزه‌های آزادی‌خواهانه، مذهبی، ملی و... می‌تواند باعث ارائه تعاریف متفاوت شود و در صورتی که بر قصد تمرکز شود، به خواست مستقیم فرد توجه می‌شود؛ مانند اعمال وحشت یا براندازی یا مطالبات خاص سیاسی و اجتماعی.

ب- معیار عینی بیوتروریسم

باین‌حال، هرچند بعید به نظر می‌رسد در برخی موارد حتی با وجود دو عامل «اندیشه‌ای و عینی» در ارتکاب بیوتروریسم، دست یافتن به تعریفی متقن از این پدیده امکان‌پذیر باشد، ولی می‌توان گفت سه عنصر اصلی استفاده از عوامل بیولوژیک، قصد ارباب و ترس و صدمه به انسان، حیوان و محیط‌زیست می‌تواند سه محوری باشد که در تشخیص بروز بزه بیوتروریسم باید مدنظر قرار گیرد.

۲- تروریسم

واژه تروریسم از زبان فرانسوی گرفته شده و به زبان فارسی راه پیدا کرده است واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم می‌باشد». مؤلف دانشنامه سیاسی نیز می‌نویسد: «ترور در لغت فرانسه به معنای هراس و افکنی و در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آن‌ها به کار می‌برند ترور، می‌گویند و واژه ترور از ریشه لاتین ترس به معنای ترساندن و ترس و وحشت است. واژه تروریسم از زبان فرانسوی گرفته شده و به زبان فارسی راه پیدا کرده است واژه تروریسم از فعل ترور مشتق شده است که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس در بین مردم می‌باشد». (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸)

۳- بررسی اجزای تروریسم و بیوتروریسم

با توجه به تعاریفی که از تروریسم و بیوتروریسم ارائه شد. اجزای مفهومی این دو واژه را می‌توان به شرح زیر ترسیم کرد؛

الف- خشونت: عمومی‌ترین ویژگی تروریست خشونت یا تهدید به واسطه خشونت است. باین‌وجود این واژه نمی‌تواند مفهومی اختصاصی از خشونت تروریستی ارائه داد چراکه بسیاری

دیگر از اقدامات از قبیل شورش، جنایات سازمان‌دهی شده و جنگ را که نمی‌توان آن‌ها را تروریسم نامید در برگیرد (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸)؛ اما نکته‌ای که حائز اهمیت است آن است که عکس این مطلب نیز در رابطه با بیوتروریسم صادق است، یعنی می‌توان گفت بیوتروریسم برخلاف اعمال تروریستی به‌عنوان یک سلاح خاموش، غالباً با خشونت همراه نیست و با انتشار عمدی عامل بیوتروریسم و به‌دوراز هرگونه خشونت اتفاق می‌افتد؛ و همین ویژگی در دنیایی که خشونت آشکار به‌صراحت منع شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی کشورها را فراهم می‌کند کمک‌کننده در راه اهداف شوم سیاسی و اقتصادی تروریست‌ها خواهد بود.

ب- قربانی: انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی‌ها و معیارهای اقدامات تروریستی است در این خصوص برخی از گروه‌های تروریستی نظیر «ایرا» یا ارتش جمهوری‌خواه ایرلند^۱ قبل از حملات به مردم هشدار می‌دهند تا از شمار قربانیان کاسته شود و برخی دیگر «القاعده»، «داعش» و به دنبال بیشترین قربانی می‌باشند. این ویژگی در تروریسم و بیوتروریسم مشترک است اما بیوتروریسم غالباً شهروندان بی‌دفاع و غیرنظامیان را نشانه می‌رود و یا انتشار عامل حمله، اسباب کشته‌شدن همگان را فراهم می‌آورد و عموماً جلوگیری از ورود عامل حمله به سبب ناشناخته بودن و عدم تشخیص سریع آن اجتناب‌ناپذیر است.

ج- هدف: هدف تروریسم و در رأس آن بیوتروریسم ایجاد وحشت و ترس در قربانی است که این قربانی می‌تواند کل اعضای جامعه یا گروهی از اعضای جامعه و یا حتی دولتمردان و رهبران جوامع باشد؛ و این نوع اقدامات به دنبال ایجاد شوک روانی در جامعه طراحی می‌شوند.

د- قانونمندی: غیرقانونی و غیرمشروع بودن از ویژگی‌های بارز تروریسم و بیوتروریسم است. به‌عنوان نمونه پروتکل شماره ۳ الحاقی به عهدنامه ۱۹۸۱ ژنو در مورد سلاح‌های متعارف، ممنوعیت استفاده از مهمات یا سلاح‌های آتش‌زا از جمله سلاح‌هایی که در هوا مشتعل می‌شوند مقرر می‌کند، ضمن اینکه حمله به جنگل‌ها و سایر پوشش‌های غیر گیاهی سرزمین دشمن با استفاده از سلاح‌های آتش‌زا ممنوع است مگر آنکه ضرورت نظامی وجود داشته باشد و یا از آن اماکن به‌عنوان محل‌های استتار دشمن استفاده گردد (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸) و همین‌طور در دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی و پروتکل‌های الحاقی به‌صراحت آلوده کردن آب آشامیدنی و

1. Irish Republican Army; IRA(1913-1921)

کارگاه‌های آبرسانی و مراکز عرضه‌کننده مواد غذایی و... را به‌صراحت منع کرده و نقض آن‌ها را خلاف قوانین و مقررات تلقی کرده است.

ل- قبول مسئولیت: و به نظر بنده همین ویژگی است که به‌طور دقیق و مشخص، بیوتروریسم را از تروریسم متمایز می‌کند و به آن وصف جداگانه‌ای می‌دهد. در حملات تروریستی معمولاً پس از یک اقدام، بیانیه‌ای از جانب گروه تروریستی مبنی بر قبول مسئولیت حمله مواضع عقیدتی، سیاسی و یا ملی تروریست‌ها صادر می‌شود حال آنکه عمدتاً در بیوتروریسم به ادعان بسیاری از دانشمندان و خبرگان آن هیچ قبول مسئولیتی به جهت اینکه عموماً فاعل مجهول است صورت نمی‌گیرد و چه‌بسا بعد از مدت‌ها و طی تحقیقات فراوان متوجه این نوع حملات بیوتروریستی شوند

ی- عامل اقدام تروریستی: بسیاری از تعاریف تروریسم اقدامات حکومت‌های قانونی را به‌عنوان اقدام تروریستی در نظر نمی‌گیرد. مگر آنکه کار آن‌ها پنهانی و در زمانی غیر از جنگ انجام شود. اقدامات جنگی اصولاً در حوزه تروریسم قرار نمی‌گیرد.

۴- تاریخچه بیوتروریسم

افکار و اعمال بیوتروریستی همواره در اقوام مهاجم، افراد افزون‌طلب و رقبای سیاسی - اقتصادی از یک‌طرف و افکار مدافعه‌گرانه یا تلافی‌جویانه در افراد، ارتش‌ها و دولت‌ها و شخصیت‌های مورد تهدید، از طرف دیگر، از هزاران سال قبل وجود داشته و گاهی ظاهراً افسانه‌گونه و باورناکردنی به خود گرفته است؛ بنابراین استفاده کردن از مواد تولیدشده توسط جانوران، گیاهان، باکتری‌ها، قارچ‌ها و ویروس‌ها علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی سابقه‌ای بسیار قدیمی و هزاران‌ساله دارد استفاده از سموم جانوری یا گیاهی برای سمی کردن سر تیرهای جنگی استفاده از لاشه حیوانات مرده از طاعون برای شکستن مقاومت داخل قلعه‌ها، مسموم سازی فضای داخلی مقابر فرعون‌ها با هوای قارچی کشنده و آلوده کردن منابع آبی شهرها از طریق ویروس‌های خطرناک از نمونه‌های باستانی سلاح‌های نامتعارف بیولوژیک هست، در جهان متمدن نیز این رویه ادامه دارد و البته پیچیده‌تر نیز شده است و آن‌گونه که ساخت و به‌کارگیری این سلاح‌ها طی کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌شدت ممنوع شد.

۱-۴-ایران

ترور، تهدید و ارعابی است که به حذف فیزیکی فرد منجر شود و این نوع ترور با تسلیحات جنگی نظیر بمب و مانند آن اتفاق می‌افتد؛ اما در کنار آن، به دلیل اینکه استفاده از سلاح در کشورها، روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود، به همین جهت بعضاً جای خود را به سلاح‌های بیولوژیکی داده‌اند؛ از اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در این زمینه‌ی بخصوص در ایران اتفاق افتاده است: شهر سپیدان استان «فارس» است که به دلیل برخی سهل‌انگاری‌ها، به خاطر آلوده شدن منابع آب شهر، حدود ۲۰۰۰ نفر به بیماری‌های گوارشی و اسهال و استفراغ مبتلا شده‌اند یا امروزه در شرق کشور، معضلی به نام دام‌های آلوده و سرگردان وجود دارد که سبب آلوده شدن دام‌ها می‌شود که این دام‌های آلوده به ویروس‌های خطرناک در مرزهای کشور ایران رها و وارد گله‌ها می‌شوند فراهانی و میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۸۲؛ نوع دیگری از بیوتروریسم، بیوتروریسم کشاورزی اگروتروریسم است که در این نوع بیوتروریسم هدف، به خطر انداختن امنیت غذایی کشور است و شامل سلامت انسان، گیاهان، مزارع، احشام و طیور و ... می‌باشد؛ که درواقع شامل استفاده از بیماری‌های حیوانی و گیاهی به‌منظور ایجاد آسیب و تخریب وسیع در بخش کشاورزی است که آسیب اقتصادی، خطرات انسانی و حتی ایجاد هراس در انسان‌ها را به دنبال دارد.

گفتار دوم- جلوه‌ها و ویژگی‌های جرایم بیوتروریستی

تقسیم‌بندی جلوه‌های بیوتروریسم بر اساس موضوع، یکی از وسیع‌ترین تقسیم‌بندی می‌باشد، که بیشتر تابع اقدامات برآمده از خشونت خشونت حاصل در بیوتروریسم می‌تواند با رویکردهای بیولوژیک، زیستی و... با ماهیت تروریستی در چارچوب‌های مشخص بوده است که بر اساس مرور زمان و تکرار و ابتکارات سیاسی در شرایط بخصوص چنین تقسیم‌بندی شده است.

۱-جلوه‌های بیوتروریسم

الف-بیوتروریسم (مکانیسم عملی یا عملیاتی)

هرچند بیوتروریسم یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدیدکننده کنترل عفونت به حساب می‌آید و طی دهه آخر قرن بیستم واژه‌های مرتبط با آن نظیر حمله بیولوژیک، جنگ‌افزار بیولوژیک، دفاع بیولوژیک و آموزش دفاع بیولوژیک برای اولین بار به فرهنگ واژه‌های

پزشکی و بهداشت افزوده شد، ولی واقعیت این است که این پدیده مفهومی جدید و محصول سال‌های اخیر نبوده، بلکه از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته و همواره به‌عنوان روشی منفور و ناجوانمردانه ولی کارآمد به کار می‌رفته که امروزه با پیشرفت فناوری و مهندسی ژنتیک ابعاد تازه‌تری پیدا کرده است.

ب- تغییر در ژنتیک انسانی

اجداد انسان‌های امروزی موجودی بنام هموساپینس^۱ بوده است که دارای آناتومی مدرن و پیشرفته بوده و در حدود ۲۰۰ هزار سال پیش می‌زیسته است. لذا تکامل انسان‌ها از آن زمان آغاز شده و نسل‌های انسانی حاصل در شرایط زیستی مختلف دچار تغییرات ژنتیکی شده و تنوع حاصل کرده‌اند؛ بنابراین ملیت‌ها، نژادها و جمعیت‌های مختلف از نظر ژنتیکی یکسان نبوده و تفاوت‌های زیادی باهم دارند حتی گروه‌های موجود در یک جمعیت نیز کاملاً همگن نیستند و ممکن است دارای اختلافات ژنی باشند. از سوی دیگر در سال‌های اخیر نیز شاهد نسل‌کشی و نژادکشی‌های زیادی در دنیا بوده‌ایم که از آن جمله می‌توان به کشتار کرده‌ای عراقی، توتری‌های رواندا، مردم تیمور شرقی، مسلمانان بوسنی و هرزگوین و مسلمانان مظلوم فلسطین اشاره نمود که در آینده می‌توانند مورد تهدید سلاح‌های ژنتیکی واقع شوند. پس از ترسیم این نقشه می‌توان تفاوت‌های موجود در کدهای ژنوم ملل مختلف را شناسایی نمود و در جهت ایجاد اختلال در فرایندهای ژنتیکی آن، کدهای ویژه‌ای را به داخل ژنوم آن‌ها تزریق کرده و یا اینکه از بیماری‌های ژنتیکی موجود در آن جمعیت سود جسته و در جهت ازدیاد ژنتیکی آن بیماری برآیند.

یک- نقشه ژنوم انسان^۲

طراحی نقشه ژنوم انسان از سال ۱۹۹۰ رسماً آغاز شده و در حدود ۹۰ درصد از این نقشه تکمیل شده است و در سال ۲۰۰۵ به‌طور کامل شناسایی و تکمیل گردید و پس از سال‌ها مطالعه به این سؤال که چرا بعضی از بیماری‌ها فقط در برخی از نژادهای انسانی مشاهده می‌شود. فرکانس ژن SS و Ss در این جمعیت اختلافات معنی‌دار با جمعیت‌های سایر نقاط دنیا دارد که

1. Homo Sapiens

2. HGP

آن را می‌توان نوعی سازش برای مقابله با بیماری مالاریا توصیف کرد؛ زیرا که انگل‌های مالاریا پلاسمودیوم‌ها در داخل گلبول‌های قرمز داسی شکل قادر به تکثیر نیستند و لذا مرگ در افراد طبیعی دارای ژن SS منطقه بیشتر اتفاق افتاده و افراد مبتلا به کم‌خونی داسی شکل بیشتر زنده مانده‌اند و تکثیر و ازدیاد نسل از آن‌ها صورت گرفته است.

دو-ساخت سلاح‌های ژنتیکی

گزارش معتبری در زمینه ساخت این نوع سلاح‌ها ارائه نشده بود ولی از سال ۱۹۹۰م. به بعد دانشمندان علم ژنتیک نوشته‌های زیادی در این زمینه به ثبت رسانده‌اند که اکثر آن‌ها به صورت سری و مخفی باقی‌مانده است و در مجموع به این موضوع اشاره دارند که با کشف کدهای ژنتیکی نژادها و ملت‌های مختلف مثل سیاه، سفید، شرقی، یهودی، فنلاندی، سوئدی و ... می‌توانیم رمزهای وراثتی که باعث مرگ‌ومیر و یا آسیب یک گروه خاص شوند را شناسایی نماییم به این ترتیب اهمیت علوم بیوتکنولوژی و ژنتیک در امور جنگی و نظامی بیش‌ازپیش آشکار خواهد شد. سلاح‌های ژنتیکی تحت عنوان ژنو ساید نامیده می‌شوند و ممکن است برای اهداف زیر ساخته شوند:

۱- سلاح‌های ژنتیکی که باعث آسیب جسمانی و یا معلولیت ذهنی همه و یا تعدادی از افراد یک گروه می‌گردد.

۲- سلاح‌های ژنتیکی که همه و یا تعدادی از افراد یک گروه را از بین می‌برد.

سه-انواع سلاح‌های ژنتیکی

اگرچه بیوتکنولوژی مدرن و مهندسی ژنتیک انقلاب عظیمی در علم پزشکی و صنعت کشاورزی به وجود آورده است ولی این امکان نیز وجود دارد که از پیشرفت‌های این علوم در جهت سوء و نابودی بشر نیز استفاده گردد.

۲- ویژگی‌های جرائم بیوتروریسم

چون اعضای گروه‌های تروریستی سعی می‌نمایند با انتشار افکار خویش در بین افراد مستعد جذب نیرو نمایند و چنانچه در محل مشخصی باشند احتمال دستگیری ایشان را زیاد می‌کنند سعی می‌کنند به‌طور پراکنده وارد عمل گردند این امر مقابله با آن‌ها را دشوارتر می‌نماید، شدت

و وخامت پیامدهای تروریستی بسیار زیاد می شود مثلاً در صورتی که مواد رادیواکتیو منتشر کنند تبعات آن در مدت زمان بسیار زیادی جامعه را با مشکلات عدیده مواجهه می نمایند و به راحتی امکان جبران خسارات عدیده وجود ندارد و چون این بزه به صورت گروهی ارتکاب می یابد به تبع مغز متفکر آن سعی می کند خود را مخفی و جریانات را هدایت نماید تا چنانچه عضوی از گروه از بین رفت اعضای دیگر به مثابه سایر سلول ها خلع حاصله را جبران نمایند.

الف- تهدید جدی امنیت

تروریست ها از طریق تهدید جدی امنیت سعی در ناامن نشان دادن جامعه و تحت فشار گذاشتن حکومت دارند از این رو یکی از ویژگی های مهم در شناخت بیوتروریسم تهدید جدی امنیت است. به موجب این ویژگی مهم می توان بیوتروریسم را شکل شدید خشونت سازمان دهی شده و نظام مند دانست که هدف از آن تولید هرج و مرج و وحشت در میان مردم می داند.

ب- گستردگی و وسعت

بزه های معمولی معمولاً هدف، ایراد صدمه به شخص خاصی یا دستیابی و ایراد خسارت نسبت به اموال مورد نظر می باشد اما در جرائم تروریستی ممکن است تروریست ها هدف خاصی نداشته باشند و سعی کنند از اقدام به اعمال تروریستی به تصور خویش بیشترین ضربه را به حریف وارد نمایند مانند انتشار عوامل مرگ آور همانند گازهای سمی یا عوامل میکروبی که منجر به ایراد صدمه به اشخاص به طور اتفاقی می نمایند مثلاً انتشار میکروب سیاه زخم و گازهای سمی که قبلاً بدان ها اشاره گردید منجر به از بین رفتن انسان های زیادی گردید.

ج- شدت وخامت پیامدهای بیوتروریستی

دستیابی تروریست ها به سلاح های کشتار جمعی امکان به کار بردن اصطلاح «شدت وخامت پیامدهای تروریستی» را مشخص می سازد وجه تسمیه استفاده از وصف «شدت وخامت پیامدهای تروریستی» در این واقعیت نهفته است که استفاده از سلاح های جمعی یعنی سلاح های هسته ای، شیمیایی و یا بیولوژیک می تواند موجب خسارات و تلفات انسانی بسیار فجیع و گسترده ای شود، شدت وخامت پیامدهای تروریستی با استفاده از سلاح های شیمیایی فاجعه بار دارای دو جنبه اصلی است:

جنبه اول، جهانی شدن است...

جنبه دوم، توان تروریست‌ها برای استفاده و به‌کارگیری این نوع تسلیحات است...

د- سازمان‌یافتگی تروریسم

بدون تقسیم وظایف ادامه هر نوع فعالیتی غیرممکن خواهد بود. زیرا جهت اقدام به هر عمل تروریستی باید اطلاعات در خصوص تشخیص وضعیت زندگی، محل اشتغال و ... فرد مشروط الیه به دست آید، وسیله و امکانات اقدام به اعمال تروریستی از جمله اسلحه، نقشه، وسیله نقلیه و ... جهت آن به دست آورد تا عملیات با موفقیت انجام گیرد.

گفتار سوم- مصادیق بیوتروریسمی

در این گفتار با بررسی برخی مصادیق بیوتروریسم؛ تهدید زیستی، اگروتوریسم و نسل جدید عوامل بیولوژیک با هدف شناخت ملموسانه از بیوتروریسم، ایراد بحث می‌گردد.

۱- تهدید زیستی

امنیت زیستی به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه برای کاهش خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم محسوب می‌شود. تهدیدات امنیت زیستی به این معنی است که خطرات در مقیاس کوچک به‌سرعت بالا می‌رود بنابراین برای آنکه یک سیاست مؤثر قابلیت اجرایی داشته باشد باید با پشتوانه‌های قانونی موجود بتوان آن را اجرا کرد وگرنه تبدیل به یک چالش می‌شود زیرا در هر جامعه‌ای با محدودیت‌هایی در زمان و منابع برای کاهش تهدیدها و وقوع آن‌ها مواجه هستیم و باید مجموعه‌ای از تدابیر اتخاذ شود که خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم کاهش یابد. در موارد بررسی ذیل با تغلیب حملات بیولوژیکی به تبیین تهدید زیستی پرداخته می‌شود.

الف- حملات بیولوژیکی

از آنجاییکه سلاح‌های شیمیایی گزینه چندان مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی نیستند؛ مشکلات حمل، نگهداری و به‌کارگیری، نیمه‌عمر کوتاه، خطر نشت، تاثیر محدود و قابلیت ردیابی عامل ترور کننده باعث شده چندان مورد اقبال نباشد؛ اگرچه در میدان جنگ گزینه موفقی

نشان داده است ولی از آنجاکه از سال ۱۹۳۵ م. کنوانسیون ممنوعیت به کارگیری آن‌ها در ژنو به امضای اکثر کشورهای جهان رسیده کشورهای متخاصم با احتیاط زیادی اقدام به به کارگیری آن می‌کنند که البته آن نیز به اشاره ابرقدرت‌ها خواهد بود ولی بازهم از سوی افکار عمومی جهان تحت فشار شدید قرار خواهد گرفت. از این‌رو سلاح‌های میکروبی، چه در عرصه جنگی و چه در عرصه تروریستی، وسیله‌ای بسیار مطلوب برای دشمنان شده است. توان تولید بالا، نگهداری راحت، قابلیت انتشار، قابلیت مصون‌سازی نیروی خودی، قابلیت تکثیر برای عوامل میکروبی زنده، دشواری بسیار در ردیابی فرد یا افراد متخاصم، گستردگی عملکرد از انسان تا دام و محصولات کشاورزی و بسیار محسنات دیگر، موجب شده تشکلهای تروریستی به این فن‌آوری جدید بشدت کشش یابند بدون آن‌که بتوان گناهی را متوجه آن‌ها نمود.

یک- عاملین حملات بیولوژیکی

معمولاً گروه‌ها و جنبش‌ها سیاسی و فرقه‌های مذهبی یا اشخاصی هستند که توانایی تولید و به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک را دارند.

دو- انواع عوامل بیولوژیکی و تهدیدات زیستی

در این قسمت باید گفت که قبح استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در مقایسه با سلاح‌های شیمیایی در افکار عمومی بین‌المللی به حدی است که پس از اینکه پروتکل ۱۹۲۵ م. ژنو که به آن اشاره شد منع استعمال این دو نوع سلاح را باهم مورد توجه قرارداد، معاهده ۱۹۷۲ م. ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت و به دست آوردن یا نگهداری سلاح‌های بیولوژیک را به‌طور مستقل تنظیم کرد و به تعهدات و الزامات درباره آن، دقت و ظرافتی ویژه داد. شاید بدتر از این‌ها آن باشد که پیشرفت‌های علمی سنوات اخیر، به‌رغم آثار مثبت فراوان، این امکان را فراهم کرده است تا دولت‌ها به عوامل بیولوژیک مهلک‌تری دست یابند که کنترل کردن آن‌ها نسبت به عوامل سابق خیلی کمتر و به عبارت دیگر غیرقابل کنترل‌تر است.

در ادامه با توجه به شکل ذیل به تفسیر عوامل بیولوژیکی که در نوع خود سلاح آلودگی می‌باشند، جهت شرح ارائه می‌گردد.

الف-سموم

سموم یا توکسین‌ها عوامل بیولوژیکی هستند که توسط موجودات زنده باکتری‌ها، گیاهان و جانوران تولید می‌شوند.

۱-مقایسه سموم و عوامل شیمیایی جنگی

در شرح این قسمت می‌توان گفت؛ به‌عنوان مثال سمومی که به‌طور مستقیم غشاءها و تنظیم مایعات سلولی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، می‌توانند در داخل ریه‌ها انتقال گازها را به‌طور شدید تحت تاثیر قرار داده، ناتوانی در فرد ایجاد نمایند سموم که سمیت کمتری دارند، در فضاهای سربسته مانند ساختمان‌ها تهدید عمده‌ای به‌حساب می‌آیند، پخش این‌گونه سموم از طریق دستگاه‌های تهویه و حرارتی امکان‌پذیر است، پیشرفت مهاجمین درزمینه مؤثرتر کردن سامانه‌های پرتابی و بسته‌بندی کردن سموم، رابطه بین سمیت و مقدار سموم را تغییر می‌دهد، ولی حتی در بهترین شرایط، مقدار موردنیاز جهت سمی با سمیت معین، فقط به میزان نصف تقلیل می‌یابد.

۲-مکانیسم عملی سموم

اولین مرحله در توسعه اقدامات پزشکی در برابر سموم و مهم‌ترین فاکتور تاثیرگذار جهت حفاظت افراد نظامی و غیرنظامی، دانستن مکانیسم عمل سمومی است که به‌عنوان تهدید محسوب می‌گردند. (در اینجا با توجه به توضیحات تخصصی، لذا نیاز به مراجعه به اصل پژوهش اصلی می‌باشد).

ب-پریان یا پریون^۱

این پروتئین غیرطبیعی دارای توالی اسیدآمینه‌های مشابه با پریون سلولی است؛ اما از لحاظ فیزیکی با دارا بودن صفحه‌های بتای فراوان، غیر محلول بودن در گندزداها، تمایل داشتن به تجمع و مقاومت نسبی در برابر پروتئولیز، با پروتئین طبیعی متفاوت است. بیماری‌های پریونی را که انسفالوپاتی اسفنجی شکل مسری می‌نامند شامل بیماری اسکراپی در گوسفندان و بیماری

جنون گاوی در گاوها. پریون یکی از پروتئین‌هایی است که به‌طور عادی در سلول‌های عصبی بیان می‌شود.

۱- بیماری‌های پریونی

گونه‌های زیادی از پستانداران به بیماری‌های پریونی مبتلا می‌شوند، به‌طوری‌که پروتئین پریون در تمام پستانداران خیلی به هم شبیه است. با این حال بیماری پریونی انسانی به‌وسیله پریونی که به‌طور معمول گاوها را آلوده می‌کند، ایجاد می‌شود.

پ- قارچ‌ها^۲

قارچ‌ها تهدیدکننده‌های بیولوژیکی هستند که در همه‌ی محیط‌ها حضور دارند. محیط کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی، بخش زیادی از نیازهای غذایی قارچ‌ها را تأمین می‌کنند. قارچ‌های مولد تنها تحت رطوبت بالا و دمای گرم می‌توانند دانه‌ها را آلوده‌کننده این سم بداندام‌هایی نظیر کلیه و کبد اثر می‌گذارد و با عبور از جفت اثرات ناقص‌الخلقه زایی موتوژن و سرکوب سیستم ایمنی را ایجاد کند.

ج- انگل‌ها^۳

به موجودی گفته می‌شود که حداقل یک قسمت از دوره زندگی خود را بر روی یا داخل بدن موجود زنده دیگری زندگی کرده و از این زندگی فایده می‌برد یا تغذیه می‌کند. (ویکی‌پدیا)

چ- ویروس‌ها^۴

میلیون‌ها نوع از ویروس‌ها در میان جانداران و در زیستگاه‌ها و مکان‌های مختلف وجود دارد و

۱. در همین زمینه به دو مقاله تخصصی ر.ک:

الف- اکراتوکسین A تهدیدکننده سلامت غذا و روشهای سم زدایی آن جهت نیل به امنیت غذایی.

ب- تشخیص عوامل قارچی تهدیدکننده سلامت کتابداران و کاربران در کتابخانه‌های دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

2. Fungus
3. Parasite
4. Virus

تاکنون بیش از ۶۰۰۰ گونه مختلف از ویروس‌ها به‌طور دقیق شناسایی و معرفی شده‌اند. انسان‌ها با جذب ویروس‌ها در ایام پیک مخاطرات انسانی مانند ویروس کرونا، فلج کردن انسان را تا مدت‌ها در دست اقدام دارند.

خ-باکتری‌ها^۱

باکتری‌ها نقش حیاتی در چرخه‌های مواد غذایی دارند و بسیاری از مراحل این چرخه‌ها همچون تثبیت نیتروژن از جو زمین، تجزیه پروتئینها به روش زیستی، تجزیه اجساد و بقایای جانداران و فرایند گندیدگی به آن‌ها وابسته است.

۲-اگروتوریسم

در بعضی از کشورهای درحال توسعه که غذای اصلی مردم را محصول کشاورزی نظیر برنج و گندم تشکیل می‌دهد، ممکن است با ایده‌های تروریستی، به آسیب بیولوژیک غلات و از بین بردن آن‌ها بپردازند و مسبب قحطی، سوءتغذیه، کاهش ایمنی و عفونت‌های مکرر شوند. بیوتروریسم کشاورزی که خود جزئی از اگروتوریسم می‌باشد، شامل استفاده از بیماری‌های حیوانی و گیاهی به‌منظور ایجاد آسیب و تخریب وسیع در بخش کشاورزی است که آسیب‌های اقتصادی، خطرات انسانی و حتی ایجاد هراس در انسان‌ها را به دنبال خواهد داشت.

الف-تهدیدات اگروتوریسم در کشور

در نگاه موثر برای این قسمت میتوان به مصاحبه معاون تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی در مورد تب برفکی در مهر سال ۱۳۸۹ اتقان مطلب نمود؛ وی شایع در میان دام‌های بخشی از کشور در آن زمان اظهار می‌کند: «گفته شده است تب برفکی دام به دلیل ورود دام قاچاق بوده است، اما احتمال بیوتروریسم از جانب کشورهای اروپایی یا همسایه منتفی نیست، هرچند با تلاش پژوهشگران کشور در سریع‌ترین زمان ممکن با آن مقابله شد. این بخش از نظر تولید، اشتغال، صادرات، حفاظت و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی و خدادادی، توسعه تحقیقات و فناوری‌ها و توسعه مشارکت‌های مردمی، یکی از ارکان مهم اقتصاد و امنیت

کشور به حساب می‌آید، ضمن اینکه ایران در بسیاری از موارد جزء کشورهای مهم تولیدکننده محصولات کشاورزی قرار می‌گیرد».

۳- نسل جدید عوامل بیولوژیک

گسترش علوم بیولوژی مولکولی، مهندسی ژنتیک، بیوتکنولوژی، سنتتیک بیولوژی و توان گسترده علمی جهت دست‌کاری و نو ترکیبی ژن‌ها و شناسایی عوامل مولکولی بیماری‌زایی، حدت، سموم کشنده و امکان افزایش مقاومت دارویی، افزایش قدرت همه‌گیری سبب شده است تا محققان نظامی برخلاف قوانین کنوانسیون‌های بین‌المللی منع توسعه سلاح‌های بیولوژیک به تحقیق و تهیه عوامل خطرناک و البته با توجیهاتی مانند تلاش برای ساخت واکسن یا شناخت علل و عوامل بیماری‌زایی این عوامل دست بزنند، اسناد و شواهد موجود نشان می‌دهد دانشمندان در سال ۲۰۱۰م. با پیشرفت‌های حاصله در علوم ژنتیک و پزشکی این نگرانی و وحشت عمومی از بیماری‌ها تا حدودی برطرف شده است، اما همین پیشرفت‌ها موجب برخی سوءاستفاده‌ها نیز شده است. مانند: ویروس خطرناک فلج اطفال و ویروس آبله انسانی با روش‌های نوین نو ترکیبی ژن تهیه شده است. دانشمندان یک آزمایشگاه پیشرفته در آمریکا در اقدامی ابهام‌برانگیز و نگران‌کننده موفق شدند ضمن شناسایی ژن‌های آنفلوآنزای فوق کشنده سال ۱۹۱۸م. موسوم به آنفلوآنزای اسپانیایی که سبب مرگ ۵۰ میلیون نفر در جهان گردید آن را به روش نو ترکیبی ژن سنتز و درکشت سلولی تکثیر کنند.

دوم- علت شناسی بیوتروریسم و تئوری‌های جرم‌شناسی بیوتروریسمی

در ادامه این پژوهش اختصاص داده شده به سه مبحث که در بخش اول بحث زوایای پیدا و پنهان روان‌شناختی یک فرد تروریست که عوامل بیوتروریستی را تولید و انتشار می‌دهد و افکار ناپیدای وی که منجر به کشتار می‌گردد، آغاز می‌شود و در ادامه در بخش دوم بحث جرم‌شناسی نظری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم به تحلیل عوامل جرائم بیوتروریستی سوق داده شده است که شامل دو گفتار، عوامل فردی و عوامل اجتماعی است و همچنین آن عوامل مهم و ریشه‌ای که عامل ایجاد اقدامات بیوتروریسمی می‌باشند، ذکر گردیده است.

بخش اول- علل روان‌شناختی تروریست‌ها

اختلال شخصیت، عبارت است از نارسایی در تکوین، رشد، تکامل شخصیت و یا داشتن گرایش‌های مرضی در ساختمان شخصیت که الگوهای رفتار نابهنجاری را در طی زندگی نشان می‌دهد و نوع این بیماری را مشخص می‌کند. اختلال شخصیت یک اختلال شایع و مزمن است که شیوع آن بین ۱۰-۱۵ درصد جمعیت عمومی تخمین زده می‌شود و حدود نیمی از بیماران روان‌پزشکی به اختلال شخصیت مبتلا هستند.

الف - اختلال در الگوی شخصیت

الگوی شخصیت اگر تحت شرایط و فشارهای شدید قرار گیرد و در درازمدت آسیب ببیند و دچار اختلال و نابهنجاری شود، واکنش‌های پسیکوتیک نشان می‌دهد و شامل شخصیت ناکافی، شخصیت اسکیزوفرنیک، شخصیت مرزی، شخصیت سیکوتیمیک و شخصیت پارانوید می‌شود، هرچند تمامی اختلالات فوق در تروریست‌ها مشاهده نمی‌شود، اما مشاهده شده است که برخی از تروریست‌ها دچار اختلالات فوق می‌باشند.

۱- نقش اسکیزوفرنیک

بیماری اسکیزوفرنی که در گذشته «جنون جوانی» نامیده می‌شد، از دو واژه یونانی «اس خیزن» و «فرن» یا «فرنوس» به معنای قوه تفکر ساخته شده است و شامل گروهی از واکنش‌های پسیکوتیک است که علامت بارز آن اختلال شدید در ارتباط با واقعیت است. برای مثال، در منطقه باسک اسپانیا از نظر ترکیب نژادی، یک ساخت یکدست و همگن وجود دارد و در این بین فقط ۸٪ از نژاد مخلوط باسک - اسپانیایی هستند و به فرزندان این خانواده‌ها به چشم دور که در سطح جامعه می‌نگرند و مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند، این احساس حقارت در بین این افراد در نهایت آن‌ها را به گروه منزوی و جدا از جامعه و پرخاشگر رهنمون ساخته است. در بین اعضای گروه بیش از ۴۰٪ دورگه‌های متأثر از توهین و حقارت دیگران وجود دارند؛ یعنی به عبارتی این دورگه‌ها از لحاظ روانشناسی در حاشیه‌اند.

۲- نقش پارانوید

پارانوید، یک اصطلاح یونانی است که حتی در دوره قبل از بقراط نیز به کار می‌رفته است

و به معنای دیوانگی بوده و علامت بارز آن پیدایش تدریجی یک نظام فکری هذیانی با طیف گسترده و توسعه یافته است که بر اساس تعبیر اشتباه از وقایع و حقایق زندگی استوار است. برای مثال، «بن لادن» رهبر گروه تروریستی «القاعده» و «شوکو آساها» را رهبر گروه تروریستی «آئوم شری نکو» نیز می توانند پارانویید باشند. در تهدید علیه منافع آمریکا به وسیله بنیادگرایان اسلامی به ویژه گروه القاعده در بمب گذاری سفارت کنیا و تانزانیا در ۱۹۹۸م. بن لادن به عنوان تهدید تروریستی علیه منافع آمریکا در همه جهان شناخته شد.

۳- نقش خودشیفتگی

احساس غلوآمیز خود مهم بینی در این افراد (تروریستهای بیوتروریست) خودخواهی شدید و خودشیفتگی را به وجود می آورد؛ پیشرفت های خود را خیلی بزرگ جلوه می دهند، اگر در امری موفق نشوند، احساس حقارت می کنند؛ تخیلات آنها مملو از موفقیت هایی در زمینه قدرت، ثروت، هوشمندی و عشق های ایده آل است.

ب - شخصیت سایکوپات^۱ (سوسیوپات)

عدم رعایت موازین اجتماعی و اخلاقی از خصوصیات بارز این نوع شخصیت است، از آنجاکه این نوع شخصیت با هنجارهای پذیرفته شده در جامعه ناسازگار و در ستیز می باشند و نسبت به افراد جامعه حس عطف و رحم ندارند، بیشترین احتمال استفاده از سلاح های کشتار جمعی به این گروه تعلق دارد. (فرید حسینی، ۱۳۸۸: ۹۵-۱۰۴)

در این قسمت نقش شخصیت ضداجتماعی و شخصیت غیراجتماعی در بروز حوادث تروریستی مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- شخصیت ضداجتماعی

شخصیت ضداجتماعی شامل اشخاصی می شود که در تعارض شدید با اجتماع هستند، قادر به احساس شرم و گناه و یادگیری موازین اخلاقی و اجتماعی یا سود بردن از تجارب گذشته نیستند و آستانه تحمل محرومیت آنها بسیار کم است و غالباً اعمال خود را بر گردن دیگران و اجتماع

1. Psychopath

می‌اندازند، تعهد اخلاقی به فرد یا گروه ندارند.

۲- شخصیت غیراجتماعی

افراد دارای شخصیت غیراجتماعی مقررات و موازین اجتماعی را رعایت نمی‌کنند، به عنوان نمونه مطالعه‌ای که بر روی افراد غیر اجتماعی بر روی اعضای گروه تروریستی ایرلند انجام شد، مشاهده شد که این افراد اگرچه منحرف‌اند، اما احساسات، آشفته‌گی و اضطرابی که در تروریست‌های دارای اختلال اسکیزوفرنی و یا پارانویدها وجود دارد، در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. افراد دارای شخصیت غیراجتماعی مقررات و موازین اجتماعی را رعایت نمی‌کنند و در محیط‌های ناسالم و غیرعادی پرورش یافته‌اند، فقط به افراد و گروه‌های خاص تبهکارانه مانند سازمان‌های تروریستی وفادارند. (فرید حسینی، ۱۳۸۸: ۹۵-۱۰۴)

گفتار سوم - راهبردهای مقابله با تهدیدات امنیتی بیوتروریسم در نظام کیفری ایران و بین‌الملل

هرچند در هر دو مورد جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم این عوامل بیولوژیک با عنوان تسلیحات ویروسی، باکتریایی و سمی باعث کشته شدن، ناتوانی و مصدومیت در افراد، احشام و آسیب به محصولات کشاورزی می‌شوند؛ اما وجه ممیزه این دو آن است که در بیوتروریسم وضعیت جنگی موجود نیست، اما استفاده از این موارد به عنوان سلاح در جنگ، آن جنگ را به جنگی بیولوژیک تبدیل می‌کند؛ بنابراین، در این مورد، جنگ بیولوژیک عبارت است از استفاده از عوامل بیولوژیک اعم از باکتری‌ها، ویروس‌ها، گیاهان، حیوانات و فراورده‌های آن‌ها به منظور اهداف خصمانه تلقی می‌گردد.

با توجه به خصوصیات که از عوامل بیولوژیک عنوان شد، می‌توان گفت دلایلی وجود دارد که تروریست‌ها و گروه‌های متخاصم در جنگ را ترغیب می‌کند تا در کنار استفاده از دیگر سلاح‌های کشتار جمعی و سنجش سود و زیان استفاده از آن‌ها، به بهره‌برداری از عوامل بیولوژیک روی آورند.

الف- راهبردهای کیفری مقابله با بیوتروریسم در سطح بین‌الملل و ایران

مقابله با این پدیده هم در اسناد بین‌المللی تجلی یافته است و هم در قوانین داخلی؛ بنابراین، در

ادامه به بررسی راهبردهای مقابله‌ای با پدیده بیوتروریسم در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران پرداخته می‌شود.

۱- راهبردهای مقابله‌ای در حقوق بین‌الملل

در سطح بین‌المللی به‌طور خاص از دهه ۱۹۲۰ توجه به سلاح‌های بیولوژیک که باعث صدمه می‌شود، آغاز و از همان دهه نیز راهبردهایی برای مقابله با آن اندیشیده شد. به عنوان نمونه در بررسی کنوانسیون ذیل اشاعه و انتشار هرگونه مواد و عوامل بیولوژیکی مورد بررسی گرفته است. کنوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاح‌های باکتریولوژیک بیولوژیک و سمی و انهدام سلاح‌های مذکور در سال ۱۹۷۲ تصویب شد و ایران نیز در سال ۱۳۵۲ به آن پیوست. طبق ماده ۱ این کنوانسیون «هریک از دول طرف این کنوانسیون متعهد می‌شوند که هرگز و در هیچ اوضاع و احوالی به تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره یا به هر روشی به تحصیل و نگهداری مواد زیر مبادرت نکنند:

۱. عوامل میکربی...

۲. سلاح‌ها و تجهیزات...

با تصویب این کنوانسیون، اول اینکه توسعه، تولید و ذخیره عوامل میکربی و بیولوژیک نیز مانند استفاده از آن ممنوع شد؛ دوم اینکه عوامل بیولوژیک نیز در کنار عوامل میکربی در بند ۱ ماده ۱ برای پوشش هر نوع عامل بیولوژیک و میکروارگانیسمی ذکر شد و سوم اینکه محدودیت مذکور ناظر به زمان جنگ نبوده و عام است و تمامی زمان‌ها را در بر خواهد گرفت.

۲- سیاست جنایی ایران در مقابله با بیوتروریسم

سیاست جنایی طبق تعریف عبارت است از اقدامات قهری و غیر قهری با محوریت دولت که توسط نهادهای رسمی یا غیررسمی برای مقابله با پدیده مجرمانه اتخاذ می‌شود؛ بنابراین، از اقدامات پیشگیرانه تا واکنش کیفری در این حوزه در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب- قوانین پیشگیرانه در حوزه بیوتروریسم

در حوزه بیوتروریسم قوانینی وجود دارد که پیش از ورود این رفتار به حیطه کیفری، درصدد

پیشگیری از این پدیده است. اولین سندی که به‌طور کلی نظر بر این مقابله داشته و آن را به‌طور خاص در حوزه پدافند غیرعامل قرار داده است، به‌پیش از انقلاب بازمی‌گردد. این مصوبه، «آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور، مربوط به وظایف و تشکیلات» مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۷ است و همچنین میتوان به قوانین حاضر برای نمونه، ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «هرگاه مأموران پست بر مبنای قراین و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکربی خطرناک یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذیصلاح به پست یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورت‌مجلس توقیف می‌شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می‌رسد.» اشاره نمود. بنابراین، این سیاست‌ها که ناظر به جهت‌گیری کلی حوزه مورد بحث است به‌خوبی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۹ به این پدیده توجه خاص در سطح کلان داشته و به‌صورت غیرنظامی درصدد مقابله با آن بوده است.

پ- سیاست کیفری ایران در مقابله با بیوتروریسم

قوانین کیفری ایران از دو جنبه به موضوع بیوتروریسم پرداخته‌اند. از یک‌سو، مقدمات این نوع از تروریسم را جرم‌انگاری کرده و از سوی دیگر، رفتار بیوتروریسم را مورد خطاب قرار داده‌اند. طبق ماده ۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز «قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از واردکردن آن‌ها به کشور یا خارج نمودن آن‌ها از کشور به‌طور غیرمجاز است» و ماده ۳ این قانون اقلام و مواد تحت کنترل را عبارت دانسته است از «انواع مواد محترقه، ناریه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیوی، میکربی، گازهای بی‌هوش کننده، بی‌حس کننده و اشک‌آور و شوک دهنده‌ها شوکرها و تجهیزات نظامی و انتظامی است».

باین‌حال، ماده ۲ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، در برخی از موارد این افراد را در حکم محارب و مفسد فی‌الارض دانسته و اعمال مجازات تعزیری را منوط به عدم احراز مفسد بودن یا محارب بودن کرده است این ماده، این مشکل را داراست که بیان کرده است «تأمین مالی تروریسم در صورتی که در حکم محاربه یا افساد فی‌الارض تلقی شود، مرتکب به مجازات آن محکوم می‌شود» و مشخص نیست دقیقاً با چه شرایطی می‌توان فرد را نه محارب و مفسد، بلکه در حکم محارب و مفسد دانست.

همچنین در بررسی ماده ۲۸۶ ق.م.ا، به نظر می‌رسد با آگاهی به این خلأ جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رساند که ماده ۲۸۶ آن به جرم‌انگاری رفتار بیوتروریسم پرداخته است. (مرادخانی و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷-۱۴۸) البته نکته مهم در این ماده آن است که این ماده نیز به‌طور خاص به جرم‌انگاری بیوتروریسم نپرداخته است، بلکه در ضمن جرم‌انگاری بزه فساد فی‌الارض که جرمی برآمده از فقه است، عباراتی را ذکر کرده که می‌توان برای مقابله کیفری با بیوتروریسم از آن بهره برد؛ بنابراین، ماده مذکور نه الزاماً ماده‌ای برای بیوتروریسم، بلکه منطبق با جرم‌انگاری بیوتروریسم بوده و همین امر نیز پیشرفت درخور ملاحظه‌ای در مقابله با بیوتروریسم محسوب می‌شود. ذکر عباراتی که در این ماده منطبق با بیوتروریسم است، به نظر می‌رسد ناشی از الزام قطعنامه شورای امنیت و کنوانسیون ۱۹۷۲ و همچنین تصویب برنامه پنجم توسعه است. در ادامه باید گفت با توجه به ابهامی که در ماده مذکور موجود است، مناسب است قانون‌گذار وزارت بهداشت، سازمان پزشکی قانونی، وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح را موظف به تهیه فهرستی از مواد سمی و میکربی و خطرناک کند و امکان بازبینی آن را هرساله با توجه به موارد جدید ممکن سازد. در تبصره ماده فوق، ابهامی افزون دیده می‌شود و آن چنان‌که این تبصره بیان داشته، اگر دادگاه قصدهای مذکور در تبصره را احراز نکند، شخص مرتکب به‌موجب قوانین خاص مجازات و در صورت فقدان آن به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود. به‌روشنی از این عبارت برداشت می‌شود که برای محکوم کردن فرد به جرم ماده ۲۸۶ ق.م.ا. وجود قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده، ضروری است. سیاست کیفری ایران مقدمات پیشگیرانه‌ای را برای جلوگیری و مقابله نمی‌توان مؤثر و مفید دید. چه‌بسا سازوکار قانونی مقبولیت قابل‌ملاحظه‌ای دارد ولی در این بخش تلاش شد، کارایی ناکافی در جهت عوامل نوین و کلاسیک بیوتروریسمی نشان داد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش پس از بررسی مسئله بیوتروریسم از دیدگاه جرم‌شناسی و همچنین رویکرد حقوق بین‌الملل و تحلیل نظرات موافقان و مخالفان، نتایج ذیل به‌صورت مختصر حاصل گردیده است. بیوتروریسم همانند قاچ‌های سمی در این دهکده جهانی رشد چشمگیری داشته است و اقدامات سازمان ملل هم برای پیشگیری و مقابله با آن ناکام مانده است برای موفقیت در

پیشگیری از بیوتروریسم باید در عرصه بین‌المللی تعریف جامع و مانع از آن به وجود آید که دولت‌ها همه در آن متفق باشند تا زمانی که نتوانیم تعریفی درست از آن ارائه بدهیم، اقدامات پیشگیرانه نتایج چندان مثبتی نخواهد داشت. به همین دلیل برخی نیازی به تعریف این واژه ژنریک نمی‌بینند دشواری در ارائه یک تعریف جامع از تروریسم موجب شده که مرز بین تروریسم و غیر تروریسم مشخص نباشد و از نظر فرد یا دولتی یک شخص تروریست محسوب شود و از نظر فرد یا دولت دیگر مبارز آزادی‌خواه تلقی شود.

خارج از چارچوب جنایات بین‌المللی شناخته‌شده همچون (جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی) امکان دارد خود بیوتروریسم به عنوان یک جنحه بین‌المللی مستقل تعریف شود.

مبانی نظری جرم‌شناسی بیوتروریسم مبتنی بر نظریات نوین مانند جرم دولتی و انطباق اجتماعی و... است؛ چراکه جرم‌شناسی جرائم مبتنی بر نفرت «ویژگی هویتی قربانی» است و مرتکب بدین وسیله تحریک به حمله می‌شود. فرد با نفرت حاصل از انگیزه‌های شخصی دخیل در جرائم تروریستی بیوتروریسمی نمی‌تواند علت عمده باشد. جرم بیوتروریسمی، جرم مبتنی بر قومی، مذهبی و... نیست که به دلایل شخصی مانند حملات تروریستی گروه‌هایی مانند داعش و... متکی باشد بلکه علت عمده در بیوتروریسم از محدوده‌ی انگیزه‌های شخصی خارج می‌شود و در حیطه سیاست قرار می‌گیرد. فرض دیگر مدنظر پژوهش حاضر بر سیاست که از علت‌های حاکم بیوتروریسم است، تأکید دارد. سیاست‌های کشورهای متخاصم ایجاب می‌کند فردی را که علم وی بیش از جرائم ساده تروریستی است، بکار ببندد تا فرآیندی از جنس بیولوژیک را به وجود آورد.

حال در مقابل این قبیل حملات، کشورها باید از منظر کنشی و واکنشی قابلیت اعطاف در مقابل حملات بیولوژیکی را داشته باشند، در غیر این صورت مانند ویروس کرونا دچار بحران می‌شوند. اگرچه تا به حال هیچ‌گونه قاعده قراردادی مبنی بر جنایت بودن کلیه اقدامات بیوتروریستی در دست نیست؛ ولی قطعنامه‌های مکرر مجمع عمومی، افکار عمومی، تصویب قوانین ضد تروریستی در داخل کشورها و مهم‌تر از همه افزایش تعداد کنوانسیون‌های ضد بیوتروریستی همگی حاکی از شکل‌گیری یک قاعده عرفی در خصوص جنایت بودن اقدامات بیوتروریستی می‌باشند.

اقدامات ضد بیوتروریستی روشن ساخته که جامعه بین‌المللی نیاز دارد تا علیه بیوتروریسم

در یک سطح بین‌المللی همکاری کرده و مساعدت نمایند. چراکه بیوتروریسم دیگر یک مسئله داخلی نیست. ما در آینده قادر نخواهیم بود؛ در مبارزه با بیوتروریسم صرفاً به پیگیری قوانین داخلی اتکا کنیم. لازمه آن این است که ما مفاهیم بین‌المللی را تعریف کنیم و همچنین در یک سطح بین‌المللی جنایات بیوتروریستی را مانع شویم. امروزه می‌توان ادعا نمود که برخی از موارد بیوتروریسم همچون اگروتوریسم که حاصل تغییر ژنتیک در بذرهای آلوده است، یک جنایت بین‌المللی است.

پیشگیری بیوتروریسم در دو سطح کیفری و غیر کیفری قابل طرح است. از بعد پیشگیری غیر کیفری می‌توان به پیشگیری وضعی و اجتماعی از بیوتروریسم اشاره نمود هرکدام از این دو گونه‌ی پیشگیری دارای راهکارهایی در جهت پیشگیری از بیوتروریسم می‌باشند. نتیجه‌ی نهایی این تحقیق این است که پیشگیری از بیوتروریسم در بُعد فردی و اجتماعی قابل تحقق است. نتیجه‌ای دیگر که از این تحقیق گرفته می‌شود این است که فرضیه‌ی بیمار روانی در مورد تروریست‌ها در حد بسیار ناچیزی مؤثر بوده است، اگرچه برخی از تروریست‌ها دارای اختلالات روانی پارانوئیدی در حد بسیار ناچیزی بوده‌اند، اما عوامل اصلی، عوامل سیاسی در حد کلان بوده‌اند و فرضیه‌ی بیمار روانی دارای جنبه‌ی فرعی است. از بُعد پیشگیری وضعی کنترل موقعیت‌های جرم‌زا بسیار پراهمیت است و از بعد اجتماعی ارائه آموزش‌های لازم و تربیت افراد جامعه و خنثی کردن ریشه‌های بیوتروریسم دارای اهمیت بسزایی می‌باشند. از بعد سیاست جنایی، در ایران خلأ قانونی در خصوص بیوتروریسم وجود دارد و در بُعد بین‌المللی نیز، جامعه‌ی جهانی به سمت واکنش شدید و جرم‌انگاری همکاری با بیوتروریسم می‌پردازد.

پیشنهاده‌ها:

۱- در بررسی جرم بیوتروریسم صرفاً به قوانینی مانند حفاظت از خاک و... نمی‌توان بسنده کرد. در این زمینه باید گفت سیاست تقنینی ایران با به‌کارگیری متخصصینی که از جنس بیولوژیک آشنایی‌تر دارند، وارد گفتمان بشود. در موضوعات مختلف همچون آب، غذا، هوا، خاک و... که حیات انسان به آن وابسته است، اندیشه ورزی کنند. زمانی که در آلودگی مجرای حیاتی انسان دچار نقصان می‌شود، علت‌ها دقیق بررسی و سدی برای آن‌ها پیش‌بینی شود. در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۸۶، صرفاً به «گسترده‌گی» اشاره می‌نماید. گسترده‌گی در انتشار عوامل بیوتروریسمی مهم است ولی تعیین حدود آن نباید به مواد «سم و میکروبی و ...» بیان گردد. مواد

بیولوژیکی که عوامل گوناگون دارند، در نوع خود که موجبات فلج شدن بخش عظیمی از جوامع می‌شوند، قوانین پیش‌گیرنده مناسب مانند «قانون ضد بیوتروریسم»، جای خود را در قوانین جزایی ایران نشان می‌دهد. در این قانون تعریف عمیقی از عوامل بیولوژیک (سموم، باکتریها، ویروسها و...)، دستگاه‌های مجری پیش‌گیرنده، عامل پخش مواد بیولوژیک (بیوتروریستی یا...)، سنجش مقادیر آلودگی به مواد بیولوژیکی در محصولات غذایی، آرایشی و بهداشتی، دارویی و... مورد تقنین واقع شود.

۲- به‌کارگیری تمام ظرفیت سازمان پدافند غیرعامل بدین‌صورت که آگاه‌سازی عامه مردم را به حداکثری برساند.

قوانین بر پیشگیری صائب هستند تا درمان بنابراین موضع باید گفت؛ آموزش‌های برنامه‌های رسانه‌ای تاکنون در بین مردم جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر این دستاوردها رسانه‌ای برمدار تولیدات سازمان صداوسیما با محوریت شناخت بیوتروریسم، راهکارهای مقابله‌ای، بازشناختی بیوتروریسم، حضور کارشناسان بیولوژیکی معتبر در سطح تهیه و تدوین این برنامه این سازمان با نهاد پدافند باشد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (ه. ق ۱۴۱۴)، لسان العرب، دار صاد، بیروت
۲. آرمیده رضا و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹)، مروری بر نقش ویروسها در بیوتروریسم با تأکید بر کرونا ویروس، فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، سال هشتم، ۷۲-۸۰
۳. آغنی، آناهیتا (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی ماهیت و آثار بیوتروریسم در ایران و حقوق بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه
۴. آتف رنالد، رهیافت جرم‌شناسی و بزه دیده شناختی به تروریسم (تحلیل جرم شناختی تروریسم)، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، [بی تا]
۵. آشوری محمد، معظمی شهلا، مهرا نسرين (۱۳۹۴)، تروریسم شناسی، نوبت اول، تهران: مجد
۶. احتشامی، علی (۱۳۸۷)، تروریسم شیمیایی تهدیدی آشکار برای امنیت عمومی، فصلنامه دانش انتظامی، ۴، نهم، ۱۶۷-۱۸۱
۷. بجنوردی سید محمد، مجموعه مقالات فقهی حقوقی اجتماعی، [بی تا]، [بی جا]
۸. پایگاه خبری ایمننا
۹. پایگاه خبری مشرق نیوز
۱۰. توکلی، سعید (۱۳۹۱)، راهبردهای تروریسم، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۶، پنجم، ۸۳-۹۶
۱۱. جعفری زاده، محمدرضا (۱۳۸۸)، تأثیر متقابل زیست‌فناوری با دفاع زیستی و روش‌های مقابله با بیوتروریسم، مجله ایمنی زیستی، دوره ۷۳، ۲-۸۱
۱۲. حاتمی، حسین (۱۳۸۹)، مروری بر بیوتروریسم و دفاع بیولوژیک، فصلنامه پلیس بین‌الملل، ۱، اول، ۱۴۶-۱۵۰
۱۳. خسروی بهرام (۱۳۸۸)، جنگ‌افزارهای بیولوژیک، مجله علمی ابن‌سینا، شماره ۴، ۳۱-۳۶
۱۴. خسروی مژگان (۱۳۹۶)، بیوتروریسم در آب و مواد غذایی، مجله یافته‌ها، دوره ۱۹، ۱-۱۱

۱۵. زارع بیدکی مجید، بلالی مود مهدی (۱۳۹۴)، بیوتروریسم و جنگ/افزارهای بیولوژیک از گذشته تا به امروز: یک مطالعه کلاسیک، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، شماره ۲۲، ۱۸۲-۱۹۸

۱۶. زرگان، جمیل، جلیل دهنوی (۱۳۹۵)، تهدیدات امنیتی بیوتروریسم و راه‌های مقابله با آن با رویکرد پدافند غیرعامل، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، شماره ۹۱، ۱۹۰-۱۱۰

۱۷. ستوده، هدایت‌ال_____ه (۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، ۲۱، تهران: آوای نور

۱۸. شاه‌حسینی محمدحسن (۱۳۸۰)، بیوتروریسم؛ شبج جنگ‌های بیولوژیک، نشریه طب نظامی، دوره ۳

۱۹. شیرزاد هادی، جهانی محمدرضا (۱۳۸۳)، نحوه برخورد مأموران با بسته‌ها و پاکت نامه‌های مشکوک به حملات بیولوژیکی، دو ماهنامه توسعه انس_____انی پلیس، شماره ۷۳، ۲-۸۳

۲۰. شهرکی سیامک (۱۳۹۹)، بررسی انواع سلاح بیوتروریسم و تأثیر آن بر امنیت ملی، شماره ۱۳۱، ۲۲-۱۵۳

۲۱. شمس ناتری، محمدابراهیم، مجید قورچی بیگی (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بیوتروریسم، دوماهنامه مفید، ۷۳، پانزدهم، ۱۲۵-۱۴۶

۲۲. شاهیده، فرهاد، امیرحسین نیاز پور (۱۳۹۹)، جرم‌نگاری پیش‌دستانه اعمال تروریستی، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۲۳، ۱۹-۱۵۶

۲۳. طبرسی، فضل بن الحسن (قرن پنجم ه.ق)، تفسیر نمونه مجمع‌البیان، دوم، چاپ سنگی، بیروت: دارالمعرفه

۲۴. لغتنامه دهخدا

۲۵. علیزاده کامیاب، جوانی سیامک (۱۳۸۵)، مقابله با بیوتروریسم، مجله ابن‌سینا، شماره ۱، دوره ۹، ۲۰-۲۱

۲۶. فراهانی، شراره، محمد میرزایی (۱۳۹۵)، تأثیر تهدیدات امنیت زیست محیطی بر امنیت ملی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۲۹، هفتم، ۱۷۸-۱۸۲
۲۷. فرید حسینی، فرهاد (۱۳۸۸)، ارزیابی تصمیم‌گیری در شرایط مخاطره‌آمیز بیمار در بیماران شخصیت مرزی و ضداجتماعی، مجله اصول بهداشت روانی، ۹۵، ۲-۱۰۴
۲۸. کوره‌پز، محمد (۱۳۹۷)، پاسخ کیفری به بیوتروریسم در حقوق ایران، اسناد بین‌المللی و سایر کشورها، اول، تهران: قوه قضائیه-مرکز مطبوعات و انتشارات
۲۹. کنوانسیون ژنو ساید (۱۹۴۸)
۳۰. گلباف، مهناب (۱۳۹۶)، تروریسم؛ تهمت یا استناد، ماهنامه دام و کشت، ۲۰۴، ۲۰
۳۱. مراد خانی احمد، فاطمه رحمانی (۱۳۹۷)، بررسی فقهی و حقوقی بیوتروریسم، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۲۷، ۵۲-۱۴۸
۳۲. متولی زاده اردکانی، علی (۱۳۹۵)، پروژه ژنوم انسان و چالش‌های اخلاقی و حقوقی در جوامع انسانی، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۱۰۲، ۱۹-۱۲۴
۳۳. مردانی، مهناز، مریم رضا پور (۱۳۹۶)، اگروتروریسم، مجله یافته‌ها، دوره ۱۹، ۲۵-۲۸
۳۴. میر حاج حسن و همکاران، تروریسم نامتعارف و توکسین‌ها، [بی‌جا]، [بی‌تا]، [بی‌نا]
۳۵. نور اشرف‌الدین، سید ولی (۱۳۹۹)، سیر تاریخی و تحولات بیوتروریسم و راهکارهای مقابله با آن، مجله تاریخ پزشکی، ۱۲، ۴۵-۱۸
۳۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، تقریرات درس جرم‌شناسی، تدوین مجتبی جعفری، دوره دکتری جزا

منابع لاتین

۳۷. Abadie Alberto (2001) Poverty, Political Freedom, And The Roots of Terrorism. Harvard university and NBER. p.1

بررسی تطبیقی پیشگیری از فساد اداری در ایران و نظام حقوقی کامن لا

مصطفی اکبری منوچهر فانی

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۲/۲۷	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۳/۱	شماره صفحه : ۱۰۱-۱۳۳
--------------------	--------------------------	------------------------	----------------------

فساد اداری یکی از مقوله‌های مهم در عرصه مسائل ادارات و موسسات دولتی و خصوصی است که همواره موجب بروز مشکلاتی را در سیستم معاملات دولتی ایجاد نموده است. کارکنان دولت یکی از سرمایه‌های سازمانی در اداره امور کشور هستند. حسن عملکرد آنان در تحقق اهداف سازمان و دولت بسیار مهم و رابطه مستقیم با بازدهی بیشتر و مفیدتر، دور شدن از زمینه‌های تخلف و تخطی کارمند، زمینه ساز پیشرفت خود کارمند و سازمان را دارد. فساد اداری عبارت از استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری و دولتی برای تأمین منافع شخصی است. این فساد شکل‌های گوناگونی داشته که اختلاس، ارتشا و سوءاستفاده از اموال و امکانات دولتی نمونه‌های شناخته شده‌ای از آن است. از آن جا که مهم‌ترین سرمایه سیاسی حکومت‌ها اعتماد مردم به حاکمان است و انواع فساد، خصوصاً فساد اداری، این اعتماد را خدشه دار می‌کند، مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی انکارناپذیر است. شیوع ارتکاب این فساد در سطح ملی و بین المللی، جامعه جهانی را بر آن داشته تا اقداماتی هماهنگ برای مقابله با آن طراحی کند. پیشگیری از فساد اداری در قانون ارتقای سلامت و با نظارت دولت و قوه قضاییه مورد بررسی قرار گرفته و در حقوق انگلستان، مبارزه با فساد اداری که حقوق اداری آن بر اساس عرف و رویه قضایی می‌باشد

کلید واژه : فساد، فساد اداری، رشا، ارتشا، پیشگیری.

مقدمه

یکی از رویکردهای سیاست جنایی که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه حقوقدانان کیفری و انواع جرم شناسان قرار گرفته، پیشگیری از وقوع جرایم است. لطمات و هزینه‌های اقتصادی که ارتکاب جرایم مختلف بر دولت‌ها بار نموده، آنها را بر آن داشته تا نسبت به اندیشیدن راهکارهایی جهت حذف این معضلات و هم زمان از بین بردن یا به حداقل رسانیدن ارتکاب جرایم با پیشگیری از وقوع آنها ترغیب شوند. (باقر زاده، ۱۳۸۶، ۱۲۱)

شکی وجود ندارد که یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به سلامت اداری در نظام هر کشوری، مبارزه با فساد اداری است و شاید از همین رو است که بسیاری کشورهای جهان تلاش می‌کنند ساز و کارهای قانونی خود را در این زمینه ارتقا دهند. متأسفانه باید پذیرفت نظام اداری ایران در حال حاضر، تا دستیابی به جایگاه مطلوب خود راه درازی در پیش دارد.

در واقع می‌توان گفت فساد اداری پدیده‌ای همزاد حکومت است. یعنی از زمانی که فعالیت‌های بشر شکل سازمان یافته و منسجمی به خود گرفت از همان زمان فساد اداری نیز همچون جزء لاینفکی از متن سازمان ظهور کرده است. بنابراین می‌توان فساد را فرزند ناخواسته سازمان تلقی کرد که در نتیجه تعاملات گوناگون در درون سازمان و نیز به مناسب تعامل میان سازمان و محیط آن به وجود آمده است. (بهره‌مند، ۱۳۸۷، ۳۰)

فساد اداری بخشی از مجموعه مسایلی است که سازمانها در دوره عمر خود به ناگزیر آن را تجربه می‌کنند. این مجموعه مسایل به معطلاتی اشاره دارد که به طور عمده ریشه‌های آن در خارج از سازمان قرار داشته ولی آثار آن سازمانها را متأثر می‌سازد. این معضلات به عنوان چالش‌هایی که همواره پیش روی مدیران هستند تلقی می‌شوند که به دلیل عدم کنترل سازمان بر علل پیدایی آنها، طبیعتاً کنترل آنها نیز بسیار دشوار است. (ولیدی، ۱۳۸۶، ۴۵) به عنوان مثال فساد اداری تا حد زیادی از نظامهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد؛ برای مثال بالا بودن نرخ بیکاری، میزان سلطه روابط غیر رسمی و سنتی بر ارتباطات میان افراد، میزان بلوغ نظام سیاسی و... بر حجم فساد اداری یک جامعه تأثیر مستقیم می‌گذارد از طرفی فساد اداری به طور مستقیم بر کارایی نظام اداری، مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت نظام فرهنگی و اجتماعی اثرات ناهنجاری خواهد گذارد که این تعامل باعث ایجاد دوری باطل و مارپیچی نزولی می‌شود که در نهایت جامعه را به افول خواهد کشاند. (آشوری، ۱۳۸۶، ۵۴)

رشا و ارتشا به عنوان یکی از مصادیق مفاصد اقتصادی، از طریق نادیده انگاشتن و ایجاد اختلال در ضوابط اداری موجود، بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را متزلزل ساخته و باعث افزایش بی‌اعتمادی افکار عمومی و کاهش اثر بخشی تدابیر دولت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و تزلزل حاکمیت قانون در قلمرو اقتصادی می‌گردد. نکته ای که بر اهمیت مسئله مفاصد اقتصادی می‌افزاید، رابطه مفاصد اقتصادی با جرایم سازمان یافته و تاثیرات منفی‌ای است که بر اقتصاد داخلی، اداره عمومی جامعه و اقدامات دولت‌ها در جهت توسعه می‌گذارد.

از آن جایی که وجود فساد در دستگاه‌های دولتی باعث اختلال در اداره امور دولتی و مانع رشد و توسعه یافتگی و نیز باعث نارضایتی مردم و تضعیف اقتدار حاکمیت در هر جامعه ای می‌شود، لذا حقوق کیفری برای مبارزه با این امر مهم، موظف است به عنوان مهم‌ترین اهرم مقابله با جرم در جامعه، با اعمال روش‌های خاص خود و تدوین قوانین کیفری مناسب، به حفظ و ارتقاء سلامت نظام اداری بپردازد. (حسینی، ۱۳۸۷، ۹۱)

فساد اداری، اگر چه ممکن است در مقایسه با جرایم دیگر، نظیر قتل و سرقت، رعب انگیز نباشند، اما به لحاظ تاثیرگذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف عمومی جامعه بیش از خطاهای دیگر باید مورد ملاحظه و توجه قرار بگیرند. به تعبیر دیگر، بارزترین نشانه انحراف دولت (به معنای عام) و جامعه از قانون، زیاده‌تر از حد طبیعی بودن تخلفات اداری است. اگر در خانواده دولت میزان فساد زیاد شود، جامعه با یک فاجعه واقعی روبه‌رو است، زیرا براساس قاعده، کارکنان دولت شاخص‌ترین افراد جامعه‌اند و بروز تخلف و انحراف در چنین قشری مشکلی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

در ایران کارکنان کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی و شرکت ملی نفت و گاز و پتروشیمی و شهرداری‌ها و بانک‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تامین می‌شود و نیز کارکنان مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی مشمول مقررات این قانون هستند و مشمولان قانون استخدام نیروهای مسلح و غیرنظامیان ارتش و نیروهای انتظامی، قضات، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و مشمولان قانون کار تابع مقررات مربوط خود هستند نه این قانون.

کشور انگلستان که یکی از اعضای اصلی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، شورای اروپا و کنوانسیون‌های مختلف آن می‌باشد، در سال ۲۰۱۰ برای اعمال مفاد این کنوانسیون‌ها در قوانین

داخلی خود اقدام به تصویب قانون رشا و ارتشا نمود، که این قانون در نوع خود به عنوان یکی از پیشرفته ترین تدابیر تقنینی، در کنترل و مبارزه با این جرم می باشد. (والاسیس، ۲۰۱۲، ۱۸)

قوانین مجازات ایران از ابتدایی ترین آن ها (۱۳۰۴) تا قانون مجازات اسلامی فعلی، با تعیین مصادیق فساد و تعیین مجازات برای آن ها سعی در مبارزه با این جرایم داشته اند اما قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا) دولت ها را تشویق به تصویب قوانین سرکوبگرانه و پیشگیرانه می کند و قانون ارتقاء سلامت اداری در جهت عمل به این تکلیف، از طریق تدابیر پیشگیرانه که خلاء آن در قوانین کیفری احساس می شد به مبارزه با این جرایم پرداخته است. با توجه به این که قانون گذاری ایران در مبارزه با این جرم در عمل دارای نقص های زیادی می باشد و امروزه شاهد افزایش این جرم در سطح جامعه هستیم، تصویب قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد از سوی مقنن رویکرد نوینی است که به نظر می رسد در صورت ابلاغ به سازمان های اداری می تواند در پیشگیری از فساد اداری موثر باشد. (رهبر، ۱۳۸۱، ۱۹)

متأسفانه نظام حقوقی ایران رشوه دادن به مقامات رسمی بیگانه را جرم انگاری نکرده است. اما شاید مهم ترین ضعف نظام حقوقی ایران در مقایسه با قانون جدید مبارزه با ارتشای انگلیس، پیش بینی نکردن مجازات برای اشخاص حقوقی است. در نظام حقوقی ایران، پیش بینی مسوولیت کیفری و به تبع آن مجازات اشخاص حقوقی، غیر معمول و تعریف نشده است؛ در موارد بسیار معدودی هم که رویه قضایی اقدام به تسری پاره ای اقدامات پیشگیرانه کیفری نسبت به اشخاص حقوقی کرده است، این اقدامات بدون اتکا به پشتوانه قانونی مناسب و بیشتر از روی ابتکار شخصی بوده که مورد اعتراض قاطبه حقوقدانان واقع شده است.

۱- روش های مقابله با فساد اداری در حقوق کیفری

مسئله فساد اداری و سیاست های مقابله با آن از اساسی ترین مسائل کشور بوده است. در این رابطه جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته است تا با ارائه راهکارها و تصویب قوانین در این رابطه عمل نماید. در این فصل سیاست های پیشگیری کیفری ایران در مقوله فساد اداری مورد بررسی قرار گرفته و بیان می گردد.

۱-۱- تدابیر پیش گیرانه وضعی از فساد اداری در اسلام

بسیاری از نهادهایی که تأسیس آن‌ها به صدر اسلام باز می‌گردد، مانند نهادهای امر به معروف و نهی از منکر و حسبه و اموری چون وجوب حفظ اموال، ضرورت حفظ حجاب و عفاف، ضرورت مکتوب کردن معاملات یا اخذ شهود، حمایت از بزه دیدگان بالقوه و موارد مشابه دیگر، مجموعه‌ای از تدابیر پیش گیری وضعی را تشکیل می‌دهد. همه این موارد نمونه‌هایی از راهبردهای پیش گیری وضعی در سیاست جنایی اسلام و مصادیقی از شیوه‌های متعدد این پیشگیری است. (میر خلیلی، ۱۳۸۸، ۲۰-۱۹)

چنانکه در پیش‌گیری کیفری، پاسخ به تخطی از هنجارها به گونه‌ای مشهود با مراجع دولتی یا رسمی و مراجع مردمی یا غیر رسمی، مرتبط است، در پیش‌گیری وضعی نیز می‌توان با تفکیک این دو مرجع، شیوه‌ها و مراجع دولتی و مردمی را مورد بررسی قرار داد. (میر خلیلی، ۱۳۸۸، ۱۴۷)

به نظر می‌رسد کنترل رسمی و دولتی شامل مواردی همچون مراقبت و کنترل فیزیکی، حسبه و نهادهای رسمی مؤثر در پیش‌گیری وضعی می‌شود. نظارت و مراقبت غیررسمی شامل موضوعاتی چون امر به معروف و نهی از منکر، مشارکت مردم و نهادهای جامعه مدنی در امر پیش‌گیری وضعی است.

نظارت رسمی مربوط به فعالیت آن دسته از سازمان‌ها و نهادهای دولتی است که پیش‌گیری از جرم از جمله کارکردهای اصلی آن‌هاست. دولت موظف به حفظ نظم و امنیت جامعه و افراد است. ایجاد امنیت و آرامش در جامعه تنها با توسل به شیوه‌های کیفری و پس از وقوع جرم محقق نمی‌شود، بلکه دولت باید با تأسیس نهادهای تخصصی مبارزه با فساد، قبل از وقوع بزه زمینه‌ها و فرصت‌های تحقق این جرم را از بین ببرد.

با مطالعه آیات کلام الله مجید و دقت در احادیث، به ویژه کتب ارزشمندی مانند نهج البلاغه و سایر منابع درمی‌یابیم که در اسلام بر امر نظارت و ثواب و عقاب اعمال انسان‌ها تأکید فراوانی شده است. برای مثال آیات ۷ و ۸ سورة زلزال، آیه ۱۸ سورة ق، آیه ۱۰ سورة انفطار، آیه ۴۹ سورة کهف و آیه ۴ سورة طارق، بر همین موضوع دلالت دارند.

در زمان صدر اسلام اشخاص امین و قابل اعتماد و خبره برای کارهای گوناگون منصوب می‌شدند و از آنان خواسته می‌شد تا در بخش‌های مختلف روابط اجتماعی، ناظر و رابط و

چشم حکومت باشند و مسائل گوناگون را به حکومت و یا مردم منتقل کنند و پل ارتباطی میان مسئولان جامعه و مردم باشند.

در این مورد امام رضا (ع) می‌فرماید: رسول خدا هرگاه لشکری را اعزام می‌کردند و فرمانده‌ای، مسئولیت آن را به عهده می‌گرفت، یکی از افراد مورد اعتمادش را با او می‌فرستاد تا کارهایش را به پیامبر گزارش دهد. همچنین نقل شده آن حضرت افرادی را به عنوان جاسوس تعیین می‌فرمود تا وی را از اخبار شهر یا جنگ مطلع نمایند. (عبدالحی کتانی، ۱۳۸۴، ۱۷۵)

نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه نیز مؤید این موضوع است که آن امام همام دائماً خطاب به والیان، استانداران و سایر کارگزاران خود تأکید بر اهتمام جدی در مورد نظارت و بازرسی بر اداره امور جامعه داشته‌اند تا زمینه فساد اداری را از بین ببرند. آن حضرت در عهدنامه معروف مالک اشتر، این نکته را این گونه متذکر می‌شوند: «سپس رسیدگی به کارهایشان را به ناظران امین و راستگو واگذار، چرا که این نظارت کوشش آن‌ها را در آبادانی و مدارا با مردم و دوری از ستم و مراقبت از یاران افزون می‌کند. و در جای دیگر به مالک اشتر می‌فرماید: مراقب کارکنان خود باش، اگر یکی از آنان دست به خیانت آلود و گزارش همه بازرسان آن را تأیید کرد، باید به آن اکتفا کنی و او را مجازات نمایی». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

نظارت و مراقبت غیررسمی نهادهای مدنی و مشارکت مردم در اداره امور اجتماع نیز ضرورتی اجتناب ناپذیر است. زیرا نهادهای مدنی با نظارت خود بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای عمومی دولتی می‌توانند فعالیت‌های آن‌ها را از طریق شفاف سازی در معرض نگاه و داوری جامعه قرار دهند.

در سیاست جنایی اسلام، مشارکت مردمی در پیش گیری از جرم در قالب امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان مهم ترین نهاد نظارتی، با هدف مبارزه با ارتکاب جرم مورد تأکید قرار گرفته است. البته برحسب اینکه چه معنایی از معروف یا منکر اراده شود، تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر متفاوت می‌شود زیرا اگر معنای مضیق اراده شود، کارکرد این شیوه در سیاست جنایی اسلام تنها به بخش رفتاری واجب و حرام محدود می‌شود، در حالی که سیاست جنایی اسلام با توجه به تنوع پاسخ‌ها به نقض هنجارها از تنفر قلبی و تذکر لسانی تا واکنش‌های شدیدتر، ترک مستحبات و انجام مکروهات با درجات خفیف تری مشمول امر به معروف و نهی از منکر می‌شود. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، ۷۹)

در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه در خصوص ارتباطی که با پیش گیری دارد باید به این نکته اشاره کرد که این تدابیر همه در جهت بازداشتن افراد از فعل منکر یا به تعبیر فقهاء (ردع المنکر) است. تعبیری که در منابع اسلامی مطرح شده مبنی بر اینکه نهی از منکر چیزی جز ردع (بازداشتن) و پیش گیری از فعل مرتکبان نیست و هرکدام از مراتب آن در صورتی که مؤثر در پیش گیری نیفتد باید به سراغ مرحله بعد رفت، این امر حاکی از ارتباط تنگاتنگ نهی از منکر و پیش گیری است. (خویی، ۱۳۷۱، ۱۸۱)

به نظر می‌رسد می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر، در حقیقت همان بحث نظارت به مفهوم عام کلمه است و درحوزه حکومت و مردم، قابل پیگیری است. انجام این دو وظیفه مقدس، هم در رابطه متقابل دولت با مردم و مردم با دولت، و هم در درون سیستم اداری و قضایی حکومت، به صورت یک اصل فراگیر، قابل توجه و دارای آثار و برکات بی شمار است.

۱- قرآن

با نگاهی به آیات قرآن کریم به خوبی آشکار می‌شود که یکی از مهمترین اهداف بلند انبیای الهی مبارزه با انواع فسادها، محو ظلم و استبداد، بسط و گسترش عدالت و تأمین حقوق مردم بوده است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) (ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند).

قرآن بارها مردم را به اقامه عدل و دوری از ظلم و هر نوع اقدامی که بر خلاف فرامین الهی باشد، دعوت کرده است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸) (ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!).

از طرفی فساد اداری مهمترین نمود فساد، نابرابری و نبود عدالت در جامعه است، انواع فساد اداری به عنوان یک تهدید جدی برای عدالت اجتماعی و امنیت عمومی کشور تلقی

می‌شود. پس یقیناً از مفاهیم بلند قرآنی می‌توان مبارزه با فساد اداری استنباط کرد.

در قرآن کریم مفهوم فساد زیاد به کار رفته و همواره مورد تقبیح قرار گرفته است. فساد گاه مرادف معصیت و گاه قتل و گاه هم وزن کفر قلمداد شده است که یقیناً بر اساس باورهای توحیدی گناهی بزرگتر از کفر وجود ندارد.

قرآن فساد را یکی از ویژگی‌های فاسقان و انسان‌های دور از خدا می‌داند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد: ۲۵) (و آنان که پیمان خدا را پس از استوارکردنش می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، لعنت بر آنهاست و بدی‌های آن جهان نصیبشان و در آیه‌ای دیگر آن‌ها را افراد زیان کار می‌داند. (بقره: ۲۷)

البته این خود مطلبی روشن است، آنها که خدا را فراموش کرده و سر از اطاعت او بر تافته اند، و حتی نسبت به خویشاوندان خود، رحم و شفقت ندارند پیدا است با دیگران چگونه معامله خواهند کرد؟ آنها در پی کام جویی و لذت‌های خویش و منافع شخصی خود هستند، جامعه به هر جا کشیده شود برای آن‌ها فرق نمی‌کند، هدفشان بهره بیشتر و کامجویی افزونتر است، و برای رسیدن به این هدف از هیچ خلاقی پروا ندارند، پیدا است که این طرز فکر و عمل چه فسادهایی در جامعه به وجود می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵۵)

در جای دیگر قرآن کریم مردم را از فساد نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». (بقره: ۶۰) (و) بخاطر بیاور (زمانی را که موسی برای قوم خویش طلب آب کرد به او دستور دادیم عصای خود را بر سنگ مخصوص بزن، ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید، بطوری که هر یک از طوائف دوازده گانه بنی‌اسرائیل) چشمه مخصوص خود را می‌شناخت (و گفتیم) از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید و فساد را گسترش ندهید)

با توجه به آیات قرآنی به نظر می‌رسد قرآن مجید نیز مقوله فساد را جدی گرفته و آن را یکی از اساسی‌ترین مسائل تقبیح بشر می‌داند و بر ریشه کنی آن تاکید دارد.

۲- سنت

یقیناً یکی از منابع مهم و اساسی باورهای اعتقادی و فرهنگ دینی ما و یکی از مهمترین منابع قوانین سنت نبوی یا روایاتی است که از زبان گهر بار پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) به ما رسیده است. در رابطه با فساد اداری و مصادیق آن هم روایات ما نکات مهمی را مطرح کرده اند.

به عنوان نمونه پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) رشوه را در هر شکل و قیافه ای محکوم کرده اند، در روایات و تاریخ زندگانی آن بزرگواران نکات ارزنده و آموزنده ای در این زمینه به چشم می خورد. یک وقتی به پیغمبر اکرم (ص) خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه ای در شکل هدیه پذیرفته، حضرت بر آشفته و به او فرمود: «چرا آنچه حق تو نیست می گیری؟» او در پاسخ با معذرت خواهی گفت: «ای پیامبر خدا آنچه گرفتم هدیه بود». پیامبر (ص) فرمود: «اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید آیا مردم به شما هدیه ای می دهند؟» سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد.

اسلام حتی برای اینکه قاضی گرفتار رشوه های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می دهد قاضی نباید شخصا به بازار برود مبادا تخفیف قیمتها بطور ناخودآگاه روی قاضی اثر بگذارد و در قضاوت جانبداری تخفیف دهنده را کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۸)

یا پیامبر (ص) در حدیث معروفی فرموده است: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَ الْمُرْتَشِيَّ وَ الْمَاشِيَّ بَيْنَهُمَا» (خداوند گیرنده و دهنده رشوه و آن کس را که واسطه میان آن دو است از رحمت خود دور گرداند). (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۷۳) و یا از نظر پیامبر گرامی اسلام آنقدر رشوه منفور است که آن را کفر محض می داند و می فرماید که صاحب رشوه نه تنها از سوی خداوند مجازات خواهد شد و به بهشت نمی رود بلکه حتی بوی بهشت را هم استشمام نمی کند: «إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ» (بر شما باد که از رشوه دوری کنید که آن کفر خالص است و صاحب رشوه بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد). (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۷۵)

حضرت علی (ع) فساد اداری و رشوه خواری را آن قدر خطرناک می داند که آن را یکی از عوامل مهم هلاکت و نابودی آن جهت که حق مردم را نپرداختند، پس دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان اطاعت کردند. (دستی، ۱۳۸۰، ۶۲۱)

با توجه به روایات فوق به نظر می رسد مسئله فساد از دیدگاه امامان بسیار مهم بوده و آن را به نوعی یکی از اساسی ترین و اصلی ترین مسائل در زمینه نوع بشر می دانستند. به واقع از

دیدگاه آنان فساد باید توسط حاکم برچیده شده و شخص فساد کننده باید مجازات گردد.

۳-۱- اجماع

اجماع، به معنی اتفاق نظر علمای دین و صاحب نظران مسائل حقوق اسلامی در یک مسئله در عصری پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص)، یکی از منابع مهم حقوق اسلامی اعم از کیفری و مدنی است. زیرا علمای اهل سنت بر این عقیده اند که به دلیل آیات و روایات، اجتماع مسلمین هیچ گاه به خطا نمی‌رود و اگر همه علمای در یک عصری بر موضوعی اتفاق نظر داشته باشند، نظر آنان از احکام دین تلقی می‌شود و بر اساس نظر علمای شیعه اجماع به دلیل کاشف بودن از نظر معصوم معتبر است. (گدوزیان، ۱۳۸۶، ۳۷)

نکته مهم در مورد اجماع این است که این منبع از نظر موقعیت و رتبه، در استنباط احکام و قوانین اسلامی در رتبه سوم قرار دارد. یعنی اگر از قرآن و سنت دلیلی نیافتیم نوبت به اجماع می‌رسد. اما با وجود دلایل قرآنی و روایی باز هم می‌توان سراغ اجماع رفت منتها به عنوان مؤید که آن را اجماع مدرکی می‌گویند. (دادوئی و دریکنده، ۱۳۸۳، ۱۱۰)

در نتیجه با توجه به این که فساد اداری و مصادیق آن را با استفاده از دو منبع قرآن و سنت می‌توان جرم انگاری کرد دیگر نیازی به اجماع نیست ولی به عنوان مؤید به این موضوع اشاره می‌کنیم و آن اینکه به طور یقین در مورد حرمت مصادیق فساد اداری همه علمای دین و کارشناسان حقوق اسلامی اتفاق نظر دارند. از جمله یکی از علمای فقه گفته است: مسلمین در حرمت رشوه بر قاضی و کارمند اتفاق نظر دارند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۴۱۹) و یکی دیگر از فقها بر حرمت رشوه بر رشوه گیرنده ادعای اجماع منقول و محصل کرده است. (نجفی، بی‌تا، ۱۲۱) در واقع و باتوجه به دیدگاه علمای دین به نظر می‌رسد آنان حدود شرعی را برای شخص فساد کننده ملزم دانسته و آن را یکی از ضروریات اصلاح جامعه می‌دانند.

۲- پیشگیری وضعی از فساد در قانون ارتقاء سلامت

پیشگیری اجتماعی به طور کلی بر مبنای رویکرد علل بزهکاری و سازمان‌دهی برنامه‌هایی با هدف از بین بردن یا مهار آثار آن اتخاذ و اجرا می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۶۱) پیشگیری وضعی بر این اندیشه استوار است که علل گذر از اندیشه به عمل جنایی نه تنها انگیزه مرتکب، بلکه

خصوصیات وضعی- موقعیتی مشرف بر زمان و لحظه ارتکاب جرم یعنی شرایط پیش جنایی (ماقبل بزهکاری) است. بدین ترتیب، می‌توان با مدیریت و نیز تغییر و دستکاری در وضعیت و اوضاع و احوال مادی و غیر مادی مشرف بر ارتکاب جرم، دست کم از ارتکاب برخی از جرایم پیشگیری کرد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶، ۴۱)

به نظر می‌رسد این رویکرد می‌تواند به دو دسته اقدامات منتهی شود. دسته اول اقداماتی که با هدف کاهش وضعیت‌های پیش جنایی اعمال می‌شود. دسته دوم برنامه‌هایی که با هدف افزایش خطر و هزینه ارتکاب جرم برای مرتکب طراحی و دنبال می‌شود.

اما از آنجا که از یک سو، عمر دولت‌ها (قوه مجریه) به لحاظ مهلت‌های تعیین شده در قانون اساسی جوامع دموکراتیک کوتاه است و از سوی دیگر، اقدامات پیشگیری وضعی بیشتر عینی و قابل رؤیت است و اجرای آن بلافاصله آثار خود را نشان می‌دهد، در مقایسه، با اقدامات پیشگیری اجتماعی- همانند آنچه نسبت به قانون ارتقاء سلامت نیز تا حدود زیادی صدق می‌کند، بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است. بدین ترتیب برخی از تدابیر کنشی موقعیت مدار این قانون به دنبال کاهش وضعیت‌های پیش جنایی از طریق مدیریت آن و برخی ناظر به افزایش هزینه و خطر ارتکاب است که قانون گذار خواسته است از طریق شفافیت به آن جامه عمل بپوشاند.

۲-۱- اولویت بخشی به پیشگیری وضعی فنی - فناورانه

قانون گذار در قانون ارتقاء سلامت، پس از ذکر تعاریف و اشخاص مشمول در مواد ۲ و ۱ بلافاصله در ماده ۳ به تکلیف دستگاه‌ها در پیشگیری از مفاسد اداری، از گونه‌ی پیشگیری وضعی - به تعبیر ما- می‌پردازد. این اقدام قانون گذار، در مقدم دانستن پیشگیری وضعی بر پیشگیری اجتماعی، موضوع ماده ۷، حاوی پیام و معنادار است.

در واقع از یک سو، قانون گذار، با مبنا قرار دادن نظریه انتخاب عقلانی، فرض را بر این قرار داده است که عمل انتخابی بزهکار در حوزه فساد، ابزاری جهت رسیدن به اهداف مشخص است. لذا این دسته، عقلانی عمل و برای دستیابی به هدف، خود را با موقعیت‌ها منطبق می‌کنند. نتیجه اینکه تغییر در موقعیت‌های پیش جنایی، آنان را ناگزیر به پذیرش این واقعیت می‌کند که منافع عدم ارتکاب بر ارتکاب فزونی دارد. بدین ترتیب، به جای سرمایه گذاری در پیش آمادگی فردی، با مداخله در موقعیت‌ها، می‌توان تصمیم بزهکاران بالقوه را تحت الشعاع قرار داد.

قانون گذار بر همین اساس، اول در قانون ارتقاء سلامت، پیشگیری را با اقدامات وضعی شروع نمود، دوم از لحاظ محتوایی، بخش عمده مواد قانون را، از جمله ماده ۳ با ۲ بند و دو تبصره طولانی، با موضوع «اطلاع رسانی تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی در دیدارگاه‌های الکترونیکی و نیز ثبت قراردادهای در پایگاه اطلاعات قراردادهای» (دانایی فرد، ۱۳۸۶، ۱۰۱) ماده ۴ با دو تبصره در زمینه «پوشش اطلاعاتی نقاط آسیب پذیر فعالیت‌های کلان اقتصادی» ماده ۹ با پنج بند با موضوع «راه اندازی نظام جامع اطلاعات مالیاتی» ماده ۱۲ با سه بند و دو تبصره در جهت «اجرای طرح حدنگاری (کاداستر)»، ماده ۲۱ با دو تبصره در خصوص «امنیت محیط مجازی»، و نیز ماده ۳۲ با موضوع «استفاده حداکثری از ظرفیت بخش‌های نظارتی» به پیشگیری وضعی اختصاص داده و بدین ترتیب به اختصاص تنها یک ماده مختصر (ماده ۷) با موضوع «منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام»، و وضع کدهای رفتاری یا رفتارنامه‌های اخلاقی، بر مبنای یک افق کوتاه مدت، به اثربخشی بی درنگ و زود هنگام تدابیر پیشگیری وضعی دل بسته است. حال آنکه پیشگیری اجتماعی تخصصی بیشتر «آموزش» و «پرورش» محور است و در درازمدت پاسخ می‌دهد. (آقا بابایی، ۱۳۸۸، ۲۱)

بزهکار در این رویکرد، در مجرمیت خود سهمی ندارد و بیشتر قربانی محیط‌های شخصی، محیط‌های اجتماعی و به طور خاص سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. (بابایی، ۱۳۸۸، ۲۲) لذا این تصور که پیشگیری اجتماعی به محدودیت رسیده یا ناکارآمد است، ناپخته و نسنجیده است؛ اما دولت‌ها به این استدلال‌ها توجه نکرده و از ترس اینکه به تساهل متهم شوند، پیشگیری اجتماعی را به حاشیه رانده و سعی می‌کنند با توسل به پیشگیری‌های وضعی به مردم نشان دهند که می‌توانند در کوتاه مدت به ناامنی پاسخ دهند.

۲-۲- پیشگیری وضعی از فساد از طریق شفافیت

از آنجایی که ارتکاب جرایم مرتبط با فساد اداری بیشتر به علت موقعیت‌های مشرف بر لحظه ارتکاب جرم، از جمله نبود بزه دیده حقیقی، رؤیت ناپذیری محیط‌های بسته و به طور خاص، عدم شفافیت است، تغییر و مدیریت این وضعیت‌ها از طریق پیش بینی برنامه‌هایی که در جهت: ۱- کاهش موقعیت پیش جنایی؛ ۲- افزایش خطر ارتکاب برای بزهکار، به اجرا درمی‌آید می‌تواند از احتمال ارتکاب پیشگیری نموده و یا از شدت آن بکاهد.

اهمیت شفافیت و تأثیر آن در از بین بردن وضعیت‌های پیش جنایی تا بدان حد است که

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، آن را شرط لازم هر اقدام پیشگیرانه از مظاهر فساد تلقی نموده و در مواد مختلفی از جمله بند یک ماده ۵، بند «الف» و «ت» ماده هفت، بند یک ماده نه، و ... بر ضرورت آن تأکید کرده است. ماده ۵ این کنوانسیون از کشورها خواسته است سیاست‌های پیشگیری و مقابله با فساد را با محوریت حاکمیت قانون، مدیریت صحیح امور عمومی و اموال دولتی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت جامعه مدنی و گروه‌های برخاسته از متن مردم و شفافیت تنظیم نمایند. برخی از کشورها مانند فرانسه، در سال ۱۹۹۳، شفافیت را موضوع قانون مستقلی در همین زمینه با عنوان «قانون پیشگیری از فساد و شفافیت مجاری اقتصادی و آیین‌های عمومی» قرار دادند.

احتمال سوءاستفاده از عدم شفافیت به عنوان یک موقعیت مشرف به لحظه ارتکاب بزه، به ویژه در نظام‌های اقتصاد دولتی. (صادق نژاد نایینی، ۱۳۹۳، ۸۶)

در واقع می‌توان گفت گاهی به دلیل احتمال تعارض منافع متصدیان مشاغل عهده دار مأموریت عمومی به جهت موقعیت اجرایی- اداری و گاهی ناظر به قوانین، مقررات، قراردادهای معاملات، فرآیندهای کاری و زمان بندی انجام آن‌هاست.

۲-۳- شفافیت فعالیت‌های متصدیان مشاغل

در نظام‌های غیر دموکراتیک سیاست جنایی، شفافیت در اداره کشور امری استثنایی محسوب و فساد کارگزاران امری عادی جلوه می‌نماید. در نظام‌های مردم سالار تلاش می‌شود از طریق تقویت حضور مردم در روند تصمیم‌گیری، ایجاد اطمینان از دسترسی مؤثر مردم به اطلاعات، پیش بینی برنامه‌های آموزش عمومی از جمله در مواد درسی مدارس و دانشگاه‌ها و نیز حمایت از آزادی دریافت و انتشار اطلاعات مربوط به مفاسد مالی، زمینه مبارزه با جلوه‌های فساد فراهم گردد. در این صورت، شفاف سازی می‌تواند خطر شناسایی و دستگیری را افزایش و فرایند گذر از اندیشه به عمل را مختل نماید. (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۲، ۹۹)

کنوانسیون مریدا به نوبه خود ذیل فصل دوم و به ویژه ماده هفت، (اقدام پیشگیرانه در بخش دولتی) مقرر داشته است کشورها بر اساس اصول قانونی داخلی خود، نسبت به اتخاذ تدابیری که شفافیت در تأمین مالی داوطلبان مشاغل دولتی را ارتقاء بخشد و از تعارض منافع شخصی و دولتی بکاهد اقدام نمایند. در ارتباط با شفافیت تأمین مالی متصدیان و مقامات، اگرچه

اصل ۱۴۲ قانون اساسی در ایران رییس قوه قضائیه را ملزم ساخته است تا به دارایی رهبری، رییس جمهور، معاونان وی، وزیران، همسر و فرزندان آن‌ها در دوره قبل و بعد از خدمت رسیدگی کند تا برخلاف حق افزایش نیافته باشد، اما از آنجا که این شفافیت در اصل ۱۴۲ صرفاً به برخی شخصیت‌ها محدود شده بود فرایند تصویب قانون اجرای این اصل با فراز و نشیب فراوان همراه شده است.

در واقع از آنجا که بروز موقعیت‌های موجب تعارض منافع شخصی و عمومی در عمل، استقلال و بی طرفی صاحب منصبان را به خطر می‌اندازد، قانون‌گذاران تلاش می‌کنند از طریق جرم‌انگاری جرایم مانع، کارگزاران را به اعلام دارایی و منافع و دیون قبل، حین و بعد از تصدی مشاغل، و شفاف‌سازی شیوه‌های تأمین مالی ملزم و امتناع از انجام این کار را با ضمانت اجرای کیفری همراه سازند. این اقدام از یک سو، از خطر تعارض منافع عمومی و شخصی در تصمیم‌گیری و اقدامات خواهد کاست و از سوی دیگر ابزاری خواهد بود برای بازسازی اعتماد جامعه نسبت به کارگزاران.

بر همین اساس مجلس هفتم قانون‌گذاری، طرحی با عنوان «صیانت جامعه در برابر مفاسد اقتصادی» تهیه کرد، اما بعدها عنوان آن به طرح «رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» تغییر یافت. با توجه به عدم تعیین تکلیف این طرح در مجمع تشخیص مصلحت نظام و ضرورت اتخاذ تدابیر مناسب پیشگیری از فساد، لایحه دیگری با عنوان «لایحه شفاف‌سازی و بررسی اموال و دارایی‌های مسئولان کشور پس از انقلاب» در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس مطرح شد، ولی هیچ‌کدام از طرح‌ها و لوایح هنوز به تصویب نهایی نرسیده و شورای نگهبان همچنان معتقد به حصری بودن مصادیق مذکور در اصل ۱۴۲ بوده و با توسعه دامنه آن به سایر مقامات مخالفت است. این برداشت از اصل ۱۴۲ عملاً جامعه را از یکی از کارآمدترین ساز و کارهای پیشگیری از جرایم اقتصادی- مالی محروم می‌کند.

۲-۴- پیشگیری از طریق شفافیت در فرایندها و قوانین و مقررات

اقدامات پیشگیرانه در دو رویکرد اجتماعی و وضعی، به طور کلی یا ناظر به افراد است یا ناظر به موقعیت‌ها؛ در ارتباط با اقدامات ناظر به افراد، حذف یا محدود ساختن عوامل جرم‌زا در اولویت قرار می‌گیرد و در خصوص اقدامات ناظر به موقعیت، بر مدیریت عوامل فیزیکی جهت کاهش وضعیت‌های مستعد گذر از اندیشه به عمل تأکید می‌شود. کارآمدی تدابیر دسته دوم مستلزم

این است که پس از تعیین و تعریف جرم موردنظر، وضعیت‌های پیش جنایی تسهیل کننده، شناسایی گردد. از جمله مهم‌ترین وضعیت‌های پیش جنایی در ارتباط با فساد اداری، با توجه به ویژگی‌های این دسته جرایم، به ویژه ارتکاب آن در محیط بسته، فقدان بزه دیده حقیقی، ارتکاب به مناسبت شغلی و ...، عدم شفافیت می‌باشد. این عدم شفافیت گاهی مربوط به فرایندهاست و گاهی مربوط به قوانین و مقررات و در دسترس بودن آن است.

۲-۵- پیشگیری از گذر شفافیت فرایندها

تدابیری که با جهت‌گیری شفافیت جهت کاهش ارتکاب فساد اداری اعمال می‌شود، متنوع است. برخی از اقدامات از لحاظ علمی هرگز به نتیجه موردنظر منتهی نمی‌شود و برخی دیگر در صورت اجرا به شکل مناسب، با افزایش هزینه و کاهش منافع برای مرتکب، موجب کاهش فرصت ارتکاب این جرم می‌گردد. تصویب مقرراتی با هدف مهیا ساختن مراجعه مستقیم مردم به اطلاعات مربوط به روند سازماندهی، اجرای وظایف و تصمیم‌گیری‌های تشکیلات دولتی، حذف تشریفات اداری به منظور تسهیل دسترسی مردم به مقامات تصمیم‌گیر و اطلاع‌رسانی به مردم از طریق انتشار گزارش‌های دوره‌ای، از جمله تدابیر دسته اخیر است که در ماده ۱۰ کنوانسیون میردا بر آن تأکید شده است. در همین راستا، فصل سوم قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات با عنوان «ترویج شفافیت» هر یک از مؤسسات عمومی را مکلف ساخته است در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی، به طور سالانه اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خطی مشی و ساختار؛ مراحل انجام خدمات مربوط به اعضای جامعه؛ انواع اسناد و اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می‌شود، همراه با آیین دسترسی به آن؛ سازوکارهای مشارکت مردم و نیز سازوکارهای شکایت شهروندان را منتشر نمایند.

شفافیت در اینجا هدف نیست، بلکه ابزار است؛ درواقع شفافیت، علاوه بر این که اجازه کنترل و نظارت شهروندان را فراهم نموده، موجب بازسازی اعتماد آنان نسبت به سلامت کارگزاران و فرایندهای اداری مرتبط با حقوق شهروندی نیز می‌شود. بی‌جهت نیست قانون‌گذار در قانون ارتقاء سلامت با تأکید بر لزوم اطلاع‌رسانی عمومی مأموریت‌ها و رویه‌ها (ماده ۳)، پوشش اطلاعاتی فعالیت‌های عمده اقتصادی دولتی و عمومی (ماده ۴)، تهیه پایگاه اطلاعات قراردادها، تدوین راهکارهای شفاف سازی اطلاعات و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی (ماده ۸)، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی (ماده ۹)، اجرای برنامه‌های آموزش عمومی و

اطلاع رسانی این قانون (ماده ۳۱) و ... خواسته است از طریق مکلف ساختن دستگاه‌های دولتی و مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده دار مأموریت عمومی به شفافیت فرایندهای سیاستگذاری- تصمیم‌گیری، این پیام جرم‌شناختی را به بزه‌کاران بالقوه القاء کند که آن‌ها در معرض دید و پایش و دستگیری هستند و بدین طریق از ارتکاب جرایم مندرج در ماده ۱ همین قانون، مانند ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت و پرداخت‌های غیرقانونی، پیشگیری و در صورت ارتکاب به کشف و مجازات مرتکبین مطمئن شود. هرچند در تناقض با این خواسته، دامنه شمول شفافیت را محدود نموده است.

۳- پیشگیری کیفری از فساد اداری در قانون ارتقاء سلامت

تاریخ بشر از تمایل قوی به ارائه پاسخ‌های قهرآمیز و سرکوبگر به رفتارهای خلاف هنجار یا به عبارت دیگر مجازات مرتکب حکایت دارد. تا مدت‌ها خود افراد، یعنی بزه‌دیدگان یا خانواده‌های آنان، اختیار تحمیل کیفر با رویکرد انتقام‌جویانه را در دست داشتند. آرام آرام و با گذشت زمان، عمل کیفردهی از طریق قانون مند کردن شکل و میزان آن به دست مأموران متصدی قرار گرفت. در اینجا ایده و تفکر غالب این بود که کیفر می‌تواند و باید ترس از ارتکاب ایجاد کند. بدین ترتیب سه کارکرد پیشگیرانه به ضمانت اجرای کیفری اختصاص یافت.

در بحث پیشگیری کیفری، ابتدا کارکرد پیشگیری عمومی مطرح است که بر اساس آن کیفر و مجازات مرتکب باید عبرت همه کسانی باشد که ممکن است از اندیشه به عمل گذر کرده و مرتکب شوند. سپس کارکرد پیشگیری خاص، یعنی کیفر مرتکب، به گونه‌ای که موجب انصراف وی از تکرار رفتارهای مجرمانه اش گردد، مطرح می‌شود. در این حالت، فرض بر این است که هرچه مجازات شدیدتر باشد، اثر بازدارندگی آن بیشتر خواهد بود. سرانجام سومین کارکرد خنثی‌سازی است. این کارکرد به دنبال کاهش توان و امکان ارتکاب اعمال مجرمانه به صفر می‌باشد، خواه به صورت موقت، خواه دائم. به عنوان مثال کیفر مرگ و زندان ابد ابزاری است برای سلب توان ارتکاب و قرار دادن آنان در حالتی که امکان صدمه زدن نداشته باشند (جندلی، ۱۳۹۳، ۳۴).

بدین ترتیب، نظام عدالت کیفری همچنان به دنبال این است که از طریق دخالت‌های کیفری به پیشگیری نائل آید، اما این دخالت کیفری پیشگیرانه باید با توجه به اشکال جرایم متفاوت باشد؛ به عبارت دیگر، عدالت اقتضا می‌کند که حقوق کیفری در اصول، رویکرد و پاسخ‌های خود بر پایه تحولات همه‌جانبه اجتماعی، علمی و حقوق بشری سده بیست و یک،

بازنگری و بسیاری از آن‌ها را در پرتو متنوع شدن جرایم، مجازات‌ها و مجرم در قالب راهبردی افتراقی بازتعریف کند.

افتراقی سازی به لحاظ تاریخی ابتدا به صورت دوقطبی (جرایم عادی - خطرناک) و با گذر زمان با وارد کردن «موقعیت جنایی»، که آماج بزه دیده جزء آن محسوب می‌شود، درمحتوای برنامه‌های خود، علاوه بر جرم و مجرم، دارای هندسه سه ضلعی شد. بدین ترتیب، افتراقی سازی تقنینی سیاست جنایی عمدتاً در چارچوب سه معیار ۱- گونه شناسی جرایم ۲- گونه شناسی بزهکاران ۳- گونه شناسی بزه دیدگان و موقعیت‌های مشرف بر ارتکاب جرم صورت می‌گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ۵۲)

افتراقی سازی سیاست جنایی بر اساس گونه شناسی جرایم در قلمرو فساد اداری - مالی، به شکل پیش‌بینی قوانین کیفری ماهوی و شکلی خاص و فساد مالی، معمولاً خارج از قانون مجازات صورت می‌گیرد.

۳-۱- افتراقی سازی حقوق کیفری ماهوی

حقوق کیفری مدرن بر پایه یک سلسله اصول کلی، با توجه به زمینه‌ها و نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقت جوامع اقدام، به جرم انگاری و کیفرگذاری می‌کند و در طول زمان اقدام‌ها و پاسخ‌های خود را بر پایه تحولات بزهکاری متنوع می‌سازد. بدین ترتیب راهبرد افتراقی سازی (مهدوی پور، ۱۳۹۰، ۲۲۵) گاه در حوزه جرم انگاری است، یعنی ممنوع کردن یک رفتار، اعم از فعل و یا ترک فعل و گاه در حوزه کیفرگذاری، یعنی پاسخ رسمی دولت به پدیده مجرمانه.

۳-۱-۱- افتراقی سازی از طریق توسعه جرم انگاری ترک فعل

بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، جرم هر رفتار، اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. در حوزه فساد اداری - مالی، گرایش اسناد بین المللی و نیز قانون گذار داخلی، به دلیل تسری آثار جرم نسبت به تمام جامعه و خطرات بالقوه آن برای سلامت و امنیت عمومی، توسعه دامنه جرم انگاری ترک فعل است.

در همین راستا، قانون ارتقاء سلامت، مجازات ترک گزارش جرایم و تخلفات مرتبط با مفاسد اقتصادی که در ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ و نیز ماده ۱۳ قانون ارتقاء سلامت

به مسئولان دستگاه‌های مشمول منحصر کرده بود را ناکارآمد دانسته و به لحاظ رؤیت پذیر نبودن جرایم مرتبط با مفاسد اقتصادی و بالا بودن رقم سیاه، مجازات ترک گزارش جرم و تخلف را به هر یک از کارکنان دستگاه‌های موضوع این قانون تسری داده است. (طاهر، ۱۳۹۵، ۷۲)

ماده ۱۴ همین قانون، با هدف پیشگیری از فساد، قدم را فراتر نهاده و با توسعه قلمرو ترک فعل به غیر کارکنان دستگاه‌های دولتی، ترک اعلام فساد از جانب کنش گران پیشگیری از جرایم شرکتی یعنی بازرسان، کارشناسان، حساب‌رسان، ممیزین و ناظران را جرم انگاری و مشمول پاسخ‌های کیفری و نیز غیرکیفری به صورت توأمان نموده است. (خاندوزی، ۱۳۸۶، ۵۵)

بدین ترتیب، توسعه جرم انگاری ترک فعل گزارش دهی جرایم مرتبط با مفاسد اقتصادی به کارکنان دستگاه‌های اداری، از درک خطر تهدیدات ناشی از فساد نسبت به ثبات و امنیت جامعه، توسط قانون گذار و مصمم شدن دولت بر پیشگیری از فساد حکایت دارد.

البته مسئولیت کیفری، ناشی از ترک فعل در حقوق کیفری دیرینه طولانی دارد، لیکن توسعه آن به حوزه فساد اداری- مالی در راستای افتراقی سازی سیاست جنایی تقنینی در زمینه فساد تعبیر می‌شود. مسئله مهم دیگر که در قلمرو پیشگیری از فساد اداری- مالی، نوآوری محسوب می‌شود و ضرورت دارد موضوع تحقیقات خاص قرار گیرد، مسئولیت ناشی از ترک پیشگیری از فساد است؛ یعنی مسئولیت مقامات، مدیران و سرپرستان هر واحد سازمان‌های دولتی در قبال پیشگیری از جرایم کارکنان مجموعه تحت سرپرستی خود آنان است. (طاهر، ۱۳۹۵، ۷۲)

ماده ۱۵ قانون ارتقاء سلامت در همین راستا، مقامات و مدیران هر واحد در سازمان‌های دولتی را به تناسب مسئولیت و سرپرستی خود موظف به پیشگیری از فساد نموده است. نتیجه منطقی پیش بینی این تکلیف پیشگیرانه این است که هر مدیری، در زمان انتصاب یا پذیرش مسئولیت، باید علاوه بر برنامه اجرایی صنفی، برنامه پیشگیری نیز ارائه و شیوه اجرای آن را مشخص نماید. در همین راستا ماده ۱۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، کلیه دستگاه‌های عضو ستاد را موظف ساخته است در چهارچوب اولویت‌های تعیین شده، برنامه‌های سالانه پیشگیری از قاچاق کالا و ارز دستگاه متبوعه خود را جهت بررسی و تصویب به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ارائه نمایند. این بحث در حقوق بین الملل کیفری و پس از جنگ جهانی دوم، زمانی مورد توجه جدی قرار گرفت که یک ژنرال ژاپنی به دلیل خودداری از مراقبت

و نظارت بر اعمال افراد زیردستش که منجر به ارتکاب اعمال مجرمانه شده بود، به مجازات مرگ محکوم کرد. استدلال دادگاه این بود که او «حتماً از این وقایع ارتكابی مطلع بوده ولی هیچ اقدامی برای پیشگیری از ارتكاب آن به عمل نیاورده است». (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ۱۴۴)

اما اگرچه این الزام به پیشگیری از جرایم کارکنان تحت سرپرستی در ماده ۱۵ قانون ارتقاء سلامت، به دلیل عدم پیش بینی ضمانت اجرای کیفری ممکن است در درازمدت کارایی خود را از دست بدهد، ولی به عنوان قدم نخست از آن جهت که می تواند موجب تقویت و توسعه فرهنگ پیشگیری از جرم در سطح نهادهای اجرایی گردد قابل توجه است.

ناگفته پیداست موظف ساختن مدیران به پیشگیری از جرایم حوزه سرپرستی خود، مجوز توسل به هر وسیله و نیز نقض حق بر حریم خصوصی افراد نمی باشد و برنامه های پیشگیرانه کنشی مدیران، به ویژه پیشگیری های وضعی- فنی باید با رعایت حقوق بنیادین افراد اجرایی شود.

بدین ترتیب، این محورها اگرچه به طور متفرقه در قانون ارتقاء سلامت پیش بینی شده است، ولی می تواند، در راستای سیاست جنایی افتراقی تقنینی در خصوص فساد، اجزاء «لایحه جامع پیشگیری کیفری از فساد» را تشکیل دهد، لایحه ای که قوه قضائیه در ماده ۱۱ همین قانون، ملزم به تهیه آن ظرف یک سال از طریق بازنگری قوانین جزایی مرتبط با جرایم موضوع این قانون از طریق تناسب مجازات ها با جرایم و بررسی خلأهای موجود شده است. هرچند با وجود گذشت بیش از دو سال از انقضاء مهلت تعهد، یعنی آبان ۱۳۹۱، هنوز به طور رسمی چنین لایحه ای از طرف قوه قضائیه در اختیار دولت قرار داده نشده است.

۳-۱-۲- افتراقی سازی پاسخ

از آنجایی که مرتکبان فساد اداری- مالی اغلب از دانش اقتصادی، تجاری و مالی برخوردارند و معمولاً با حسابگری جزایی هزینه- فایده ارتكاب جرم را ارزیابی می کنند، به دورنمای کیفر بی توجه و بی تفاوت نیستند. لذا حفظ شرط بازدارندگی منوط به رعایت تناسب کیفر با شدت جرم است. علاوه بر این، ضمانت اجراها تعرفه میزان اهمیت جرم برای جامعه نیز محسوب می شوند؛ به عبارت دیگر، مردم از طریق نوع و میزان مجازات پیش بینی شده اول متوجه اهمیت جرم می شوند، دوم تکلیف کیفری خود را به روشنی تشخیص خواهند داد، سوم بین آن جرم و پاسخ

مربوط رابطه ذهنی برقرار و تصمیم به ارتکاب یا عدم ارتکاب می گیرند.

پیشگیری کیفری از فساد از گذر افتراقی سازی ضمانت اجراها گاه به شکل تغییر کیفرهای موجود و وارد کردن ضمانت اجراهای جدید در زرادخانه کیفری و گاهی به صورت افزایش شدت، پیش بینی امکان صدور یک مجازات تکمیلی مانند منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجاری، موضوع بند «ج» ماده ۲۳ قانون مجازات و یا پیش بینی کیفیات مشدده مانند حداقل دو برابر شدن میزان جزای نقدی در زمان ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی موضوع ماده ۲۱ قانون مجازات با جهت گیری خنثی سازی و سلب توان ارتکاب جرم انجام می شود. ماده ۵ قانون ارتقاء سلامت در همین راستا، محکومان به مجازات های قطعی، در جرائم مالی عمدی تصریح شده در این قانون را به مدت سه سال از تاریخ قطعیت رأی، به عنوان نوعی مجازات تکمیلی، مشمول کلیه محرومیت های مندرج در بند «الف»، یعنی محرومیت شرکت در مناقصه ها و مزایده ها، دریافت تسهیلات مالی و اعتباری، تأسیس شرکت تجاری، مؤسسه غیر تجاری و عضویت در هیأت مدیره و مدیریت و بازرسی هر نوع شرکت یا مؤسسه، دریافت و یا استفاده از کارت بازرگانی، اخذ موافقت نامه اصولی و یا مجوز واردات و صادرات، عضویت در ارکان مدیریتی و نظارتی در تشکل های حرفه ای، صنفی و شوراهای عضویت در هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری، انتظامی و انتصاب به مشاغل مدیریتی نموده است.

۴- افتراقی شدن حقوق کیفری شکلی

صیانت از جامعه در برابر فساد مالی تنها از طریق وضع مجازات مؤثر و متناسب تضمین نمی گردد، بلکه علاوه بر آن لازم است قانون گذار در راستای سیاست جنایت افتراقی درصدد وضع مقررات شکلی برآید (آشوری، ۱۳۸۳، ۱۱) تا با توجه به پیچیدگی و فنی بودن جرایم مرتبط با فساد، امکان کشف، تعقیب و تسریع در اجرای کیفر (جعفری، ۱۳۹۰، ۵) نسبت مجرم را فراهم سازد. این اراده مبارزه مؤثر با فساد، در قانون ارتقاء سلامت ظهور یافته است.

بر همین اساس، بند «ب» ماده ۱۵ قانون ارتقاء سلامت، قوه قضائیه را ملزم ساخته است لایحه جامعی به منظور رسیدگی به جرایم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران کارکنان دستگاه های دولتی عمومی که به سبب شغل و یا وظیفه مرتکب می شوند، شامل تشکیلات، صلاحیت ها، آیین دادرسی و سایر موضوعات مربوطه تهیه کند و به دولت ارائه دهد که البته تاکنون نسبت به آن اقدام نشده و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اسفند ۱۳۹۲ نیز

انعکاسی از آن وجود ندارد.

۵- پیشگیری از فساد اداری در حقوق کیفری کامن لا

مسئله مقابله با فساد اداری در حقوق کامن لا یکی از مصادیق بارز و مهمی است که همواره توسط دولت این کشور دنبال شده است. سیستم جزایی انگلستان که به صورت رویه قضایی اداره می‌گردد، مسئله فساد اداری را در قانون رشا و ارتشا سال ۲۰۱۰ جرم انگاری نموده است.

۵-۱- پیشگیری از فساد اداری در حقوق کامن لا

شکی وجود ندارد که یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به سلامت اداری در نظام هر کشوری، مبارزه با رشوه خواری است و شاید از همین رو است که بسیاری کشورهای جهان تلاش می‌کنند ساز و کارهای قانونی خود را در این زمینه ارتقا دهند. متأسفانه باید پذیرفت نظام اداری ایران در حال حاضر، تا دستیابی به جایگاه مطلوب خود راه درازی در پیش دارد. تصویب جدیدترین قانون مبارزه با ارتشا در انگلستان در سال گذشته، که به حق دارای ساز و کارهای بسیار پیشرفته‌ای برای مبارزه با رشا و ارتشا است، در این بخش سازو کارهای مقابله با فساد اداری در انگلستان و نحوه پیشگیری از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱- سوء استفاده از اختیارات اداری در نظام حقوقی کامن لا

اصل حاکمیت قانون بر اداره، در معنای سلبی و مضیق خود عبارت است از التزام اداره در برابر قانون به این که از مرجع عمومی، عملی مادی یا قانونی سرزنشند که با حکم قانون در مغایرت باشد و در معنای ایجابی و موسع خود اشعار دارد به این که مرجع عمومی باید کلیه اعمالی که از ناحیه وی صادر می‌شود را بر مبنای قاعده ای قانونی - مدون یا عرفی - مستند کند که به وی اجازه این اعمال را می‌دهد، به ویژه در مواردی که متضمن مداخله‌هایی در حقوق شهروندان است لازمه استقرار و تثبیت چنین اصلی، آن است که نظامی ترجیحاً قضایی برای کنترل قانونیت اعمال مراجع عمومی، اعم از تصمیم‌ها، اقدام‌ها، مقررات و هم‌چنین ترک فعل و قصور در اقدام وجود داشته باشد که در صورت بروز هرگونه اختلافی میان دولت و شهروندانی که از منفعت قابل ملاحظه‌ای در رابطه با این اعمال برخوردارند، مراتب را رسیدگی کند. (برادلی، ۱۹۹۹، ۵)

اختلاف‌های ی که می‌توانند به انحاء مختلف بروز یابند: اختلاف بر سر وجود صلاحیت

قانونی اعم از تکلیفی یا تخییری؛ اختلاف در رابطه با روش اتخاذ تصمیم‌ها و به عبارت دیگر، توافق نداشتن درباره ی آیین‌های تصمیم‌گیری به کار گرفته شده؛ اختلاف در رابطه با انگیزه و هدف مقامات عمومی از اعمال صلاحیت واگذار شده به آن‌ها؛ و اختلاف در رابطه با نتیجه گیری نادرست و مبادرت به تصمیم‌گیری بر این اساس. (آلدر، ۱۹۸۹، ۲۳)

در واقع می‌توان گفت این توصیف، کنترل قضایی، ابزار و ضمانت اجرایی است که مقتضیات حاکمیت قانون بر اداره، یعنی مخالفت نکردن اعمال اداری با صلاحیت‌های واگذار شده به مراجع عمومی و انطباق آن‌ها با استانداردهای اساسی شکلی (انصاف و برابری) را تضمین میکند؛ البته با این توضیح که دادگاه‌ها وارد ماهیت موضوع مورد رسیدگی نشده و از صلاحیت جایگزین کردن صلاح دید شخصی شان به جای صلاح دید مرجع صلاحیت دار برخوردار نیستند و تنها می‌توانند با الغای عمل اداری، تصمیم‌گیری مجدد را به مرجع صلاحیت دار احاله کنند.

۵-۱-۲- مصادیق سوء استفاده از اختیارات اداری

تعریف روشن و دقیقی از این مفهوم در نظام حقوقی کامن لا وجود ندارد و از این رو برخی نویسندگان حقوقی بنا به نظر خود، فهرست بلند بالایی از مصادیق آن را در اختیار خوانندگان آثار خود قرار می‌دهند حال آن که برخی دیگر به دو یا سه مورد، به عنوان مصادیق سوء استفاده از اختیارات بسنده می‌کنند؛ در این میان، آن چه که روشن است اول آن که، هدف از آن به گفته ی «ژز»، حقوقدان برجسته فرانسوی پیش‌گیری از تمایلی طبیعی است که اساساً واگذاری قدرت می‌تواند در مقامات عمومی به وجود آورد؛ یعنی «استفاده از صلاحیت‌های واگذار شده برای دستیابی به اهدافی غیر از اهدافی که قانون واگذارنده ی صلاحیت، مطمح نظر داشته است» و دوم آن که، منظور از این عبارت، موردی است که در آن، عمل خطایی واقع نشده (مانند خروج از اختیارات) و یا حتی عمل درستی به شیوه و روشی خطا انجام نشده است (مانند نقض اصول شکلی و عدالت طبیعی)، بلکه اقدامی درست با انگیزه و دلیلی نادرست انجام شده است. (نجابت‌خواه، ۱۳۹۰، ۲۴)

به عبارتی دیگر: «سوء استفاده از اختیارات یا قدرت وقتی است که مامور یا مقام اداری تصمیماتی می‌گیرد یا عملی انجام می‌دهد که به ظاهر قانونی اما در باطن، هدفی خلاف آنچه که قانون گذار تعیین کرده است تعقیب می‌کند؛ مانند آن عمل و تصمیم اداری که از روی حب و بغض یا به منظور انتقام جویی یا کینه توزی یا اخاذی و جلب سود برای خود یا دیگران انجام شود

و یا اساساً مامور کار دیگری خارج از صلاحیت خود انجام دهد» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ۳۳) البته شاید با توجه به آن چه که بیش تر مؤلفان حقوقی بر آن تأکید دارند بهتر آن باشد که در این تعریف، کمی جرح و تعدیل کنیم و براساس نظام حقوقی کامن لا، این توصیف از سوء استفاده از اختیارات را ارایه کنیم:

سوء استفاده از اختیارات وقتی است که مامور یا مقام اداری تصمیم‌های ی می‌گیرد یا عملی انجام می‌دهد که به ظاهر قانونی بوده اما در باطن، تحت تأثیر انگیزه‌های درونی - مثبت یا منفی، یا با استنباط و تفسیر نادرست از قانون، هدفی خلاف آن چه که قانون گذار تعیین کرده است را تعقیب می‌کند؛ عوامل غیرمرتبط را در تصمیم‌گیری خود دخالت می‌دهد؛ عوامل موثر و مرتبط را در تصمیم‌گیری لحاظ نمی‌کند و یا صلاحیتی را به جای صلاحیتی دیگر به کار می‌بندد.

با عنایت به این تعریف می‌توان سوء استفاده از اختیارات را بنا به نظر بیش تر مؤلفان نظام حقوقی کامن لا شامل موارد زیر دانست: تعقیب اهدافی غیر از هدف قانون گذار؛ توجه به عوامل غیرمرتبط و ملاحظه نکردن عوامل مرتبط در تصمیم‌گیری؛ به کارگیری و اجرای صلاحیت قانونی معین به جای صلاحیت قانونی لازم یا اصلی. (باربر، ۱۹۸۵، ۱۲)

اگرچه برخی «سوء نیت» را هم از مصادیق آن دانسته‌اند و دعوای «آنسیمییک» در سال ۱۹۶۹ را یکی از موارد درخواست کنترل قضایی بر این اساس به شمار آورده‌اند. اما با این حال تأکید کرده‌اند که هم موارد ادعای آن نادر است و هم احراز آن، بسیار مشکل؛ به طوری که به سختی می‌توان مثالی یافت که در آن، سوء نیت مبنای مستقلی برای اعتراض به یک تصمیم اداری بوده باشد و خواهان توانسته باشد به طور موفقیت آمیزی دعوای بطلان یک عمل اداری را به پیش ببرد. (باربر، ۱۹۸۵، ۱۳)

از این رو صحیح‌تر دانسته‌اند که آن را انگیزه و موجبی به شمار آورند که مقام عمومی را به دخالت دادن عوامل غیرمرتبط در تصمیم یا تعقیب اهدافی غیر از هدف قانون گذار و می‌دارد و یا آن که موجب «غیرعقلانی» قلمداد کردن تصمیم می‌شود؛

مانند دعوای «وب» علیه وزیر مسکن و دولت محلی در سال ۱۹۶۵. اگرچه باید به این نکته توجه کرد که اقدامی می‌تواند با هدف درست و قانونی هم انجام شود، در حالی که توأم با سوء نیت باشد و یا این که اقدامی بدون سوء نیت انجام شود، اما به دلیل دخالت دادن عوامل غیرمرتبط یا

تعقیب هدفی نادرست براساس تفسیر اشتباه قانون، غیرقانونی و خارج از حدود اختیارات قلمداد شود. لازمه ی سوء نیت، غرض ورزی و نداشتن صداقت است و چنانچه مقام تصمیم گیرنده بدون هیچ گونه غرض ورزی، با وجود آگاهی از بی اعتباری تصمیم خود، تصمیمی اتخاذ کند که آثار حقوقی به بار نمی آورد، اقدام توأم با سوء نیت قلمداد نمی شود. (آلدر، ۲۰۰۲، ۳۰)

در واقع سوء استفاده از اختیارات یکی از اساسی ترین و اصلی ترین موارد در حقوق کیفری انگلستان و مقابله با فساد اداری بوده که همواره قانون گذار تلاش داشته است به واسطه سوء استفاده از قدرت فرد در انجام این مسئله، تلاش نماید به این موضوع پایان دهد و در این رابطه رویه قضایی یکسانی را در پیش گرفته است.

با این توضیح، حال به بررسی مصادیق سوء استفاده از اختیارات که مورد اشاره قرار گرفته اند، که در حقوق اداری کامن لا بررسی می گردد:

۵-۱-۳- تعقیب اهدافی غیر از هدف قانون گذار

هیچ صلاحیت مطلقى در حقوق عمومى وجود ندارد. قدرت قانونى واگذار شده به منظور اهداف عمومى بر مبنای اعتماد واگذار شده است و نه به طور مطلق؛ یعنی تنها در صورتى معتبر خواهد بود که به شیوه ی درست و مشروع که پارلمان در هنگام واگذار کردن آن مد نظر داشته است، به کار گرفته شود. به عبارتى در مواردی که قانون موضوعه، صلاحیتی را به مقام یا نهادی قانونی واگذار کرده و خواه به موجب مقررات صریح یا بنا بر ویژگی کلی قانون، به نظر می رسد که قصد از واگذاری این صلاحیت، این است که تنها برای هدفی خاص به کار گرفته شود، اعمال آن برای غیر از این هدف و به منظور دست یابی به برخی اهداف جانبی، غیرمعتبر خواهد بود. (باربر، ۱۹۸۵، ۱۵)

از این رو قابل تصور است که مرجع عمومى برخلاف اعتمادی که قانون گذار در هنگام واگذاری صلاحیتی به وی داشته است، این صلاحیت را با هدف و انگیزه ی منفعت شخصی یا اضرار به دیگری و یا با اهداف اخلاقی، سیاسى و حزبى به کار ببندد و یا آن که با انگیزه ی تأمین منافعى برای دستگاه متبوع خود یا تأمین منافعى که نتیجه ی آن به اقشار جامعه خواهد رسید، اعمال کند. هم چنین امکان دارد که مرجع عمومى صلاحیت را به جای هدف اصلی از آن و با نادیده گرفتن هدف اصلی، با هدفی دیگر که هرچند اشکال خاصی بر آن وارد نیست، اما متفرع

بر هدف اصلی بوده و یا در درجه اهمیت پایین تری قرار دارد و به عبارتی، با هدفی که در واقع، اعمال درست صلاحیت موردنظر نیست، به کار ببندد. این گونه اعمال، مصداقی از سوء استفاده از اختیارات واگذار شده از سوی پارلمان بوده و محل ایراد هستند. (باربر، ۱۹۸۵، ۱۷)

در این رابطه مثال هایی مد نظر می باشد:

- هم چنان که شورای مشاوران سلطنتی در دعوای شورای شهر سیدنی علیه کمپل (۱۹۲۵)، اظهار داشته، مرجع محلی نمی تواند صلاحیت خود مبتنی بر خرید قهری اراضی برای توسعه ی خیابان ها و بهبود فضای شهری را برای سرمایه گذاری و کسب منفعت از افزایش احتمالی در ارزش زمین استفاده کند، هرچند از منافع به دست آمده از آن برای تعدیل در عوارض اهالی محل استفاده شود.

- هیچ وزیری که باید به صلاحیت قانونی خاصی عمل کند، نمی تواند تحت تأثیر ملاحظه های سیاسی وسیع تری که سیاست قانون را پیش نمیرد، قرار گرفته و بر این اساس عمل کند. هم چنان که در دعوای پادفیلد علیه وزیر کشاورزی، شیلات و تغذیه (۱۹۶۸)، اقدام وزیر مبنی بر عدم ارجاع شکایت های مربوط به عملکرد طرح بازاریابی شیر به کمیسیونی که قانوناً، وزیر از صلاحیت ارجاع شکایت ها به این کمیسیون برخوردار بوده، به خاطر ترس از این که تأیید این شکایت ها می تواند به کلّ طرح یادشده لطمه وارد کند (و به عبارتی، با هدف حمایت از طرح موجود)، از سوی مجلس اعیان غیرقانونی قلمداد شده است. (بارنت، ۲۰۰۷، ۹۱)

- دولت نمی تواند در حالی که به وی این صلاحیت قانونی داده شده که بنا بر اهداف صرفاً «اقتصادی» به دیگر کشورها کمک مالی کند، براساس اهداف دیگری هم چون تسهیل در ترتیبات فروش اسلحه، به پروژه های هرچند اقتصادی دیگر کشورها کمک مالی اختصاص دهد.

- یک مرجع محلی نمی تواند در ایام نزدیک به انتخابات اقدام به فروش ارزان و یک جای ساختمان های در اختیار وی، با انگیزه ی واقعی جذب آراء کند؛ هم چنان که مجلس اعیان اظهار داشته با وجود پذیرش واقعیت های سیاسی دایر بر این که یک نهاد دموکراتیک میتواند متوقع آن باشد تا در نتیجه ی سیاست های خود امتیازاتی را در انتخابات به دست آورد، اما باید توجه داشت که این سیاست ها نمی تواند برخلاف هدف قانون گذار از ساخت و ساز این ساختمانها اتخاذ شود و صلاحیت واگذار شده از سوی قانون گذار برای ساخت و در اختیار قرار دادن ساختمانها در راستای منافع حزبی تحریف شوند.

- شورای محلی نمی‌تواند به صرف مخالفت برخی از اعضای یک کمیته زیرمجموعه‌ی خود با سیاست‌هایش و وابستگی آن‌ها به حزب رقیب، هرچند که از صلاحیت اخراج افراد زیرمجموعه‌ی خود برخوردار باشد، اقدام به این امر کند؛ چراکه چنین امری، هم چنان که اعضای اخراجی هم ادعا کرده‌اند، جز این قلمداد نمی‌شود که شورا، صلاحیت خود را به صورتی غیرقانونی در راستای هدفی که نسبت به هدف اصلی از اعطای این صلاحیت، نامربوط به شمار می‌آید، به کار بسته است. (بارنت، ۲۰۰۷، ۹۲)

- مرجع محلی نمی‌تواند براساس صلاحیت خود مبنی بر حفظ حیات وحش منطقه، به دلیل این که این مرجع شکار حیوانات خاصی را با اصول اخلاقی خود سازگار ندانسته و آن را اخلاقاً انزجارآور قلمداد می‌کند، اقدام به منع شکار یادشده کند؛ چراکه همان طور که یکی از قضات خاطر نشان کرده به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی، صلاحیت بنا به هدف خاصی که عبارت است از برآورده کردن منافع عمومی جامعه، اعطا می‌شود و نه بنا به آن چه که دارنده صلاحیت خوشایندش باشد.

- مرجع آموزشی محلی که از صلاحیت نصب و هم چنین عزل مدیران مدارس در صورت وجود شرایطی خاص برخوردار است، نمی‌تواند برخی از مدیران را که در انجام وظایف خود از استقلال برخوردارند، صرفاً به دلیل هم سو نبودن آن‌ها با سیاست‌های ش از کار برکنار کند.

- مرجع عمومی که از صلاحیت بررسی درخواست‌های جواز و صدور آن برخوردار است نمی‌تواند با هدف رشد و ترویج آگاهی معنوی در جامعه، درصدد آن برآید تا در اعمال صلاحیت خود به حمایت از پیروان فعال یک دین شناسایی شده مبادرت کند؛ چرا که هدف قانون گذار از اعطای چنین صلاحیتی، تنها این است که مرجع یادشده به افرادی جواز کار را بدهد که به تداوم جریان بازار توسط اشخاص سالم و مناسب لطمه وارد نکنند و از این روی هدف بیان شده، از اهداف مورد نظر قانو نگذار نبوده است. (لیلند، ۲۰۰۵، ۱۰)

در واقع و در مجموع با توجه به مطالب گفته شده می‌توان چنین استدلال نمود که به واسطه این مسئله در واقع به نوعی قانون گذار انگلستان دولت را نیز مجاز به اعمال خلاف حقوق شهروندی نمی‌داند و در این رابطه همواره پیشگیری از تخلفات دولت و سازمان‌ها را ضروری دانسته است.

۵-۱-۴- توجه به عوامل غیر مرتبط و عدم ملاحظه عوامل مرتبط در تصمیم گیری

یکی دیگر از فاکتورهای شکل دهنده سوء استفاده از اختیارات، این است که مراجع عمومی باید عوامل و ملاحظات را که غیر مرتبط یا فرعی می باشند، در تصمیم گیری خود دخالت ندهند؛ چراکه در غیر این صورت، همچنان که «لرد اشِر»^۱ اظهار داشته: «اگر افرادی که باید یک تکلیف عمومی را با اعمال صلاحیت خود به انجام برسانند، موضوعاتی را مورد توجه قرار دهند که دادگاه ها، این موضوعات را در رابطه با اعمال صلاحیت غیرمعتبر بشمار می آورند، از نگاه قانون این مراجع اصلاً صلاحیت خود را اعمال ننموده اند.» هم چنین مراجع عمومی باید ملاحظات را که مرتبط و مؤثر در تصمیم گیری می باشند، حتماً در تصمیم گیری های خود بطور مقتضی و صحیحی دخالت دهند و آن ها را نادیده نگیرند. قصور در توجه به ملاحظات مرتبط می تواند به معنای آن باشد که مقام تصمیم گیرنده بدون ادله لازم جهت توجیه تصمیمش عمل نموده است.

البته باید تأکید نمود که عدم توجه به عوامل مرتبط و مؤثر در اتخاذ تصمیم و توجه به عوامل غیر مرتبط، در صورتی زمینه مداخله دادگاه ها جهت کنترل قضایی را فراهم می آورند که اولاً تصمیم به انجام یک کارویژه صرفاً اداری مربوط نشود که تأثیری بر حقوق اشخاص ندارد و ثانیاً مطابق حکم صادره در دعوی «اوئن» تصمیم از نظر مادی بواسطه آن عامل مرتبط یا غیر مرتبط، تحت الشعاع قرار گرفته باشد، و گرنه چنانچه تصمیم نهایی، مشابه حالتی باشد که اگر آن موضوع مرتبط لحاظ می شد یا عامل غیر مرتبط نادیده گرفته می شد، اتخاذ می شد قانونیت تصمیم قابل خدشه نخواهد بود. (برادلی، ۱۹۹۹، ۳۷)

با این توصیف، اقدام وزیری که با وجود صلاحیت ارجاع شکایات به کمیته تحقیق، به دلیل ترس از مشکلات تبعی سیاسی از این ارجاع خودداری می نماید، و به عبارتی افکار عمومی را عاملی برای تصمیم گیری خود در رابطه با اعمال صلاحیتش قرار می دهد (عامل غیر مرتبط) و یا تصمیم مرجعی محلی که از صلاحیت راه اندازی سیستم حمل و نقل عمومی و صرف کرایه های دریافتی در مواردی که مناسب تشخیص می دهد، برخوردار است، مبنی بر راه اندازی سیستم حمل و نقل رایگان برای سالمندان که برخلاف شرط تعیین شده اعمال صلاحیت بر اساس اصول شغلی متعارف (عامل مرتبط و مؤثر) می باشد، مصادیقی از تصمیمات غیرقانونی و توأم با سوء استفاده از اختیارات می باشند. همین طور است اگر که مرجع محلی عمومی تحت تأثیر ملاحظات

غیرمرتبطی مانند «اصول نامتعارف بشردوستی سوسیالیستی» و «زیاده خواهی های فمینیستی مبنی بر تضمین برابری جنسیتی در موضوع دستمزد» و با نادیده گرفتن ملاحظات مرتبطی مانند هزینه روبه کاهش زندگی و سطح دستمزدها در سطح ملی، اقدام به تعیین مزد برابر ۴ پوند در هفته برای کارگران زن و مرد بنماید یا اینکه بدون توجه به برخی ملاحظات مرتبط و مؤثر مانند تهیه پارکینگ، مسأله ترافیک و امکان دسترسی، تصمیم خود مبنی بر اجازه تأسیس یک استادیوم ورزشی در پارک عمومی را صادر نماید و یا بنا به عاملی غیرمرتبط مانند اقدامات ناشران در جریان اختلافات صنعتی ناشران و کارگران آنها، تصمیم به لغو خرید مجله تایمز برای کتابخانه های عمومی بگیرد و یا بنا به این دلیل که رئیس مرجع محلی بخاطر افترا از ناشران روزنامه خاصی شکایت نموده است (عامل غیرمرتبط)، تصمیم به عدم انتشار آگهی در آن روزنامه را بگیرد. (استوت، ۱۹۹۷، ۱۳۱)

در اینجا، در رابطه با این مؤلفه از سوء استفاده از اختیارات، یعنی ملاحظه عوامل غیرمرتبط و عدم لحاظ عوامل مرتبط، چند نکته را باید خاطر نشان نمود:

نخست اینکه، همانطور که قاضی «لرد سیمون براون»^۱ اظهار داشته، مرجع عمومی در تصمیم گیری های ش با سه نوع از ملاحظات مواجه می باشد:

این مرجع، در مواردی می بایست ملاحظاتی را مورد توجه قرار دهد (فاکتورهای الزامی) و یا در مواردی باید ملاحظاتی را نادیده بگیرد (فاکتورهای ممنوعه) که خود، عبارتند از:

الف- عواملی که قانون صلاحیت بخش، آنها را مشخص نموده، اعم از اینکه طبق گفته قاضی «لرد گرین» در دعوای «ونزبری» صراحتاً معین شده باشند و یا اینکه بطور ضمنی و بر اساس موضوع، قلمرو و هدف قانون موضوعه تعیین شده باشند؛

مثل اینکه در قانون برنامه ریزی شهری و کشوری مصوب ۱۹۹۰ صریحاً مشخص شده باشد که در رابطه با تعیین تکلیف درخواست های مجوز طرح، مراجع محلی و در صورت تجدیدنظرخواهی، وزارت کشور باید «طرح توسعه» و «هرگونه ملاحظات مادی دیگر» را مورد توجه قرار دهند و یا اینکه در قانون برای صدور جواز فعالیت در بازار شرط شده باشد که باید رعایت شود که افرادی اجازه فعالیت بیابند که شخص سالم و مناسبی باشند، که در اینجا بررسی

1. Lord Simon Brown

محکومیت‌های قبلی درخواست دهنده صدور جواز به جرایم جدی می‌تواند ملاحظه ای مرتبط، اما ضمنی بشمار آید. (مک لوید، ۱۹۹۳، ۵۷)

در این باره که آیا ملاحظاتى که بطور ضمنی از قانون بر می‌آیند، برای مقام تصمیم گیرنده الزام آور می‌باشند، هیچ اصول روشنی و جود ندارد و بستگی به اراده دادگاه دارد که با توجه به عبارات قانون موضوعه، تفسیر خود را از قصد پارلمان بیان دارد که آیا این ملاحظات را باید جدی گرفت و الزام آور دانست یا خیر؛ که البته این موضوع، می‌تواند به عنوان یک خطر بشمار آید که دادگاه، نظر و سیاست خود را جایگزین دیدگاه مرجع عمومی قرار دهد و بدین ترتیب، با دخالت دادن دیدگاه‌های سیاسی یا دیگر ارزشها و یا با موسع‌تر یا مضیق‌تر تعریف نمودن نظر قانون گذار، تصمیم متفاوت با مرجع عمومی اتخاذ نماید.

ب- مواردی که برای مخاطبان تصمیم، انتظارات مشروعی بوجود آمده است. در مواردی مرجع عمومی تصمیم گیرنده می‌تواند بنا به صلاحدید خود عمل نموده و ملاحظاتى را مورد توجه قرار داده و یا عواملی را نادیده بگیرد؛ (لیند، ۲۰۰۵، ۸۸)

به عبارتی ملاحظاتى که ضروری نیستند و بسته به نظر مرجع عمومی می‌باشند تا تصمیم بگیرد که چه ملاحظاتى باید در فرآیند استدلالی وی نقش ایفا کنند؛ ملاحظاتى که توجه یا عدم توجه به آن‌ها خدشه‌ای به قانونیت تصمیم وارد نمی‌سازند.

نتیجه‌گیری

شکی وجود ندارد که یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به سلامت اداری در نظام هر کشوری، مبارزه با رشوه خواری است و شاید از همین رو است که بسیاری کشورهای جهان تلاش می‌کنند ساز و کارهای قانونی خود را در این زمینه ارتقا دهند. متأسفانه باید پذیرفت نظام اداری ایران در حال حاضر، تا دستیابی به جایگاه مطلوب خود راه درازی در پیش دارد.

به منظور مبارزه همه جانبه با فساد اداری علاوه بر اقدامات سرکوب گرانه که حاکی از اتخاذ سیاست جنایی واکنشی است باید اقداماتی از قبیل اتخاذ سیاست‌های کلیدی و داشتن برنامه همه جانبه و عمومی، به منظور مطالعه و پیش گیری از فساد اداری، تشکیل نهادهای مستقل که مسئولیت انجام فعالیت‌های تبلیغی، آموزشی و پیگیری اصلاحات ساختاری در سازمان‌ها را در جهت کاهش امکان فساد و افزایش شفافیت کارکردی و عملکردی در بخش عمومی را عهده‌دار

باشند، انجام نظارت‌های قانونی برای فراهم آوردن توان لازم جهت کنترل بیشتر مقام‌های اجرایی، ایجاد خطوط ارتباطی و حمایت از مخبران، انتخاب قضات سالم، پاسخگویی و نظارت مدنی و توجه به احیا و آموزش ارزش‌های اخلاقی که حاکی از اتخاذ سیاست جنایی پیشگیرانه است، صورت پذیرد. - ضمانت اجرای کیفری در حقوق کیفری انگلستان بر اساس قانون رشا و ارتشا مصوب ۲۰۱۰ و استفاده از رویه‌های قضایی در اسناد است. تحولات حقوق اداری در انگلستان حاکی از آن است که در قرن نوزدهم، کم و بیش این اصل در حوزه‌های اداری اعمال شده است، با این حال با پدیداری جنگ جهانی اول و توسعه‌ی صلاحیت‌های اختیاری مقامات اداری، محدودیت‌هایی چون دوگانگی میان تصمیمات اداری و قضایی و حق‌ها و امتیازات نسبت به آن وارد شد. رویه قضایی حقوق عرفی در دهه هفتاد میلادی دست به بازخوانی رویه‌های گذشته می‌زند و این محدودیت‌ها را مرتفع می‌سازد. در واقع در انگلستان با این قانون روند تحولات مقابله با رشوه و ارتشا در نظام اداری وارد فاز جدید شده و کشور انگلستان تلاش داشته است تا در زمینه مسائل و مباحث مرتبط با فساد اداری بیش از پیش موفق عمل نماید. به علاوه با توجه به اینکه توفیق در راهبردهای پیشگیری و مبارزه با فساد و همچنین بهبود وضعیت سلامت، عدالت، شفافیت و مقابله با فساد در کشور، نیازمند ایفای نقش فعال‌تر مجلس شورا اسلامی و قوه قضاییه است، پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گزارش جامع نظارتی با محوریت تحلیل و ارزیابی سیاست ارتقای نظام اداری و مقابله با فساد را در دستور کار قرار دهد تا بتوان با تکیه بر آن چرخه سیاست گذاری علیه فساد را مورد بازنگری قرار داد.

منابع و مآخذ

۱. اباذری فومشی، منصور، ۱۳۹۲، *ترمینولوژی حقوق نوین*، جلد سوم، چاپ اول، قائم شهر، نشر شهید داریوش نوراللهی.
۲. آقابابایی، حسین، ۱۳۸۸، «توانمندسازی عمومی و پیش گیری اجتماعی از فساد اقتصادی»، *مجموعه مقالات همایش ملی علمی کاربردی پیشگیری از جرم*، تهران، نشر میزان.
۳. باردان، پراناب، ۱۳۸۳، *فساد اداری و توسعه*، ترجمه جواد روحانی، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۴۲.
۴. باقری، ر، ۱۳۸۴، *انحلال ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی به دلیل ناکارآمدی، سیاست روز*، برنامه مبارزه با فساد و ارتقای سلامت در نظام اداری (حکومت).
۵. بیات، محمود، ۱۳۸۷، *نظارت و کنترل اسلامی، نشریه مجلس و پژوهش*، شماره ۵۳.
۶. حاجی ده آبادی، محمد علی، ۱۳۸۳، *امر به معروف و نهی از منکر و سیاست جنایی*، *مجله فقه و حقوق*، شماره ۱، تابستان.
۷. دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۶، «*استراتژی مبارزه با فساد: آیا فناوری اطلاعات فساد اداری را کاهش می دهد؟*» *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۹، شماره ۲ تابستان.
۸. داوید، رنه و کامی ژوفره، اسپینوزی، ۱۳۸۱، *در آمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر*، ترجمه و تلخیص: سید حسین صفایی، تهران، میزان.
۹. زارعی، محمد حسین، ۱۳۸۹، «*حاکمیت قانون در اندیشه های سیاسی و حقوقی*» *فصلنامه مفید*، شماره ۲۶، سال دوم.
۱۰. شمس ناتری، محمد ابراهیم و توسلی زاده، توران، ۱۳۹۰، «*پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی*»، *فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۱، شماره ۴.
۱۱. صادق نژاد نایینی، مجید، ۱۳۹۳، *مطالعه جرم شناختی جرایم اشخاص حقوقی حقوق خصوصی: از علت شناسی تا پیشگیری*، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. صفاری، مهدی، ۱۳۸۰، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳ و ۳۴، تهران.

۱۳. فرجیها، محمد و محمدباقر مقدسی، ۱۳۹۲، پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، کتاب دوم، تهران، میزان.

۱۴. 14-Alder, John, "Constitutional and Administrative Law", Macmillan Professional Master, 1989

۱۵. 15-Alder, John, General Principles of Constitutional and Administrative Law, New York: Palgrave Macmillan, 4th ed, 2002

Abstract

Corruption is one of the most important issues in the field of government and private institutions and agencies, which has always caused problems in the public transaction system. Government employees are one of the organizational assets in managing the affairs of the country. Their good performance in achieving the goals of the organization and the government is very important and has a direct relationship with more and more useful efficiency, moving away from the fields of employee misconduct, the basis for the progress of the employee and the organization. Corruption is the illegal use of administrative and governmental powers for personal gain. Corruption has taken many forms, including embezzlement, bribery, and misuse of government property and facilities. Since the most important political asset of governments is the people's trust in the rulers, and all forms of corruption, especially corruption, undermine this trust, tackling corruption in the administrative sphere is an undeniable necessity. The prevalence of this corruption at the national and international levels has prompted the international community to design concerted action to combat it. The prevention of corruption is examined in the Health Promotion Act under the supervision of the government and the judiciary, and in English law, the fight against corruption, the administrative rights of which are based on custom and judicial practice.

Key word: *corruption, corruption, rasha, bribery, prevention.*

کلاهبرداری رایانه‌ای در بستر جرم‌شناسی نظری

زینب بنی اسدی *

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۷	شماره صفحه: ۱۴۸-۱۴۴
-------------------	------------------------	-----------------------	---------------------

در حال حاضر ارتکاب جرایم مالی در فضای مجازی و کلاهبرداری‌های رایانه‌ای بخش قابل توجهی از پرونده‌های کیفری در مراجع قضایی را شامل می‌شود. در این میان جرم‌شناسی به عنوان علمی که به تبیین و تحلیل پدیده بزهکاری می‌پردازد، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی را در این مهم ارائه نموده است. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف تبیین و تشریح دیدگاه‌های نظری جرم‌شناسی پیرامون کلاهبرداری رایانه‌ای به انجام رسیده است. این نوشتار با روش روش توصیفی - تحلیلی پس از بررسی و تجزیه و تحلیل نظریه‌های جرم‌شناختی به این یافته‌ها رسیده است تحلیل‌های نظری جرم‌شناختی در دو بعد نظریه‌های مبتنی بر عوامل وضعی و اجتماعی از جمله نظریه‌های فعالیت روزانه، سبک زندگی، خنثی سازی و هک، فشار و یادگیری اجتماعی ضمن تایید نقش ویژگی‌های فضای مجازی و شیوه‌های خاص ارتکاب جرایم رایانه‌ای به اثرپذیری بزه دیدگان و نقش مهمی که در قربانی شدن این جرایم ایفا نموده‌اند نیز تأکید دارد.

واژگان کلیدی: کلاهبرداری رایانه‌ای، فضای مجازی، جرم‌شناسی نظری، بزه دیده، یادگیری

اجتماعی

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

مقدمه

رشد سریع فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر دستاوردها و تحولات بسیاری را در ابعاد گوناگون زندگی انسانها به وجود آورده است. بیشتر فعالیت‌های روزمره زندگی به نوعی وابسته به رایانه هاست و روزه روز بر این وابستگی افزوده می‌شود. این فناوری بزرگ که در ابتدا برای آسایش و رفاه هرچه بیشتر انسان‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت به تدریج به ابزاری برای مجرمان، جهت نیل به آمال مجرمانه نیز تبدیل شد. امروزه فعالیت بزهکارانه عمومی، دیگر منحصر به دنیای حقیقی نیست. به موازات گسترش فعالیت‌ها و ارتباطات در فضای سایبر، بخشی از بزهکاران نیز فعالیت مجرمانه خود را به فضای سایبر منتقل کرده‌اند یا از رهگذر چنین فضایی، مرتکب جرم یا جرائمی می‌شوند (پیکا، ۱۳۹۰: ۱۱). این فضای جدید به گونه‌ای حقوق جزای سنتی را دستخوش تحولات بنیادی کرده که تعریف از جرائم در محیط‌های مجازی انطباق چندانی با تعاریف کلاسیک نداشته و در بسیاری موارد متفاوت است (حسن بیگی، ۱۳۸۴: ۳۵). همچنین جرائم سایبری به اقتضای ویژگی‌های منحصر به فرد خود همچون سهولت ارتکاب جرم، فرامرزی بودن جرم، کم‌سن بودن مجرمان، گستردگی خسارت، بالابودن رقم سیاه بزهکاری کثرت بزه دیدگان، ضرورت دقت در فرایند جرم‌انگاری و شناسایی عوامل موثر در بروز این بزه را افزایش داده‌اند.

در این میان ارتکاب جرایم مالی و اقتصادی در این فضا، همچون فضای حقیقی دارای فراوانی زیاد و البته ابعاد و آثار مخرب تری است. بی‌گمان جذابیت‌های خاص مالی و ویژگی‌های ذاتی نوع بشر از قبیل طمع، حرص و مال‌اندوزی در این فضا بسار تأثیرگذار است. با این حال ضرورت شناخت ابعاد مختلف پدیده نوظهور ارتکاب جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی ما را بر آن داشته تا در نوشتار حاضر از دیدگاه جرم‌شناسی نظری به بررسی این مهم پرداخته و عوامل وقوع جرم کلاهبرداری رایانه‌ای را از دیدگاه جرم‌شناسان مختلف و نظرات و ایده‌های اندیشمندان مختلف و نظریه‌های مطرح جرم‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

کلاهبرداری رایانه‌ای در بستر نظریات جرم‌شناسی

مقاله حاضر به تحلیل نظری جرم‌شناختی ارتکاب جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی خواهیم پرداخت. این مبحث بر اساس نظریهٔ چندعاملی «کوراکیس» در تبیین جرایم اقتصادی، در دو قسمت طراحی شده است.

به عقیده کوراکیس، بزهکاری ناشی از ترکیب عواملی نظیر شهرنشینی، توسعه صنعت و فناوری و شخصیت بزهکار است (زراعت، ۱۳۹۵ : ۶۱) بدین ترتیب ابتدا به عوامل وضعی توجه خواهیم نمود و در این راستا به نقش توسعه صنعت و فناوری نوین، فراگیری فضای مجازی، عمومی شدن استفاده از اینترنت توجه خواهیم نمود همه این عوامل باعث شده تا ابزارهای نوین از جمله نقل و انتقالات بانکی در فضای مجازی و بانکداری نوین به وسیله ای مجرمانه برای دستیابی به سودهای نامشروع و ارتکاب جرم به ویژه جرایم کلاهبرداری رایانه ای تبدیل شود. روش های استفاده شده در این قسمت با نظریات جرم شناسی عمل مجرمانه (تجربی) تبیین شده، جنبه علت شناختی ندارد و شگردهای بزهکاری را بر اساس شرایط و موقعیت بزه دیده و سبک ارائه خدمات توضیح خواهد داد. در قسمت دوم، نظریات جامعه شناسی جنایی در رابطه با روش های ارتكابی جرایم کلاهبرداری رایانه ای نقد و ارزیابی خواهد شد. این نظریات جنبه علت شناسی دارد و با تمرکز بر نوع آلت ارتكاب جرم در جرایم اقتصادی و از جمله کلاهبرداری رایانه ای مسائل را مطرح می نماید. بدین ترتیب در این دو قالب، روش های ارتكاب کلاهبرداری در فضای مجازی، با نظریات جرم شناسی مرتبط می گردد.

۲-۱- نظریه های جرم شناختی حاکم بر کلاهبرداری رایانه ای

بانک جهانی از وجود ۲۹/۱ شعبه بانک در ایران به ازای هر یکصد هزار نفر خبر داده است. این تعداد شعبه، بالاتر از استانداردهای جهانی است و نشان دهندهی عدم توسعه بانکداری الکترونیک در کشور است. در عین حال، آمارهای بانک مرکزی حکایت از آن دارد که در شبکه بانکی کشور تا پایان شهریور ۱۳۹۵، حدود ۳۵۰ میلیون کارت بانکی صادر شده و جمع تراکنش ها بالغ بر ۴۵۰ میلیون است^۱ از این آمار، ۴۵۰ هزار کارت و ۵ میلیون تراکنش مربوط به شرکت دولتی پست بانک است. این شرکت، وظیفه ایجاد و گسترش خدمات پست مالی در مناطق روستایی را بر عهده دارد. مقایسه این آمارها نشان دهندهی ماهیت شهری بانکداری الکترونیک است و از این لحاظ به رشته جامعه شناسی شهری مرتبط است. زیرا بانکداری الکترونیک از نظر اقتصادی به عنوان یکی از کارکردهای پایه شهری مطرح است

۱. آمار منتشرشده در وبگاه بانک مرکزی به نشانی <www.cbi.ir>

و در جامعه شناسی شهری به مباحث توسعه اقتصادی نیز پرداخته شده است.

سیاست جنایی مقابله با جرایم اقتصادی و جرایمی که از طریق ابزارهای بانکداری الکترونیک رخ خواهد داد، باید «شهرمحور» بوده و با مقتضیات شهری تطابق داشته باشد. ویژگی شهرمحور بودن با نقش عوامل وضعی در ارتکاب جرم کلاهبرداری از طریق سرقت هویت، با ابزارهای بانکداری نوین در ارتباط است؛ چون رابطه بین فقر و بی کاری با بزهکاری مطرح نیست، به نقش شخصیت بزهکار در گذر اندیشه به فعل نیز بی اعتناست و به بررسی ساختار اجتماع و محیط پیرامونی که شخص در آن زندگی می کند، خواهد پرداخت. به همین دلیل، کلاهبرداری از این طریق، با نظریه فرصت تبیین خواهد شد. فرصت های ارتکاب جرم گاهی مربوط به افراد و گاهی مربوط به اشیا و اموال است (محمدنسل، ۱۳۸۶: ش ۳/۳۰۴). رشد فناوری در صنعت بانکداری از جمله فرصت های بزهکاری است که باعث تحول فعالیت های روزانه مردم و ایجاد سیل جاذبه دار گردیده و عدم حفاظت و مراقبت از سیل را جرم زا کرده است (فیش و لب، ۲۰۹/۱۳۹۳: ۱) به همین دلیل، ویژگی شهرمحور بودن، با دو نظریه مشهور به انتخاب عقلانی: «نظریه فعالیت روزانه» و «نظریه شیوه و سبک زندگی» مرتبط است (صفاری و کونانی، ۱۳۹۲: ۱۱۳). در نظریه های مشهور به گزینه عقلانی، انسان مجرم به عنوان یک انسان مقتصد، محاسبه گر و معقول ترسیم و مطالعه شده است. مجرم در این نظریه کسی است که هزینه های ارتکاب جرم را سنجیده و سپس انتخاب خواهد کرد. انتخاب بزهکار بر اساس موقعیت، سن، شغل و هویت اجتماعی بزه دیده شکل می گیرد (ویلیامز و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۴۲).

کارکرد پیشگیری وضعی از جرم در این است که ابزار و فرصت ارتکاب جرم را از مجرم سلب می کند. به عبارت دیگر پیش گیری وضعی بر وضعیت ماقبل جرم تمرکز می کند و با فرآیند گذار از اندیشه به عمل مواجه است، پیشگیری وضعی درصدد تغییر در اوضاع و احوال مشرف بر جرم به منظور اینکه معادله جرم به ضرر مجرم تمام شود. از این رور در ادامه به مهمترین نظریه هایی که امکان پیشگیری وضعی را میسر می سازد و بر عوامل وضعی در بحث ارتکاب جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی مؤثر است اشاره خواهیم نمود.

۲-۱-۱- نظریه فعالیت روزانه

نظریه‌ی فعالیت روزانه بر این فرض استوار است که رخ دادن جرم تنها هنگامی امکان پذیر است که بزهکار با انگیزه‌ای با بزه دیده‌ی مناسبی بدون حضور مراقبی توانمند تماس برقرار کند. بسیاری از پیشرفت‌ها و اصلاحات اخیر این نظریه درباره مدیریت کارآمد یک مکان برای از میان بردن شرایط مناسب برای وقوع جرم است. برای نمونه، با این که برخی از پژوهش‌ها دریافته‌اند که وجود میکده‌ها بسیار بخت ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند اما پژوهش‌های دیگری هستند که نشان می‌دهند که تنها برخی از میکده‌های دارای مجوز هستند که به میزان نامتناسبی، تماس‌های درخواست خدمات پلیسی را دارند. نظریه‌ی فعالیت روزانه، به طور خیلی خلاصه، نشان می‌دهد که بسیاری از ساختارهای فرصت ساز جرم با فعالیت‌های روزانه‌ی اجتماعی مشخص می‌شوند و بیشتر زمان بزهکاران نیز در جریان فعالیت‌های روزانه مانند کار یا رفت و آمد سپری می‌شود.

در بحث کلاهبرداری‌های رایانه‌ای نیز باید توجه داشت که از جمله شیوه‌هایی که در بانکداری نوین از دیدگاه بزه دیدگان قابل بررسی است، روش‌های غیر فنی دسترسی به گذرواژه به شیوه‌ی انواع مهندسی اجتماعی مبتنی بر انسان است. در این شیوه، بزه دیده به عنوان عامل شتاب دهنده و اثرگذار در ارتکاب جرم مطرح است و در شکل‌گیری و عملی نمودن اندیشه مجرمانه، موجب تسریع در حرکت فرایند جنایی خواهد شد. در نظریه‌ی فعالیت روزانه مطرح شده، تحولات اقتصادی که از طریق رشد فناوری و صنعت به وجود آمده، سبب تحول فعالیت‌های روزانه مردم شده است. از جمله این تحولات، ارائه خدمات بانکی بدون مراجعه به شعب بانک است. دستگاه‌های خودپرداز، کارت خوان‌های فروشگاه‌های یا درگاه‌های اینترنتی بانک از طریق کارت بانکی یا رمز عبور (گذرواژه) خدمات مالی ارائه می‌کنند. یکی از شیوه‌های نوین، بزه دیده به عنوان علت ارتکاب جرم مطرح است، شیوه مهندسی اجتماعی است. در شیوه مهندسی اجتماعی مبتنی بر انسان از بی احتیاطی یا اطمینان بیش از حد انسان‌ها برای جمع آوری اطلاعات حساس استفاده شده است. با این توضیح، شیوه‌هایی که بر اساس این نظریه رخ داده، بررسی خواهد شد.

در روش خالی کردن حساب از طریق جستجو در زباله‌های بانکی، رئیس پلیس فتای تهران از دستگیری جوانی با مدرک کارشناسی خبر داد. وی کسانی را که در

بانک اقدام به افتتاح حساب و دریافت کارت بانکی می‌کردند، شناسایی و تعقیب می‌کرد. هنگامی که این مشتریان برای تعویض رمز کارت خود به دستگاه خودپرداز مراجعه می‌کردند و پاکت حاوی رمز اولیه کارت را باز کرده و به سطل زباله می‌انداختند، او این کاغذ را برداشته و با استفاده از اطلاعات درج شده (شامل رمز اول و دوم کارت) اقدام به برداشت اینترنتی می‌نمود. و خرید اینترنتی کرده بود. در این رابطه رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی هشدار داد که در خریدهای آنلاین، تحت هیچ شرایطی از رمزهای اینترنتی در حضور دیگران استفاده نشود و در صورت اجبار، بلافاصله رمز تغییر داده شود.

روش دیگر، پرسه زنی در کنار دستگاه‌های خودپرداز بانک‌ها با نیت کمک به افراد مسن و بی سواد است. در پرونده نیکوکار قلابی، رئیس پلیس فتای استان فارس اعلام کرد که نیکوکار قلابی پس از جلب رضایت مراجعان و اخذ عابر بانک به همراه رمز کارت، در یک فرصت مناسب اقدام به فعال سازی رمز دوم حساب (رمز اینترنتی) کرده و پس از ترک محل، کل حساب قربانیان خود را خالی نموده است. در روش دیگر، اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی، نسبت به روش فیشینگ تلفنی هشدار داد و اعلام نمود که افرادی طی تماس تلفنی با برخی از مشتریان بانک، خود را به عنوان نماینده بانک در امور فناوری اطلاعات و خدمات الکترونیک معرفی کرده و به شیوه‌های گوناگون، مبادرت به اخذ اطلاعاتی نظیر رمز اول و دوم حساب بانکی و کلاهبرداری نموده اند.

۲-۱-۲- نظریه سبک زندگی

لارنس کوهن^۱ و مارکوس فلسون^۲ در سال ۱۹۷۹ نظریه سبک زندگی روزمره بزه دیدگان را با الهام از دیدگاه‌های مطروح در نظریه انتخاب خردگرا که چهارچوبی برای فهم و اغلب تقلید و مدل سازی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی است، مطرح نمودند (Miller, ۲۰۰۶: ۸۱). کوهن و فلسون تعداد و طبیعت اعمال مجرمانه را به کمک «امکانات که بزه دیدگان بالقوه، از راه سبک زندگی خود برای تحقق بخشیدن به عمل مجرمانه در اختیار بزه‌کاران قرار می‌دهند» بیان می‌کنند. بدین نحو که، در بادی امر یک فرض ابتدایی وجود دارد که به موجب آن تحقق جرایم

1. Lawrence Cohen

2. Marcus Felson

مستلزم برخورد دو عامل در زمان و مکان است: بزهکاران بالقوه و هدف‌های حمایت نشده. نظریه سبک زندگی روزمره سه رکن اصلی دارد که عبارتند از: ۱- یک مجرم تحریک شده: کسی که به اندازه کافی برای ارتکاب جرم برانگیخته شده باشد؛ ۲- هدف مناسب: کخ باید دارای ارزش، سکون، دید و دسترسی باشد. ۳- فقدان محافظان توانا: محافظانی که از تحقق جرم در زمان فعالیت‌های روزمره مردم، که هر روز نیز تکرار می‌شوند، جلوگیری کنند (مالمیر؛ زرخ، ۱۳۸۹: ۷۱). شایان ذکر است که بر مبنای این نظریه، برای تحقق جرم می‌بایست انحرافی در مکان یا زمان یکی از این سه رکن به وجود آید.

از منظر دیدگاه مربوطه یکی از سه رکن اصلی در تحقق بزه دیدگی سایبری نقش عمده بازی می‌کند و آن فقدان حفاظت است؛ و دو رکن دیگر نیز عوامل وضعی اثرگذار هستند. بدین معنا که در فضای سایر گروه‌های مجرمان با انگیزه می‌توانند هدف‌های مناسبی را از کاربرانی که به اینترنت وصل می‌شوند، پیدا کنند. (Yar, ۲۰۰۵: ۴۱۷) بدین خاطر است که فلسفون در نظریه سبک زندگی بیان می‌دارد که مناسب بودن هدف نشانگر چهار ضابطه است: ۱. ارزشمند بودن؛ ۲. استیصال هدف جرم؛ ۳. قابلیت رؤیت هدف جرم؛ ۴. دسترسی به هدف جرم، که بررسی چهار عنصر در فضای مجازی به خوبی این واقعیت را که مناسب بودن هدف در فضای سایبر امری مفروض است، به اثبات می‌رساند.

به عنوان مثال هنگامی که کاربری به اینترنت متصل می‌شود، رایانه وی اطلاعاتی را به فضای مجازی منتقل می‌کند که سبب جذب مجرمان سایبری می‌شود؛ به دیگر سخن از زمان اتصال اشخاص به اینترنت و حضور فرد در فضای مجازی، نحوه عملکرد و نوع و میزان تبادل اطلاعات از طرف ایشان، مجرمان سایبری را به سوی این قبیل افراد می‌کشاند تا شاید با یافتن راهی هر چند کوچک وی را قربانی نیت پلید خویش سازد. علاوه بر این ویژگی‌های محیط سایبر در رابطه با قابل رویت بودن و نیز در دسترس بودن، سبب شده است تا بزهکاران در جرایم کلاهبرداری رایانه ای در هر نقطه ای از جهان امکان معین کردن اهداف و ارتکاب جرم نسبت به آنان را داشته باشند؛ بدین نحو که بزهکاران قربانیان خود را با ثبت اطلاعات سیستم آنها و علی‌الخصوص پروتکل رایانه ای سیستم‌شان ردیابی و شناسایی کنند و از این طریق آنها را مورد سؤاستفاده قرار دهند.

بنابر آنچه گفته شد می‌توان به راحتی سه عامل مجرم تحریک شده، هدف مناسب و فقدان محافظ توانا را در واقع شدن کلاهبرداری رایانه ای ترسیم نمود و از این طریق تطابق

نظریه سبک زندگی روزمره را با بزه دیدگی در جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای تبیین کرد، به دیگر سخن در فضای مجازی به علت وجود فرصت‌های ارزشمند مالی و نیز نبود جهان مادی و فیزیکی و ویژگی پنهان شدن و اختیار نمودن هویت‌های گوناگون، تحریک پذیری در ارتکاب جرم، برای بسیاری از بزه‌کاران بالقوه و بالفعل فراهم است و ایشان را به ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی سوق می‌دهد.

بنابر آنچه در بالا گفته شد، نظریه سبک زندگی و فعالیت روزانه راهکار عملی‌ای را ارائه می‌کند که به وسیله آن پیشگیری وضعی از جرایم کلاهبرداری در فضای مجازی با تکیه بر تغییر شرایط و اوضاع و احوال میسر خواهد بود که خود بخشی از نظریه‌های مطرح شده در رابطه با پیشگیری وضعی از جرایم سایبری است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

۲-۲- نظریه‌های مبتنی بر عوامل اجتماعی

در رابطه با کلاهبرداری در فضای مجازی، شرایط ایجادکننده توسعه نوآوری‌های فنی مانند توسعه پرداخت و دریافت پول با کارت بانکی است که موجب شکل‌گیری شرایط ایجادکننده دروغ گردیده و ارتکاب جرم کلاهبرداری را با نظریه فرصت تبیین کرده است؛ زیرا در وضعیت کنونی، استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی با توسعه و رشد قابل توجه فرصت‌های کلاهبرداری قابل توجیه است.

اما باید خاطرنشان ساخت که اگر این اوضاع و احوال، اثر افزایشی بر برخی از اشکال دروغ داشته باشد، همه مرتکب آن نمی‌شوند. بی تردید شخصیت مرتکب در اینجا بی تأثیر نیست. در هر حالت، شرایط و اوضاع و احوال باید گذر از اندیشه به فعل را اجازه دهد. اینجاست که نوع دوم اوضاع و احوال یعنی شرایط محقق‌کننده ظاهر خواهد شد (پیشین: ۱۴۳-۱۴۷). شکل‌گیری این نگرش در ذهن همان چیزی است که دیوید متزا آن را فنون خنثی‌سازی نامیده است. فنون خنثی‌سازی نوعی توجیه‌سازی آگاهانه اعمال مجرمانه است (پیشین: ۱۰۵). با این مقدمه به تحلیل و بررسی ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی پرداخته خواهد شد. توضیح این روش‌ها بر پایه نظریات جرم‌شناسی علت‌شناسی مبتنی بر عوامل اجتماعی است که بر خلاف نظریات عقلانی محور به علل اجتماعی و محیطی پرداخته خواهد شد و ساختار شکل‌گیری دروغ و چگونگی کاربرد آن در این جرایم را نشان خواهد داد.

۲-۱-۲- نظریه خنثی سازی و هک کردن

دیوید مانتزا و گریشام سایکز در نظریه خنثی سازی به فرایند بدل شدن جرم به یک تجربه آموزشی توجه کرده‌اند. (Seigel, j Larry, ۲۰۰۳: ۲۳۲ به نقل از زرخ، ۱۳۸۹) این دو استدلال میکنند که تمام مجرمان ارزش‌های مرسوم و گرایش‌های ی مانند افراد عادی دارند، اما چیزی که آنها را از دیگران متمایز می‌کند، توانایی غیرعادی آنها در حرکت از زندگی عادی به ایجاد ارزش‌های پنهانی موازی از طریق فنون خنثی سازی ویژه مانند انکار مسؤولیت، آسیب و قربانی است.

این اقدام به مجرمان کمک می‌کند تا وجدان اخلاقی خویش را پاک کنند و احساس گناه نکنند. اسپافورد سه توجیه اخلاقی را برای هک فهرست کرده است: بهبود امنیت با کشف حوزه‌های نفوذ، کسب آگاهی توسط دانشجویان و حمایت از جامعه در برابر شرکتها از طریق تضمین دسترسی رایگان به اطلاعات. گروه‌های همتا، با افراط در تشویق سوءاستفاده‌های هکری افراد و ایجاد این گمان که این فعالیت‌ها توجیه شده‌اند، در این رهایی اخلاقی شرکت میکنند. راجر گزارش داده که: «خودسانسوری می‌تواند موجب رهایی یا ضعف از طریق تهی شدن قربانی از صفات انسانی، یا تبدیل شرمندگی به قربانی شود ... شرمندگی ناشی از قربانی شدن یا برخی شرایط به مرتکبان اجازه می‌دهد خودشان را قربانیان تحریک شده ببینند. اکنون اعمال مرتکبان به عنوان یک حالت تدافعی تعبیر می‌شود. قربانیان شرمنده و به دلیل ارتکاب افعال مجرمانه علیه خودشان متهم میشوند (Rogers, ۲۰۰۱: ۴۰).

در وقوع جرایم کلاهبرداری رایانه ای که توام با هک سیستم‌ها است. غالباً هکرها اداره کنندگان سیستم را به خاطر امنیت نامناسب آن یا برای جلوگیری از دسترسی به سایت‌های ی که بطور قانونی فکر می‌کنند باید به آنها دسترسی داشته باشند، سرزنش می‌کنند، مانند اداره کننده سیستم دانشگاهی که مانع دسترسی به سایت‌های پیاده‌سازی فیلم می‌شود، دستاویزی برای هک کردن به شمار می‌آید، زیرا سرگرمی کم هزینه و جزء ضروری زندگی یک دانشجو از سوی هکرها تلقی می‌شود. هکرها فروشندگان نرم افزار را به دلیل محدود کردن دسترسی به جریان آزاد اطلاعات سرزنش می‌کنند و بنابراین، از نظر اخلاقی فعالیتشان را به عنوان یک عمل سودمند و به منظور تضمین اطلاعات برای همه توجیه می‌کنند و خود را سلحشوری که به بینوایان کمک می‌کند، نشان می‌دهند. این رفتار سندروم محبوب «رابین هود» را نشان می‌دهد که افراد قضاوت اخلاقیشان را خنثی میکند (Harrington, ۲۰۰۲).

(۱۷۹). خرده فرهنگ‌های هکر در اینترنت تقویت می‌شوند و نمونه‌های ی از فرهنگ نهانی مشابه را که بطور عمومی از فعالیت‌های غیرقانونی هک کردن حمایت می‌کند، ارائه می‌دهند. بنابراین، درست است که نتیجه بگیریم نظریه خنثی سازی ماتزا و سایکس، با موفقیت رفتار هکر در ارتکاب کلاهبرداری در فضای مجازی را از دیدگاه یک کلاهبرداری سایبری را توضیح می‌دهد.

۲-۲-۲- نظریه عمومی فشار رابرت مرتون

نظریه عمومی فشار، از رویکرد اجتماعی - روان شناختی پیروی می‌کند و پیوند بین منابع فشار، احساسات منفی ناشی از فشار و رفتار مجرمانه فردی را بررسی می‌کند. به بیان دیگر، رابرت اگنو مفهوم فشار را فراتر از رویکرد مرتون بسط داد و به جای تأکید صرف بر فشارهای اقتصادی مدنظر مرتون، چندین منبع فشار را معرفی کرد که ممکن است منجر به حالات یا احساسات منفی به ویژه خشم شده و در نهایت منجر به رفتارهای ضد اجتماعی گردد. نظریه عمومی فشار، قابل تعمیم برای کلیه افراد طبقات ضعیف، متوسط و ثروتمند است و از این جهت نیز نسبت به نظریه مرتون عمومیت دارد. اما نکته مشترک در هر دو نظریه، نوآوری مجرمانه برای دستیابی به اهداف مادی است (نجفی ابرندآبادی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲: ۱۳) که برخی شیوه‌های جعل هویت از این طریق را قابل تحلیل کرده است و در ذیل خواهد آمد.

نوآوری‌های مجرمین کلاهبردار در فضای مجازی عموماً به دو شیوه نوآوری در رفتار و نوآوری در امور فنی می‌تواند اتفاق بیفتد به عنوان مثال در بحث نوآوری در رفتار، این مجرمین با شناخت شرایط اجتماعی و هوشمندی زمانی اقدام به طراحی نقشه‌ها خود در فضای مجازی و فریب قربانیان خود می‌نمایند. به عنوان مثال یک مقام انتظامی در تشریح شیوه کار این مجرمان سایبری بیان داشت: در ایام عید فطر و یا ایام عید نوروز کلاهبرداران با طراحی سایت‌های جعلی و دروغین به عنوان مؤسسات و سازمان‌های شناخته شده و معتبر؛ با اعلام شماره حساب‌های شخصی، متقاضی واریز وجوهات به این گونه حساب‌ها هستند. این افراد سودجو، با ترفند خیرین و راه اندازی صفحات شخصی در بستر شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها و سو استفاده از نام و اعتبار افراد مشهور و شناخته شده در کشور شامل هنرمندان، ورزشکاران و سرشناسان کشور با انجام مهندسی اجتماعی نظیر تحریک احساسات هموطنان و تهیه کلیپ‌های تصویری شامل فیلم

و عکس از نیازمندان، محرومان و خانواده‌های کم بضاعت مدعی دریافت وجوه نذورات به منظور کمک رسانی به افراد آسیب پذیر و نیازمند می‌شوند و از این طریق مبالغ کلانی را از افراد بسیار زیاد کلاهبرداری می‌نمایند به گونه‌ای که شاید فرد هیچگاه حتی نداند که یک بزه دیده جرم کلاهبرداری در فضای مجازی بوده است.

در نوآوری‌های فنی نیز عموماً هک و نفوذ به سیستم‌ها و تلفن‌های همراه مالباختگان اتفاق می‌افتد که این نفوذ ممکن است از طرق مختلف واقع شود. به عنوان مثال کلاهبرداران رایانه ای با ساخت و بارگذاری نرم افزار موبایلی ماهواره جیبی در کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی که در قالب دائلود رایگان ارائه شده، اقدام به کلاهبرداری از کاربران می‌کنند. استفاده و فعال سازی قابلیت‌های این نرم افزار مستلزم پرداخت رایانه ای مبلغی از سوی مشتریان است که می‌تواند کاربران را به صفحه جعلی و شبیه سازی شده یک بانک هدایت کند که این اتفاق نهایتاً منجر به سرقت اطلاعات حساب بانکی کاربران نظیر شماره کارت، رمز رایانه ای و تاریخ انقضای کارت برای کلاهبرداران می‌شود. (به نقل از پایگاه رایانه ای گروه حقوقی وکیل سایبری به آدرس: <https://irancyberlawyer.ir>)

۲-۲-۳- نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه‌های یادگیری اجتماعی نظیر معاشرت‌های ترجیحی ساترلند، نظریه فراگیری اجتماعی آلبرت بندورا و نظریه خنثی سازی ماتزا، جرم را محصول یادگیری هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با فعالیت جنایی می‌دانند. این یادگیری شامل فراگیری دانش مرتبط با فنون ارتکاب جرم و رهایی اخلاقی به وسیله کشف توجیهات منطقی مناسب برای رفتارهای مجرمانه است.

بر اساس این نظریات، چون برخی روش‌های جعل هویت فنی است، به صورت اکتسابی باید فرا گرفته شود. این فراگیری شامل رفتار جزایی و فنون ارتکاب است و از طریق ارتباط معمولی با گروه‌های صمیمی انتقال می‌یابد. چون آثار منفی رفتار به منظور بازدارندگی مجرم در محیط ارتکاب ضعیف است، در طول زندگی فرد حفظ خواهد شد. آنچه در نهایت باعث بدل شدن این تجربه آموزشی به جرم خواهد شد، ایجاد ارزش‌های پنهانی موازی است. انکار مسئولیت و آسیب به قربانی از جمله این موارد است که باعث خواهد شد مجرم وجدان اخلاقی خود را پاک کرده و احساس گناه نکند (دالال و شارما، ۱۳۸۸: ۴۳۵-۴۴۰).

از جمله روش‌های فنی جعل هویت، مهندسی اجتماعی مبتنی بر رایانه است ابزار استفاده شده رایانه است، صفحات جعلی یا «فیشینگ» یا «رمزگیری»، از این دست مهندسی اجتماعی است که سبب افشای کلمه عبور یا گذرواژه کاربر می‌شود و پس از آن نفوذگر خواهد توانست به عنوان کاربر مجاز و از طریق درگاه‌های بانکی، اقدام به کلاهبرداری نماید. سرپرست اداره پیشگیری مرکز تشخیص و پیشگیری پلیس فتا نیز اعلام نمود که ۶۰ درصد جرایم سایبری در حوزه جرایم مالی و از طریق سرقت اطلاعات کارت‌های بانکی رخ داده است و روش ارتکاب، توسل به انتشار تبلیغ تخفیف‌های باورنکردنی، حراج کالاها یا فروش کالا از طریق فروشگاه‌های اینترنتی است؛ به طوری که با این روش، افراد متقاضی خرید را به سمت صفحات جعلی درگاه‌های بانکی هدایت می‌نمایند و آنگاه اطلاعات بانکی خریدار به راحتی در اختیار فیشرها قرار خواهد گرفت. این روش که از شایع‌ترین روش‌های دسترسی به گذرواژه است، این امکان را برای مجرمان فراهم می‌سازد که بتوانند دامنه ارتکاب جرم را از لحاظ کمی و کیفی ارتقا ببخشند؛ چون درگاه‌های جعلی بسیار شبیه درگاه‌های پرداخت بانک‌ها هستند و باعث فریب کاربران و در اختیار قرار دادن اطلاعات حساب بانکی آن‌ها خواهند شد. از طرف دیگر، بر خلاف کلاهبرداری‌های سنتی که تحصیل مال محدود به موجودی بزه دیده است، مجرمان رایانه‌ای قادرند با ایجاد مبالغ و موجودی‌های واهی و غیر واقعی از مقدار حساب‌های موجود نیز فراتر روند و با روش اصطلاحاً برش کالباسی، خسارت‌های قابل توجهی وارد نمایند (زیبر، ۱۳۹۰: ۷۷).

شیوه دریافت امواج از طریق درگاه‌های حضوری نیز امکان‌پذیر است. دستگاه خودپرداز و پایانه فروش مانند هر رایانه‌ای امواج الکترومغناطیسی ساطع می‌کند که به آن «نشت الکترونیکی»^۱ گفته می‌شود. به محض فشردن هر یک از کلیدهای صفحه کلید، امواج از طریق سیستم‌های حامل جریان الکترونیکی در محیط اطراف منتشر می‌شود که به وسیله تجهیزات خاصی قابل شنود و آشکارسازی است. چون صفحه نمایشگر کاربر برای نفوذگر قابل رؤیت نیست، پیش‌بینی رمز عبور یا کد عبور متنی یک تدبیر امنیتی ضد شنود است.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر در پی آن بودیم تا از دیدگاه جرم شناسی نظری موضوع گسترش ارتکاب جرایم کلاهبرداری رایانه ای را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. اساساً برخی از علل اساسی ارتکاب جرم در فضای مجازی، ناشی از مختصات و زیر ساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری فضای مجازی است. ویژگی‌های این فضا هم چون گمنامی، دیجیتالی بودن، مبتنی بر زمان مجازی بودن، جهانی بودن، سرعت، فراگیری، سیالیت، تشدید شدگی، متکثر بودن و در نهایت همه جا حاضر بودن، خود به خود فضایی را ایجاد میکند که اثرات اولیه و ثانویه آسیب در جهان دو فضایی را تشدید و تقویت می‌کند. گمنامی و ناشناختگی از اصول حاکم بر جرائم جهان مجازی است. نامرئی بودن این امر را به افراد می‌دهد که به هر کجا می‌خواهند سرک بکشند و کارهایی انجام دهند که در دنیای واقعی انجام نمیدهند. فضای مجازی علاوه بر ابزار قوی برای ارتکاب جرم، فرصت‌های ارتکاب را نیز افزایش می‌دهد. از ویژگی‌های دیگر این فضا بر اساس نظرات سهل الوصول بودن و سرعت ارتکاب جرائم است. مجرمین سنتی اغلب در فرآیند گذار از اندیشه به عمل و ارتکاب یک جرم تام، زمان و فاصله زیادی را طی میکردند. شاید یکی از عوامل کندی وقوع پدیده بزه کارانه در جهان واقعی بعد مکانی میان سه ضلع بزه کاری یعنی بزهکار، آماج بزه و مکان ارتکاب بزه است. حال اینکه ساختار فضای مجازی به گونه ای است که در آن قربت مکانی میان سه عنصر فوق ضرورتی ندارد. لذا امروزه به مدد تکنولوژیهای نوین، مرتکب اغلب با یک کلیک میتواند به عرصه ارتکاب جرم راه پیدا کند. مثلاً در ارتکاب جرم کلاهبرداری دیگر به عوامل و ارکان خاص این جرم در دنیای فیزیکی از جمله مانورهای خاص متقلبانه و تعاملات رو در روی افراد با هم نیازی نیست. چرا که سایبر امکان بردن اموال دیگری را به سادگی فشردن تنها چند کلید و انجام عملیاتی پیش پا افتاده ممکن ساخته است. تحلیل نظری صورت پذیرفته در این مقاله که بر اساس نظریه چندعاملی «کوراکیس» انجام پذیرفت هم از دیدگاه نظریه‌های مبتنی بر عوامل وضعی (نظریه فعالیت روزانه و نظریه سبک زندگی) و هم نظریه‌های مبتنی بر عوامل اجتماعی (نظریه خنثی سازی و هک کردن، فشار رابرت اگنو و یادگیری اجتماعی) ضمن تأیید ویژگی‌های خاص فضای مجازی در وقوع این جرایم بر نقش بزه دیدگان، شیوه و شگردهای نوین ارتکاب جرم، نقش عوامل اجتماعی و سبک زندگی در وقوع جرایم کلاهبرداری رایانه ای نیز تأکید داشتند. از این رو به نظر می‌رسد در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم مذکور تمرکز همزمان بر عوامل فردی، محیطی و اجتماعی تاحد زیادی می‌تواند به کنترل ارتکاب جرایم کلاهبرداری رایانه‌ای در فضای مجازی بیانجامد.

فهرست منابع:

۱. پیکا، ژرژ، ۱۳۹۰، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
۲. جلالی فراهانی، امیرحسین، ۱۳۸۴، پیشگیری وضعی از جرایم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر، فصلنامه فقه و حقوق، سال دوم شماره ۶.
۳. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۸۴، حقوق و امنیت در فضای سایبر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۴. دالال، ا. اس.؛ راقا، شارما، ۱۳۸۸، نیم‌نگاهی به ذهن هکرها: آیا نظریه‌های جرم‌شناسی می‌توانند هک کردن را تبیین کنند؟»، ترجمه احسان زرخ، روزنامه رسمی کشور (مجموعه مقالات حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات).
۵. روزبهان، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی جرم جعل و کلاهبرداری رایانه‌ای (از سال ۹۳-۹۴) از دیدگاه کارشناسان و قضات دادسرای جرایم رایانه‌ای استان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۶. زراعت، عباس، ۱۳۹۵، حقوق کیفری اقتصادی، تهران: انتشارات جنگل.
۷. زرخ، احسان، ۱۳۸۹، جرم‌شناسی فضای مجازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی.
۸. زیبر، اولریش، ۱۳۹۰، جرائم رایانه‌ای، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. فیشر، بونی اس. و استیون پی. لب، ۱۳۹۳، دانشنامه بزه‌دیدشناسی و پیشگیری از جرم، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی سراسر کشور، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان.
۱۰. کرمی، داود، ۱۳۹۴، سیاست افتراقی در جرایم سایبر با تأکید بر حقوق کیفری ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.
۱۱. گرایلی، محمدباقر، ۱۳۸۹، بررسی جعل و تخریب و اخلاص رایانه‌ای، مجله آموزه‌های حقوقی، شماره ۱۴.

۱۲. مالمیر، محمود؛ زرخ، احسان، ۱۳۸۹، پیشگیری از بزه دیدگی سایبری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۵، شماره ۱۷.

۱۳. ویلیامز؛ فرانک پی، ماری لین دی، مک شین، ۱۳۹۸، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.

۱۴. Brenner, Susan, W. Rico, CCE, and other Complex Crime: Traus formation of American Criminal Law, 2wm&mary billrts.j, 1993.
۱۵. Brenner, W.S. (2010). Cybercrime criminal threats from cyberspace. Santa Barbara: Praeger.
۱۶. Cooter Robert & Thomas Ulen, Law and Economic, Harper Collins publisher, 2004.
۱۷. R.Vaca John, 2002, Computer Forensics, Computer Crime Scene Investigation, Chorles River Media.
۱۸. Rizgar, Mohammed Kadir, The Scope and the Nature of Computer Crimes Statutes, German Law Journal, Vol.11, No.06, 2010.
۱۹. Rogers, Marcus (2001), "A Social Learning Theory and Moral Disengagement Analysis of Criminal Computer Behavior: An Exploratory Study", University of Manitoba, Canada
۲۰. Steven A.Egger, Linkage Blindness: A systemic Myopia, in 8 serial murder: an Elusive Phenomenon, 1990.
۲۱. Yar, M. (2005). The novelty of 'cyber crime': An assessment in light of routine activity theory. European Society of Criminology, 2

تحلیل جرم شناختی ارتکاب جرم پس از آزادی از زندان در شهرستان سیرجان

زینب بنی اسدی *

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۳/۱۰	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۳/۱۳	شماره صفحه : ۱۴۹-۱۷۷
--------------------	--------------------------	-------------------------	----------------------

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی به بررسی علل ارتکاب جرم پس از آزادی از زندان در شهرستان سیرجان پرداخته شده است. برای جمع آوری اطلاعات هم از منابع کتابخانه ای و هم از پرسشنامه محقق ساخته، به صورت میدانی استفاده شده است. جامعه آماری ما در این پژوهش از مجموع افرادی که در سیرجان بعد از گذراندن یک دوره محکومیت مجددا مرتکب جرم می شدند، تعداد ۱۰۱ نفر به طور تصادفی از بین زندانیان محبوس در زندان مرکزی سیرجان و زندان زنان سیرجان انتخاب شده که مبادرت به تکمیل پرسشنامه و اقدام به پاسخگویی به سوالات مطرح شده در پرسشنامه نمودند. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در تحلیل اطلاعات بدست آمده ضمن بهره گیری از نظریات جامعه شناسی جنایی و جرم شناسی، به این نتایج دست یافتیم که عمده ترین علل ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان، مشکل بیکاری است که با میانگین رتبه % ۷/۶۸ همراه با ضریب اطمینان % ۹۵، حکایت از معنا دار بودن ارتباط بین بیکاری و ارتکاب مجدد جرم دارد. از دیگر عوامل ارتکاب مجدد جرم با توجه به اطلاعات به دست آمده، مشکلات اقتصادی است که با میانگین رتبه % ۷/۳۸ بیانگر وجود رابطه معنادار بین مشکلات اقتصادی و ارتکاب مجدد جرم و باز گشت به زندان می باشد. مورد سوم میزان کنترل و نظارت خانواده

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

در پیشگیری از تکرار جرم موثر است و گواه این ادعا میانگین رتبه $7/31\%$ ، با ضریب اطمینان 95% می باشد. مورد بعدی عدم پذیرش اجتماع با میانگین رتبه $7/08\%$ ، بیانگر وجود ارتباط معنادار بین مورد مذکور و ارتکاب مجدد جرم است، مصرف مواد مخدر و اعتیاد با میانگین رتبه $7/16\%$ ، از نظر درجه اهمیت در زمینه اثر گذاری در تکرار جرم در جایگاه پنجم این پژوهش قرار دارد. معاشرت با افراد سابقه دار و مجرمان حرفه ایی از نظر میزان تاثیر در گرایش به ارتکاب مجدد جرم پس از طی دوره محکومیت با میانگین $4/03\%$ با اطمینان 95% نشان دهنده معنادار بودن ارتباط گزینه مزبور با ارتکاب مجدد جرم است. تاثیر محیط زندان با میانگین $6/63\%$ بیانگر وجود ارتباط معنادار میان تاثیر محیط زندان و تکرار مجدد جرم است. در آخر، عدم پذیرش خانواده با میانگین رتبه $6/05\%$ و با ضریب اطمینان 95% با ارتکاب مجدد جرم ارتباط معنادار داشته و تاثیر مستقیم دارد. با توجه به نتایج به دست آمده فرضیات این پژوهش به اثبات رسیده اند.

واژگان کلیدی: جرم، تکرار جرم، بازگشت به زندان، خانواده، شهرستان سیرجان

مقدمه

امروزه با اینکه هدف از مجازات دیگر تنها انتقام جویی نبوده و مبنای مجازات از تنبیه و انتقام جویی، به اصلاح و تربیت مجرم تغییر پیدا کرده، با این حال آمارها حکایت از بالا بودن ارتکاب مجدد جرم توسط مجرمین پس از گذراندن دوره محکومیت و بازگشت مجدد به زندان را دارد. ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان نشان دهنده این موضوع است که زندان به عنوان یک عامل بازدارنده در ارتکاب جرم به طور کامل موفق نبوده و نتوانسته مسئولیت تربیتی و اصلاحی خود را به نحو مطلوب ایفا کند.

البته نمی توان زندان را به عنوان تنها عامل موثر در تکرار جرم قلمداد نمود، ولی با اینحال از نقش زندان در تکرار جرم نیز نمی توان غافل شد. تحقیقات نشان دهنده این موضوع است که محیط زندان برای بسیاری از زندانیان به دلیل کسب تجربیات منفی، بسیار مخرب و ناامید کننده است. نا کافی بودن اقدامات اصلاحی و باز پروری زندانیان به معنای آن است که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند.

جوامع پیشرفته نیز به این نتیجه رسیده اند که نه تنها زندان در کاهش جرم نمی تواند نقش تعیین کننده داشته باشد بلکه در عمل به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است. بررسی علل و عوامل انحرافات و بزهکاری فردی، گویای این مطلب هستند که بزهکاری و انحرافات اجتماعی، نه تنها یک مساله فردی نیست، بلکه جزئی از یک نظام و جریان اجتماعی است که تهدیدکننده زندگی همه افراد جامعه و در مجموع کل نظام است.

بیان مسئله

زندان یکی از راه های مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری است که در اکثر کشورهای جهان به عنوان یکی از مهمترین شیوه های دفاع اجتماعی در رویارویی با پدیده جرم و مجرم محسوب می شود. لذا به عنوان ضمانت اجرای قوانین در حوزه نظم عمومی، به دنبال آن است که با اجرای مجازات زندان ضمن تنبیه مجرم، این شیوه مجازات نوعی جلوه بازدارندگی عمومی و فردی نیز داشته باشد. باز دارندگی عمومی برای افرادی که هنوز مرتکب جرمی نشده اند و بازدارندگی فردی، نسبت به مجرم که وی را از ارتکاب مجدد جرم باز دارد. حال جای بحث اینجا است که تا چه حد در رسی دن به این هدف موفق بوده است.

مجموع مستندات بین المللی بیانگر این مطلب هستند که غالب زندانیان با مشکلات جسمانی، روانشناختی، اقتصادی و اجتماعی مواجهند، برخی از این مشکلات عبارتند از داشتن سابقه سوء استفاده و آزار، مصرف بالای مواد و داروهای قانونی و غیرقانونی، اختلالات جسمانی و روانی، بیماریهای واگیر، داشتن شخصیت های دوگانه حتی سه گانه، کارکرد شناختی ضعیف و مهارت های اجتماعی ناکافی، سطح تحصیلات پائین ...

گرچه این مسایل همیشه و برای همه افراد سبب ارتکاب جرم نمی شود ولی تحقیقات گویای این واقعیت است که این عوامل احتمال ارتکاب جرم در افراد را افزایش می دهد. مخصوصا افزایش دهنده میزان ارتکاب جرم در افرادی که به تازگی از زندان آزاد شده یا سابقه محکومیت به زندان را داشته اند، بوده است. در نتیجه با توجه به این عوامل و سعی در برطرف نمودن آنها می توان احتمال ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان را کاهش داد. (رئیس، ۱۳۸۸)

تکرار جرم ضمن اینکه دلیل ناتوانی مجرم و بزهکار در باز اجتماعی شدن و همسو شدن با جامعه بدون جرم است، گویای نقص و ضعف نهادهای اجرا کننده عدالت کیفری در راستای

بازسازگار نمودن بزهکار و پیشگیری از جرم نیز هست. تا قبل از دهه هفتاد میلادی اعمال مجازات‌های بسار خشن که منجر به طرد یا حذف کامل بزهکار از جامعه می‌شد، مانع از تکرار جرم به عنوان یک پدیده شایع و قابل توجه بود. ولی با دور شدن از اصل مجازات بیشتر، تکرار جرم کمتر، و روی آوردن به کاهش خشونت مجازات‌ها و در نتیجه ایجاد فرصت بازگشت به جامعه پس از تحمل کیفر، سبب شد تا فرصت تکرار جرم نیز به آنان داده شود. در نتیجه اگر چه اصلاح قوانین کیفری و انسانی نمودن این قوانین آثار مثبت زیادی به همراه داشته؛ لیکن زمینه ساز ارتکاب مجدد و مکرر جرم را نیز فراهم نموده است.

کمرنگ شدن آرزوی بازپروری مجرم و تحمیل هزینه تکرار جرم به دولت و در کنار آن افزایش خواسته‌های مردم از دولت در خصوص مقابله با بزهکاران به دلیل ترس از جرم و احساس ناامنی که به طور طبیعی یا به وسیله دامن زدن رسانه‌ها به آن به وجود آمده بود سبب اولویت یافتن خواسته‌های مردم در برابر نظرات کارشناسان در خصوص شیوه برخورد با بزهکاران شده و زمینه‌های لازم را برای پیدایش رویکرد مدیریت خطر جرم و یا به عبارتی فرهنگ جدید جرم فراهم آورده است. (نوروزی، بارانی، سرکشیکیان، ۱۳۹۰)

با توجه به این که برای مدیریت خطر جرم، شناخت عوامل موثر در فراهم آمدن زمینه‌های فردی و اجتماعی جرم ضروری است لذا در این پژوهش به شناسایی علل و عوامل موثر در گرایش به ارتکاب مجدد جرم پس از طی دوره محکومیت و ارائه راهکار و پیشنهاد در جهت کاهش و پیشگیری از این پدیده پرداخته شده است..

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

از آنجا که برای مدیریت خطر جرم شناسایی عوامل موثر در فراهم آمدن زمینه‌های فردی و اجتماعی ارتکاب جرم ضروری می‌نماید، با توجه به عنوان پژوهش که به دنبال شناسایی و تبیین عوامل موثر در ارتکاب جرم پس از طی دوران محکومیت است، در پی آن هستیم تا با شناخت و تحلیل عوامل مذکور بتوانیم به راهکارهایی در جهت کمک به کنترل و مدیریت خطر جرم و تکرار آن دست یابیم.

سؤال‌های پژوهش

۱. آیا عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم نقشی دارد؟
۲. آیا عدم جامعه پذیری (باز اجتماعی شدن) فرد موجب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می‌شود؟
۳. آیا تعاملات و ارتباطات با افراد سابقه دار در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم تاثیری دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم موثر است.
۲. عدم جامعه پذیری (باز اجتماعی شدن) فرد موجب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می‌شود.
۳. تعاملات و ارتباطات با افراد سابقه دار در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم تاثیری دارد.

اهداف پژوهش

۱. بررسی و تبیین مهمترین عوامل موثر بر ارتکاب جرم پس از آزادی از زندان در شهرستان سیرجان
۲. شناسایی مهمترین عوامل اجتماعی موثر بر میزان بازگشت زندانیان به زندان می‌باشد.
۳. بررسی و تبیین نقش عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم
۴. بررسی و تبیین نقش مشکلات اقتصادی در ارتکاب مجدد جرم
۵. بررسی و تبیین نقش عدم کنترل و نظارت خانواده می‌تواند در ارتکاب مجدد جرم
۶. بررسی و تبیین نقش زندان در تکرار جرم پس از آزادی از زندان

۷. بررسی و تبیین تاثیر تعاملات و ارتباطات دوستانه فرد با افراد سابقه دار در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم

پیشینه پژوهش

۱) محمد یعقوبی و محمود علمی (۱۳۹۶) در تحقیقی با موضوع نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان به این نتیجه می‌رسند که خانواده و اجتماع با توجه به نظریه برچسب زنی تاثیر زیادی در تکرار جرم و بازگشت زندانی به زندان دارند لذا با فرهنگ سازی از طریق وسایل ارتباط جمعی در جهت اعتماد جامعه به زندانیان و آموزش خانواده‌ها جهت پذیرش زندانی پس از آزادی از زندان و حمایت مادی و معنوی از وی، از جمله مواردی است که می‌تواند مانع جدی در تکرار جرم و بازگشت به زندان باشد.

۲) محمدعلی اخوت و فرزانه مردانی (۱۳۹۴) در تحقیقی دیگر با عنوان بررسی علل تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در بین زندانیان زندان مرکزی ایلام در سال ۱۳۹۳، چنین نتیجه می‌گیرند که عوامل اقتصادی همچون بیکاری، نداشتن امید به آینده شغلی و نداشتن درآمد در ارتکاب مجدد جرم موثر می‌باشند. همچنین عوامل اجتماعی مانند برچسب زدن، عدم پذیرش از طرف دوستان و طرد شدن از طرف جامعه در ارتکاب مجدد جرم موثر می‌باشد. از سوی دیگر عوامل خانوادگی همچون عدم برخورداری از محبت افراد خانواده و طرد شدن از خانواده در ارتکاب مجدد جرم موثر می‌باشد. علاوه بر این خدمات آموزشی در زندان مانند آموزش‌های فرهنگی و نیز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اقدامات مددکاری در ارتکاب مجدد جرم رابطه معکوس وجود دارد یعنی هرچه این اقدامات بیشتر باشد تکرار جرم کمتری اتفاق خواهد افتاد. از طرف دیگر نیز بین برنامه‌های صدا و سیما و ارتکاب مجدد جرم نیز رابطه معکوس وجود دارد یعنی برنامه‌های صدا و سیما می‌تواند در کاهش ارتکاب مجدد جرم موثر باشد.

۳) نقیبی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان عوامل مرتبط با تکرار جرم و ورود به زندان، به این نتیجه می‌رسد که به منظور پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با طرح و اجرای اصولی طبقه بندی و جداسازی زندانیان در زندان، بهبود شرایط زندان و ارائه خدمات موثر به آن‌ها، پذیرش زندانیانی که آزاد می‌شوند از طرف خانواده‌ها، دوستان و نهادهای اجتماعی و جلوگیری از طرد آن‌ها اقدامات موثری انجام داد.

۴) در تحقیقی دیگر، قلخانبازو همکاران (۱۳۹۱) پیرامون عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان، به این نتیجه اشاره می‌کنند که نحوه برخورد فردی و اجتماعی با زندانیان پس از بازگشت به اجتماع، نقش اساسی در پیشگیری از جرم و ورود مجدد به زندان دارد.

۵) بابایی (۱۳۹۰) با موضوع بزهکاران پیشینه دار؛ از سرکوبی بزهکاران خطرناک تا مدیریت خطر ارتکاب جرم، در نتیجه گیری خود به این نکات اشاره می‌کند که، دنیا با معضل تکرار جرم و بازگشت بزهکاران به رفتار جنایی، واقع بنیانه برخورد نموده است. به این معنا که به عنوان یک واقعیت اجتماعی پذیرفته است که بعضی از بزهکاران پس از ارتکاب جرم علی رغم تشدید کیفر، به رفتار جنایی باز می‌گردند، لذا سرکوبی و استفاده از کیفر، نباید یگانه راه حل مقابله تلقی گردد. بلکه آنچه مهم است، نحوه مدیریت این پدیده در جوامع انسانی است. زیرا از یک سو نمی‌توان خطر ارتکاب جرم از سوی بزهکاران سابقه دار را انکار کرد و از سوی دیگر، نمی‌توان نسبت به تأمین امنیت اجتماعی بی تفاوت بود. به این ترتیب باید تلاش کرد با وجود بزهکاران سابقه دار، جامعه را حتی الامکان از آسیب رسانی آنان در امان نگه داشت. تجربه قانون گذاری بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که مدیریت خطر ارتکاب جرم، به عنوان سیاست جنایی نوین کارآمدتر از سرکوبی صرف است.

۶) محمود عرفانی، رحیم داورنیا و حسین بخشی زاده (۱۳۹۰) در تحقیقی پیرامون تاثیر زندان بر تکرار جرم (مطالعه موردی زندان مرکزی اردبیل) به این نتیجه می‌رسند که یادگیری جرم در زندان و مقدار باقیمانده حبس، با تکرار جرم رابطه معنی داری دارند، به عبارت دیگر فرد بیشتر با جرایم آشنا شده و بعد از آزادی از زندان دوباره مرتکب جرم می‌شود.

۷) کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸) در بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان، چنین نتیجه می‌گیرند، برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان مقدماتی از این قبیل انجام داد: بهبود وضعیت اسکان و نگهداری، خدمات دهی موثر به زندانیان، حذف بر چسب رسمی و غیر رسمی از زندانیان آزاد شده، ارائه خدمات موثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیر رسمی و جلوگیری از طرد آنان.

مبانی نظری پژوهش

صاحب نظران، نظریات مختلفی در ارتباط با دلایل تکرار جرم از منظر جرم شناسی و چگونگی پیشگیری از آن مطرح شده است. یکی از این نظریه پردازان، سزار بکاریا^۱ است. وی در کتاب خود با عنوان «رساله جرائم و مجازات‌ها» با شدت مجازات در پیشگیری از جرایم مخالف و حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری را مورد انتقاد قرار داد. وی با اعتقاد به اینکه باید مبنای کلیه واکنش‌های اجتماعی صورت گرفته در برابر مجرم، ارائه بیشترین حد شادکامی برای تعداد بیشتری از افراد جامعه باشد. بیان این مطلب در حوزه حقوق کیفری به این صورت می‌باشد که باید به جرم این گونه نگاه کرد که جرم یک صدمه و آسیب نسبت به کل جامعه است و هدف اعمال مجازات، صرفاً انتقام گیری یا تلافی اجتماعی نیست؛ بلکه تضمین مصلحت عمومی برای همه افراد می‌باشد (وایت و هینس، ۱۳۸۲)

از نظر بکاریا تناسب میان مجازات و نوع جرم ارتكابی اهمیت فراوانی داشت و معتقد بود هدف از اجرای مجازات باید پیشگیری از جرم باشد و نه فقط «انتقام جویی». بکاریا اصلاح وضع زندان‌ها، تفکیک و طبقه بندی زندانیان را برحسب سن، جنس و اوضاع جسمی و روانی برای تربیت زندانیان ضروری می‌دانست. در واقع، می‌توان اصول اساسی افکار بکاریا را چنین عنوان کرد: قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، کم بودن تعداد جرایم، قطعیت مجازات‌ها، سودمند بودن کیفرها و تناسب مجازات‌ها با جرایم.

یکی دیگر از نظریه پردازان، جرمی بنتام^۲ بود. وی در کتابی با عنوان «تئوری مجازات‌ها و پاداش‌ها» به این نکته اشاره می‌کند که زمانی باید کیفر اجرا شود که نفعی داشته و ضرورت اجرای آن احراز شده باشد. شدت کیفر هم باید به اندازه ای باشد که مجرم را از منافع حاصل از جرم منصرف نموده و موجب پیشگیری از وقوع و تکرار جرم شود. از نظر بنتام مجازات مجرمان برای ایجاد ارعاب و درس عبرت به افراد عادی ضروری است. وی برای اینکه مجرمان از قانون اطاعت کنند، تنها تنبیه سریع و شدید اعمال مجرمانه بسیار مؤثر می‌دانست. (رجبی پور، ۱۳۸۷)

از نظر بنتام، قانونگذار باید در تعیین شدت مجازات‌ها افکار عمومی را در نظر بگیرد؛ چراکه مبارزه با جرایم رابطه مستقیم با همکاری مردم دارد، زیرا در صورتی که مردم مجازات‌ها

1. Cesare Beccaria 1738-1794

2. Jermy Bentham 1748

را بیش از حد خشن و نامتناسب ببینند از همکاری با اجرای قانون خودداری ورزیده و در این صورت اثر بازدارندگی مجازات‌ها کاهش می‌یابد. در مجموع بکاریا و بنتام معتقد بودند که همه افراد جامعه قبل از انجام هر کاری هزینه و منفعت آن را محاسبه می‌کنند بنابراین مسئول اعمال خویش هستند، آنان قائل به یکسان بودن مجازات جوانان و بزرگسالان بودند.

سزار لمبروزو یکی دیگر از صاحب‌نظران بنام و از بنیانگذاران مکتب اثباتی، برای پیشگیری از وقوع جرم، به مبارزه با علل و عوامل جرم تأکید می‌کند. در مکتب اثباتی برای جلوگیری از تکرار جرم و دفاع اجتماعی، به شناسایی حالت خطرناک و اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی متناسب (تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در مورد مجرمان خطرناک اتخاذ می‌کند) اهمیت داده می‌شود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰).

به طور کلی، بنیان مکتب تحقیقی یا اثباتی، بزه را یک بیماری اجتماعی تلقی می‌کردند و معتقد بودند که مجازات، عکس‌العمل اجتماعی در برابر جرم است و باید وسیله دفاع جامعه علیه جرم باشد. یعنی همان طور که بدن در برابر حمله میکروب‌های بیماری زا از خود دفاع می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد، اجتماع نیز باید در مقابل وقوع جرائم از خود دفاع کند و عکس‌العمل نشان دهد. طرفداران این مکتب، می‌پنداشتند که جرم، نتیجه عوامل درونی و بیرونی است. عوامل درونی متأثر از وضع مزاجی و وراثت بزهکار است و عوامل بیرونی هم از محیط اجتماعی و فیزیکی کسب می‌شود که بزهکار در آن زندگی می‌کند. آنها ضمن تأکید بر عدم آزادی اراده‌ی انسان در انجام اعمال خود، نتیجه گرفتند که موضوع اخلال نظم عمومی و مسئولیت اخلاقی مجرم منتفی است و به جای آن باید به میزان خطری که مجرم برای جامعه دارد توجه کرد و بر اساس میزان و درجه حالت خطرناک مجرم تدابیری پیش بینی کرد تا جامعه از خطر بزهکاران در امان بماند.

نظریه آنومی مرتن

یکی از نظریه‌های مطرح در بررسی مسائل جامعه زندان، نظریه بی‌هنجاری یا آنومی است. رابرت مرتن^۱ می‌گوید، هنگامی که فرد دچار حالت بی‌هنجاری می‌شود وابستگی و احساس تعلق به گروه را از دست می‌دهد. هنجارهای گروهی را به عنوان سرمشق نمی‌پذیرد و از آنها می‌گریزد و برای

مدتی در بی‌هنجاری یا به تعبیر دورکیم کژ هنجاری به سر می‌برد. زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جانشین هنجارهای پیشین سازد. البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد، اما خود را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و هم‌سان می‌یابد. (شیخ‌آوندی، ۱۳۷۹)

مرتن پنج واکنش ممکن نسبت به تنش میان ارزش‌هایی که از نظر اجتماعی پذیرفته شده و وسایل محدود دستیابی به آنها را تشخیص می‌دهد: ۱- سازگاری و هم‌نواپی؛ ۱؛ هم‌نواپی با اهداف و وسایل فرهنگی که معمول‌ترین شکل رفتار است. پیروی در حد قابل ملاحظه‌ای به این شیوه از انطباق امری ضروری برای حفظ جامعه‌ای باثبات محسوب می‌شود. ۲- نوآوری؛ ۲؛ فرد با اهداف فرهنگی سازگاری می‌کند بدون آنکه به همان میزان هنجارهای نهادی حاکم بر وسایل را نیز برای نیل به آن اهداف درونی کرده و پذیرفته باشد. ۳- مناسک‌گرایی؛ ۳؛ ترک یا کاهش میزان آرزوها در ارتباط با اهداف، همراه با تمرکز بروسایل. ۴- انزوا طلبی؛ ۴؛ مستلزم چشم‌پوشی از اهداف و وسایل است و بنابراین فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه. ۵- شورش؛ ۵؛ وضعیتی است که سیستم نهادی مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف مشروع محسوب می‌شود در نتیجه ارزشهای جدید بوجود می‌آیند و وسایل جدید برای دست‌یابی به آنها می‌آفرینند (گروثرز، ۲۰۰۰)

با توجه به نظریه مرتن وقتی فرد پس از آزادی از زندان با عدم پذیرش جامعه مواجه می‌شود و از امکاناتی که هر شهروندی به عنوان عضوی از اعضای جامعه حق برخورداری از آنها را دارد، محروم شده و حق زندگی به عنوان یک فرد عادی از وی سلب می‌شود، در نتیجه این محرومیت‌ها دچار انزوا و سرخوردگی شده و در نتیجه برای پرکردن شکاف به وجود آمده میان اهداف خود و راه‌های مجاز اجتماعی، به سوی رفتار کجروانه و گرویدن به گروه‌های تب‌هکار و در نتیجه این ارتباطات به تکرار جرم روی می‌آورد.

-
1. conformity
 2. innovation
 3. ritualism
 4. ritreatment
 5. rebellion

نظریه خرده فرهنگ بزهکاری

کلوارد و اوهلین^۱ معتقدند خرده فرهنگ بزهکاری فرصت‌هایی را برای آموختن و عمل کردن به نقش‌های بزهکارانه برای افراد فراهم می‌سازد. این فرهنگ همچون الگوهای موفقیت آمیز، بزهکاری را فرا روی افراد می‌گذارد و فرصت‌های مناسبی برای آنان فراهم می‌کند تا این الگوها را بکار برند. (احمدی، ۱۳۸۴)

کلوارد و اوهلین تحت تأثیر مرتن قرار دارند و در واقع ترکیبی میان نظریه مرتن و نظریه بوم‌شناسی پدید آوردند. آنها نظریه مرتن را در چارچوب بوم‌شناسی دوباره مطرح ساختند بطوری که آنومی منشاء کج رفتاری و انحرافات اجتماعی را نشان می‌دهد و قرار گرفتن در منطقه در حال تغییر و تبدیل معاشرت‌های خاصی را به وجود می‌آورد که شیوه زندگی کجرو را منتقل می‌سازد. تفاوت آنها با مرتن در این است که کج رفتاری را یک جریان جمعی و کلی در نظر می‌گیرند یعنی در این محیط با پیدایش خرده فرهنگ‌های کجرو مسئله انطباق فردی مطرح نبوده و گروه به شکل جمعی خود را با شرایط زندگی نامطلوب منطبق می‌سازد. (ممتاز، ۱۳۸۱)

البرت کوهن نیز همانند مرتون محرومیت فرهنگی را عامل تعیین کننده در شکست و ناکامی فرزندان طبقه کارگر در امر تحصیلی می‌داند. پسران این طبقه از کمبود و فقدان منزلت اجتماعی رنج برده و از پایگاه اجتماعی خود ناراضی هستند؛ از اینرو حرمان و ناکامی خود را با گرایش به بزهکاری ازمیان نمی‌برند، بلکه با امتناع از اهداف فرهنگی و آرمان‌های موفقیت اجتماعی می‌کوشند آنها را با اهداف و ارزشهای دیگری که انسان را به کامیابی رهنمون می‌سازد، جایگزین سازد. (ولد، برنارد، اسنیپس، ۱۳۸۸). بدین ترتیب آنان عملاً به ایجاد و توسعه یک خرده فرهنگ بزهکار اهتمام می‌ورزند. فرهنگ فرعی بزهکاری نه تنها فرهنگ جامعه را نمی‌پذیرد بلکه بر ضد آن عمل می‌کند. فرهنگ مذکور رضایت خاطر و خرسندی اعضاء را در خارج از محیط جستجو می‌کند و می‌کوشد نارضایتی و خستگی را از این طریق بر طرف کند. لذا با روی آوردن به اعمال هیجانی خستگی کار را بر طرف می‌کند.

محیط زندان جامعه‌ای متشکل از افرادی با سوابق بزهکاری متفاوت است که افرادی که برای اولین بار در این محیط و در کنار مجرمان سابقه دار قرار می‌گیرند با توجه به مدت زمانی که

در انجا سپری می کنند تحت تاثیر این افراد و رابطه دوستانه آنها قرار گرفته و در نتیجه این رابطه دوستانه، بعد از شنیدن خاطرات و تجارب مجرمانه آنها با کوله باری از شنیده ها بعد از طی دوران محکومیت از زندان خارج می شود. بعد از خروج از زندان، در نتیجه نحوه برخورد اطرافیان و بعضاً به دلیل عدم پذیرش خانواده و جامعه، دچار سرخوردگی شده و برای حل این مشکل که شامل تنهایی و از دست دادن موقعیت اجتماعی و احترام است، راحت ترین راه را استفاده از تجارب بزهکارانه که محصول محیط زندان است می بیند و در نتیجه اقدام به ارتکاب جرم می نماید.

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی بیانگر این مطلب است که فرد برای کنار آمدن با محیط پیرامون خود اقدام به پرورش رفتارهایی می کند که از همان محیط کسب کرده است. این رفتارها یا حاصل تجربه مستقیم فرد است و یا با مشاهده پاسخ های دیگران کسب شده است. (باندورا، ۱۹۷۳) به بیان دیگر کج رفتاری طی فرایندهای مشابه یاد گرفته می شوند و نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش های انحرافی به ویژه خرده فرهنگ ها و از محیط زندان است که نقش به سزایی در تکرار جرم و استفاده از تربیات مجرمانه دیگر بزهکاران دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی می باشد. توصیفی است، چرا که به بررسی و وصف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موضوع، بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی می پردازد. پیمایشی است، زیرا سعی دارد با بکارگیری دقیق از روش های علمی، از طریق مطالعه نمونه گزینش شده از گروهی بزرگتر، به استنتاج هایی در مورد آن گروه بزرگ نائل آید.

جامعه آماری

یک جامعه آماری عبارت است از مجموعه ای از افراد یا واحدهایی که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند. معمولاً در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است درباره صفت (صفات) واحدهای آن به مطالعه بپردازد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زندانیان زندان دستگرد و زندان زنان شهرستان سیرجان هستند که مرتکب تکرار جرم شده اند.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

نمونه، مجموعه کوچکی از جامعه آماری است مشتمل بر برخی از اعضا که از جامعه آماری انتخاب شده اند. به عبارت دیگر، تعدادی از اعضای جامعه آماری (اما نه همه)، گروه نمونه را تشکیل می دهند (سکاران، ۱۳۸۵).

حجم نمونه در این پژوهش تعداد ۱۰۱ نفر از زنان و مردان محبوس در زندان های مرکزی و زنان شهرستان سیرجان است.

حجم نمونه این تحقیق از فرمول ذیل بدست آمده است :

$$n = ([Z^2]_{(\alpha/2)} S^2) / d^2$$

n : حجم نمونه

$[Z^2]_{(\alpha/2)}$: سطح زیر منحنی نرمال استاندارد با اطمینان ۰/۹۵ درصد است که برابر با عدد ۱/۹۶ می باشد.

(۹۵ درصد از مساحت زیر منحنی نرمال در درون حدود ۱,۹۶ انحراف استاندارد از میانگین است و با توجه به قضیه حد مرکزی این شماره در ساخت تقریب ۹۵% فاصله اطمینان استفاده می شود).

d : دقت احتمالی مطلوب که باتوجه به خطای مطلق برآورد حجم نمونه که محققان معمولاً آن را ۰/۰۵ در نظر می گیرند.

S^2 : واریانس نمونه مقدماتی که برابر ۰/۰۶۶ بدست آمد. (پیش برآورد واریانس متغیر مورد نظر در جمعیت است؛ به این منظور برای محاسبه واریانس نمونه مقدماتی تعدادی پرسشنامه توزیع شده و واریانس نمونه اولیه محاسبه می شود).

در نتیجه مقدار حجم نمونه با استفاده از محاسبات ذیل برابر ۱۰۱ بدست آمد.

$$n = (1/0.05)^2 0.066 \cong 101$$

روش‌های گردآوری داده‌ها

جمع‌آوری اطلاعات نظری در ارتباط با پیشینه پژوهش از کلیه منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی و بازنگری و مطالعه ادبیات موجود در جهان در شناسایی مولفه‌های موثر بر طلاق از طریق:

الف) مراجعه به شبکه‌های و پایگاه‌های اینترنتی

ب) مراجعه به کتب و نشریات داخلی و خارجی

استخراج مطالب مورد نیاز (اعم از ابعاد، ویژگی‌ها، اصول، مدل‌ها، نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده در داخل و خارج ایران و مبانی نظری پژوهش) از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی انجام شده برای طراحی و تدوین ابزار پژوهش استفاده گردید.

روایی ابزار تحقیق

روایی از واژه روا به معنای جایز و درست گرفته شده و روایی به معنای صحیح و درست بودن است. مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه‌گیری بتواند خصیصه و ویژگی مورد نظر را اندازه بگیرد. اهمیت روایی از آن جهت است که اندازه‌گیری‌های نامناسب و ناکافی می‌تواند هر پژوهش علمی را بی‌ارزش و ناروا سازد. اعتبار در اصل به صحت و درستی اندازه‌گیری محقق بر می‌گردد (خاکی، ۱۳۸۴).

در تحقیق حاضر جهت بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده گردید. بدین منظور پرسشنامه تحقیق در اختیار متخصصان این کار قرار گرفت و روایی آن تایید گردید.

پایایی ابزار تحقیق

پایایی آزمون مقیاسی است که به وسیله آن درجه اعتماد به نتایج حاصل از آزمون تعیین می‌گردد. به عبارتی، اعتمادپذیری ابزار، میزان پایایی و سازگاری آن را در اندازه‌گیری یک مفهوم نشان می‌دهد. روش عمده برآورد ضریب پایایی، ضریب آلفای کرونباخ است که به منظور محاسبه هم‌هنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌هایی که خصیصه‌های مختلفی را اندازه‌گیری می‌کنند بکار می‌رود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۳).

پایایی (اعتماد) یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است که نشان‌دهنده این است که ابزارهای اندازه‌گیری تا چه میزان نتایج یکسانی را در شرایط مشابه به دست می‌دهند. همانگونه

که قبلاً نیز گفته شد، یکی از روش‌های محاسبه قابلیت پایایی، ضریب آلفای کرونباخ است که برای محاسبه آن ابتدا باید واریانس نمرات هر سوال پرسشنامه و واریانس کل آزمون را محاسبه و سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار آن را به دست آورد.

$$\alpha = N / (N - 1) (1 - (\sum S_i^2 / S^2))$$

متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش به عاملی اطلاق می‌شود که بین افراد جامعه مشترک بوده، می‌تواند مقادیر کمی و ارزش‌های متفاوتی داشته باشد. در جدول ۳ - ۱ متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق و در جدول ۳ - ۲ متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳-۱ - متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق

متغیر	سوال	متغیر	سوال
سن	۱	مدت محکومیت اولین جرم	۱۱
میزان تحصیلات	۲	میزان تحصیلات پدر	۱۲
تعداد خواهر و برادر	۳	میزان تحصیلات مادر	۱۳
وضعیت ازدواج	۴	سابقه مصرف مواد مخدر	۱۴
وضعیت منزل مسکونی	۵	سن اولین ارتکاب جرم	۱۵
شغل	۶	نوع جرم اول	۱۶
میزان درآمد	۷	محل سکونت	۱۷
سابقه محکومیت	۸	سابقه طلاق در زندگی	۱۸
نوع جرم فعلی	۹	وضعیت ملاقاتی	۱۹
مدت محکومیت فعلی	۱۰		

جدول ۲-۳ - متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	شماره سوال
تاثیر عدم پذیرش خانواده بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان	۲۰
تاثیر عدم پذیرش اجتماع بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان	۲۱
تاثیر مشکلات اقتصادی در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۲
تاثیر مشکل بیکاری در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۳
تاثیر میزان تحصیلات در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۴
تاثیر محیط زندان بر ارتکاب مجدد جرم	۲۵
تاثیر جنس بر ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان	۲۶
تاثیر پایین بودن سن در تکرار جرم پس از آزادی از زندان	۲۷
تاثیر معاشرت با افراد سابقه دار در محیط زندان در ارتکاب مجدد جرم	۲۸
تاثیر مصرف مواد مخدر و اعتیاد در ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان	۲۹
تاثیر میزان کنترل و نظارت خانواده در پیشگیری از تکرار جرم	۳۰
تاثیر معاشرت با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان در ارتکاب مجدد جرم	۳۱

طیف لیکرت که در جدول ۳-۳ مشخص گردیده است، یک مقیاس فاصله‌ای است که از طریق آن می‌توان میزان موافقت پاسخگو را با سوالات مطرح شده در پرسشنامه تعیین کرد.

جدول ۳-۳ - طیف لیکرت پرسشنامه پژوهش

گزینه انتخابی	کاملاً موافقم	موافقم	متوسط	مخالفم	کاملاً مخالفم
امتیاز	۵	۴	۳	۲	۱

بنابراین نمرات هریک از متغیرهای اصلی پژوهش با توجه به نمره گذاری طیف لیکرت اعدادی بین ۱ تا ۵ می‌باشند.

یافته‌های استنباطی

در این قسمت یافته‌های جانبی پژوهش شامل بررسی میزان میانگین متغیرها و بررسی ارتباط ویژگی‌های جمعیت شناختی با متغیرهای پژوهش شرح داده می‌شود.

برای بررسی میزان میانگین متغیرها از آزمون t تک نمونه ای استفاده می‌شود. در آزمون t تک نمونه‌ای با توجه به مقیاس ۵ گزینه ای (۱ الی ۵) پرسشنامه پژوهش، مقدار آزمون برابر با ۳ در نظر گرفته می‌شود. قاعده تصمیم گیری در سطح اطمینان % ۹۵ به شرح زیر است:

اگر حد پایین و بالا هر دو مثبت باشد، میزان متغیر بالاتر از حد میانگین است.

اگر حد پایین و بالا هر دو منفی باشد، میزان متغیر کمتر از حد میانگین است.

اگر حد پایین منفی و حد بالامثبت باشد، میزان متغیر در حد میانگین است.

نتیجه گیری

مستندات بین المللی حاکی از آنست که اغلب زندانیان با چالش جسمانی، روانشناختی و اقتصادی، اجتماعی و روبرو هستند برخی از این مسائل عبارتند از داشتن سابقه سوء استفاده و آزار، مصرف بالای مواد مخدر و داروهای قانونی و غیرقانونی، اختلالات جسمانی و روانی، بیماریهای واگیر، داشتن شخصیت‌های دوگانه حتی سه گانه، کارکرد شناختی ضعیف و مهارت‌های اجتماعی ناکافی، سطح تحصیلات پائین و ... اگرچه این عوامل همیشه منجر به رفتار جنائی نمی‌شوند و در واقع بسیاری افراد هستند که با یک یا چند مورد از این چالش‌ها روبرو هستند، اما هرگز مرتکب جرمی نمی‌گردند با این وجود تحقیقات ثابت کرده که این عوامل احتمال ارتکاب جرم را در افراد افزایش می‌دهند و به ویژه افزایش دهنده میزان ارتکاب مجدد جرم در کسانی هستند که به تازگی از زندان آزاد شده اند یا قبلاً سابقه محکومیت به زندان را داشته اند.

منظور از تکرار جرم آن است که مرتکب پس از محکومیت قطعی نسبت به رفتار مجرمانه، دوباره مرتکب جرم دارای مجازات تعزیری از درجه یک تا شش شود؛ صرف نظر از این که هر دو جرم از عناوین مجرمانه واحد باشند یا متعدد. تکرار جرم نشانه‌ی حالت خطرناک بزه‌کار است و از این حیث قوانین بعضی کشورها، سیاست تشدید مجازات را در قبال بزه‌کاران خطرناک توصیه می‌کنند. این سیاست بر این مبتنی است که بزه‌کاران پیشینه‌دار با تحمل محکومیت باید از کردار خود تنبه حاصل کرده باشند و مجازات زندان باید موجبات اصلاح آنان را فراهم کرده باشد.

بنابراین مسئولیت آنان به این دلیل که از این هشدار پند نیاموخته‌اند، سنگین‌تر از بزه‌کاران بدوی است. طبق ماده‌ی ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هربار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

نظریات مختلفی در ارتباط با دلایل تکرار جرم از سوی صاحب‌نظران و جرم‌شناسان مطرح شده است. از جمله این نظریات می‌توان به نظریه خرده فرهنگ بزهکاری از سوی کلوارد و اوهلین اشاره کرد، ایشان معتقدند که وقتی فردی بعد از ارتکاب اولین جرم از سوی جامعه طرد شده و جایگاه و اعتبار خود را از دست داده و به او به چشم یک موجود بی ارزش نگاه می‌شود؛ بالطبع فرد رانده شد به دنبال پیدا کردن راه حل این مشکل جذب خرده فرهنگ‌های مجرمانه که راحت‌ترین راه است می‌شود. نظریه برجسب زنی یا نظریه واکنش اجتماعی نیز واکنش اجتماع که توأم با الصاق لکه ننگ و مجازات است را عامل ثبات بزهکار در ارتکاب مجدد جرم میدانند.

از نظر دوکیم در جوامع سنتی به دلیل وجود انسجام و وابستگی میان اعضای آن نرخ بزهکاری و بالطبع تکرار جرم؛ نسبت به جوامع صنعتی کمتر دیده می‌شود. همین موضوع را یک جرم‌شناس استرالیایی به نام «جان برایت ویت» تحت عنوان «نظریه شرمساری بازپذیرکننده» مطرح می‌کند. شرمساری یا همان احساس خشم از عملکرد خود از طریق درک و جدان نقش کلیدی در بازپذیری و قبول رفتار و هنجار اجتماعی توسط بزهکار ایفاء می‌کند. به اعتقاد برایت ویت مردم از بی‌آبرویی در جامعه بیشتر احساس تهدید و ترس می‌کنند تا از مجازات‌های رسمی. لطمه‌ای که فرد در اثر از دست دادن موقعیت اجتماعی و احترام می‌خورد، بیش از تحمل مجازات است. برایت ویت معتقد بود که ایجاد شرمساری از طریق بی‌آبرو کردن و سلب حیثیت عمومی و اجتماعی بزهکار، منجر به ازبین بردن و گسستن روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکار و جامعه می‌شود. ازدیگر سو شرمساری مبتنی بر بازپذیری در راستای تقویت روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکار و جامعه است. برایت ویت معتقد است که این روش منجر به کنترل بیشتر و مؤثرتر جرم خواهد شد و بزهکار را وادار می‌دارد تا بار دیگر تلاش کند به عنوان شهروندی مطیع قانون در آید.

در این پژوهش بعد از بررسی اطلاعات به دست آمده از مجموع ۱۰۱ نفر زندانی محبوس در زندانهای دستگرد و زندان زنان شهر سیرجان در زمینه علل ارتکاب مجدد جرم، به نتایجی دست یافتیم که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

در بررسی و شناخت عوامل موثر بر تکرار جرم بعد از گذراندن دوره محکومیت بر روی مشارکت کنندگان (زندانیان) در پژوهش، بیشترین درصد فراوانی تکرار جرم مربوط به رده سنی کمتر از ۳۵ سال است که بیانگر روحیه ماجراجویی و خطر پذیری آنان است.

در نتیجه بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش (بین میزان تحصیلات و ارتکاب جرم رابطه معکوس دیده می‌شود، به این معنی که ارتکاب جرم در بین افراد تحصیل کرده نسبت به افراد کم سواد یا بی‌سواد کمتر است و این بیانگر این مطلب است که آموزش می‌تواند سبب کاهش آمار زندانی شدن شود.

یکی دیگر از نتایج به دست آمده، براساس اطلاعات مسئله بی‌کاری و عدم اشتغال است که به عنوان مهمترین عامل ارتکاب مجدد جرم در بین شرکت کنندگان در این پژوهش مطرح است و گویای این واقعیت است که فرد مجرم به دلیل گذراندن دوران محکومیت که منجر به از دست دادن کار و پیشه خود شده، با توجه به سوء سابقه ایی که برای وی حاصل شده دیگر به سادگی نمی‌تواند اطمینان مردم را جلب نموده و مشغول به کار شود و همین بیکاری با توجه به اینکه بیشترین آمار به دست آمده در این پژوهش به افراد متاهل تعلق دارد، لذا سبب مشکلات معیشتی و اقتصادی شده که خود به عنوان سومین عامل موثر در تکرار جرم مطرح شده است.

براساس اطلاعات جدول مصرف مواد مخدر نیز عاملی دیگر در گرایش به تکرار جرم در این پژوهش معرفی شده که این خود می‌تواند به دنبال برخورد و ارتباط با افراد خلافکار جهت تهیه مواد باشد.

از دیگر عوامل مطرح شده توسط زندانیان شرکت کننده در این پژوهش، بر اساس جدول (۲۳ و ۲۰) عدم پذیرش فرد از سوی خانواده و جامعه سبب سوق پیدا کردن فرد به سمت گروه‌های مجرم و خلافکار و بالطبع ارتکاب جرم می‌شود. زیرا با طرد شدن توسط این دونهاده مهم، فرد برای اینکه بتواند رنج این تنهایی و عدم پذیرش را جبران کند خود را ناچار به ملحق شدن به آنهایی که مانند خودش هستند می‌بیند. با این وصف اگر خانواده و جامعه تحت آموزش قرار بگیرند و به آنان یاد آور شوند که چگونگی برخورد آنان با زندانیان چه نقش مهمی در پیشگیری از جرم و بازگشت مجدد مجرم به زندان داشته و با پذیرش زندانی با توجه به اینکه هیچکس از اشتباه و خطا مصون نیست، می‌توانند سهم مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشند.

یکی دیگر از عوامل تکرار جرم که توسط پاسخ دهندگان به سوالات پرسشنامه مطرح

شده، طبق جدول شماره (۳۵) معاشرت با افراد سابقه دار و حرفه ایی در محیط زندان و یا پس از آزادی از زندان بود. آنان به این امر اذعان داشتند که صمیمیت با این افراد و ارتباطات مکرر با این گروه سبب از بین رفتن قبح جرم و مجازات و ادی شدن و علاقمند شدن به تکرار جرم می شود. ضمن اینکه در پی عمیق شدن ارتباطات، راهنمایی های که از این مجرمان حرفه ایی در یافت می کنند سبب حرفه ایی تر شدن آنان و در صد گرفتار شدنشان توسط قانون پایین تر می آید.

با توجه به آنچه بیان شد :

فرضیه اول: عدم وجود اشتغال و بیکاری فرد پس از آزادی از زندان در تکرار جرم موثر است. میانگین ۴/۲۵ و با ضریب اطمینان ۹۵ % تاثیر بیکاری بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان بیش از حد متوسط است ($p < ۰/۰۵$) که این از معنادار بودن رابطه موجود بین عدم اشتغال و بیکاری و تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان حکایت دارد به عبارتی هرچه بیکاری و عدم اشتغال بیشتر باشد، فرد بیشتر به سوی ارتکاب مجدد جرم گرایش خواهد داشت.

بخشی از از نتایج این پژوهش که به موضوع تاثیر بیکاری و عدم اشتغال فرد در تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می پردازد با برخی نتایج، نظری (۱۳۹۳)، یعقوبی و علمی (۱۳۹۶) همسویی دارد.

فرضیه دوم : عدم جامعه پذیری (باز اجتماعی شدن) فرد موجب تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان می شود. (به اثبات می رسد)

یافته های مربوط به فرضیه پنجم پژوهش نشان دهنده این واقعیت است تاثیر عدم پذیرش اجتماع بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان با میانگین ۴/۰۵ و با ضریب اطمینان ۹۵ % بیش از حد متوسط است ($p < ۰/۰۵$) که این خود بیانگر وجود رابطه معنادار میان عدم پذیرش اجتماعی و طرد فرد و گرایش وی به تکرار جرم می باشد.

نتیجه این قسمت از پژوهش با قسمتی از نتایج عسگری جزی (۱۳۹۵) و نظری (۱۳۹۳) همسویی دارد.

فرضیه سوم : تعاملات و ارتباطات با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان در گرایش به ارتکاب مجدد جرم تاثیری دارد.

براساس نتایج حاصله میانگین ۴/۰۳ با اطمینان ۹۵ % نشان دهنده تاثیر بیش از حد

متوسط ($p < 0/05$) است که به معنای وجود رابطه معنادار میان معاشرت با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان و ارتکاب مجدد جرم است.

نتیجه این قسمت از پژوهش نیز با قسمتی از نتایج قلخانبازو همکاران (۱۳۹۱) و نظری (۱۳۹۳) همسویی دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده، تمامی فرضیات این پژوهش به اثبات رسید.

فهرست منابع

۱. احمدی ح. ۱۳۸۴. جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت، چ اول.
۲. بابایی م. ۱۳۹۰. بزهکاران پیشینه دار، فصلنامه تحقیقات حقوقی، مقاله ۴، دوره ۱۴، شماره ۱۴۵.
۳. بولک ب. ۱۳۸۵. کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴. راهب، غ. ۱۳۸۶. اثرات منفی روانی اجتماعی زندان و زندانی شدن بر زندانیان، مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: انتشارات راه تربیت
۵. راغب سیرجان ی ح. ۱۴۰۴ هـ ق. مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، چاپ اول
۶. ستوده ه. ۱۳۸۶. جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات ندای آریانا
۷. سکاران ا. ۱۳۸۵. روش های تحقیق در علوم اجتماعی: روش های کمی: آمار پیشرفته، جلد سوم، تهران، نشر دیدار،
۸. شیخوندی د. ۱۳۷۹. آسیب شناسی جامعه و جامعه شناسی انحراف، تهران، نشر و پخش، چاپ دوم
۹. صدیق سروستانی ر، ۱۳۸۳. آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آن، چاپ اول
۱۰. عرفانی م؛ داورنیا ر، بخشی زاده ح. ۱۳۹۰. تاثیر زندان بر تکرار جرم (مطالعه موردی زندان مرکزی اردبیل)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱
۱۱. قلخانباز ا، خزایی، س، افشاری، م، سهیلی زاد، مختار؛ فرازی ر. ۱۳۹۱. عوامل مرتبط با تکرار زندانی شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان، مجله علمی پزشکی قانونی/ دوره ۱۹، شماره ۴ و ۱
۱۲. کفاشی م، اسلامی ع. ۱۳۸۸. بررسی عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی، مجله: پژوهش اجتماعی، شماره ۴
۱۳. کوورا ن. ۱۹۸۸. قواعد شورای اروپا راجع به زندان ها، نشریه علوم جنایی و حقوق

- کیفری. و کیفر، ترجمه محمد رضا دادمرزی، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۱۴. گیدنز آ. ۱۳۷۴. جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی
۱۵. گروئرز چ. ۱۳۷۸. جامعه شناسی مرتون، ترجمه: زهره کسایی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
۱۶. نقیبی ه. ۱۳۹۳. عوامل مرتبط با تکرار جرم و ورود به زندان، روزنامه پیام استان سمنان
۱۷. نجفی ابرند آبادی ع. ۱۳۸۵. آسیب شناسی آموزش و پژوهش جرم شناسی در ایران، مجله: الهیات و حقوق .
۱۸. ولد ج ؛ برنارد ت ؛ اسنیپس ج. ۱۳۸۸. جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، چاپ سوم
۱۹. یعقوبی م، علمی م. ۱۳۹۶. نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان، مطالعات جامعه شناسی، سال نهم، شماره سی و پنجم.
۲۰. Pinatel, gean(1970): criminologie, paris
۲۱. Hirschi.T,1969,cause of delinquency.berkeley. university OF California press
۲۲. Lemert, Edvin (1951), Social Pathology, New York, Mc Graw-Hill
۲۳. Becker, Howard (1963), outsiders: studies in the sociology Deviance, New York: free/press

Abstract

In this research, descriptive-analytical and survey method has been used to study the causes of crime after release from prison in Isfahan city. Field information has been used to collect information from both library sources and researcher-made questionnaires. Our statistical population in this study was a total of 101 people who were randomly selected from prisoners in Isfahan Central Prison and Isfahan Women's Prison in Isfahan after completing a sentence. They completed the questionnaire and the action Responded to the questions raised in the questionnaire. The collected data was analyzed using spss software. In analyzing the information obtained while taking advantage of the views of criminal sociology and criminology, we obtained the results that the main reasons for committing a crime after release from prison were the unemployment problem, with a mean score of 7.68% with a confidence coefficient 95% indicates a meaningful relationship between unemployment and committing a crime. Among other factors of committing a crime, according to the information obtained, is economic problems, with an average rating of 7.38%, indicates a significant relationship between economic problems and re-imprisonment and recapture. The third item is the amount of family control and monitoring in the propagation of recurrence of the crime, and the proof of this claim is an average of 7/31, with a confidence coefficient of 95%. The next issue of community rejection with a mean score of 7/8 indicates a significant relationship between the case This is a crime committed again, drug use and addiction with an average score of 16/7, in terms of importance in terms of the effect on repeat offenses, is in the fifth place of the study. Socializing with well-trained and professional offenders in terms of the extent to which the impact on the crime committing a crime after the term of the conviction with a mean of 4.04% with a 95% confidence indicates the relevance of the said option with the commission of a crime, and other factors include the impact The prison environment with a mean of 6.33% indicates a significant relationship between the impact of the prison environment and the recurrence of the crime. At last, the lack of acceptance of the family with a mean score of 6.05% has a significant relationship with crime and has a direct impact. According to the results, the assumptions of this research have been proven.

Key words: *crime, repeat offense, return to prison, prisoner, family*

نمونه خام پرسشنامه

این سوالات به منظور کاهش عوامل موثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان تهیه و تنظیم شده است. لذا پاسخهای صادقانه شما می تواند کمک بزرگی باشد برای اصلاح وضعیت زندانی و زندان ها.

از همکاری شما صمیمانه سپاسگزاریم.

(۱) سن

۱۸ - ۲۵ ۲۵-۳۵ ۳۵-۴۵ ۴۵-۵۵ ۴

(۲) میزان تحصیلات

۱. بیسواد ۲. ابتدایی ۳. راهنمایی ۴. دیپلم ۵. فوق دیپلم ۶. لیسانس به بالا

(۳) تعداد خواهر و برادر

۱. ۱ تا ۳ ۲. ۳ تا ۵ ۳. بیشتر از ۵

(۴) وضعیت تاهل

مجرد متاهل طلاق گرفته بیوه

(۵) وضعیت منزل مسکونی

استیجاری استیجاری و رهنی رهنی کامل شخصی

۶) شغل

بيكار كارگر آزاد كارمند بازنشسته

۷) ميزان در آمد

زير ۳۰۰ هزار تومان ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان
۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان بالای ۸۰۰ هزار تومان

۸) سابقه محكوميت

دارم ندارم

۹) نوع جرم فعلى

مواد مخدر كلاهبر دارى ضرب و جرح سرقت مالى

۱۰) مدت محكوميت فعلى

كمتر از ۲ سال ۲ تا ۵ سال بيشتر از ۵ سال بى پاسخ

۱۱) مدت محكوميت اولين جرم

كمتر ۲ سال ۲ تا ۵ سال بيشتر از ۵ سال بى پاسخ

۱۲) ميزان تحصيلات والدين (پدر)

بيسواد ابتدايى راهنمايى ديپلم بالای ديپلم

۱۳) میزان تحصیلات والدین (مادر)

بیسواد ابتدایی راهنمایی دیپلم بالای دیپلم

۱۴) سابقه مصرف مواد مخدر

دارم ندارم

۱۵) سن اولین ارتکاب جرم

۱۸ تا ۲۵ سال ۲۵ تا ۳۰ سال ۳۰ تا ۳۵ سال بالاتر

۱۶) نوع جرم اول

سرقت مواد مخدر ضرب و جرح کلاهبرداری بی پاسخ چک

۱۷) محل سکونت

روستا حاشیه شهر شهر

۱۸) سابقه طلاق در زندگی

دارم ندارم

۱۹) وضعیت ملاقاتی

ملاقاتی ندارم کم همیشه ملاقاتی دارم

۲۰) عدم پذیرش خانواده می تواند یکی از عوامل تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان باشد

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۱) عدم پذیرش اجتماع می تواند یکی از عوامل تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان باشد

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۲) مشکلات اقتصادی در تکرار جرم پس از آزادی از زندان موثر است.

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۳) مشکل بیکاری در تکرار جرم پس از آزادی از زندان موثر است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۴) میزان تحصیلات در تکرار جرم پس از آزادی از زندان تاثیر دارد

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۵) محیط زندان یکی از عوامل موثر در ارتکاب مجدد جرم است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۶) زنان در مقایسه با مردان بیشتر در خطر ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان هستند

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۷) پایین بودن سن در تکرار جرم پس از آزادی از زندان موثر است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۸) معاشرت با افراد سابقه دار در محیط زندان در ارتکاب مجدد جرم موثر است.

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۲۹) یکی از عوامل ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی از زندان مصرف مواد مخدر و اعتیاد است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۳۰) میزان کنترل و نظارت خانواده در پیشگیری از تکرار جرم موثر است

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم

۳۱) معاشرت با افراد سابقه دار پس از آزادی از زندان در ارتکاب مجدد جرم موثر است.

موافقم کاملاً موافقم بی نظرم مخالفم کاملاً مخالفم